

سبب سالگرد رحلت شادروان  
حاج محمود ماتیان و دکتر مصدق

## گفتگونی با مرحوم حاج محمود ماتیان

زنده و جلوید ماند  
آنکه نکو نام زیست

نخستین اعتصابی را که حاج ماتیان در بازار تهران بنا کرد باعث سقوط دولت قوام شد اعتصابات گسوده و همه جانبه مراکز اقتصادی، تولیدی، کارخانجات، ادارات دولتی، بخش خصوصی و... رژیم طاغوت را به زانو درآورد.

موج اعتصابات گسوده در روزهای انقلاب، از بازار تهران شروع شد. بازار تهران حدود ۱۸ ماه قبل نخستین اعتصاب همگانی خود را آغاز کرد... اعتصاب بازار تهران با نام يك مرد تعارف شد. هر جا صحبت از اعتصاب بود نام يك مرد شنیده می شد. مرد اعتصاب حاج محمود ماتیان... حاج محمود ماتیان عامل اعتصاب بازار تهران و اداره کننده آن بود. در گرما گرم کوشش های رهبران مذهبی و سیاسیون

ملی نام حاج ماتیان نیز خبرساز بود. براسق این خرازی فروش بازار تهران سینه پر خاطره ای دارد... خاطره هایی که گوشه های تاریخ روشن تاریخ معاصر ایران را می نمایاند. با حاج محمود ماتیان ساعتها گفتگو کردیم. از خودش برایمان حرف زد، از کار و فعالیت تجاری اش، از زندگی سیاسی اش و روزهای خوشی که در محضر درس حضرت آیت... طالقانی و آیت... کاشانی به کسب فیض مشغول بوده است... از روزهای تاریخ میهنمان و از روزهایی که با پوشیدن کفن در جلوی خانه دکتر محمد مصدق پاسداری می داده است.

حاج محمود ماتیان کار خود را در بازار تهران از کودکی آغاز کرده است. می گوید: در آنروزها حقوق ماهانه پانزده تومان بود. سالها با این حقوق کم که در برابر کار طاقت فرمای روزانه دریافت می داشتم سرکردم تا حقوقم به ۲۰ ریال و به عبارت دیگر ماهی شصت تومان رسید. سال ۱۳۱۸ بود که به پشوانه حقوق روزی ۲۰ ریال ازدواج کردم.

نمودند که من سرانجام با کوشش فراوان موفق شدم راه خودم را برای شرکت در جلسات درس ایشان باز کنم...

توأم با شرکت در جلسات درس آیت... طالقانی باب آشنایی با استاد شریعی پدر مجاهد فرزانه و استاد دکتر علی شریعی گسوده شد و با کانون نشر حقایق اسلامی ارتباط پیدا کردم. استفاده از جلسات درس آیت... طالقانی و آشنایی و مجالست با استاد شریعی تغییرات وسیعی در پایگاه فکری ام ایجاد شد. از سال ۱۳۲۵ به بعد در بازار خرازی فروش ها برای خودم حجره ای دست و پا کردم و سرگرم کار شدم. استقلال در کار موجب شد فرصت بیشتری برای فعالیت های سیاسی پیدا کنم.

اواخر سال ۱۳۲۹ بود که حضرت آیت... کاشانی طی دست خطی دولت ملی مرحوم دکتر محمد مصدق را مورد تایید و پشتیبانی قرار دادند. تایید آیت... کاشانی موجب شد تا من و سایر همفکرانم در جهت شناخت بیشتر مصدق و افکارش برآییم.

### اواخر سال ۱۳۲۹ بود که حضرت آیت... کاشانی طی دست خطی دولت ملی مرحوم دکتر محمد مصدق را مورد تایید و پشتیبانی قرار دادند. تایید آیت... کاشانی موجب شد تا من و سایر همفکرانم در جهت شناخت بیشتر مصدق و افکارش برآییم.

آشنایی با مرحوم دکتر مصدق و افکارش موجب گردید که من و دوستان هم سنگرم گرایش بیشتری نسبت به مرحوم مصدق پیدا کنیم و نسبت به او و افکارش همپایان شویم. پس از تصویب قانون ملی کردن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ما به

آن سالها اوج جوانی ام بود و سری پرشور داشتم. آزادی طلبی و آزادی خواهی و ادامه راه آزادمردان همواره مد نظرم بود ولی از حیث فکری آمادگی پرداختن به این عقیده خودم را نداشتم... آنروزها حضرت آیت... طالقانی در مسجد هدایت کلاس درس را اداره می

جهت آگاهی بخشی و گستره عدالت در میان آنان بوده است، بدانسان که خود پیامبر اکرم از میان اقوام بی فرهنگ و جاهل مبعوث به رسالت گردید و شان نزول آیات مربوطه با این توصیف منوط است به فراگیری دانش و فرهنگ و همچنین تسامح دین برپایه مقولاتی که در بالا به اشارت رفته است، از نقطه نظر شکل دهی و جهت‌مندی مفروضات و مقبولات اجتماعی در راستای رشد جامعه و تکامل بخشی، کاملاً اصولی و منطقی و عقلانی بنظر می‌آید.

پیرو این بیان، در نگاه دوم به دین (مذهب تکامل آفرین و رهایی بخش)، انطباق و هماهنگی دین و نقش کارآیی آن با تحولات و تطورات معارف بشری در عرصه‌های گونه‌گون، متدپیشین علما و فقهای حوزه‌های دینی ممالک اسلامی دنیا و بخصوص در حوزه‌های دینی واقع در ایران نیازمند به تجدید نظر می‌باشد البته نه بگونه‌ای که بصورت انفرادی، نوگرایان دینی در پیش گرفته اند بلکه به نحو شکل یافته تر و حساب شده، و به این ترتیب شیوه‌هایی که برای تبلیغ و ترویج احکام دینی از دوران فقهای پیشین از جمله شیخ مرتضی انصاری، شیخ طوسی، علامه حلی، علامه مجلسی، شهید اول و ثانی، کاشف الغطاء تا زمان حاضر ترویج و اعمال می‌شود، در واقع این مهم، پس از غباررویی، نیاز به ورود مجدد، تجدید نظر و بررسی جامع و عمیق در آن هست.

چون جای سوال و شک و شبهه در اینجاست، مگر می‌شود مدعی دینی بود و آن دین را بعنوان یک مذهب جهانی و فرازمینی و دربرگیرنده همه اصول و ابعاد شخصیتی و معادتبخشی بشر تلقی نمود، اما در عمل و در تعامل اجتماعی، بگونه‌ای که عده‌ای از متفکران دیندار توجیه می‌نمایند نقش مذهب را نقش پلیسی و اخلاقی دانست؟!؟

آیا در این توجیه به نوعی پارادوکس و تناقض گرفتار نخواهیم آمد؟ چون در این نظر، اصول و فروع مکتبی که پیامبر براساس سنتها و مقبولات اجتماعی امتهای و ملل گذشته در امر اصلاحات فرهنگی اجتماعی بیشتر نقش اخلاقی گزارش شده است "بعثت لاتمم مکارم الاخلاق" تا نقش تکوین و سازندگی و ساختاری از پایه و مبدا در عرصه‌های مختلف اجتماعی. البته در این نظر جای نقد و بررسی چندانی باقی نمی‌ماند، بلکه اساس قضیه چنین حکم می‌کند که خدای محمد و خدای موحدین، مانند خدایان اساطیری، خدایان یونانی و خدایان فلاسفه یونانی و مغرب زمین نیست.

که گاهی خدا در درون اشیاء و پدیدارها نمود پیدا کند و گاهی در درون اذهان فیلسوفان، بلکه خدای مسلمین، خدای عشق و عرفانست خدای حاضر و ناظر و خدای خالق و مسلط بر مخلوقات و تمامی هستی وجود می‌باشد، بدیهی است که قوانین و اصول ارزش آفرینش فراگیر و در نظام هستی و پیکره جامعه انسانی را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد.

در پایان کلام، باید عرض کنم، در این تحلیل دو دیدگاه قابل پیش بینی و ارزیابی می‌باشد، یا باید گفت تمامی استعدادهای متحول و دگرگون‌ساز بشری که پروردگارش در طبیعت و مکانیزم حیاتی وی به ودیعه گذاشته است تا این موجود ناپیدای زمان، از روی اهتمام و اکتساب و برپایه عقلمندی تجربی و تفکر و تدبیر آنرا در عرصه‌های گوناگون اجتماعات در روند تکامل زیستق به منصفه ظهور برساند و در حقیقت این همان سرمایه‌ها و ارزشهای دینی است و در آنصورت جایگاه خداپرستان موحد و لائیک باید در این نظر مشخص شود.

و یا باید بپذیریم، کسانی که به عنوان روشنفکران دیندار از یکصد سال پیش تا به امروز بر روی احیاء دینی و اصلاحات

فکری و فرهنگی و علمی جامعه در تمامی سرزمینهای شرق و فراتر از آن کار کرده اند، هنوز دوران جنینی خود را می‌گذرانند و این مهم نیاز به آن دارد تا "رسانسی شکل یافته، برپایه اصول و مبانی دینی" بوجود آورد.

ادامه دارد

### پاورقی

- ۱- مجله نامه فرهنگ، شماره ۱۹، ص ۱۸۶
- ۲- کتاب طبیعت بشر (سرمشق گمشده) ادگاردمون، ص ۱۶ و ۱۷
- ۳- کتاب تشریح فیزیولوژیک دانشگاهی
- ۴- همان کتاب
- ۵- مجله ایران فردا، شماره ۲۷، ص ۲۵
- ۶- استناد از کتابهای قبض و بسط و ضربه تر از ایدئولوژی، دکتر سروش
- ۷- کتاب هورمنوتیک، مجتهد شبسری
- ۸- سوره علق، آیات ۵-۱

شکاف میان نیروهای ملی و کاشانی شدند و شکستی که نصیب نهضت ملی مصدق و مردم شد ناشی از همین نفاق الکنی و تفرقه اندازی بود. پس از گذشت مدت زمان اختیارات شش ماهه که مرحوم مصدق تقاضای اختیارات یکساله برای ادامه مملکت کرد. بار کاشانی با این تقاضای دکتر مصدق مخالفت کرد.

پس از اعلام مخالفت آیت ... کاشانی بود که من و جامعه اصناف و پیشه وران و بازرگانان تهران با صدور اعلامیه ای از تلاشهای دکتر مصدق حمایت کردیم و او را تایید نمودیم.

با نشر این اعلامیه آیت ... کاشانی را احضار کرد و درباره صدور اعلامیه من توضیح خواستند و گفتند که بایستی این اعلامیه پس گرفته شود در همانجا به آیت ... کاشانی گفتم که اگر چه اعلامیه را من امضاء کرده ام لیکن این اعلامیه به ابتکار من نبوده است در دنباله صحبتهایم با آیت ... کاشانی به ایشان گفتم که در میان مردم سخن از اختلاف شما با دکتر مصدق است. آیت ... کاشانی این مساله را تکذیب کردند و گفتند: خیر من و دکتر مصدق اختلافی با هم نداریم.

گفتم: پس در اینصورت دستخطی مرقوم دارید تا به اطلاع مردم برسد. در همین گفتگوی من با کاشانی شخصی به نام شیخ رضا وارد اتاق شد و به آیت ... کاشانی اعلام داشت که مجلس اختیارات یکساله دکتر مصدق را تصویب کرده است. در همان زمان آقای مصطفی کاشانی نیز وارد اتاق شد و خیر تصویب اختیارات یکساله مصدق را به اطلاع کاشانی رسانید. کاشانی با اصرار من و پس از شنیدن خیر تصویب اختیارات یکساله مصدق، دستخطی مبنی بر عدم اختلاف با دکتر مصدق مرقوم

**مصدق یکبار در جواب من که از ایشان خواستار شدت عمل بیشتری شده بودم گفتمند: من نه می توانم شمر و یزید باشم و نه رضاخان. در جواب به مرحوم مصدق گفتم: ما از شما نمی خواهیم که شمر و یزید باشید بلکه می خواهیم مختار باشید و علی وار حکومت کنید.**

داشت و به من داد من فوراً با دستخط آیت ... به رادیو ایران رفتم که متأسفانه بشیر فرمند مسوول وقت رادیو ایران در محل اداره رادیو حضور نداشت فوراً به منزل مصدق مراجعه کردم و مارتق جریان را به اطلاع مصدق رساندم مرحوم مصدق دستور داد فوراً متن اعلامیه آیت ... از رادیو پخش شود. مصدق یکبار در جواب من که از ایشان خواستار شدت عمل بیشتری شده بودم گفتمند: من نه میتوانم شمر و یزید باشم و نه رضاخان. در جواب به مرحوم مصدق گفتم: ما از شما نمی خواهیم که شمر و یزید باشید بلکه می خواهیم مختار باشید و علی وار حکومت کنید.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی مصدق و تشکیل نهضت مقاومت ملی بار دیگر مبارزه زیرزمینی خود را علیه نظام آغاز کردم در روز ۱۶ مهر ماه سال ۱۳۳۲ با تلاش فراوان اعتصاب همه جانبه بازار تهران را تدارک دیدم. با اعتصاب بازار تهران بار دیگر تعطیل همگانی ایران را فرا گرفت من در آن هنگامه همراه با ۱۵ تن از معتمدان بازار ابتکار عمل را در دست داشتیم. فرمانداری نظامی تهران با اطلاع از این موضوع هر ۱۶ نفر ما را دستگیر کرد که متأسفانه ۱۴ تن از یاران ما مقاومت خود را در برابر فشار عوامل فرماندار نظامی از دست دادند و وابستگی خود را به دستگاه منحل شاه

سابق و حکومت زاهدی اعلام داشتند. من و مرحوم شمشیری هم به خارك تبعید شدیم. هنگامی که سرلشگر دادستان مرا تهدید به تبعید کرد به او گفتم من همیشه برگ وصیتنامه ام را در دست دارم و تبعید برای من مانند آنت است که يك درجه تخفیف شامل عالم شده باشد. سرلشگر دادستان از این گفته من بسیار خشمگین شد و مرا از اتاق خود بیرون کرد. من و مرحوم شمشیری ۶ ماه را در شرایط بسیار نامساعد در جزیره خارك گذرانیدیم و در روز ۲۷ اسفند سال ۱۳۳۲ با پایان گرفتن مدت تبعید از زندان آزاد و در فروردین ماه همان سال به تهران آمدیم. به مجرد رسیدن به تهران تیمور بختیار، من و مرحوم شمشیری را به فرمانداری نظامی احضار و سوال کرد که حالتان چگونه است؟ گفتم: بسیار خوب. گفت: در خارك خوش گذشت؟ گفتم: خیلی خوب بود و فرصتی برای اینکه برویم و از نزدیک شاهد زندگی محقرانه مشق بیمار مستضعف تراحمی و ملت محروم باشیم و ببینیم که شاه و شما بر چه کسانی حکومت می کنید.

پس از آن تا سال ۱۳۲۹ فعالیت چندانی نداشتیم تا اینکه شاه سابق اعلامیه ای برای آزادی انتخابات داد که بهانه ای برای شروع مجدد فعالیتهاى ضد نظام باشد بار دیگر مبارزات ادامه یافت و از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۴۱ چندین بار به زندان افتادم. از سال ۱۳۴۱ به

فعالیت های سیاسی خود جنبه رسمی دادیم و با همکاری گروهی از بازاریان خوشنام و مبارز در آن سالهای تاریخ ساز مجمعی به نام جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه وران را پایه گذاری نمودیم. این گروه سیاسی در صدر اهداف خود جنبه های مذهبی گرای و آزادیخواهی را قرار داده بود.

پس از تشکیل جامعه بازرگانان، اصناف و پیشه وران فعالیتهای سیاسی خود را در چهارچوب این گروه سیاسی جدید متمرکز کردیم و موردی پیش آمد که این گروه سیاسی غیرمستقیم در کارهای روزمره دولت در زمینه های مختلف نظارت داشت و هر گونه قصوری را از ناحیه دولتیان یا مسامحه و اشتباه کاری آنان را گوشزد می نمود و در حقیقت منتقد دولت بود. گروه سیاسی ما یار و حامی دولت ملی مرحوم دکتر مصدق بود و در تمام زمینه ها پشت سر دولت وقت بودیم. پس از خلع ید از شرکت نفت انگلیس و پیروزی دولت ایران در دیوان لاهه، در روز ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱ اطلاع یافتیم که حکومت ملی مرحوم دکتر مصدق بدست گروهی از غاصبین حقوق حقه ملت ایران ساقط شده است. با اطلاع از این امر فوراً به بازار رفتیم و نخستین اعتصاب همه جانبه در بازار تهران را تدارک دیدیم. در جوار اعتصاب گسترده بازار تهران در سال ۱۳۳۱ با انتشار شبنامه ها و اعلامیه هایی مردم را به مبارزه و فعالیت علنی دعوت نمودیم.

قوام السلطنه پس از روی کار آمدن در تیرماه ۱۳۳۱ با اعلامیه های شداد و غلاظ در مردم ایجاد رعب و وحشت می نمود آنروزها تکیه کلامی هم قوام السلطنه داشت که در تمام نطق ها و اعلامیه هایش آنرا بکار می برد بدین مضمون که: کشتیان را سیاست دگر آمد.

صبح روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ من بجای لباس، کفن پوشیدم و به منزل کاشانی رفتم. در ساعت های اولیه صبح بود که حسین علاء به نمایندگی از دربار و شاه نزد کاشانی آمد تا ایشان را وادار نماید از دولت دکتر مصدق دست برداشته و از مقاومت منصرف شود ولی من که با کفن در برابر منزل آیت ... کاشانی ایستاده بودم جلوی او را گرفتم و گفتم: تا آخرین قطره خونم برای بدست آوردن آزادی خواهم جنگید. پس از آنکه حسین علاء ناامید و دست خالی از منزل آیت ... کاشانی مراجعت نمود در میدان بهارستان تظاهراتی را سازمان دادیم. نمایندگان از داخل و مردم از خارج دست به تظاهرات زدند و دامنه آن بالا گرفت. تظاهرکنندگان همگی کفن پوشیده بودند... پس از این تظاهرات بود که عصر روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ مرحوم مهندس حسینی نوید برکناری قوام السلطنه و استقرار مجدد حکومت ملی دکتر مصدق را به مردم داد. مردم با شور و شعف و شادی فراوان به منازل خود مراجعت نمودند... در همان روز ۳۰ تیر در اولین ساعات شب از حزب زحمتکشان ایران، آقای دکتر بقایی اطلاع داد که قوام السلطنه به قم گریخته و در منزل تولیت آستانه پنهان است.

**نخستین اعتصابی را که حاج ماتیان در بازار تهران بپا کرد باعث سقوط دولت قوام شد**  
**اعتصابات گسترده و همه جانبه**  
**مراکز اقتصادی، تولیدی، کارخانات، ادارات دولتی، بخش خصوصی و... رژیم طاغوت را به زانو درآورد.**

با شنیدن این خبر من به اتفاق حاج سید رضا تولایی، آقای مرتضی تولایی و برادر همسرم احمد مانیان برای دستگیری قوام السلطنه به طرف قم حرکت کردیم. ساعت یازده صبح در قم بودیم. شهر در يك حالت بلا تکلیفی و التهاب قرار داشت. خیابانها خلوت بود. در آن ساعت روز که خیابانهای گرم قم خالی از جمعیت بود حضور يك اتومبیل با چهار سرنشین موجب سوءظن پلیس شد و ما را به شهربانی قم بردند. رئیس شهربانی قم علت مسافرت ما را به قم پرسید و من به او گفتم که برای دستگیری قوام السلطنه آمده ایم.

سرهنگ قزل ایاغ فوراً دستور داد دو مامور شهربانی با اسلحه در اختیار ما قرار بگیرند. تا در دستگیری قوام السلطنه به ما کمک کنند. همراه با ماموران شهربانی برای دستگیری قوام به پرس و جو در شهر پرداختیم اما اگر چه همه مردم تایید می کردند که او در منزل تولیت آستانه پنهان است لیکن موفق به یافتن قوام نشدیم و بناچار به شهربانی مراجعت نمودیم. در راه بازگشت به شهربانی بود که مردم به ما اطلاع دادند رئیس شهربانی پس از اعزام ما قوام را فراری داده است! ناچار دست خالی از قم حرکت کردیم. در طول راه در حدود علی آباد قم بود که رادبو ایران اعلام کرد قوام السلطنه بدست محمود مانیان دستگیر شده است! همانروز مجلس ترحیمی در مسجدارک برای شهدای ۳۰ تیر برپا بود به مجرد رسیدن به تهران به مسجد ارک رفتم و در همان اجتماع موضوع دستگیری قوام السلطنه را تکذیب نمودم با پایان گرفتن مدت اختیارات شش ماهه اول مصدق تلاش خود را برای اخذ اختیارات شش ماهه دوم آغاز کرد. در این میان تلاشهای مصدق بود که عوامل شناخته شده میان مصدق و کاشانی و موجب

پس از چهار ماه که به زندان قصر منتقل شدم و پس از چند ماه، دوباره به کمیته شهرستانی برگشتم و بعد به زندان این منتقل شدم، این بار وارد سلول "بیتا" بزرگتر با بهره گیری از نور شوری، از سلول های قبلی شدم.

در سلولهای کمیته، نور بسیار ضعیف بود بهمین لحاظ پس از اینکه منی در آنجا بودم چون لامپ ضعیفی در جلوی يك سوراخ کوچکی در خارج از سلول قرار داشت با مطالعه کردن نژده های چشم سرعت شروع به ریزش می کرد و بتدریج بینایی چشم ضعیف می شد.

یکروز همینطور که روی در و دیوارها را نگاه می کردم چشمم به دو خط شعر بدین مضمون افتاد که با نوک نیز چیزی روی درب آهنی سلول کنده شده بود:

در سلخ عشق جز نکو را نکشند  
روبه صفتان زشت خو را نکشند  
گر عاشق صادقی ز کشتن مهراش  
مردار بود هر آنکه او را نکشند  
(عسرو گلرخمی)

در ابتدا هم که به سلول زندان کمیته وارد شدم آیات و جملات زیادی روی دیوارها کنده شده بود بطور مثال آیه ای از سوره نساء (آیه ۷۵) "شما را چه شده است که زنان و کودکان که لرباد می زنند خدایا کسی را بکممک ما بفرست" بهر حال مدتی هم که در يك اطاق بزرگ به عده ای از زنان مذهبی، لائیک و کمونیسم هم بند و هم اطاق بودیم هم سازندگی داشت و هم رنج! چون بهر حال انسان همیشه در حال آموزش از دیگران و به دیگران است، خیلی چیزها را یاد می گیرد. بهر حال از يك صفت غیر انسانی آنها رنج می بردم، چون هر زندانی که شرایط زندانی آنها کمی بادیگران فرق داشت یا زندانیان به دلیلی به او احترام می گذاشتند و یا از

## ناگفته ها!

امکانات بیشتری برخوردار بود و این امکانات بنفع همه زندانی ها تقسیم میشد، فورا "مارک سازش و ساواکی به او نصب می شد و بخصوص که برای خرید کردن افراد مذهبی، مذهبی ها را زودتر متهم می ساختند در حالیکه بعدها مشخص شد خودشان در بین خودشان، افرادی که سازش کردند و ساواکی شدند و از زندان رها شدند بیش از مذهبی ها بودند!!

این رنج تا جایی بود که گاهها درخواست سلول انفرادی را بر زندگی میان جمع ترجیح می دادم. بالاخره با شرایطی که در موقعیت جهانی آنروز پیش آمد، ورود کمیته حقوق بشر به زندان و مذاکره و گرفتن گزارشات داخل زندان از زندانیان توسط کمیته حقوق بشر و در نهایت خواست الهی شرایط رهائی از زندان پس از گذراندن دو دادگاه در ارتش و محکوم شدن به زندان ابد، فراهم گردید و یکروز بعد از ظهر بطور ناگهانی ما از زندان رها شدیم. پس از رسیدن به در منزل از مادر رسید تحویل خواستند، مادر ابتدا در را بروی من قفل کرد و بعد به آنها رسید داد!!

همانروز برای ملاقات پدرم به زندان اوین برگشتم، در آنجا ایشان خیلی آهسته بطوری که مامورین متوجه نشوند به من گفت: "به آنها (سازمان مجاهدین) بگو خیلی از جزوه ها و نوشته های شما را در اینجا خواندم، خیلی اشکال دارد، نمی توانم تایید کنم. من هم بعداً به آنها مطالب ایشان را مطرح کردم. بعضی از آنها از من دلیل خواستند، گفتم باید از خود ایشان سوال کنید. روزها می گذشت و رژیم هم پس از آنهمه فشار حکومت استبدادی و خفقان منجر به تشکلهای زیرزمینی شده بود. در اثر فشار کمیته حقوق بشر روز به روز شرایط را بازتر می ساخت و وعده و

چند ساعت بعد از آیت ا...  
طالقاتی سوال شد: آیا امام  
را دیدید؟! فرمودند: بله با  
هم در يك اتاق ملاقات  
داشتیم. امام فرمودند: چرا  
اینقدر پیر شدی؟ گفتم: شما  
اگر در ایران بمانید مثل من  
پیر خواهید شد!

بعد پس از آزادی از زندان مبارزه ام را شدت بخشیدم. از سال ۱۳۴۱ به بعد مبارزات ملت ایران فرم تازه ای یافت و رنگ مذهبی به خود گرفت به همین دلیل اصالت خود را باز یافت زیرا ایسمهای سیاسی جهان قابل خرید و فروش است و آنچه که قابل خرید و فروش نیست دین و مذهب است زیرا به یک فرد مذهبی چه چیزی در مقابل گرفتن مذهبش می توان داد که همپای ارزشهای آن باشد؟

در آغاز جنبش ملی و مذهبی در ۱۵ خرداد دستگیر و مدت ۹ ماه در زندان انفرادی در قزل قلعه بودم. از آن پس فعالیتهای سیاسی ما به صورت تعطیل درآمد و فعالیتهای مذهبی را ادامه دادیم. از ۱۳۵۰ به بعد مبارزه را شدت بخشیدیم و پس از همگانی شدن مبارزه که مصادف با عزیمت رهبر فقید انقلاب از عراق بود به فعالیت شبانه روزی پرداختیم. در آن تاریخ به اتفاق مرحوم

دکتر کریم سنجابی به پاریس رفتم و به اتفاق دکتر سنجابی به ایران مراجعت نمودیم. در فرودگاه دکتر سنجابی در پاسخ به سوالات خبرنگاران خارجی اظهار داشت که در یک کلمه فقط: شاه باید برود فردای آنروز هم قرار بود به اتفاق دکتر سنجابی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت نمایم که به علت گرفتاری شخصی موفق به حضور در آن جلسه نشدم و در همان مصاحبه مطبوعاتی دکتر سنجابی دستگیر شد و من برای ادامه فعالیتهایم تا مدتی از انظار مخفی شدم...

هنگامی که در خارج از کشور بودم یک گروه از ماموران ساواک در منزل من سنجابی، مهندس مهدی بازرگان و مهندس رحمت ا... مراغه ای و... بمب کار گذاشتند و نامه ای هم در منزل من انداختند به این محتوا که این: اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام به شماست.

در روز ۱۷ شهریور که آن فاجعه عظیم با اعلام حکومت نظامی پیش آمد کرد مرا دستگیر و به زندان کمیته بردند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از زندان آزاد شدم و به فضل خدا اکنون هم به سهم خود در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران سرگرم هستم. در خاتمه حاج محمود مانیان متذکر این نکته می شود که همواره سعی کرده ام یک سرباز مومن اسلام باشم و امیدوارم که فعالیتهایم مورد قبول درگاه الهی واقع شده باشد.

تعاونی چند منظوره خدمات زنان" عضو می پذیرد  
شماره تماس ۷۵۳۷۰۲۲

کرده بودند. سبقت در ربودن اسلحه برای آینده از همه مهمتر و خطرناکتر می نمود.

بطور کلی در همه جا عده ای می نگیدند، شهید و مجروح می شدند و عده ای مژد بودند و برای موقعیت بودند دست و پا می زدند و بعداً بسیاری از افراد نابات وارد کمیته های علمی می شدند. افراد قاچاقچی، معتاد، نزده و... زحمات جوانان صادق انقلابی و پاکبخته ها را بهدر می دادند و یا آنها را از بین می بردند.

فخری که يك جمله غرور و شخصیت او را دگرگون ساخته بود!

امام در مدرسه علوی مکتی گریه کردند. مدرسه علوی پایگاه انقلاب شده بود قبل از اینکه امام در مدرسه علوی ساکن شوند پایگاه انقلاب، منزل مرحوم آیت... طالقانی بود، بسیاری از تصمیم گیریها، حل مشکلات و معضلات در منزل ایشان بود و ایشان پس از مدت کوتاهی منزل را در اختیار انقلاب گذاشتند و خود و خانواده در منزل دیگران از جمله آقای چهپور سکونت داشتند.

نسی برای دیدن امام بمدرسه علوی رفتم، بهنگام خروج دختری را که بشدت می گریست و می گفت: من زهرم را می خواهم و می خواهم باو شکایت کنم. آقای محسن رفیق دوست از در بیرون آمدند و گفتند: امام در حال استراحت می باشند و الان کسی را نمی پذیرند، دختر با صدای بلند مانند کسی که عزیزی را از دست داده می گریست زهر قدر او را تسلی می دادیم آرام نمی گرفت. می گفت: هنگامی که در سنگر در میدان امام حسین بودم یکی از آقایان با بیان زننده ای بمن گفت از سنگر



بالاخره اجازه ورود باو داده نشد و در حالی که خیلی بی تابی می کرد او را به مسجد میدان امام حسین برگرداندم و سعی کردم التیامی بر سوزش جراحتش بگذارم.

ناگفته نماند که بعدها جراحتهایی بوجود آمد که برای التیام آن دارونی در کار نبود.

• اعظم طالقانی

خارج شو!! "زن نباید در سنگر باشد" و مرا بزور از سنگر بیرون کرد و این گفتار و عمل او آنقدر برای من سنگین بود که نمی توانم تحمل کنم مرگ برای من بهتر است! خیلی رفتار توهمین آمیز بود. غرور يك زنی مثل من که با جنگال برای آزاد کردن کلانتری خیابان گرگان و جاهای دیگر تلاش کردم و مبارزه کردم، با این رفتار خرد شده است. می خواهم اینها را به امام بگویم.

وعید فراوانی به مردم می داد تا روز عید فطر و نماز عید فطر و روز ۱۷ شهریور جریانات مبارزه علیه رژیم اوج گرفت. روز ۱۷ شهریور بعد از اینکه عده زیادی مجروح و شهید در میدان شهدا وجود داشت به زندان قصر بخش بهداری برای ملاقات مرحوم آیت ا... طالقانی که مدتی بود رژیم از زندان اوین ایشان و همچنین آیت ا... طاهری را به بخش بهداری زندان قصر منتقل کرده بود تا کمون آنها در زندان اوین توسعه بیشتری نیابد، رستم و قدری راجع به جنایت رژیم در ۱۷ شهریور گزارش دادم هنوز از فاجعه آن روز چند جمله ای نگفته بودم که ناگهان ایشان با ناراحتی شدید گفتند: دیگر طاقت شنیدن این همه جنایتکاری را ندارم! همان شب در بیمارستان سوانح و سوختگی تا صبح شاهد درد و رنج مجروحین بوده و از همه مهمتر در آن شب روشن شدن اصالت و ارزش پرستاری برای افرادی مثل ما بسیار جالب بود.

پس از رهایی ایشان در یک شب از زندان قصر و آیت ا... منتظری از زندان اوین و پیامهای پیاپی ایشان برای برنامه های مختلف اعلام می گردید، قرار شد چند روزی را در منزل برای ملاقات با مردم باشند و چون منزل ایشان گنجایش چنان جمعیتی را نداشت ایشان ابتدا جلوی پنجره آشپزخانه که مشرف به کوچه جلوی منزل بود ایستادند لیکن مردم از این وضع راضی نبودند. بالاخره آمدند داخل کوچه روی یک صندلی نشستند و جمعیت کوچه را دور می زدند و با ایشان ملاقات می کردند و می رفتند!! روزها می گذشت همکاری و همدلی و همراهی مردم اوج می گرفت تا روزی که در مسجد دانشگاه تهران برای ورود حضرت امام قرار شد علما تحصن کنند.

در ایام تحصن در دانشگاه تهران فعالیت و انجام سخنرانی و مصاحبه ادامه داشت و نماز جماعت به امامت مرحوم دکتر بهشتی انجام می شد و مرحوم طالقانی نماز را اغلب فرادی بجای می آوردند.

**ورود حضرت امام (قدس سره):**

روزی که قرار بود حضرت امام از فرانسه به تهران وارد شوند به عده زیادی اطلاع داده شده بود که در فرودگاه جهت استقبال از ایشان حضور داشته باشند. هنگامی که ایشان از پله های هواپیما فرود آمدند، منظره حرکت جمعیت که اکثر آنان از روحانیون و طلاب بودند بصورت گردباد سریعی امام را احاطه کردند و مرحوم آیت ا... طالقانی در این هنگام در گوشه ای از سالن مستقبلین روی زمین نشستند تا برنامه استقبال رو به پایان رسید و ما به دنبال جمعیت از سالن خارج شدیم.

چند ساعت بعد از ایشان سوال شد: آیا امام را دیدید؟! فرمودند: بله با هم در یک اتاق ملاقات داشتیم. امام فرمودند: چرا اینقدر پیر شدی؟ گفتم: شما اگر در ایران بمانید مثل من پیر خواهید شد!

**شب ۲۲ بهمن**

در طول مدت بحرانی انقلاب، بتدریج مراکز قدرت از ید نیروهای رژیم خارج میشد و اغلب پس از اندکی مقاومت تسلیم و همکاری می کردند در هنگام شب ۲۲ بهمن هم این حرکت به اوج خود رسید و کلیه مراکز قدرت از ید رژیم گذشته خارج و بدست مردم افتاد همینطور که در خیابانها حرکات و سکنات مردم را میدیدیم، آرام آرام به پادگان عشرت آباد رسیدیم در اطراف پادگان عده ای از بامها بزیر می التانند و شهید میشدند و عده ای در کنار دیوارها کمین کرده بودند. تیراندازی در باقیم بود بالاخره درها باز شد و در همین هنگام عده ای که کمین کرده بودند داخل شده و به ماشینها، دلترا، مراکز امور و اسلحه خانه حمله کردند و فقط درصدد سرقت و غارت بودند. پرونده ها را بر روی زمین پخش می کردند و هر قدر پرونده جمع می کردیم دوباره کف زمین محوطه را کاغذ پوشانده بود. پوتین سربازها، تخم مرغ های پخته روی چراغ، چای داغ، قفسه ها، پتوها و کلیه لوازم پادگان پخش و غارت می شد و عده ای برای ربودن اسلحه ها بر روی آنها غش کرده بودند.



مردم تربیت را عبارت از نظم در کردار و گفتار می پندارند.

این معانی و تفاسیر از حقیقت تربیت خارج نیست ولی مفهوم جامع تربیت هم نیست، تربیت فراهم کردن وسایل رشد موجود زنده است، هر موجود زنده دارای خواص ذاتی است، حقیقت آنرا تشکیل داده و آن خواص ذاتی هم چون زنده و متحرك است برای آن کمال ممکن است. پس آماده کردن وسایل رشد ذاتی این موجود رساندن به کمال ممکن تربیت است. تربیت نبات آماده کردن وسایل مواد غذایی و حیاتی آن است تا خوب نمو کند و بهره دهد و بهره آن ملذذ شود، حیوان چون علاوه بر نمو رشد جسمانی، دارای میول و غرایز لطیف است که مجموعاً حقیقت آنرا بوجود آورده پس تربیت حیوان نه تنها فراهم نمودن وسایل رشد جسمانی آن است، بلکه علاوه بر آن، تربیت، در حیوان قابل تربیت، تنظیم قوی و میول و خضوع آنها در برابر عقل مالفوق که تشخیص و اراده انسان است می باشد، تا به اراده انسان مثلاً حمله کند، بازایستد، پیش رود، برگردد، بخورد، اساک نماید، ولی در انسان مبادی و قوایی است بیشتر و قوی تر از آنچه که در حیوانات است که حقیقت انسان مجموع آنها است و اصول آنرا سه مبدا باید دانست:

مبدا غضبی که درمستدار معرفت و لایم حقیقت موجودات و مایل به همه خسرات است. مبدا شهوی، که درمستدار لذات جسمانی و آسایش است، و برای اینها کارگران و کمک کارانی است که عواطف مختلف است، چون میل و عمل و آثارشان مختلف است.

معلوم است که هر کدام از این مبادی غیر از دیگریست و در کشور

باطن بیشتر مردم، میان اینها برای تسلط کامل و استخدام قوی کشمکشها و جنگهای مستمریست و چون یکی از اینها مسلط شد دیگران را برای منظور خود به خدمت وامی دارد و انسانی که یکی از این مبادی بر قوای دیگرش حکومت کند به همان نام نامبرده میشود: انسان عقلی، انسان اشرافی، انسان شهوانی.

حقیقت انسان همان مبادی فعال است که در يك شخصیت با هم پیوند یافته اند و باقی عواطف و اعضا و جوارح، آلات و ادوات، برای اجرای مقاصد آنها می باشند، و تربیت انسان ایجاد وسایل رشد و هماهنگی میان همان مبادی است و این مبادی در آغاز سرشت انسان نهفته است احتیاجات و محیط خارجی متدرجاً آنها را بیدار و به

تربیت، فراهم کردن وسایل رشد موجود زنده است، هر موجود زنده دارای خواص ذاتی است که حقیقت آنرا تشکیل داده و آن خواص ذاتی همچون زنده و متحرك است برای آن کمال ممکن است. پس آماده کردن وسایل رشد ذاتی این موجود رساندن به کمال ممکن تربیت آن است.

وجود این مبادی برای احراز بقاء است، بقای جسم، بقای نوع، بقای شخصیت حقیقی. ولی این نتایج آن وقت حاصل می شود که تعادل در میان آنها برقرار گردد و اگر بواسطه ضعف بعضی و قوه بعض دیگر تعادل آنها مختل گردید، نتایج منظوره از دست می رود و بواسطه سرکشی و الفسار گسیختگی اصل مقاومت (مبدا غضبی) و اصول شهوات پست، الفق عقل تیره می شود و درست نمی تواند عواقب را تشخیص بدهد و در قضایا قضاوت صحیح بنماید، انسان عادل و موزون آن انسانی است که مبادی معنوی او به موقع و درست وظیفه خود را انجام دهند و دخالت بیجا در کارهای یکدیگر نمایند. چنین انسانی هم میتواند به تمام معنی احراز بقاء نماید و هم از تمام لذات باطنی و ظاهری درست بهره مند شود. پس معلوم شد که

فعالیت و امیدارد. بنابراین تربیت فراهم آوردن محیط مساعد است برای رشد و همکاری آنها، اگر محیط مساعد برای بعضی از این مبادی گردید، مبادی دیگر یا رشد صحیحی ندارند و یا مغلوب و شکست خورده هستند. در محیط شهوانی یعنی محیطی که منظره ها و شنیدنیهای آن شهوات پست را برمی انگیزد اصول حسب معرفت و حسب شرف و مقاومت ناچیز و مقهور است. این است که در چنین محیط، مردمان دانشمند و غیور و مدافع از حقوق، کمتر تربیت می شوند. در محیط هائی که مبدا مقاومت و اصل غیرت تقویت می شود، مانند محیط های نظامی و جنگی محض، هم قدرت مبدا شهوانی ضعیف است و هم محبت معرفت، و در محیط های علمی محض، شهوات پست قدرتی ندارد، ولی برای مبدا مقاومت و دفاع از حقوق هم فعالیت نیست.

## ماه رهائی

برگرفته از: پرتوی از نهج البلاغه

ماه رمضان، ماه رهائی از وابستگیها و کنترل رفتار انسان از جمله درود زندگی است.

در این ماه فرصتی دست داد که قدری تعمق و مطالعه بر روی نهج البلاغه علی (ع) انجام دهیم. بسیاری خدای علی با دو کتاب که شرح و بحث درباره نهج البلاغه را که در حد امکان بگونه پژوهشی تدوین شده است آشنا شدیم:

۱- کتاب نهج البلاغه که توسط آقای حاج سید صادق موسوی تحقیق و تفسیر گردیده و بزبان عربی است.

۲- جلد اول "پرتوی از نهج البلاغه" که پژوهشی و برگردان و ویراستاری دکتر سیدمحمد مهدی جعفری با استفاده از ترجمه آیت ... سید محمود طالقانی.

در کتاب پرتوی از نهج البلاغه مرحوم آیت ... طالقانی مقدمه ای را بر نهج البلاغه نوشته اند که نکات و احتمالات جدید مهمی برای روش زندگی مسلمین در آن آورده اند که در این مجله درج خواهد شد گردید.

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا الى  
نهج الكمال، والصلوة على  
محمد وآله الذين ببلاغتهم  
ارشونا الى خير مال.

نهج البلاغه پس از قرآن سرچشمه صاف و گوارای معارف الهی است. همه مسلمانان این کتاب مقدس را یکی از بزرگترین مرجع دینی می دانند. مفسرین و مترجمین نهج البلاغه از جهات زیادی اهمیت آنرا بیان کرده اند. به نظر ما عظمت این کتاب از جهت تربیتی بیشتر از جهات دیگر است.

اگر چه لغت تربیت رایجترین لغات است و مفهوم آن از هدف های عمومی بشر می باشد، ولی حقیقت آن بسیار مرموز و عمیق است، بدین جهت هر کس به حسب محیط فکری و تربیتی خود معنی و مصداقی برای تربیت معتقد است و راه مخصوصی برای وصول به آن تصور می نماید، هزاران معبد و مرکز دینی از دیر و کیه و مسجد و ... و هزاران مجمع و مرکز تعلیمی و کتابخانه و پیشتر تشکیلات اجتماعی در اطراف کره زمین بوده و هست که همه برای رسیدن به همین مقصود است، مربیان روحانی و دانشمندان حقیقی و نویسندگان و شعرا و قاندین سیاسی که افکار و آراء و سخنانشان مانند هوا و نور در همه شئون زندگی نفوذ دارد و در دسترس همه مردم می باشد و امواج خطابه هاشان آرامش را از لضا سلب کرده و همه هدفشان را تربیت بشر می دانند، ولی هر يك از این طبقات برای آن تفسیر خاصی دارند.

اگر در معابد ملل مختلف از بودایی و برهمنی و نصرانی و بیشتر مساجد مسلمین و خانقاه ها وارد شوی، شاید عموماً "تربیت حقیقی را همان انقطاع از خلق و پیوند به حق و اعراض از عالم ماده و طبیعت تفسیر کنند و راه وصول بدان را درآمدن در صف های دعا و حلقه های ذکر و سرودهای ملکوتی و ستایش خدا و مظاهر خدا و اذکار و اوراد مخصوص بیان نمایند، کتابها و دیوانهای شعریشان با زبانه ها و الحان مختلف به همین امور دعوت می نماید، قاندین سیاسی و زمامداران اجتماعی و قانونگذاران می گویند معنای تربیت خضوع ملل برای مرامها و قوانین موضوعه و قدرت حاکمه است.

انسان عادل و موزون آن  
انسانی است که مبادی  
معنوی او به موقع و  
درست و وظیفه خود را  
انجام دهند و دخالت بیجا  
در کارهای یگدیگر ننمایند.  
چنین انسانی هم می تواند  
به تمام معنی احراز بقاء  
نماید و هم از تمام لذات  
باطنی و ظاهری درست  
بهره مند شود.

لشکرکشان و فرماندهان معنای تربیت را روح نظامگیری می دانند. پیشتر مردمان فنی تربیت را آشنا شدن به اصول فنی خود تفسیر می کنند، نرده

های بلیغ و کلمات موزون و تعبیرات  
نوی جاریست چون آهنربا جذب می  
نمایند و در صفحات ذهن می سپارند و  
در اوراق یادداشت می کنند. گویی بین  
روح سخنتور و افکار شنوندگان در فضا  
بیط مغناطیسی بوجود آمده، حلقه های  
روح سخن با حساسترین نقاط ذهن  
شنوندگان مربوط گشته و آنها را با  
لکر بلند پرواز گوینده پیوند داده، و  
روح آنها را از محوطه مکان مسجد و  
کوفه و کوره زمین هزارها فرسخ بالا  
رده و میلیونها سال سلسله زمان را به  
هم پیچیده و همه را به نظر و تماشای  
آغاز خلقت زمین و آسمانها و ادار کرده  
سلسله اول نظامات ادوار تکوینی را  
تحت نظرشان قرار داده گویا مستمعین  
در آن حال خود را با قوا و ملائکه و  
کثرگران جهان همفکر و همراه می  
بینند.

چون عرب مقدمات علمی نداشته  
و از مدرسه های آن روز دنیا دور  
بوده، انسان تعجب می کند که چگونه  
امیرالمومنین در مطالب مهمه توحید و  
معاد و تکوین برای آنها بحث می نموده  
است ولی این تعجب برطرف می شود با  
توجه بدینکه وضع زندگانی و محیط  
اجتماعی و جغرافیایی، عرب را مهیا و  
مستعد درک هر حقیقتی نموده بود و  
بواسطه زندگانی ساده و قوت مزاج و  
باکی هوا و باز بودن الفک و نداشتن  
محیط اجتماعی را که دارای هوشی  
سرشار بود، آنچه می شنید خوب درک  
می کرد و در قضایا قضاوت صحیح می  
نمود، این اشتباه در بیشتر مردم هست  
که گمان می کنند مردمان درس  
خوانده و مدرسه دیده یا کسانی که در  
اجتماعات و شهرهای بزرگ به سر می  
برند همه چیز را بهتر می فهمند و در  
همه مطالب آرائشان از درس نخوانده ها  
و مردمان بیابان و قراء مصابتر است،  
این غرور است به افکار عمومی و محیط

اجتماعی و معلومات خاص که مانند  
غرور به مال و ثروت انسان را می  
گیرد و امور خارج از ذات خود را  
جزء ذات می پندارد.

معلومات مخصوص و اخلاق و  
عادات اجتماعی روحیه اشخاص محیط  
خاصی ایجاد می کند که متدرجا انسان  
جز چهار دیوار روحیه خود که از همان  
الکار و عادات بالا آمده محیط دیگر را  
نمی بیند و عمری از همه چیز و همه جا  
بواسطه زندان نفسیات خود بیخبر است  
و گمان می کند با خبر است، یا  
معلومات و عادات خاص مانند شیشه  
های الوان است که رویوش عقل و  
فطرت آزاد انسان می شود و انسان  
همه موجودات را به همان رنگ می  
بیند. یکنفر فیلسوف یا فقیه یا مهندس  
یا عالم طبیعی یا کسی که محیط  
اجتماعی خاص بوجود آمده، در محیط  
علمی و عملی را با افکار و معلومات  
خود می خواهد از سر راه بردارد،  
بعبارت دیگر، بیشتر مردم بجای آنکه  
معلومات را زیر پای عقل گذارند و  
خود را به سطح بالاتری رسانند، در  
میان معلومات خود و امانده می شوند و  
بسا در کوچکترین مشکلات روزانه  
قدرت تشخیص ندارند.

عرب چون مدرسه و معلومات نداشت  
و دارای تشکیلات اجتماعی را که  
نبرد، پس محیط فکری و اجتماعی هم  
نداشت، بنابراین افکار و عادات و  
اخلاقی که آثار محیط های اجتماعی  
است، در عرب نبود و پر و بال فکری  
به رشته های معلومات محدود بسته  
نشده بود و مغزش بواسطه فشار  
خیالات و فرضیه هائی که به نام علم  
همیشه رایج است و یک هزارم آن با  
واقع و حقیقت مطابق نیست فرسوده  
نگریده بود، به این جهت پس از  
رسیدن پرتو وحی عقلشان مشعل شد.  
به همین علت پس از فتوحات و تماس با

ملل متمدن و درس خوانده دنیا  
حکومت معنوی خود را از دست  
ندادند و در مطالب علمی و سیاسی و  
حقوقی ابتکار داشتند.

با توجه به این حقیقت، مورد  
تعجب نیست که امیرالمومنین بر منبر  
کوفه مباحث مشکل توحید و معاد و  
خلقت را با آن بلاغت سرشار و جمله  
های رسا بیان نموده باشد و مردم را با  
نداشتن مقدمات علمی به نتایج اساسی  
رسانده باشد، اگر چه همه آن مردم به  
کنه مطالب آن حضرت نمی رسیدند ولی  
هر کس فراخور استعداد خود بی بهره  
نمی ماند و بواسطه دلباختگی به بلاغت  
الفاظ و مطالب آن به زودی حفظ می  
نمودند و نویسندگان یادداشت می  
کردند و به اطفال خود در خانه و  
مسجد می آموختند و برای بازماندگان  
نفیس ترین سرمایه می اندوختند.



**نهج البلاغه نمونه و  
نماینده حکومت علویست  
که حکومت علم و فضیلت  
است، مردمان ناراضی در  
این حکومت طبقات اشرافی  
و شهوانی بودند.**



گاهی امیرالمومنین را بالای همان  
منبر می نگرید که با بیانات رسا از  
برابر چشم شنوندگان پرده های ضخیم  
زمان را بر می دارد و آینده دور را  
بدانان نزدیک می کند و پیشامدهای  
هولناک و جنگ خائمانسوز و انقلابهای

چون محرك مبدا شهوانی حوایج ضروریست، برای آن ایجاد محیط لازم نیست بلکه بواسطه تاسیس مجامع و وضع قوانین سخت باید موانع داخلی و خارجی فراهم نمود تا سرکشی بیجا ننماید و عادلانه وظایف خود را انجام دهد، ولی برای تقویت مبدا حب معرفت و اصل مقاومت ایجاد محیط لازم است، چنان محیطی که مبادی باطنی به اندازه لازم از آن کمک جویند که بتوانند در حد معین فعالیت کنند، تا مبدا حب معرفت و کمال آنقدر که قدرت دارد پیش رود و به اصول خلقت آشنا شود و به اسرار و رموز مبدا و معاد سر بکشد و مبدا حماسی و اصل مقاومت در برابر موانع و مهاجمین به حقوق، محکم بایستد و ضعف و سستی بر او راه نیابد.

دین حق چون برای تربیت کامل انسانی است تا وقتی که درست و کامل و بدون زیاد و کم اجرا میشود، بهترین محیط های تربیتی را ایجاد می نمود و مردمی که در آن محیط تربیت می شدند انسان به تمام معنی بودند، یعنی همه قوی و غرایزشان درست بکار می افتاد. ده سالی که در زمان رسول اکرم (ص) محیط مدینه محیط تربیتی قرآن گردید، بزرگترین و جامع ترین مردان را تربیت نمود، از همان شهری که هیچ موسسه علمی و مدرسه ای در آن نبود و مردمی که از معارف عصر خود بیخبر بودند و در بنایی که از چهار دیوار سنگی بدون سقف بالا آمده بود و فرش آن رنگهای پاک صحرا بود، صدها مردمی که آشنا به اسرار مبدا و معاد و رموز خلقت و در عین حال علمای اجتماع و فرماندهان لشکری بودند، خارج شد.

صفحات تاریخ شاهد تمام افکار و اخلاق و اعمال آنهاست، اسرار قرآن را با جان و دل فرا گرفتند و دقیقترین

رموز سوق الجیشی را در جنگ های با دول قدیمی روم و ایران بکار بردند و بهترین اجتماعات را فراهم آوردند، این بنای ساده که بعد مسجد نامیده شد، هم مدرسه فلسفه عالی بود و هم ستاد ارتش و دانشکده حقوق.

پس از رحلت رسول خدا(ص) بواسطه نبودن سرپرست تربیتی کامل برای مسلمانان و سرعت سیری که در فتوحات و لشکرکشی گرفته بودند، متدرجا جنبش علمی و حب معرفت خاموش می شد و مبدا حماسی و مقاومت تقویت می یافت، و در زمان خلیفه سوم بواسطه فتوحات و اموال بی حسابی که به دست عرب آمد مبدا شهوانی و حب مال هم به سرکشی و تاخت و تاز درآمد. این بود که عموم مسلمانان در آن زمان تربیت کامل و جامع قرآن را از دست داده به منتهای انحطاط دچار شده بودند و از مبادی همان مبدا مقاومت و شهوت فعالیت می نمود و محیط فقط محیط جنگجویی و مال اندوزی گردید.

**محیط شهوانی یعنی محیطی که منظره ها و شنیدنیهای آن شهوات پست را برمی انگیزد اصول حب معرفت و حب شرف و مقاومت ناچیز و مقهور است. این است که در چنین محیط، مردمان دانشمند و غیور و مدافع از حقوق، کمتر تربیت می شوند.**

فقط عده کمی تربیت اولیه را فراموش نکرده از اوضاع ناراضی بودند و آرزوی بازگشت محیط مدینه را داشتند. به این جهت پس از کشته شدن عثمان، این عده با تمام قدرت می کوشیدند تا محیط حقیقی اسلام را تجدید کنند، و آنهم ممکن نبود مگر به دست درمبن موسس اسلام، علی امیرالمومنین(ع). به کوشش و همت این مردان بزرگ و سرپرستی امیرالمومنین با همه مشکلات و مقاومت ها چند سالی محیط اولی مدینه در کوفه تجدید شد ولی مردانی که با سرپرستی امیرالمومنین این مدینه فاضله را بوجود آوردند بواسطه تجربه های نمد و تربیت خصوصی امیرالمومنین تربیتشان کامل تر و عمیقتر گردیده بود.

نهج البلاغه نمونه و نماینده حکومت علویست که حکومت علم و فضیلت است، مردمان ناراضی در این حکومت طبقات اشرافی و شهوانی بودند.

مطالعه دقیق نهج البلاغه، در برابر چشم و خیال خواننده، تربیت کامل اسلام را متمثل می نماید و در هر صفحه از آن نوعی از منطق امیرالمومنین را می نگرد که مربوط به تربیت و تحریک يك قسم از قوای انسانی و تقویت بنیه فضائل معنوی است و به مناسبت منطق و سخن، در هر قسمت این کتاب آن حضرت با روحیه و وضع لباس و محیط خاصی در نظر جلوه می نماید که شاید شخص بی اطلاع از شخصیت علی علیه السلام، درباره وحدت گوینده آن دچار شك گردد.

گاهی امیرالمومنین با قیافه روشن و چشمان درخشان و جبهه نورانی و جامه کرباسین و ردای ساده و عمامه کوچک در نظر نمایان می شود که بالای منبر جامع کوفه قرار گرفته انبوه مردم در فضای مسجد تمام چشم به آن حضرت دوخته و گردنهای کشیده سخنانی که از زبان آن حضرت با هله

دستگیری مجاهدین در سال  
۱۳۵۰:

مساله مجاهدین و دستگیری آنها پیش آمد. مجاهدین که دستگیر شدند الحاق و الانصاف هیچکسی به اندازه مرحوم آیت ... طالقانی اینها را تأیید نکرد. حتی در شب احیاء مسجد هدایت ایشان گفته بود: "محمدی‌ها ما زندانند، سعیدهای ما زندانند، اصغرهای ما زندانند." نظام بقدری از این قضیه وحشت کرده بود که ایشان را تبعید کردند، و نقل می کنند وقتی که خبر اعدام بچه ها را شنیده بودند بخش اعظمی از ریشهایشان سفید شده بود. من که در سال ۱۳۵۲ از زندان شیراز آزاد شدم ابتدا در مجلس عروسی خواهر شهید شامخی با برادر شهید توسلی که در خیابان ری بود، آنجا رفته بودیم و ایشان را آنجا دیدیم.

ایشان از پله ها پائین می آمدند، من بالا می رفتم. خوب یادم هست در پاگردپله ها يك آینه تمام قد بود و من ایشان را در آینه هم می دیدم، سلام و دست و روبروسی و کجائی و چطورری، چرا نمی آئی بینمت؟ من دیدم آقا همه ریشهایش سفید شده و خیلی در من تأثیر گذاشته بود. همانجا گفتم: کی بینمت؟ فرق می کند همه ما همه کوچکتر بزرگتری داریم، باید از ایشان وقت بگیریم. قبل از آنکه ما بگوئیم حاج آقا شما کجا هستید؟! ایشان گفت: کجا بینمت! می خواهم از تو بپرسم. بعد همانجا در پاگرد يك چهارشنبه صبحی قرار گذاشتیم و به خانه شان رفتیم. همان کوچه تنکابن بود. بعد چیزی مرا خیلی شرمند کرد. يك روز لذتبخش بود. ساعت ۸ صبح آمدیم دیدیم لای در باز است. خانه، ته کوچه بود. وقتی در را باز کردم آقا پشت در بود. گفتم: من سر ساعت پشت در آمدم که تو

خاطرات کوتاهی از مرحوم آیت ... طالقانی)

## مسجد هدایت پاتوق جوانان مذهبی بود

• مهندس لطف الله میثمی

در شماره گذشته قسمت اول  
خاطرات مهندس لطف الله میثمی  
که در مراسم سالگرد آیت ...  
طالقانی بیان شده بود، منعکس گردید  
و اینک بخش پایانی بحث ایشان تقدیم  
دوستداران می گردد.

بزرگ را می نمایاند و آثار نیک و بد اعمال گذشتگان را در آینه زندگانی آیندگان نشان می دهد و تاثیر اعمال و اخلاق را در سعادت و شقاوت ابدی انسان و خطرات پیروی از شهوات و آمار را در تمام مراحل زندگانی تشریح می کند و ادوار خلقت انسان را از ابتدای تکوین و حالات زمان احتضار و ظهور ملکات و اعمال را پس از مرگ و اوضاع و گردنه های عوالم برزخ و چگونگی حشر عمومی و قیامت کبری را جزء به جزء بیان می نماید.

در بعضی از قطعه های سخنان آن حضرت چون دقت نمایند آن امام و خلیفه بزرگ را گویا می نگرند که بالای منبر ایستاده و روی پیراهن، کمربندی از لیف خرما بر میان بسته و غلاف شمیشیری به پهلو آویخته، و بر شمیر برهنه ای تکیه کرده، رنگش برافروخته و چشمانش می درخشد و اندامش می لرزد، عبا از یکطرف شانه اش پایین افتاده به دست دیگر نامه ای که از والی سرحدی رسیده برای فرماندهان و سربازان خود می خواند که دسته های غارتگر دشمن در استحکامات سرحدی رخنه کرده شهرهایی را غارت و از زنان مسلمان و ذمی زیور و لباس ربوده اند، به این جهت آنان را به جهاد با دشمن برمی انگیزد، و از سستی نکوهششان می کند، مبدا حماسی و اصل مقاومت را که در بعضی از مردم کوفه بواسطه تن پروری ضعیف گردیده با سخنان آتشین تقویت می نماید.

در بعضی دیگر از سخنان آن حضرت که تامل کنید امیرالمومنین را در پرده تاریک شب می نگرید که از کان طبیعت آرام گرفته مردم یکسره به خواب رفته اند و همه حیوانات حتی حشرات از سر و صدا افتاده اند، فقط گاهی صدای موج فرات و سرشاخه های نخلستان که با نسیم همراز هستند

شنیده می شود، در آن تاریکی و سکون مطلق فقط قلب عالم و دیده اختران و چشمان علی بیدار است که در میان درختان یا جامع کوفه، شبی از او دیده می شود، رو به آسمان ایستاده از یکطرف در اندیشه راههای پریچ و خم و عوالمی که در مسیر انسان است می باشد، از طرف دیگر متوجه سنگینی مسوولیت سرپرستی و زمامداریست، اشکش بیابی می ریزد و سینه اش مانند دیگ می جوشد، و رازهایی با خداوند جهان دارد و کلماتی با دود سینه از زبانش جاریست.

بسا در همین دل شب با یاران اهل راز خود نشسته در به روی اغیار بسته، اسرار سلوک و سیر نفس و موانع راه را مو به مو بیان می نماید و مردم را به حسب اخلاق و اوصاف به دسته هایی تقسیم می کند و عواقب و پایان کار هر دسته را روشن می نماید.

راز بگشا ای علی مرتضی

ای پس از سوءالقضا، حسن القضا  
یا تو واگو آنچه عقلت یافته است  
یا بگویم آنچه بر من تافته است  
از تو بر من تافت، چون داری نهان؟  
می فشانی نور چون مه بی زبان  
از تو بر من تافت، پنهان چون کنی؟  
بی زبان چون ماه، پرتو می زنی  
لیک اگر در گفت آید قرص ماه  
شبروان را زولتر آرد به راه  
از غلط ایمن شوند و از ذهول  
باتگ مه غالب شود بر باتگ غول  
ماه بی گفتن چو باشد رهنا  
چون بگوید شد ضیا اندر ضیا  
چون تو بلی آن مدینه علم را

چون شعاعی آفتاب حلم را  
باز باش ای باب بر جویای باب  
تا رسد از تو قشور اندر لباب  
باز باش ای باب رحمت تا ابد  
بارگاه ما له کفوا احد

"مولانا جلال الدین محمد بلخی"



بفرستید. بعد هم که من محفیی شدم با مرحوم رجائی در ارتباط بودم گفتند که ایشان يك دوره کتابها را برد که مطالعه کند. اینطور نبود که درست تأیید کند. نیاز داشت که يك مطالعه مجددی هم روی کتابها داشته باشد. بعد گفتم حاج آقا بچه ها بی سیم درست کردند و تمام مکالمات پلیس را می شنوند و سر قرار که می روند يك بی سیم کوچک رادیو توی گوششان می گذارند که اگر قرار لورفته بفهمند. تبسمی کردند و خوشحال شدند.

این تبسم هنوز یادم هست، چقدر خوشحال شدند و گفتند الحمدا... ایشان گفتند که به من خیلی مراجعه می کنند که برای مجاهدین پول بدهند، من پول نمی گیرم می گویم خودتان ارتباط بگیرید و پول بدهید. و يك فلسفه ای در این کار است. اگر کسی بیاید خودش پول بدهد ارتباطش مهم است، پول که مهم نیست، باید ارتباط باشد بعد هم این ارتباط به کارهای جانی برسد و شرکت فعال در حرکت اسلامی کند. این مهمتر بود، پول نمی گرفتند برای اینکه شخص وصل شود به يك جنبشی و يك حرکت انقلابی.

بعد از من پرسیدند که چرا جلوی این تفسیر را نمی گیرند؟ چرا ساواک اجازه چاپ میدهد؟ من گفتم که دلیلش روشن است. مثلاً حسینیه ارشاد را که بستند حسین زاده بازجوی ساواک گفته بود: هر چریکی را که دستگیر می کنیم، می گوید که من در آنجا آشنا شدم به همین جهت باید محل این آشنائیها بسته شود. وقتی که حسینیه ارشاد با جنبش مسلحانه ربط پیدا کرد، درس را بستند. شرکت انتشار را هم که بستند برای این بود که حسین زاده گفته بود: خانه هر چریکی که رفتیم کتاب حسنک کجائی را پیدا کردیم و شرکت انتشار در خدمت جنبش مسلحانه است و درس را بستند.

**بعد مرحوم مهندس بازرگان رفت و ما هم پیاده شدیم و دیدیم که با دستهایشان دارند خاکها را جمع می کنند تا جریان آب این جوپک ادامه پیدا کند. این يك جوپکی بود که دهقانان مستضعفی از این آب استفاده می کردند. ما شهرنشینان به فکر اینها نیستیم. يك آیت ... این کار را انجام دهد. واقعا من آنجا از خوشحالی گریه ام گرفت.**

من فکر می کنم که اینها این تفسیر را در رابطه با جنبش مسلحانه نمی دانند که جلویش را نگرفتند. گفت فکر نمی کنم اینطور باشد. نمی فهمند که من چی نوشته ام. این حرف آقا بود. زمان گذشت و ما ناینا شدیم و يك فرصتی بود در زندان قصر، شروع کردیم "پرتوی از قرآن" را دسته جمعی خواندن و همانجا بود که به حرف آقا پی بردیم. بعد گفتم:

حاج آقا در زندان شیراز که بودیم ما آثار ملاصدرا و آثار ابن سینا را می خواندیم، اینها از زمین تا آسمان با هم فرق دارند. ما چکار کنیم؟! چه خاکی برمان کنیم؟

ملاصدرا می گوید: حرکت اصالت دارد، ماده روی آن سوار می شود. ابن سینا می گوید: ماده اصالت دارد و حرکت روی آن سوار می شود. اینها دو تا چیز است آقا می گفت: حکمای اسلام بخشی از اسلام را فهمیدند.

این يك راهنمایی شد برای ما که بعداً که زندان رفتیم و کار کردیم از هر حکیمی، از هر فیلسوفی يك توشه ای بگیریم. مطلقش نگردانیم. خوب مشوی يك بخشی از اسلام بود. اینها خیلی برای ما مهم بود.

حق آثار ملاصدرا را هم که می خواندیم در بست، خودمان را برده ملاصدرا یا ابن سینا یا سهروردی نکردیم.

اینها يك بخشی از اسلام را فهمیده بودند گفتم: حاج آقا، در زندان يك گروه ایدئولوژیک داشتیم روی آثار بازرگان، شریعتی و سایر صاحب نظران کار می کردند. ما به این نتیجه رسیدیم که کتاب بازرگان در حد اینکه نمی شود خدا را رد کرد، قیامت را رد کرد، یعنی يك حالت نفی انکار خوب است. یعنی اگر کسی بخواهد انکار کند می تواند آب بندیش کرد.

می گفتند حالا ما که خدا را قبول داریم، نبوت و معاد را قبول داریم، راه طی شده و ذره بی انتها را خوانده ایم، عشق و پرستش را خوانده ایم، حالا چه کنیم؟ ما برای راهنمائیمان جهت رسیدن به خط مشی درست باید چکار کنیم؟! بعد ایشان يك جمله ای گفتند که خیلی عمیق بود. گفتند: کتابهای مهندس بازرگان جنبه تشریحی ندارد.

به هر حال اصول اعتقادات است. آنهم بعداً خودم به این نتیجه رسیدم که ایشان آثار ارانسی را خوانده و يك تردیدهائی ایجاد کرده و يك آب بندی هائی کرده که بچه مسلمانها به لحاظ اصول اعتقادی محکم باشند. اما جنبه تشریحی که راه را نشان بدهد که چکار

اینجا معطل نشوی که ساواک ترا بشناسد.

يك روز لذتبخش برای من:

چقدر همه جانبه و تشکیلاتی و فکر اینکه يك کسی لو نرود و دستگیر نشود، بود. واقعا شرمنده شدم. بالا رفتیم، از ساعت ۸ تا ۱۲ با هم صحبت کردیم و خیلی از صحبت‌های ایشان استفاده کردم، شاید این بهترین روز زندگی من باشد. از تك تك بچه های زندان می پرسیدند. راجع به همه می پرسیدند. در زندان قصر چه کسانی بودند؟ زندان شیراز چه کسانی بودند؟ روابط مارکسیستها چه طوری بود؟ مهندس سبحانی چکار می کرد؟

احمدزاده چکار می کرد؟ حق مثلا می پرسیدند که آقای بسته نگار ورزش می کند؟ خوابش چقدر است؟ غذایش چقدر است؟ ریز می پرسیدند. خیلی برای من مهم بود که این ریزه کاریها را می پرسیدند. بعد می گفتند این شهدا شخصیتی که جایگزین آنها باشد وجود دارد؟ گفتیم که زندانها از نظر فکری خیلی دارد می جوشد. اگر آرامشی باشد، فکر می کردند بچه ها می توانند جای آنها را پر کنند. اسم هم بردند. يك پیام هائی از زندان برایشان داشتم که باید خدمتشان می گفتم. مثلا "گفتم: این آقای استاد جعفری روی شرح مشوی زحمت می کشند. مجاهدین کتابخانه مفصلی ندارند که بنشینند تحقیق کنند، اگر ایشان روی شرح نهج البلاغه کاری کنند، این خطبه هایشان داخل زندان می آید و بچه ها در زندان روی آنها کار می کنند. يك زبده ای، يك چکیده ای که به درد مجاهد بخورد، از آن تهیه می شود.

اگر شما سفارش کنید که ایشان بجای مشوی روی نهج البلاغه کار کنند، خیلی

خوب است. ایشان گفتند: خیلی خوب است، هر کسی يك ذوقی دارد، آقای جعفری ذوقش این است روی مشوی کار کند. من می ترسم بگویم اینکار را متوقف کند، ذوق یکی را نباید کور کرد. بهتر است که بگویم بعد از مشوی روی نهج البلاغه کار کنی، خوب است. همینطور هم شد. ایشان بعد از مشوی روی نهج البلاغه کار کردند و خود من هم ایشان را دیدم. رفتم، گفتم: بچه های زندان يك چنین چیزی می گویند. گفت: مشوی نرمش اول من و نهج البلاغه نرمش دوم من است. انشاء... این نرمش ها را که انجام دادم ورزش اصلی

من قرآن است، می خواهم به سراغ قرآن بروم. این قول را آقای جعفری به من داد. بعد همان روز صحبتی که با مرحوم آیت ا... طالقانی داشتیم، می گفتند: توی زندان سر نجس و پاکی خیلی مساله داشتیم. يك گروهی به شیراز آمده بودند، جمع واحدی داشتیم. وحدت در میدان نبرد بود که همه جناحها مثل فلسطینها وحدت داشته باشند و مشکل نجس و پاکی هم نبود. همه سر يك سفره غذا می خوردند و ساواک هم تلاش می کرد این وحدت را بهم بزند. بعد اینها که آمده بودند، حساسیت داشتند. از آقای محلاسی بزرگ استفتاء کردند و ایشان هم گفته بودند به هیچوجه اتحاد را بهم نزنید. اگر کسی وسواسی دارد یا احتیاطی دارد بعد از غذا خوردن دستشویی برود، به طوری که هیچکس نبیند آبی توی دهان کند و بیرون بریزد، ولیکن هیچکس نبیند تا اثر منفی روی کسی نگذارد.

بعضی ها می گویند اینها که خدا را قبول ندارند، نجس هستند و ایشان گفت که در رساله ها اینطور است، می گویند: هر که خدا را قبول ندارد نجس است ولیکن به لحاظ قرآنی و فقهی می شود يك کاری کرد که من انشاء... این کار

مجاهدین که دستگیر شدند الحق و الانصاف هیچکسی به اندازه مرحوم آیت ا... طالقانی اینها را تانید نکرد. حتی در شب احیاء مسجد هدایت ایشان گفته بود: "محمد‌های ما زندانند، سعیدهای ما زندانند، اصغرهای ما زندانند." نظام بقدری از این قضیه وحشت کرده بود که ایشان را تبعید کردند، و نقل می کنند وقتی که خبر اعدام بچه ها را شنیده بودند بخش اعظمی از ریشهایشان سفید شده بود.

را انجام می دهم. بعد به من گفتند که وقت مجاهدین شروع کردند من از آنجا که جامعه احتیاج به عملی داشته حساسیت نشان ندادم، اعتراض داشت به این نظامی که سرکوب می کند، من حرفهایشان را می شنیدم. به مذهبی بودنشان هم یقین داشتم و تانیدشان کردم. ولی حالا که آثارشان چاپ شده در جامعه حرف به وجود آمده این آثار را بیاورند من بخوانم. من قبلا که خواندم به هر حال از آنجا که نیاز به عمل بود زیاد توجهی نمی کردم که اینها يك روزی مشکل بیافریند. این اصل خود جهاد بود، حرکت بود، که حرکتی در جامعه راه بیفتد. حالا برای من

شده اند و ایشان را به بهداری قصر آوردند بعد هم می خواهند توی بند بیایند. بعد کلی ما نشستم و تدارک دیدیم که وقتی آمدند چه جور مسائل سازمان را برایشان بگویم. بعد ایشان را به بهداری قصر بردند، آقای طاهری هم آنجا بستری بودند. اینجا را خانم طالقانی بهتر یادشان است. بعد ما يك نفر از دوستانمان را مصنوعاً مریض کردیم، خودش را به مریضی زد تا او را به بهداری ببرند، سپس تمام این کتاب و مکتب را توی بدنش جاسازی کردیم، ریز توی کاغذ سیگار نوشته بودیم که این دستاوردهایمان به نظر آقا برسد، بعد آنجا رفته بود. قیام ۱۷ شهریور که شده بود این دوستان تماس گرفته و گفته بود من از مجاهدینم.

ارتباط از طریق پاسبان برقرار شد. آقا اینها را خوانده بودند، سپس آقای طاهری خوانده و همه آنها را داده بودند به اعظم خانم بیرون آوردند. بعد هم که انقلاب شد و ما به خانه شان رفتیم، راجع به همین ها صحبت کردیم

### آزادی از زندان در آبان ۱۳۵۷:

وقتی که من از زندان آزاد شدم، گفتم که ما را نزد آقای طالقانی ببرید. گفتند نمی شود، به خانه که آمدم، دیدم می گویند: ایشان هم آزاد شدند. آیت ... منتظری، مرحوم آیت ... طالقانی و من هم در يك روز آزاد شدیم. فکر می کنم علتش این باشد که درباریس

**واقعا اگر پرتو را بخوانید همه اش متدلوزی، روش، روش عام است. تاثیر قیامت روی امروز ما و مکاتیزم عذاب را يك جوری نشان داده که می گوید: "همین کاخها، همین زر و زیورها است که عذاب می شود."**

تنگ نظری زیاد است. مردم انقلاب کرده اند، مسائل درون زندان را به هیچ وجه به درون انقلاب نکشید، اکیدا بگوئید اینکار را نکنند و خوب ما تلاش کردیم. پرویز یعقوبی و دیگران را دیدیم و پیغام آقا را رساندیم. به هر حال بچه ها بیرون بودند با آقا آشنا نبودند و از طریق ما با آقا تماس داشتند. این پیش بینی بزرگی بود! چقدر این نابخردان آمدند مسائل زندان و پرونده ها را به بیرون ریختند. آنکه زن و بچه هایش را رها کرده. سرپرستی بچه هایش را رها کرده آمده زندان، ارج و قرب ندارد نسبت به آن عافیت طلبی که مبارزه را قبول ندارد. حالا آمد یکی هزار تا شلاق را هم مقاومت کرد. شلاقها رفت بالا و ۱۵۰۰ تا شد. خوب ۱۵۰۰ تا را نمی تواند تحمل کند. دیگر اگر یکی را الو داد باید پرونده اش را الفشاء کنند. دیگر لو داده است، خوب معلوم است این کارها خیانت است! حمایت از عافیت طلب است که اصل مبارزه را قبول ندارد. ما هم توصیه ایشان را شنیدیم و درباره مسائل زندان هیچ چیز نگفتیم. و اینهایی هم که گفتند کار اشتباهی کردند. چقدر حرفها، چقدر تقسیم بندیهای کاذب از زندان بیرون آمد و این خط ساواک بود.

حسین زاده بازجوی ساواک در زندان رسماً گفته بود خط مشی ساواک سه مرحله دارد: اول مذهبی ها را از مارکیستها جدا کند. بعد بین مارکیستها اختلاف بیاندازد. سپس بین مذهبی ها. شما را بخدا ببینید این سیر انقلاب را نگاه کنید، همانطور نشد. اول مارکیستها جدا شدند بعد هم بین خود مارکیستها اختلاف افتاد. بعد هم تمام مذهبها از اول انقلاب تا حالا حذف شدند، حذف مجاهدین بود! حذف آیت ... منتظری بود! قیلس جریبان سید مهدی بود! همه حذف. تا جایی که به

اعتصاب غذا بود، عکسهای آیت ... منتظری و مرحوم آیت ... طالقانی و مهندس سبحانی و من را با هم زده بودند. اینها يك پرونده شده بودند، فکر می کنم فشار بین المللی بود و اینها را يك روز آزاد کرده اند. ما خدمتشان توی خانه رفتیم جمعیت بود و گریه و زاری و شعار قصاص می دادند. مرحوم طالقانی مرا نزدیک خود نشانده. به من گفتند که این برادرها را حتماً بینمشان و حتماً بگو زندان يك محیط تنگ نظرانه ای است. محدود است.

آقا بدلیل برخوردهائی که در اوین از سعود دیده بودند، دل خوشی از آنها نداشتند. گفته بودند دوره مجاهدین که تمام شد، مردم قیام کردند، توی خیابان آمده اند! دیگر این چه چیز است؟ این دوست ما گفته بود از جانب فلانی و این رمزمان بود و برخورد خوبی کردند. يك پاسبان آشنا را خدمت دوست ما فرستاده بودند و او هم اعتماد کرده و قضیه آدم و حوا را گفته بودند. من به این دوستم گفتم: اگر آقا این را گفت، هر کسی آمد اطمینان کن. بعد اینطور

"من می دانم که حزب

در ایران خوش نام نیست، گروه در ایران سابقه خوبی ندارد". تاسیس حزب شهادت زیادی می خواست، آنهم برای يك آیت .. که مفسر قرآن هم باشد. چرا که آخوند سیاسی بودن جرم بود. تفسیر قرآن هم در آنروزها برچسب وهابیت می خورد. ایشان می گفت: "من به این عقیده رسیده ام که نهضت آزادی را تاسیس کنیم و علاوه بر اینکه به یقین رسیده ام از قرآن هم يك تفالی زدم و این نظر را تائید کرد." این خیلی کار عظیمی بود که يك آیت ... که در حوزه علمیه مدرس بوده و به لحاظ تدریس هیچ چیز کم نداشته و صاحب رساله بوده بگوید رساله من احیای قرآن است. يك چنین آیت الهی بیاید حزب تشکیل بدهد، تشکل اسلامی تشکیل بدهد و اعتقادش راپیاده کند.

باید کرد، ندارد. خودشان وقتی پرتو را می نوشتند، می گفتند: من دارم در تفسیر به وجه تشریحی اسلام کار می کنم، راهنمای عمل.

واقعا هم اگر پرتو را بخوانید همه اش متدلوزی، روش، روش عام است. تاثیر قیامت روی امروز ما و مکانیزم عذاب را يك جورى نشان داده که می گوید: همین کاخها همین زر و زیورها است که عذاب می شود. عذاب خود خواسته است، عذاب را می سازیم. همین انباشت ثروت را که داریم، هراس داریم، پلیس استخدام می کنیم، برای حفاظت حرست داریم، ارتش درست می کنیم که ثروتمان را فقرا از بین ببرند، واقعا" يك عذاب است و "پرتوی از قرآن" جنبه های عملی و راهنمای عمل زیاد دارد.

من خودبارها به دوستانم گفتم: اگر ما آل عمران را، محکم و متشابه را قبل از سال ۱۳۵۴ می داشتیم، این ضربه نصیب مجاهدین نمی شد.

راجع به اشخاص، افراد و بچه های زندان خیلی صحبت شد. بعد گفتم حاج آقا من از در بیرون نمی روم، امکان دارد پلیس ما را بگیرد، چون از زندان آزاد شدیم روی ما حساسند.

بعد من خودم پیشنهاد کردم، اگر پلیس مرا گرفت، بگوئید: من که اینجا آمده بودم درباره هبوط آدم و حوا از بهشت سنوالاتی داشتم. يك تردیدهایی داشتم که می خواستم این مسائل حل بشود. خلاصه من يك بخشی از این روز را گفتم، يك بخش آن هم جنبه تشکیلاتی دارد که الان نمی شود گفت. بعد آمدم و محفی شدیم و يك - هفت ماهی بیرون بودیم و در عرض این هفت ماه هم دائما" در ارتباط بودیم دائما" از طریق مرحوم رجائی شش ماه و نیم در ارتباط بودیم. کتاب فرستادند. تحلیلهایشان را می دادند. بعد يك بار

پیغام داده بودند که من خواب راحت نرفته ام تا صبح شنیدم که بچه ها پول ندارند! نان و پنیر می خورند! زخم معده گرفته اند! چرا اینکار را می کنید؟ من در اختیار شما هستم.

خلاصه خیلی حمایت کردند و تحلیلهائی از روحانیت برای ما می دادند که حالا اینجا جای گفتن آن نیست. تا اینکه اواخر هفت ماه سازمان دچار تردیدهائی شده و تغییر ایدئولوژی هائی داده بود، که ما خیلی برخورد کردیم و بعد به این نتیجه رسیدیم که باید انشعاب کنیم.

به مرحوم رجائی گفتم که ما يك قرار ملاقات می خواهیم با آقا و شما به ایشان بگو. ایشان گفته بود و آقا موافقت کرده بودند. ما می خواستیم با صمدیه يك ماشین کرایه کنیم و در خیابان که آقا می روند به عنوان مسافر سوارشان کنیم و بیاوریمشان در يك خانه تیمی و مسائل سازمان را به ایشان بگوئیم که تغییر ایدئولوژی است و راه حنیف نژاد را ادامه نمی دهند.

در این فرصت بود که قضیه انفجار و شب بیست و هشت مرداد بود، می خواستیم يك کاری در اعراض به کودتای آمریکائی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که مصدق را سرنگون کردند و هر ساله جشنی می گرفتند، انجام دهیم. مشغول بمب سازی شدیم و آن شب ۲۸ مرداد ۱۳۵۳ مفتخر شدیم نابینا شویم و بیمارستان رفتیم و زندان و دیگر رابطه ها قطع شد.

بهداری زندان قصر سال  
: ۱۳۵۷

۱۶ ماه انفرادی بودم و سپس به سلول عمومی قصر رفتم، يك مدتی آنجا بودم و بعد گفتند که آقا در اوین مریض

## سینما ابزار موثر

(پانزدهمین جشنواره فیلم فجر)

### ● امیر مشهدی فراهانی

در فیلمهای روز اول در مجموع فیلم های خوب و پیام رسان بود.

در روز دوم سه فیلم به نمایش درآمد که از آن جمله کیسه برنج به کارگردانی آقای محمد علی طالبی یکی از بهترین فیلم های این روز بود به تصویر کشیدن زنان سرزمین مدارا و مهربانی تقوا و ایثار در لباس دخترکی خردسال که مادری بیوه و فراتر مادری تنها و پیر از هنر "طالبی" در کیسه برنج و با بخشی از هنر سینما در روایت رئالیسم است.

در روز سوم شش فیلم به نمایش درآمد که از آن جمله مسافر جنوب به کارگردانی آقای شهبازی فیلمی جذاب و پرمحتوا و دیدنی بود.

در روز چهارم شش فیلم به نمایش درآمد که فیلم طوفان به کارگردانی آقای محمد رضا بزرگ نیا فیلمی با موضوع بسیار روان و پرمحتوا بود.

در روز پنجم باز شش فیلم به نمایش درآمد که بچه های آسمان فیلمی بسیار دیدنی و جذاب و آموزنده بود.

البته بحث مفصل در مورد تمامی فیلمهای جشنواره نیاز به وقت بسیار دارد که ما در اینجا به طور اجمالی و

آقایان جهانگیر الماسی، محمد رجیبی، ابراهیم فروزش، نادر طالب زاده، رسول ملاقلی پور و بخش مواد تبلیغی را مسعود ترقی جاه، محمد حسین حلیمی، محمد علی رجیبی، محمود کلاری، اکبر نبوی فضاوت می کنند.

### منتقدان و نویسندگان داور

هیئت داورى انجمن منتقدان و نویسندگان سینمائی عضو خانه سینما در جشنواره پانزدهم فجر معرفی شد.

بر پایه اعلام روابط عمومی انجمن بیژن اشتری، مسعود بهاری، نغمه ثینی، جبار آذین، طهماسب صلح جو، چیستا یثربی و سعید عقیقی اعضای این هیئت داورى را تشکیل می دهند.

فیلم های ایرانی عبارتند از: مینا و غنچه، شوک، بزرگ خیلی بزرگ، دیلمات، سرعت، سفر بخیر، سفر پرماجر، کیسه برنج و...

جشنواره پانزدهم از نظر کیفیت برگزاری به نسبت جشنواره چهاردهم بسیار در سطح بالائی بود و همینطور فیلمهای تولید شده در جشنواره پانزدهم. البته بهترین فیلم باید نوآوری داشته باشد یعنی اینکه از موضوعات تازه و جدید در آن استفاده شود و از نظر کارگردانی يك سر و گردن از بقیه فیلم ها بالاتر باشد فیلمی که ایرانی بودن را عزیز بدارد فیلمی که دارای يك محتوای خوب و وجهه ملی فوق العاده باشد.

در اولین روز جشنواره فیلم های مینا و غنچه به کارگردانی آقای محمد حسین پور و جهان خادم، شوک به کارگردانی ناصر مهدی پور، بزرگ خیلی بزرگ به کارگردانی فرزین مهدی پور، دیلمات به کارگردانی داریوش فرهنگ و سرعت به کارگردانی محمد حسین لطیفی به نمایش درآمد و با توجه به مختصر ضعف

سپاس و ستایش بی کران خدای عزوجل را که نعمتهای بیرون از شمارش هر دم بر عالم و عالمیان فرود می آید و بندگانش را یارای شکری در شان او نیست. پس همان به که لب فرو بندیم و عذر تقصیر به درگاهش آوریم.

پرودگاری که از جمله نعمتهایش ماه صیام و شبهای قدر و عید فطر است و چه مبارك است تقارن این ماه و این ماه با عید فجر انقلاب.

و چه نیکوست که هنرمندان و کوشندگان عرصه هنر جشن سالانه خود را در این ایام فرخنده آغاز می کنند و بدین امیدند که این حسن تقارن در های رحمت بی کران الهی را بیش از پیش بروشان بگشاید.

پانزدهمین جشنواره بین المللی فیلم فجر در ساعت ۹ صبح روز ۲۱ بهمن ۱۳۷۵ در سینمای مطبوعات (سینما فلسطين) با حضور تعداد معدودی از خبرنگاران و سینماگران متعهد آغاز به کار کرد.

در مقابل سینما فلسطين که درب ورودی و شیشه های آن با پوستهای زیبا جشنواره پوشیده شده است جلب نظر می کند.

در پانزدهمین جشنواره فیلم فجر ۳۱ کشور جهان شرکت دارند. آثاری از آرژانتین، آلمان، اسپانیا، انگلستان، استرالیا، اوکراین، آمریکا، ایتالیا، بلژیک، بوسنی، تایوان، ترکیه، چک، چین، روسیه، ژاپن، سری لانکا، سنگاپور، سوئیس، لهستان، قرقیزستان، کانادا، کره جنوبی، لبنان، فرانسه، مالزی، مجارستان، نیوزلند، هند، هنگ کنگ و یونان به نمایش درمی آید.

### داوران جشنواره

بخش مسابقه سینمای ایران  
پانزدهمین جشنواره بین المللی فجر را

خود آقای رفسنجانی دارد می کشد، اینجور پیش بینی ایشان با عظمت بود. این مرد، موحد عجیبی بود. من که عذر تقصیر به پیشگاهشان دارم.

نقش هدایتی آیت ... طالقانی:

من که مدیونم و يك خاطره ای خیلی عجیب است. در زندان اوین بودم توی سلول ۱۶ ماه، تك و تنها بودیم. با مرحوم طالقانی خیلی مانوس بودیم. هر وقت يك ضعفی در من ایجاد می شد، می گفتم: اگر از من فلان مطلب را خواستند، می گویم تا فشار از روی من برداشته شود. يك دفعه قیافه طالقانی با آن چشم های عمیقش زیر عینك جلوی من می آمد. گفت: لطف ... اگر لو بدهی، هر چه دیدی از خودت دیدی! واقعا ترسیدم. یعنی صادقانه بگویم اینقدر که از آقا می ترسیدم از خدا نمی ترسیدم. جدی می گویم. واقعا در آن دورانی بود که من می گویم اگر خدا مرا تعالی ندهد، خدا نمی تواند باشد.

می دیدم این خدائی که ما خودمان اثبات کردیم با برهانهای مختلف، حرکت آنزویی، منطق و اینها که من اثبات کردم، نمی توانند مرا تعالی بدهند.

ولی طالقانی می تواند مرا تعالی بدهد. طالقانی می تواند به من ترمز بزند و تقوا ایجاد کند و می تواند عقال بزند به من که این کار را نکن! ولیکن از متافیزیک و ماوراء الطبیعه آنجوری تعالیم نمی داد، که واقعا يك مشکل فکری بود راه می رفتم، سرم به دیوار می خورد، به زمین می افتادم، اینجوری با خدا درد دل می کردم و واقعا هم خدا مجاتم داد که باید از خود خدا کمک گرفت.

امداد را باید از خدا گرفت اگر ما اثبات کنیم خدا را، این خدا نمی تواند کمک نکند. این را گفتم که شما بدانید طالقانی توی تمام رگ وریشه های ما

حلول کرده بود توی تمام مویرگهای ما وجود داشت.

یعنی اینقدر ما دین داریم و نسل جوان ما اینقدر دین دارد! واقعا يك پسر جوانی بود! خیلی جوان بود! جوان فکری می کرد و جوانها را زیر بال خودش نگه می داشت.

آخرین ملاقات در رمضان  
۱۳۵۸

آخرین ملاقاتی که داشتیم ماه رمضان بود. یکبار دم افطار با آقای شریف زاده منزلشان رفتیم، آقا روزه بودند و يك مقدار حال و احوال ما را پرسیدند و گفتند: روحانیت که تجربه اداره مملکت را ندارد، شما روشنفکرها، جوانها وحدت خود را حفظ کنید! دست اتحاد به هم بدهید! چرا نمی کنید؟ ما سرش را گفتیم و گفتیم که چه برخوردهایی با ما شده است! این مسائل از جانب ما نبوده، بعدا هم ایشان پیگیری کردند و گفتند که فکر می کنید من مجاهدین را نمی شناسم. اینها می خواهند ریش مرا بگیرند و دنبال خودشان بکشند. علت این که با آنها برخورد می کنم، این است که ترس دارم بروند خانه تیمی تشکیل دهند و اسلحه، بمب، انفجار و غیره این جریانها تکرار شود. بالاخره باید اینها را داشت و برخورد کرد.

حقیقتا احساس می کنم يك پدر، يك بزرگی لازم بود تا با این جوانها که عصیانگرند اینگونه پدرانه برخورد کند و تابع آنها نیز نشود.

امیدواریم با کسب صلاحیت بتوانیم راه او را ادامه دهیم.



• عوامل جذابیت در فیلم کدام است؟

◆ برخلاف چند کار گذشته ام که ملودرام بوده اند، سعی کردم در این فیلم حرفی را که از دل برمی آید و بردل می بیند بزنم. به عبارتی صداقت و دوستی این فیلم بیشتر مطرح است. به هر حال بافت این کار به گونه ای بود که درست داشت.

چرا زن را به عنوان شخصیت اصلی برگزیدید؟

◆ فسه بیشتر فیلم های خانوادگی از تنه فیلم قبلی خودم بقرار را که مرد ملو می برد و حضور زن در آنها کم رنگ است. اما تلاش من در این فیلم این بود که حضور زن يك بعدی نباشد و طرح کاملی از زن ایران امروز را نشان بدهم.

• آیا فیلم را شناسسته دریافت جایزه می دانید؟

◆ من اصلاً به جایزه فکر نمی کنم. البته نمی خواهم منکر آن هم بشوم اما دوست دارم فیلمم هم از نظر فرهنگی و هم از نظر اقتصادی بتواند برای مخاطب جذاب باشد. این ارتباط سالم مخاطب با فیلم، برای من به مراتب از جایزه مهم تر است

• سینمای ایران به چه فیلم هایی بیشتر احتیاج دارد؟

◆ سینمای ایران با شرایط جامعه امروز خیلی قصه های گفته شده دارد و جوان

ها چیزهای تازه و بکر می خواهند. چیزهایی که رنگ و بوی زندگی و حقیقت را داشته باشند و مهمتر از آن اینکه کلیشه ای نباشند.

• شخصیت زن فیلم تا چه اندازه به زنان امروزی جامعه ما شباهت دارد؟

◆ او نمونه زنی است که در شرایط امروزی اجتماع خودمان می توانیم او را بینیم و فقط چیزی که نبوده که در ذهن من باشد. حضور زنی است که در شرایط اجتماعی امروز را خیلی خوب می بینیم.

• چرا فیلم "زن امروز" نام دارد؟

◆ این اسم را دوست دارم در آغاز نام دیگری داشت. تولید فیلم که جلو رفت احساس کردم باید نام آن را عوض کنم. "زن امروز" جدا از کل محتوای فیلم نبود.

• چرا شخصیت های فیلم نجسب هستند مثل آن جوان بسیجی!

◆ فکر می کنم این نظر دوست سوال کننده است. احساس من این بود که این نوع شخصیت را در شرایط امروزی جامعه داریم. او آدمی است که می آید و می تواند مرد این خانواده بشود.

• فکر می کنید درآذهان عمومی

از فیلم استقبال شود؟

◆ خوشحالم که در جلسه مطبوعاتی هم، دوستان نگران فروش فیلم ها هستند. همیشه احساس این بوده که در این جور جاها زیاد به فروش فیلم علاقه

ای ندارند. نمی توانم مطمئن جواب بدهم. فیلم تا با مخاطب برخورد نکند نمی تواند جواب خودش را بدهد.

• از موسیقی فیلم راضی هستید؟

◆ بله، صحبت هایی با آقای آزاد مانیان داشتیم و می خواستیم اگر صحنه ای به سمت غم می رود. موسیقی به کمک آن نرود. سرسکانس عروسی هم نخواستیم طبق سنت از موسیقی عروسی استفاده کنیم.

• آیا استفاده از لوکیش ارگ، بم، کارخاته شهاب و... با کمک مالی این موسسات بود؟

◆ هنوز فکر می کنم در سینمای حرفه ای ما این نوع مناسبتها به وجود نیامده است، اگر این اتفاق بیفتد کمک خوبی به صنعت سینمای ما می شود. در این زمینه در ارگ جدید بم قدم هایی برداشتیم و آنها پنجاه درصد هزینه کار ما را پرداخت کردند.

مختصر به فیلم های جشنواره می پردازیم.

در روز ششم سه فیلم به نمایش درآمد که فیلم نه لالا و فرزندان بسیار دیدنی و پرداختن به يك موضوع عاطفی و در نوع خود كم نظیر بود.

## تجدید میثاق دست اندرکاران و هنرمندان سینما با بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

در آستانه نوزدهمین بهار آزادی هنرمندان سینما به همراه مسئولین و دست اندرکاران شرکت کننده در پانزدهمین جشنواره فیلم فجر مرقد مطهر حضرت امام خمینی و مزار شهدای انقلاب و جنگ را زیارت کردند.

در صحن مطهر حضرت امام خمینی آقای سید عزت الله ضرغامی معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طرف حاضرین ضمن بیعت مجدد هنرمندان سینما با آرمانهای بلند حضرت امام گفت: امام راحل در چنین ایامی و در چنین مکانی در اولین سخنرانی تاریخی خود پس از تشریف فرمایی به ایران فرمودند ما با سینما مخالف نیستیم ما با فساد و فحشا مخالفیم.

امروز پس از گذشت ۱۸ سال خدا را شکر می کنیم که سینمای ایران به دور از هر نوع فساد و در جهت اجرای رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام رهبری گام برمی دارد و ما عهد و پیمان می بندیم تا سینما را به عنوان ابزاری موثر برای ارتقاء ارزشهای والای اسلامی و دینی مورد نظر آن روح هنرمندان سینمای ایران بار دیگر با آرمانهای بلند بنیانگذار انقلاب اسلام الهی به کار گیریم.

آنگاه هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور سردار رحیم صفوی قائم مقام فرمانده کل سپاه برای زیارت قبور طهر شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به قطعه شهدا رفتند و مزار آنها را گلباران کردند.

این گزارش تا روز ششم جشنواره تهیه شده است و مابقی گزارشها به همراه عکسهای ویژه جشنواره و گزارش کامل مراسم اختتامیه یکجا تقدیم شما خواهد شد. در ضمن در حال حاضر آقای حمید لبخنده کارگردان سریال در پناه تو به علت ساختن فیلم جدیدش به مسافرت رفته است و قرار قبلی ما به ۱۳۷۵/۱۲/۱۰ موکول شد.

## گفتگو با آقای قاری زاده کارگردان فیلم "زن امروز"

یکی از فیلمهای پانزدهمین جشنواره فیلم فجر

● امیر مشهدی فراهانی

### ● قصه زن امروز چیست؟

◆ زن امروز سرگذشت يك زن نمونه ایرانی به نام لیلاست که در سفر به ارگ بم به همراه سه دخترش خبر دستگیری شوهرش را به جرم اختلاس می شنود و به تهران می آید. او درگیر ماجراهای اقتصادی شوهرش می شود و با از دست دادن خانه و زندگی به خانه مادری باز می گردد. او در این وضعیت می کوشد روی پای خود بایستد.

### ● قالب فیلم باز هم ملودرام است؟

◆ خیر، البته من از قالب ملودرام بدم نمی آید اما قالب این فیلم ملودرام نیست. بلکه سعی کرده ام فیلمی خانوادگی و کمی هم اجتماعی بسازم. شخصیت زن فیلم نشانه هایی از زن ایرانی را دارد.

### ● چه شد که به مسائل اقتصادی و اختلاس و رشوه و... پرداختند؟

◆ راستش بیشتر به خاطر مسائل روز، وقتی در خیابانهای تهران این همه برج می بینیم که مثل قارچ همه جا سبز می شوند از خود می پرسم این پولها از کجا آمده است.

### ● پس فیلم لحن انتقادی دارد؟

◆ خیر! اگر فیلم لحن انتقادی داشته باشد دیگر فیلم نیست و خوب در نیامده است. فیلم بیشتر به قصه زن و زندگی می پردازد.

### ● مخاطب اصلی فیلم هم زنان

جامعه هستند؟

◆ بله، متأسفانه برد تبلیغات برون مرزی علیه زنان ما بوده است. در حالی که امروزه در اکثر خانواده های ایرانی به دلیل شرایط بد اقتصادی، زنان مدیریت خانواده را بر عهده دارند و زندگی را سر و سامان می دهند. حتی فروش فیلم نیز بسته به جلب نظر مخاطبان زن است.

## خودسوزی زنی در خیابان روشن کوچه شهید علیرضائی حادثه آفرید.

در تاریخ ۷۵/۱۱/۱ زنی به نام لاطمه سیددوست به علت اختلافات خانوادگی با همسرش اقدام به خودسوزی کرد که در اثر این حادثه، زن جان خود را از دست داد.

همه روزه ما شاهد چنین وقایعی هستیم. آیا این صحیح است که زنی در چهارچوب يك اجبار و در اثر فشارهای عصبی ناشی از اختلافات خانوادگی دست به خودکشی بزند. انشا... المراد، بامنطق و با بهره گیری از يك تفکر صحیح اقدام به حل مشکلات خود نمائید.

## گویچه

این روزها خبری بین خبرنگارهای خارجی اوج گرفته است که آمریکا در صدد نشان دادن ضرب سستی به ایران است و اینهم باین دلیل است که کشورهای دیگر ادعا کرده اند که بمب گذاری در مقر آمریکائیان در "ظهران" توسط افرادی انجام شده که سه نفرشان در ایران بر مسی برند و یک نفر هم در زندان سوریه از بین رفته است و ایران برایش مراسم ختم برگزار نموده است. پیام هاجر: با هر کس باید با سلاح خودش جنگید تا خلع سلاح شود.

## بستن مغازه ها بهنگام ورود آقای ناطق نوری

شنیدم یکروز قبل از ورود آقای ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی به استان مازندران، نیروهای انتظامی بزور مغازه ها را بست و مردم خیلی ناراحت شده بودند!

دوستی می گفت: این عمل تنها مربوط به استان مازندران نیست در همه جا چنین کردند اگر این کار را نکنند جمعیت استقبال کننده زیاد نمی شود.

پیام هاجر: بالاخره از بیکاری بهتر

است ۱۱

## زمین لرزه ای به قدرت ۶/۲ ریشتر شهرستان بجنورد را به لرزه درآورد

آقای بشارتی وزیر محترم کشور ضمن بازدید از مناطق زلزله زده دستورات لازم را صادر فرمودند.

با توجه به شدت قدرت تخریب و ریزش کوهها در سه روز اول مشکلات زیادی از جهت کمک رسانی و تامین آذوقه از طریق راههای زمینی وجود نداشت و بعثت ورودت هوا و ریزش برف هلیکوپترها نیز از طریق هوا قادر به کمک رسانی نبودند.

کمکهای صورت گرفته در سه روز اول حادثه از سوی مردم انجام گردید و در تاریخ

۷۵/۱۱/۲۱ هلال احمر جمهوری اسلامی کلیه خدمات را بعهده گرفته است.

این زمین لرزه، پس لرزه هائی بدنبال داشته که در روز اول ۳۹۰ پس لرزه گزارش گردیده است و در تاریخ ۷۵/۱۱/۲۰ حدود ۹۰ پس لرزه گزارش گردیده که بزرگترین آنها حدود ۴/۲ ریشتر قدرت داشته است.

آقای زرگر معاونت عمرانی وزیر کشور ضمن اختصاص پنج میلیارد ریال از سوی دولت و بازدید از مناطق زلزله زده به یاری هموطنان عزیز آمده و ضمن اظهار همدردی طلب صبر برای بازماندگان حادثه اخیر نمودند.

زمین لرزه ای به قدرت ۶/۲ ریشتر در تاریخ ۷۵/۱۱/۱۸ در فاصله ۲۵۰ کیلومتری شمال شرقی مشهد شهرستان بجنورد را به لرزه درآورد که قدرت آن را کشورهای چین و آلمان در حدود ۶/۷ ریشتر گزارش کرده اند.

بدنبال این زمین لرزه در حدود ۱۷ روستا بطور صددرصد تخریب شده و ۲۰ روستا بیش از ۵۰ درصد آسیب دیده است و متجاوز از دو هزار خانوار بی خانمان گردیده اند.

تعداد کشته و مصدومین حادثه تا این تاریخ ۷۹ کشته و ۳۵۰ نفر زخمی گزارش شده است که بیشترین مصدومین بطور سریانی معالجه گردیده اند.

بدنبال تخریب روستاها حدود پنج هزار راس دام فاقد محل، نگهداری شده و به شهرستان بجنورد انتقال داده شده اند که بعد از بازسازی در اسرع وقت به روستاها انتقال داده خواهند شد.

با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری و دولت خدمتگزار، آیت... غیوری که نماینده مقام معظم رهبری در سازمان هلال احمر هستند به شهرستان بجنورد آمده تا ضمن همدردی و ابلاغ پیام معظم له مشایعت لازم بعمل آید و همچنین

وزارت خارجه ژاپن اعلام کرد یکصد هزار دلار به زلزله زدگان استان خراسان کمک می کند. خبرگزاری فرانسه از توکیو خبر میدهد که در این زلزله که در شمال شرقی ایران رخ داده است ۸۰ کشته و حدود چهار هزار نفر بی خانمان شده اند.

پیام هاجر: ضمن عرض تسلیت به خانواده های مصیبت زده با وقوع زلزله اخیر در منطقه آذربایجان (اردبیل) که تاکنون بیش از هزار نفر کشته و چندین نفر مجروح و بی خانمان داشته است هشدار می دهیم برای دولت، مردم و موسسات زلزله شناسی که با يك برنامه ریزی سراسری موقعیت کشور و بالاخص روستاها و شهرستانها را از طریق آموزش و بناهای محکم در مقابل زلزله تحکیم بخشند.

# شنیدیم که:

## سفیر ایران در ترکیه

آقای باقری سفیر ایران در ترکیه (آنکارا) در مراسم روز قدس در منطقه سینجان که بدعوت شهرداری منطقه آقای "بکیل یلدیر" انجام شده بود شرکت و سخنرانی می کنند، سخنان ایشان همان سخنانی بوده که هر ساله و همیشه ایراد می شده است. در مورد بنیادگرایان می گویند: کسی بنیادگرا است که نماز می خواند و روزه می گیرد و مقداری راجع به روز قدس صحبت می کند و ماکت قدس را نشان می دهد.

در پی ایراد این سخنان رسانه های ترکیه حمله خود را متوجه بنیادگرایان و ایران می نماید و شهردار منطقه سینجان را تغییر می دهند و عده ای همراه شهردار روانه زندان می شوند و یکی از نویسندگان مبارز بخاطر عکس آقای موسی صدر و دکتر شقایق و موسوی به زندان می رود و بالاخره لایکها مدعی شدند که عکسها را ایرانی ها به آنان داده اند. تانکهای ارتش فردای آنروز وارد "سینجان" می شوند.

لایکها و چپی ها شعار میدادند "تانکهای ارتش برای کوباندن مسلمانها آری ولی برای مردم خیر (مسلمانان جزء مردم نیستند)!!"

آنها فریاد می زدند که اینها تبلیغ حکومت اسلامی می کنند. از وزارت امور خارجه ترکیه به سفیر ایران اعتراض می کنید که شما چرا علیه اسرائیل صحبت می کردید؟! سفیر ایران هم در پاسخ می گوید چرا هنگامی که اسرائیل علیه ایران صحبت کرد شما سکوت کردید؟! می گویند کجا صحبت کرده؟ بلافاصله سفیر از آرشیو روزنامه ای که اسرائیل علیه ایران صحبت کرده به آنان می دهد و آنان شرمند می شوند.

همچنین آقای اربکان در ملاقات با سفیر ایران در این رابطه می گوید: "شما چیزی خلاف اعتقاد ما نگفتید! ولی فشار لایکها و اسرائیلی ها آنقدر زیاد می شود که سفیر و کنسول به ایران برمی گردند.

توضیح آنکه آقای باقری هفت سال در سفارت آنکارا مشغول خدمت بوده و دوره خدمت ایشان تمام شده، لیکن وزارت امور خارجه ترکیه از ایشان خواسته بود که خدمتش را در ترکیه ادامه دهد!

آخرین هکتوب مرحوم آیت الله پسندیده

۱۳۷۵، ۶، ۲۲

خداوند کریم و شاکرم که بفرمودت حرکت ما از رخ نسیب...  
 میز بر جرم نماز از سر سال... همانا در نه که بریند نه برینم نه برین سالی...  
 رکنین استب و علیه برک و در گرد عزت آیت... اما تا در حرکت تم و در این است...  
 مبرون و مبرم ترانم... کج این رفیق ما یانم که عرض قنیت فردا...  
 مقدران و مقدس و عزیز دیرت و ما زمانه عزت و ممت در آن حضرت در روزگار...  
 سالگرد (صفت آثار ابریت) تقدیم کنم... ما برضا ایان حمیه و با جرم قابل...  
 است

مق و مبرم میبایم که بیدر فاضل و مهادت و مدها و مبرم ما شده...  
 حنیب... مبرم مبرم ما مبرم... مبرم مبرم که او مبرم مدها مدها...  
 مبرم مبرم... مبرم مبرم... مبرم مبرم...  
 مبرم مبرم... مبرم مبرم... مبرم مبرم...  
 مبرم مبرم... مبرم مبرم... مبرم مبرم...

پسندیده

۱۳۷۵/۶/۲۲

پسندیده

خلیفه کریم و شاکرم که اگر توان حرکت را از من سلب کرده، سالی دیگر بر عمر متجاوز از صد سال من اضافه فرموده که هر چند نتوانستم در مجلس سالگرد رکن رکنین انقلاب و مجاهد بزرگ و بزرگوار حضرت آیت الله طالقانی شرکت کنم و از این بابت بسیار مغبون و مغموم و متألمم، لیکن این توفیق را یافتیم که عرض تسلیت خود را حضور مردم قدر دان و قدر شناس و عزیز ایران و خانواده مغز و معظم و گرامی آن حضرت و برگزار کنندگان سالگرد (نهفت آزادی ایران) تقدیم کنم. جای خالی ایشان همیشه و بجای همه قابل احساس است.  
 موقع را مفتش می شمارم که یاد و خاطره و مجاهدات و خدمات فراموش ناشدنی مرحوم جناب آقای مهندس مهدی بازرگان را نیز لایح بودم که اجر ایشان در نزد خلیفان سبحان محفوظ و ملحوظ است. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.  
 سلیم ترغی پسندیده

همشهری، ۷۵/۱۱/۱۵

با اصلاح لایحه بودجه سال ۷۶ در مجلس

### لایحه بودجه سال ۷۶ به دولت ابلاغ شد

سرویس سیاسی: ایرادهای شورای نگهبان به لایحه بودجه سال ۷۶ کل کشور در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی بررسی شد. به گزارش خبرنگار همشهری، در این جلسه، مدیر کمیسیون اصلی بررسی بودجه در گزارش خود گفته بود شورای نگهبان ۲۸ مورد ایراد به لایحه بودجه گرفت که به در بخش قابل تقسیم است، یکی از نظر مطابقت مصوبات با شرح و دیگری مطابقت با

تقوین اساسی: تریبیت گفته شورای نگهبان در نهمه های ۶ و ۸ مجازات افراد مصرود پرداخت وامهای بانکی را غیررسمی دانسته است و لذا در این نهمه کمیسیون اصلی بودجه عدم پرداخت وام بدون علم بودجه و صرف در اموال محسوب شده و مجازات دارد. وی گفته بیش از ۴۰ مورد از ایرادها در مورد عدم لید سال ۱۳۷۶

در نهمه های مختلف بود که کمیسیون این ایرادها را نیز رفع کرد زیرا لایحه بودجه مربوط به یکسال است و نس تران در آن حکم کلی دارد. مدیر کمیسیون ایراد دیگر شورای نگهبان را نیز عدم ذکر ردیف بودجه ای در بخش از نهمه های لایحه ذکر کرد. وی در پایان گزارش خود گفته: لایحه بودجه سال ۱۳۷۶

کمترین ایرادها را نسبت به مصوبات مجلس در سال جاری داشته است و این به دلیل توجه دولت در تنظیم بودجه، دقت کمیسیون و تأیید نظر آنها توسط نمایندگان مجلس بوده است. در نهمه ۳۴ نیز اعتبار مربوط به استخدام ۱۵۰۰ نفر نیروی انسانی، مورد نیاز وزارت امور اقتصادی و دارایی برای بازنگری در تشکلات و روشهای دریافت مالیات، تا سقف ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال تعیین شد.

در نهمه ۵۹ تا سقف ۲۷۱ میلیارد ریال از مبلغ درآمد مربوط به ۵۰ میلیارد ریال آبرسان صدا و سیما، برای اجرای اهداف این سازمان در نظر گرفته شد. مصوبات دیروز مجلس شورای اسلامی برای اصلاح نظر شورای نگهبان به این شورا فرستاده شد. مجلس بعد از ظهر دیروز تصویب نهایی لایحه بودجه سال ۷۶ کل کشور را اعلام و آن را به دولت ابلاغ کرد.

### هنگامی که مدیر فرودگاه از دوربین ورودها و خروج ها را کنترل می کند!

ساعت یازده و نیم شب از هوایمای سوریه پیاده و وارد محوطه فرودگاه شدیم حدود پنج صف تشکیل شده بود که باید مهر ورود در داخل پاسپورتهایمان زده می شد. هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که دو هوایمای دیگر نشست و عده زیادی مسافر وارد سالن شد. مسافران قبلی هنوز تکان نخورده بودند. حدود یکساعت گذشت هنوز در صف دریافت ویزا ایستاده بودیم، بالاخره یکی از دفتراها مراجعه کردیم و مشکل ایستادن در صف و نداشتن وقت و سختگی مسافرتی را مطرح کردیم و درخواست نیروی کمکی کردیم، آنها اظهار داشتند که اگر می توانید به مراجع بالاتری شکایت کنید ما که هر قدر تذکر می دهیم بی نتیجه است، این کامیوترها که می بینی دکور است کار نمی کنند، نیرو نداریم. یکی از مسافران اظهار داشت دوربینی که در روی سقفها نصب است برای این است که مدیریت موقعیت ورود و خروج را بررسی و سپس اقدامات لازم را انجام بدهد!! آیا هم اکنون مدیریت فرودگاه از اوضاع داخل سالن ورودی اطلاع ندارد؟ آیا از دوربین شرایط را کنترل نمی کند که مسافری وارد شدند؟! حدود دو ساعت روی پا ایستادیم. بخصوص هنگامیکه مسافری چند هوایمای پرجمعیت مانند سوریه، مکه و.... وارد فرودگاه شدند. شرایط (مثل این بار) خیلی مشکل تر میشد. گمرکی ای است که به جزئی ترین و کوچکترین شی بسته می شود، تمام بسته بندیها اعم از کتاب، کاغذ، پارچه، لباس حتی گاهی وسایل شخصی باید توسط آقایان و خانمها بازدید شود در حضور صدها چشم لباسهای زیر و رو مردم بیرون ریخته می شود! اگر مسافری از مکه، سوریه و ترکیه باشند بار زیاد دارند چون اغلب با حرص و ولع عجیبی برای فرزندان و عزیزانشان سوقاتی تهیه می کنند.

وقتی تراکم فرودگاه چندین برابر می شود عده افراد گمرک زیاد می شوند، آنوقت خاتم رئیس گمرک فرودگاه حضور پیدا می کند تا زودتر مسافران را راه بیندازد و روی ورقه گمرک می نویسد: "پانزده هزار تومان، دوازده هزار تومان و.... برو پرداخت کن یا بارت را ببر!" از طرفی خانمی با یک بچه و با داشتن چندین بسته بزرگ وارد شده است با یک باربر که چرخ در اختیار گرفته هم آهنگی می کند و باورش می دهد که خیلی آرام تمام بارش از فرودگاه خارج می شود!! کسانی که گمرک دیگر کشورها را دیده اند می دانند در هیچ نقطه ای از دنیا مردم برای ورود به کشوری چنین مشکلاتی را نباید طی کنند که برای یک قطعه و یا وسیله کوچک و بی ارزش باید گمرکی بپردازند آنها با چند بار رفت و آمد! مگر نه این است که حکومت باید برای آسایش مردم بطور صحیح شروع بکار کند؟! آنوقت این مردم با اعصاب خرد شده به اقوامی که ساعتها در انتظار آنها بوده اند، روپرو می شوند و اثرات روحی خود را به آنها منتقل می کنند. این خاتم رئیس گمرک فرودگاه کیست؟ آیا بر اثر صداقت و امانت باینجا رسیده است؟! یا خوش خدمتی های نامطلوب!؟

### گزارش کوییتون از دیدارها، گفتگوها و مشاهداتش در ایران

### ایران، نماینده ویژه و حقوق بشر

روز پنجشنبه ۲۲ آذرماه، در بنجاه و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطنامه ای با ۷۶ رأی مثبت در برابر ۲۰ رأی منفی و ۲۵ رأی ممتنع به تصویب رسید که در آن از وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی شده بود. این قطنامه، بی هیچ تفسیری همان قطنامه مصوب کمیته سوم مجمع عمومی در نهم آذرماه بود که برپایه گزارش موزیس کوییتون، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ایران تنظیم شده بود. این گزارش که در ۲۰ مهرماه به کمیسیون حقوق بشر ارائه شد و همچنین قطنامه مصوب کمیته سوم، واکنشهایی را از سوی مسئولان و مطبوعات کشورمان به دنبال داشت. در همه این واکنشها دو نکته مشترک بود. یکی تاکید بر این موضوع که گزارش دوم کوییتون با گزارش قبلی وی که پس از دیدار از ایران به کمیسیون حقوق بشر ارائه داد، متفاوت است و دوم این که بیانیه کمیته سوم مجمع عمومی زیر فشار کشورهای غربی و به عنوان ابزاری برای مقاصد سیاسی تصویب شده است. دکتر محمدی سخنگوی وزارت امور خارجه پس از تصویب قطنامه در کمیته سوم گفت: «اگر قرار باشد هم آقای کوییتون از مطالب غیرمستند در گزارش خود استفاده کند و هم کمیته سوم حبه های مثبت گزارش نماینده ویژه را نادیده بگیرد، بدیهی است در چنین شرایطی همکاری با مشکل مواجه خواهد شد.» البته تفاوتهایی نیز در این واکنشها دیده می شد که از اختلاف نظری قدیمی مابین ما می گسترند. در واقع سالهاست که هرگاه مجمع عمومی یا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قطنامه ای در مورد ایران صادر می کند و یا وقتی قرار است نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر به ایران بیاید، بحث بر سر لزوم یا عدم لزوم همکاری با کمیسیون یا پذیرش نماینده ویژه به میان می آید. از یک سو عده ای معتقدند که این دیدارها در نهایت به عنوان ابزاری سیاسی علیه ما به کار گرفته می شود و از سوی دیگر برخی بر این باورند که بی پاسخ گذاردن این قطنامه ها و درخواستهای خنثارت رزیان نخواهد بود و ما را متغیر می کند. به این ترتیب در حالی که برخی از مطبوعات قبول تقاضای دیدار مجدد نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر از کشورمان را اجاره دادن به

بیگانگان برای بازی با خدشات مردم مسلمان سرزمین اسلامی مان توصیف می کنند، گروهی دیگر نظرگاه متفاوتی دارد، چنانکه دکتر محمدی سخنگوی وزارت امور خارجه در خصوص تقاضای دیدار نماینده ویژه گفت: «ما اعتقاد جدی به بهبود وضع حقوق بشر در جهان داریم و چون قطعه ضعیفی نداریم به عنوان عضو سازمان ملل متحد با این سازمان همکاری می کنیم.» البته همانطور که گفتیم این اختلاف نظر قدیمی است. سال گذشته نیز چند روز قبل از آن که مورس کوییتون، نماینده ویژه جدید کمیسیون حقوق بشر به ایران بیاید نیز این بحث بار دیگر در گرفته بود که چرا بازم اجاره می دهیم نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر از ایران دیدار کند، مگر نه آن که دو سال پیش درخواست دیدار گالیندویل، نماینده قبلی کمیسیون را به خاطر گزارشهایش قبول نکردیم؟ برخی حتی معتقد بودند که اصولاً چه لزومی دارد ما با این نهادها مذاکره و گفتگو کنیم؟ در همان روزها، دکتر ولایتی در پاسخ به این توضیح که اصلاً در این مجالس، از جمله در کمیسیون حقوق بشر شرکت نکنیم، گفت: «برای وزارت خارجه بسیار راحت تر است ایستاد برخورد کند. این کار تقریباً هیچ زحمتی ندارد و بسیار هم مقبول می افتد و در داخل هم همه می گویند وزارت خارجه محکم برخورد کرده است. این آقای دکتر محمدی طرف دو ساعت بیانیه اش را می نویسد. این مثل یک بزرگراه می ماند که اسفالت است و زحمتش ندارد ولی جاده دومی که انتخاب کردیم بسیار پر فرسایش و آسیب است و ممکن است پای ما در جاده بیفتد. اما چرا این راه را انتخاب کردیم؟ آدم یک موقعی می خواهد در خدمت کسی که به کشور می کند مردم خوش را فریب بدهد لذا کارهایی می کند که ظاهر فریبده ای دارد اما در باطن معلوم نیست که این کار خدمت باشد. ما با احتمال فایده ای که می دهیم به این سمت پرمخاطره می رویم و از آن جاده صافه مستقیم و بدون دست انداز عبور نمی کنیم.» دکتر ولایتی در پاسخ به کسانی که هیچ فایده ای در این کار نمی بیند گفت: «این مسائل آثار عملی در زندگی ما دارد. شما می روید از کشوری جنس بخیرید می گوید حقوق بشر را درست کنید تا جنس به شما

ایران، ۷/۱۱/۷۵

#### یادداشت خبرنگار

**چه کسی مقصر است!**

به مناسبت دومین سالگرد درگذشت مرحوم مهندس مهدی بازرگان مراسم راهپیمایی در شهرهای مختلف کشور بزرگ حمله تهران، طی دو هفته گنت برگزار کردند.

در مراسمی که روز پنجشنبه ۲۲/۱۱/۷۵ در حسینیه ارشد برپا شد، چهار نفر از جمله دکتر سبحانی، ساعت ۲/۵ ساعت برای حاضرین سخنرانی کردند. در حسینیه این مراسم نیز، نمایشگاه و فروشگاه کتاب از آثار مرحوم بازرگان نظیر «بوسه بر آرزو» مرحوم در قم نیز، مراسمی که با سخنرانی دکتر مهدی بازرگان بود، برگزار شد. برنامه مشابهی نیز، روز یکشنبه اول بهمن ماه در مسجد و لیبر (صح) شیراز به انجام رسید که با حضور دکتر فرهادی برزی، یک نفر دیگر سخنرانی کردند.

در مشهد نیز، مراسم در حسینیه بازرگان در مسجد السی برگزار شد و چهار نفر از جمله عبدالعلی بازرگان فرزند مرحوم بازرگان، ساعت چند ساعت برای شرکت کنندگان سخن گفتند. مراسم مشابهی را نیز، همعصران مرحوم بازرگان در چند شهر دیگر کشور، حر فصلی آرام برپا داشتند.

روز پنجشنبه چهارم بهمن نیز، مراسمی در تالار نگاه تهران برپا شد که برگزار کنندگان آن می گویند هدف از تشکیل این مراسم، تکرار خاطراتی حاوی آموختن درسهای این بزرگوار است. با فرض صحت ادعاها با توجه به اینکه برنامه های یادبود مرحوم بازرگان در تهران و نقاط مختلف کشور به آرامی برگزار شده بود، مسئله ایجاد احتفال در مراسم تالار نگاه جای تأمل دارد. چه آنکه لیگوه حرکت ها، همواره خود را یک تظاهرات برای فرستادن طعنه فراموش کرده است. این مسأله با مانی از فرصت جانی افرادی است که قصد سوء استفاده از فضای آرام و آزاد موجود و تلقین سود جیبی فزاینده را دارند و با از ناحیه کسانی است که تلاش دارند، جوایز و مقررات موجود را که ضامن آرامش و امنیت جامعه است، برپا بگذارند.

در هر صورت این مهم در عهده نیروی انتظامی به عنوان حافظ نظم و امنیت است که با بررسی دقیق امور، موضوع را روشن کند و اگر پای افراد خاطی در میان است، با وجود دانستن راه را بر فرصت طلبان و ناآگاهان در آینده سد. طاهر سعادی

#### چندی پیش، چندی پس!

چندی پیش، طالبان، حیاتی را برای مذاکره به تهران اعلام خواهم کرد. وزارت خارجه، از طالبان برای سفر به تهران دعوت شده است. چندی پس، وزارت خارجه، از تمام گروههای فعال برای سفر به تهران دعوت کردیم حتی طالبان. طالبان از ما برای سفر به تهران دعوت شده است. و حالا در تهران، حضورتان در نشست افغانستان در تهران نماینده طالبان حضور دارد. وزارت خارجه، نشست تهران بدون حضور طالبان تشکیل شده است. و حالا در کابل، حضورتان، هیأت طالبان اعلام شد؟ طالبان، به برنامه ریزی شده و بروی اعلام می شود. خبرنگاران، کجا؟ نشست صلح تهران. طالبان، به دعوت لریکنی ها به واشنگتن.

## روز یکشنبه اول هر ماه

روزهای یکشنبه اول هر ماه جلسه بررسی حقوق زنان و قوانین موجود و موقعیت مجلس شورای اسلامی در محل مجتمع نجم تشکیل می گردد. در نشست ماه بهمن سرکار دکتر طالقانی سخنان مبسوطی در مورد مسائل زنان و جوانان که با صدای مشاوره تماس می گیرند برای حضار بیان کردند.

سپس سرکار خانم شید در مورد استفساریه از مجلس شورای اسلامی در مورد حضانت کودکان سخنانی ایراد کردند و همچنین در مورد نفقه و موقعیت تصویب مهریه با ارزیابی نرخ روز و بانوان مستمری بگير مطالبی را مطرح و به سوالات حاضرین پاسخ دادند.

سپس سرکار خانم دکتر طالقانی راجع به واقعه خیابان گاندی بطور مبسوط سخنانی ایراد کردند و نتیجه گیری بعمل آمده از جانب سخنرانان و عده ای از بانوان این بود که در زمینه آموزش و تربیت زنان و مردان فعالیتهای انجام شد و بسیار کم است و باید راههای برنامه عملی و کاربردی بیشتری ارائه شود.

سپس سرکار خانم شید در مورد ریاست جمهوری و حقوق بانوان و مسائل خانواده راه حل های مختلف ارائه دادند و در پایان برای اصلاح جامعه و کاهش جرمها و وقایع جنایی آموزش زنان را ضروری دانستند. جلسه بعدی روز یکشنبه اول ماه اردیبهشت خواهد بود.

## مصاحبه پرنس چارلز فرزند برومند ملکه الیزابت دوم

مصاحبه پرنس چارلز که حدود دو ماه قبل از رادیو بی بی سی پخش شد در محافل تحلیلهائی را به همراه داشته از جمله آنکه: پس از فروپاشی اروپا که اسلام را وسیله مبارزه با کمونیزم قرار داده بود، فرصتی برای شناخت موقعیت اسلام پیدا کرد و می توان رشد اسلام را وابسته به عوامل زیر دانست.

اولاً: "خط کمربندی مسلمان را که حدود یک میلیارد و دو بیست هزار نفر مسلمان می باشد در جهان برگرفته است، ثانیاً" پس از انقلاب اسلامی ایران کشورهای اسلامی سیاسی شدند، گروهها و احزاب سیاسی اسلامی شدند و هر کشور اسلامی که سیاسی شود، ابتدا گروههای سنتی آن قوت و قدرت می یابند و بدلیل اینکه اسلام مورد نظر آنان مسائل و معضلات پیچیده امروزه را پاسخگو نیست گروههای مرفقی مسلمان قوت و قدرت درست خواهند کرد.



## إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

خانواده محترم شهید دیز جی



بانهاجت تاسف و تاشدر گلشن ناگهانی پدری دلسوز، مهربان، صدیق، پرهیزگار

را به شائز زندان عزیز و خانواده محترم تسلیت عرض نمود و از خداوند متعال

برای آن مرحوم علودرجات و بر ای بازماندگان سیر و شکیبائی آرزو مندیم .

خانواده شهید نظری

## ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار، امسال صرف فعالیت های فرهنگی، عمرانی و اقتصادی آستان قدس رضوی می شود

مشهد - خبرنگار همشهری: سیصد میلیارد ریال اعتبار در سال جاری برای فعالیت های فرهنگی، عمرانی، خدماتی و اقتصادی آستان قدس رضوی اختصاص یافت.

در اجلاس سالانه مدیران آستان قدس رضوی که روز گذشته به ریاست حجت الاسلام والمسلمین واعظ طبسی در تالار اماکن آستانه مقدسه برگزار شد، کریمی قائم مقام تولیت آستان قدس همچنین اعلام کرد: از کل بودجه تلفیقی آستان قدس و مؤسسات وابسته در سال ۱۳۷۴ معادل ۱۶۶ میلیارد ریال صرف امور اجتماعی و فرهنگی می شود و برای امداد و خدمات به زائران، ۷/۵ میلیارد ریال به مصرف خواهد رسید. بقیه این اعتبار نیز در زمینه های مختلف اقتصادی و تولیدی هزینه خواهد شد.

حجت الاسلام واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی در آغاز این نشست، از وجود مدیران لایق در بخش های مختلف آستان قدس یاد کرد و خواستار شد این چهره های کارآمد و دلسوز، با آینده نگری، برای طرح های درازمدت آستان قدس و حل مشکلات امروز آن برنامه ریزی کنند.

## تسلیت، سپاس و تشکر از "موسسه خیریه سالمندان کهریزک"

ضمن عرض تسلیت به حضور خانواده محرم قندهاری بمناسبت فوت مرحومه خانم نصرت قندهاری در ۱۹ بهمن ماه از خداوند کریم سپاسگزاریم همانطور که مرحومه خانم قندهاری انسانی خیر و مردم دوست بود و حق زیادی بعهده جامعه مستضعفین و محرومین دارد، فرزند برومند ایشان سرکار بهادرزاده عمر با خیر و برکتی را برای خدمت به محرومین و معلولین گذارده اند و هم اکنون امور اقتصادی و توسعه "موسسه خیریه سالمندان کهریزک" با سعی و تلاش این خانواده و مشارالیه انجام می شود.

از حضرت حق می طلبیم برای ارواح اجداد ایشان، مادر عزیزشان و کسانی که برای برپایی موسسه مذکور از جمله مرحوم آقای حاج محمود مانیان زحمات زیاد را تحمل کرده اند، اجر و غفران عظیمی را عطا نماید و برای کلیه کسانی که در اداره چنین مراکزی بهر شکل و طریقی، بخصوص بانوان نیکوکار که عمر و وقت خود را در این راه الهی میگذرانند از خداوند طلب سلامتی و پایداری می نمائیم و امیدواریم با انبیاء و اولیاء نزد پروردگار محشور گردانند.

## توصیه پیام هاجر به مسئولین

وقوع زلزله در سالهای اخیر و چند روز گذشته این هشدار را به مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران می دهد که عمران و آبادی روستاها و شهرهای کوچک صرفاً رساندن برق و تلفن نمی باشد، بلکه توانا سازی روستائیان، کشاورزان، ایجاد امکانات اولیه از قبیل آب و درآمد کافی از تولید و شغلهای خرده پا خود بتوانند ماسکفی که دارای استحکام کافی و نیز در برابر بلایای طبیعی مقاومت کنند، را تهیه نمایند.



هموطن عزیز:

چرا باید بازماندگم؟

برای حفظ سنت ها و بهیشتگیری از هدر رفتن انرژی و سرمایه به بازماندگم می توان آنها را مجدداً مورد استفاده قرار داد کمک کنیم.

بازماندگان انرژی و هزینه بسیار کمتری برای تولید مواد مصرفی دارد. تولید مواد از ماده اولیه بسیار پرهزینه و آلوده کننده است.

مواد اولیه موجود در کره زمین تمام شدنی است، آنها را برای آیندگان هم بگذاریم. از کاغذ، روزنامه، شیشه، ظروف پلاستیکی، نوطی های آکوستیک، ریشهای موتور می توان دوباره استفاده کرد. آنها را با زباله های دیگر مخلوط نکنیم. ای بازماندگم جمع کنیم.

همسایگان، دوستان و اقوام را به تفکیک زباله و جمع آوری مواد بازماندگم تشویق کنیم. مأموران سازمان بازماندگم به محله ها می آیند و مواد بازماندگم را جمع آوری می کنند. با آنها همکاری کنیم.

سایید وطنمان را از نابودی و حله آن را از آلودگی نجات دهیم.

جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست

## خانه سبز (خانه صلح)

بطور قطع هر زمان انسانی بخواهد زبان به تقدیر بگشاید در می یابد چقدر کلمات و زبان انسانی در بیان مکنونات قلبی اش قاصر است، اما به امید حق که این چند سطر وسیله ای باشد برای قدردانی و تشکر از کلیه عزیزان و دست اندرکارانی که با زحمات شبانه روزی خود با صفا و اخلاص سبز راهپایان هر یک به شیوه ای نکته های سبز و سبز بودن را مهمانخانه های ما کردند، چه نویسنده فیلمنامه سریال که با ظرافت قلم خویش مفاهیم سبز را (صلح خواهی) نوشتند، چه بازیگرانی که هر کدام با نهایت خلوص با ذره ذره وجودشان و با قدرت و مهارتشان الگویی شدند برای سبز بودن، و چه فیلمبردار و چه و...

شاید به نوعی اسم بردن منجر به قصوری شود، بنابراین باز هم فقط میتوان گفت: انشاء... خانه دل همه دست اندرکاران و زحمت کشان برای این سریال سبز باشد و سبز.

# معتادان شیمیایی، عواملان درگیریهای خانوادگی

## مصرف مواد مخدر سمی و قرصهای شیمیایی جایگزین، افراد را در بحران عصبی به رفتار پرخاشگرانه و خطرناک وامی دارد

دادگاه عمومی کرج شاهد محاکمه مردی بود که در اوج بحران عصبی، همسرش را از پای در آورده است. این مرد در دادگاه ضمن اعتراف به قتل زنی گفت که معتاد به مواد مخدر بود و هنگام ارتکاب این جنایت از قرصهای مخصوص روانگردان استفاده کرده بود. در چند روز اخیر، این دومین متهمی است که در این مصرف جنین قرصهایی گرفتار بحران عصبی شده و به اتهام قتل یکی از اعضای خانواده اش در برابر قاضی می ایستد.

فته بود، آن روز همسر در آشپزخانه مشغول پوست کندن سیب زمینی بود. وقتی به خانه رسیدم، بر سر خرید منزل جر و بحث شروع شد و من ناگهان دچار یک نوع جنون عصبی شدم و نفهمیدم که چه شد. ما سالها زندگی خوب و خوشی داشتیم، اما نمی دانم چطور این اتفاق افتاد.

اعلایی رییس شعبه ۱۲ از متهم پرسید: به یاد دارید که با کارد آشپزخانه چندضربه به همسرتان زدید؟  
متهم: به یاد نیست، چند تا قرص خورده بودم و اعصاب متشنج شده بود.

قرار است رای دادگاه درباره این متهم صادر شود، اما آنچه که بیش از رای دادگاه، مجازات متهم تأثیر گذار برای معتادان خواهد بود، هد دار مسؤولان نیروی انتظامی و پزشکان و متخصصان روانی است. به گفته آنان بخش مواد مخدر الوده به مواد شیمیایی و

دو روز پیش نیز مردی که در چنین حالتی، دختر خردسالش را کشته بود، در دادگاه عمومی کرج محاکمه شد. این مرد به قاضی گفته بود: بخاطر اعتیاد به مواد مخدر، زندگی ام بر باد رفت. زخم قهر کرد و رفت و من ماندم و دو فرزندم. یک شب دختر کوچکم که برای مادرش دلشگی می کرد، به گریه وزاری پرداخت. من آن شب قرص اعصاب خورده بودم و حال خوب نبود. با گریه های دخترم حالت جنون به من دست داد، به بالینش رفتم از جا بلندش کردم و بر زمین کوبیدم. وقتی به خود آمدم، دیدم پیکر بی جان دخترم زیر پایم افتاده است.

### ● در دومین دادگاه

روز گذشته مردی هم که مرتکب قتل همسر جوانش شده بود، به قاضی گفت: من معتاد به مواد مخدر بودم و اعصاب خوبی نداشتم. روز حادثه چند قرص اعصاب خورده بودم و کنترل اعصابم از دستم

مصرف قرص های سمی به نام قرصهای روانگردان، بتدریج معتادان را مسموم می کند و آنان را دچار اختلالات شدید روانی می کند.  
به گزارش مأموران انتظامی مبارزه با مواد مخدر، قاچاقچیان مواد مخدر در راه سودجویی بیشتر در کارگاههای خود در کوهستانهای افغانستان مواد مخدر قلابی درست می کنند و برای تأثیر گذاری مواد مخدر قلابی، به آنها مواد شیمیایی خطرناکی اضافه می کنند که تأثیر مخرب و نامطلوبی بر شبکه عصبی و مغز معتادان می گذارد که گاه از همین افراد جنایتی دلخراش سر می زند و در یک بحران عصبی اقدام به قتل افراد خانواده شان می کنند.

یک روانپزشک نیز در مورد اعمال غیرمنطقی و گاه جنون آمیز معتادان هنگام استفاده از داروهای جایگزین موادمخدر که به قرصهای روانگردان معروف شده است، می گوید: برخی از معتادان بخاطر ترک موادمخدر یا جایگزینی، به داروهای قوی اعصاب یا موادمخدر غیرمجاز روی می آورند که بسیار خطرناک و مضر هستند و مصرف آنها تاکنون به جنایات عم انگیز انسانی منجر شده است. معتادان پس از استفاده از این قرص های خطرناک، کنترل بر رفتار خود را از دست می دهند و در یک مشاجره لفظی ساده، ممکن است بر اثر تحریک اعصاب فرسوده، دست به جنایت دلخراشی بزنند.

وی در پایان گفت: حتی برای ترک موادمخدر نیز معتادان باید به روانپزشکان متخصص مراجعه کنند و به داروهای غیرمجاز یا خوددرمانی روی نیاورند زیرا اثرات جنسی برخی از داروها بسیار زیان آور است و گاه برای همیشه شبکه عصبی آنان را مختل خواهد کرد.

## استیضاح وزیر کشور از دستور کار مجلس خارج شد

ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برعهده هر یک از نمایندگان مجلس قرار داده است و به منظور اصلاح امور وزارت کشور و توجه مسوولین به رعایت دقیق قوانین و مقررات اقدام به طرح استیضاح وزیر کشور نمودیم. لیکن در شرایط کنونی جهت رعایت پارهای از مصالح اسلامی و کشوری فعلا استیضاح خود را از طرح استیضاح در صحن مجلس شورای اسلامی اعلام می داریم.

در همین زمینه، حسن روحانی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در آخرین دفاعی جلسه مجلس به منظور مجلس با اشاره به نامه اعلام استیضاح کنگدگان وزیر کشور اظهار داشت: طبق آیین نامه داخلی مجلس و اصل ۸۹ قانون اساسی، نمایندگان حق دارند

سرویس خبر - مجلس: در پی اعلام انصراف تمامی نمایندگان امضا کننده طرح استیضاح علی محمد شادری وزیر کشور این طرح صبح دپروز (سه شنبه) به طور رسمی از دستور کار مجلس خارج شد.

در نامه اعلام انصراف امضا کنندگان طرح استیضاح خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی حجت الاسلام علی اکبر ساطق سوری آمده است: ما امضا کنندگان طرح استیضاح وزیر کشور به دور از مسائل شخصی، سیاسی و جناحی و تنها با هدف جلب رضای خداوند نیارک و نمالی و ابعای وظایف و مسوولیت های شرعی و قانونی که ملت مسلمان و رشید و شهید پرور

### فرم اشتراک پیام هاجر

نام و نام خانوادگی: ..... سن: ..... تحصیلات: .....  
آدرس: ..... کلبه پستی: .....  
صندوق پستی: ..... تلفن: .....

خوانندگان محترم در صورت تمایل به اشتراک مجله می توانند ضمن واریز حق اشتراک ۱۰۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۷۲۷۷ بانک ملی ایران، شعبه خیابان انقلاب، جنب بهار، کد ۹۳ اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک تکمیل شده به خیابان سعدی شمالی، خیابان هدایت، بعد از چهارراه ظهیرالاسلام، پلاک ۲۶۳، صندوق پستی ۱۱۲۵۹۱۵۵ ارسال فرمائید.

## ۷ میلیون نیروی کار غیرمستقیم کشور را احراز می کنند

قنبری با بیان اینکه سال گذشته رشد قیمت زمین، مسکن و اجاره بهای مسکن از میزان تورم نیز بیشتر بوده، آن را فشاری بر فقرهای آسیب پذیر توصیف کرد و افزود: شهرداریها امکانات خوبی دارند که می توانند با ساخت مسکن و اجاره به شرط تعلیک آن را به مردم واگذار کنند. قنبری خاطرنشان کرد: باید با تصویب و اجرای قوانین و مقررات ویژه، سازمانها و وزارتخانه هایی که در تهیه مسکن برای کارکنانشان از توان و امکانات خوبی برخوردارند دستشان باز باشد تا بتوانند مشکل مسکن کارکنان خود را حل کنند. وی همچنین بر لزوم تعیین تکلیف زمینهای باهر و زمین هایی که صاحبانشان آنها را به عنوان سرمایه همچنان در داخل شهرها نگهداشته اند تأکید کرد و ضرورت وجود رابطه مناسب بین وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها را برای اعمال و اجرای طرح جامع و تفصیلی شهرها خاطرنشان کرد.

گفت: ساله تأمین مسکن مردم یک مشکل جدی است که نیاز به عزم ملی دارد. در حال حاضر حدود ۲۱۰ هزار خانوار کشور که نزدیک به یک میلیون نفر از جمعیت را تشکیل می دهند با مشکل اساسی تأمین مسکن مواجهند و حتی برای پرداخت حق اجاره خود نیز مشکل دارند و باید مورد حمایت قرار گیرند. رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی با تأکید بر ضرورت برنامه ریزی جامع برای حمایت همه جانبه از این گروه از مردم، اهمیت نقش تعاونی های مسکن را در کاهش مشکل مسکن یادآور و خواستار حمایت جدی دولت از تعاونی های مسکن شد. وی افزود: ما می توانیم با سیاست گذاری درست و تشویق سرمایه گذاری در ساخت مسکن انبوه طبق الگوی مصرف و واگذاری آنها به مردم به صورت اجاره تأمینان بسیار زیادی مشکل مسکن را در شهرهای بزرگ حل کنیم.

در حال حاضر ۷ میلیون نفر از جمعیت کشور اجاره نشین هستند که ۴۱ درصد آنها به دلیل درآمد مناسب نیازی به حمایت دولت ندارند. حدود ۴۲ درصد نیز در صورت حمایت نسبی دولت قادر به حل مشکل مسکن خود بوده و فقط ۱۶/۸ درصد (نزدیک به یک میلیون نفر از اجاره نشینان) به دلیل درآمد کم حتی برای اجاره نشینی هم مشکل دارند. جمشید قنبری رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی مجلس شورای اسلامی به خبرنگار واحد مرکزی خبر

## ب - قوانین متعلق به صلاحیت تجاری زن شوهردار

در قانون تجارت لبنان و در تبصره ای که بر قانون صلاحیت زن شوهردار نسبت به کارهای تجاری آمده است، می بینیم که: ورود زن در کارهای تجاری، منوط با اجازه شوهر است.

ماده ۱۱ از قانون تجارت می گوید: زن شوهردار، در هر موقعیت شخصی که از نظر قانون باشد، بدون کسب اجازه همسر صلاحیت کارهای تجاری را ندارد.

توجه احکام این ماده از لحاظ قانون، امری بس دشوار است. چرا که اولاً تجارت زن هیچ گونه تأثیری بر اموال شوهرش نداشته و از طرفی شوهر نیز قانوناً هیچ گونه مسئولیتی در قبال کارهای تجاری همسرش ندارد.

ثانیاً، بنابر قانون کسانی که صلاحیت تجارت را ندارند، عبارتند از:

- صغیری که به سن ۱۵ سالگی نرسیده باشد. (ماده ۲۱۵ موجبات و عقود)

- محجوری که به جنون، دیوانگی و فراموشی مبتلا شده باشد. (ماده ۲۱۶ موجبات عقود)

همچنین در ماده ۱۱ تجارت آمده است که: "در اینجا، در صدد منع زن شوهردار از اشتغال به تجارت نیستیم، بلکه می گوئیم صلاحیت لازم را ندارد." برخی از قانونگذاران و از جمله "استاد فایا" و "استاد صفا"، در شرح این ماده از قانون می گویند: "اسباب این قانون، صرفاً رعایت امور اجتماعی و معنوی است، چرا که مرد مسئولیت خانواده را به عهده دارد (familias pater) و بر قدرت و توان همسرش برای ورود به کارهای تجاری بیشتر واقف است. همچنین این مرد است که تعیین کننده

## تحقیقی پیرامون وضعیت

### "زن"

## در قوانین لبنان

تهیه شده در: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - بیروت

قسمت دوم

همسرش هیچ گونه اعتراضی بر ادامه کار وی ندارد به طور ضمنی رضایت او را جلب کرده است. (ماده ۱۱ تجارت) با این حال، قانون برای زنی که اجازه همسرش را کسب نموده نیز سخت گیری کرده و به مرد حق بازگشت از رای خویش را - در صورتی که موضوع به دادگاه ارجاع شود - داده است.

## طرح يك اشكال حقوقی

در اینجا این سؤال پیش می آید که: "چرا به زن پس از لغو اجازه اش از طرف شوهر، حق شکایت به دادگاه داده می شود، حال آن که قانوناً اگر مرد از ابتدا به وی اجازه کار ندهد او حق شکایت به دادگاه را ندارد؟"

قانونگذاران این تبیض را اینگونه توجیه می کنند: "بازگشت مرد از موافقت خویش، امری است مشکل، چرا که يك کار تجاری وجود خارجی پیدا کرده است و متوقف کردن آن، چه بسا ظلم به اشخاص ثالث طرف قرارداد زن باشد و به حقوق ایشان ضرر برساند. لذا دادگاه برای حفظ این حقوق وارد جریان می شود. اما عملاً این قاضی است که اسباب و علل بازگشت مرد از رضایت خویش و هم چنین موقعیت کار

مصلحت خانواده است، چون ممکن است اشتغال همسرش به نفع مصالح خانواده نباشد.

بنابراین ملاحظه می شود زنی که در اصل، صلاحیت اشتغال به تجارت را دارد، با ازدواج، این صلاحیت را دست می دهد و مجدداً با انحلال ازدواج آن را به دست می آورد. همچنین اجازه همسر نه فقط برای شروع به کار تجارت، که برای ادامه آن نیز ضرورت دارد. هرچند زن قبل از ازدواج به تجارت مشغول بوده باشد و در صورتی که زن موافقت شوهرش را برای کار بدست آورد، دارای صلاحیت کامل برای اجرای تمامی کارهای متعلق به امور تجاری اش خواهد شد. (ماده ۳۱ قانون تجارت)

لازم به ذکر است که موقعیت قانونی زن هر چه باشد، عدم صلاحیت تجاری وی، به قوت خود باقی است. لذا حتی اگر از نظر قانون وی مجاز به کار تجارت باشد، نخست باید رضایت شوهرش را کسب نماید و هم چنین اگر قانون شروط دیگری را نیز برای اشتغال به کار زن وضع کرد، باید رضایت شوهرش را برای شروط جدید نیز به دست آورد. اجازه همسر می تواند به دو صورت آشکار یا ضمنی باشد و در حقیقت زنی که به طور علنی مشغول تجارت است و

پزشکان زن که نقش اساسی در سیستم بهداشتی آن کشور را در طول سالها جنگ به عهده داشته و هم اکنون از مراقبت و مداوای بیماران خود محروم هستند.

طالبان همچنین قوانین مربوط به مجرمین را به شیوه ای بسیار فجیع به اجرا گذارده است.

قضات کوتاه بین رژیم جدید بر خلاف قوانین اسلامی بدون آنکه تحقیقات همه جانبه ای را در مورد مجرمین، انجام دهند به قطع انگشت و دست سارقین حکم می دهند. به همین دلیل است که علمای مسلمان کشورهای دیگر تردید دارند که آیا طالبان و هوادارانش واقعا با قوانین اسلام آشنایی دارند؟

بدون شك شیوه تعصب آمیز طالبان برای اجرای به اصطلاح قوانین اسلامی در افغانستان از تحصیلات اندک و مصنوعی رهبران آن ناشی می شود. مدارسی که آنها در آن تحصیل کرده اند، توجه کلی به تجزیه و تحلیل مسائل مختلف نموده است.

حداقل چهل هزار بیوه در افغانستان زندگی می کنند که شوهران خود را در طول جنگهای طویل المدت این کشور از دست داده اند و مجبورند برای سیر کردن شکم فرزندانشان در بیرون از خانه کار کنند.

البته نمی توان منکر شد که طالبان در برخی از روستاهای افغانستان طرفدارانی دارد. سابقه مذهبی و ساده زیستی طالبان موجب حمایت برخی از اقشار افغانستان از آنها شده است جنگهای طویل المدت و درگیریهای خسته کننده بین گروههای مختلف مجاهدین شرایط را به نفع طالبان مهیا کرده است.

بخش عمده ای از جامعه، امید خود را از رهبران دولت قبلی از دست داده بودند. همچنین گروه طالبان با دریافت کمکهای نظامی زیاد از پاکستان موفق گردید دولت برهان الدین ربانی را ساقط سازد. آمریکا در این جنگها همواره از طالبان حمایت کرده است.

موفقیت طالبان اگر چه به نظر نمی رسد برای مدت زیادی طول بکشد، ولیکن بیانگر آنست که با ایجاد شرایط مناسب، یک گروه متعصب و پایبند به اعتقادات غیراصولی می تواند زمام حکومت یک کشور نسبتا بزرگ را حتی در اواخر قرن بیستم برعهده گیرد.

## اثرات بازی قدرت بر زندگی بانوان افغانستان

نشریه Jusr World Trust، دسامبر ۱۹۹۶

● مترجم: زهرا ولی بیگ

ادامه در گزینهای افغانستان به لحاظ جنبه های ملی، منطقه ای و بین المللی بیانگر آنست که قدرت و منافع زیاد، همچون گذشته عوامل کلیدی در دیبای سیاسی آینده همچنان باقی خواهند ماند.

باعث خوشوقتی است که تعدادی از رهبران مسلمانان، روشنفکران و سیاستمداران کشورهای مختلف گروه طالبان را که به تاریخی زمام قدرت را در افغانستان به عهده گرفته اند بدلیل اجرای غلط و تعصب آمیز قوانین اسلامی مورد انتقاد شدید قرار داده اند. بسیاری از منتقدین به زیر پا گذاشتن حقوق مسلم زنان مسلمان افغانی که اسلام در ۱۴۱۷ سال پیش به آنها اعطا کرده، اعتراض نموده اند.

طالبان مدارس و دانشکده های ویژه بانوان را تعطیل نموده. زیرا بر این باور است که آموزش برای زنان غیر ضروری و بی اهمیت می باشد.

طالبان از اشتغال زنان در خارج از منزل جلوگیری به عمل آورده است زیرا معتقد است که باید از زن در محیط منزل حفاظت گردد. همچون گل رزی که در هنگام خارج شدن از محل خود، بوی خوشش را از دست می دهد.

لذا در افغانستان اگر زنی مجبور به خروج از خانه شود، ضروری است که خود را از فرق سر تا نوک پا بپوشاند. لازم به تذکر است که زنان در رژیم جدید افغانستان هیچگونه نقش اجتماعی برعهده ندارند. اجرای این قوانین مسخره پیامدهای ناگوارتری به همراه داشته است. حداقل چهل هزار بیوه در افغانستان زندگی می کنند که شوهران خود را در طول جنگهای طویل المدت این کشور از دست داده اند و مجبورند برای سیر کردن شکم فرزندانشان در بیرون از خانه کار کنند.

# علل عقب ماندگی مسلمین

● دکتر عبدالکریم سروش

کودک باشد یا بالغ باشد، فرق نمی کند. بله می شود پرسید که چرا اینطور می شود؟ چرا همه از نعمت هدایت برخوردار نمی شوند؟ این نقشه خداوند است.

و لحشاء بیداد می کند، بدنیا می آید، بعد این کودک در چنین جامعه ای پرورش پیدا می کند کارهایی که پدر و مادرش و دوستانش انجام می دهند انجام می دهد و دنباله رو آنها می شود بفرمائید تکلیف او در جهان آخرت چیست؟

ج: من همان سخن دیروز را تکرار می کنم. شما هیچ از عدل خداوندی نگران نباشید. یعنی شما در واقع الان می گوئید که ما می فهمیم که چنین آدمی نباید عذاب شود، چون این چه تقصیری داشته، این فهم را کی بما داده؟ خدا داده خود او هم موافق همین، عمل می کند. ما در روایت داریم که خداوند مردم را در روز قیامت باندازه عقلی که به آنها داده مورد مواخذه قرار می دهد. عقل هم معلول همین شرایط اجتماعی، محیطی، ارثی و غیره است یعنی همش، بک کسی معلم دیده، شرایط اجتماعی اجازه فهم دقیق و تشخیص صائب بار داده، به بک کسی نداده، خداوند هم که تکلیف فوق طاقت نمی کند. از جان مردم که زیاده نمی طلبد. باندازه ای که در حد تشخیص آنها بوده بهمان اندازه آنها را مورد سوال و مواخذه قرار می دهد. حالا عالم باشد یا عادی باشد،

در شماره های پیشین، بحث دکتر عبدالکریم سروش پیرامون "علل عقب ماندگی مسلمین" منعکس گردید، اینک توجه خوانندگان عزیز را به آخرین قسمت این سلسله مباحث که در واقع بصورت پرسش و پاسخ است جلب می نمایم.

آدمهای ظاهر بین فریفته رشد می شوند، به توازن نظری نمی افکنند. آدمهای واقع بین به رشد و توازن با هم نظر می کنند و می دانند که اگر یکی از اینها همراه دیگری نباشد آنچه که ما داریم هیچ است.

در فرصتی که داریم من به پاره ای از سوالات پاسخ عرض می کنم. در سخنانم اشاره کردم که ما اگر در جامعه دیگری بدنیا آمده بودیم احتمالاً انسان دیگری و صاحب اعتقادات و دین دیگری بودیم، همین موجب پیدایش این سوال شده که یکی از دوستان پرسیده اند: کودکی که در یکی از کشورها که فساد

تجاری را تشخیص داده و حکم میکنند. حال این سنوالمطرح می شود که: "دادگاه احکام صادره را در خصوص بازگشت مرد از رضایت اولیه اش، چگونه توجیه می کند؟"

در پاسخ به این سوال به موارد زیر به عنوان نمونه می توان اشاره کرد:

مثلاً اگر منزلی که خانواده در آن سکونت دارد متعلق به زن باشد، دادگاه این حق را به مرد می دهد که از رضایت خویش برگردد، زیرا در صورتی که زن در کار تجاری خویش دچار خسارت شود، این ورشکستگی چه بسا سبب از دست رفتن منزل می گردد و دادگاه در این مورد به دلیل حمایت خانواده و حفظ منزل خانواده و عادلانه دانستن این دلیل به مرد حق بازگشت از رضایت خویش را می دهد.

همچنین اگر معلوم گردد که زن به سبب کار ممکن است دچار عواقب کیفی گردد، مرد به دلیلی عادلانه که همانا حفظ حرمت خانواده است، میتواند از رضایت خویش منصرف گردد.

در هر حال زن شوهردار حق اگر به اجازه همسرش برای ورود در کارهای تجاری دست یافته باشد، برای عضویت در شرکت بیمه یا نمایندگی در شرکت سهامی (ماده ۱۳، تبصره ۲) باید به اجازه مخصوص شوهر دست یابد (البته در این مورد مرد نمی تواند رضایت خویش را پس بگیرد).

بنابراین قانونگذار در اینجا سعی بر آن داشته که از حقوق شرکاء زن شوهردار و نیز اشخاص ثالث حمایت کند. چرا که مسئله "اعتبار شخصی" در این دو صورت اهمیت فوق العاده ای دارد، زیرا شرکاء در شرکت بیمه و نمایندگان در شرکت سهامی، در قبال تمامی پیامدهای شرکت بر اموال خاص خویش مسئولیت دارند.

لذا قانونگذار بر این نکته تاکید دارد که زن با تقبل این امر، دارای مسئولیتهای قانونی خواهد شد و به مرد می فهماند که وی بعد از موافقت با شراکت زن در این گونه امور نمی تواند از رضایت خویش برگردد.

هیچ توجیه منطقی برای ربط دادن صلاحیت زن جهت امور تجاری با رضایت یا عدم رضایت شوهر وجود ندارد. خصوصاً آن که قانون اساسی نیز در این مورد هیچ مانعی نمی بیند.

اما توجیهاات قانونگذاران مبنی بر اینکه مرد مسئول زن است، هیچگونه واقعیت خارجی ندارد. چون زن شوهردار برای انجام کلیه شغلها و حرفه ها بدون رضایت شوهر صلاح کامل دارد. وی همچنین برای انجام کلیه کارهای تجاری (به استثناء خرید، فروش، رهن و از این قبیل) صلاحیت دارد. پس چرا قانون این صلاحیت را در این گونه موارد از وی سلب کرده است و وی را با شخصی صغیر یا دیوانه مساوی دانسته است؟!

به هر حال این سوال وجود دارد که "اگر قانونگذار به نتایج کارهای تجاری که ممکن است زن شوهردار بدون اجازه همسرش بدان پردازد، پی برده است سرنوشت این گونه کارها چه تاثیری بر زوج و زوجه خواهد داشت؟ آیا عاقلانه است که بگوییم این گونه کارها غیر قانونی است، ولو اینکه از شخص بالغ و ممیز سر زده باشد؟ از همه مهمتر اینکه سرنوشت حقوق اشخاص ثالثی که با این زن همکاری داشته اند، چه خواهد شد؟

در واقع، غیر قانونی دانستن کارهای تجاری زنی که بدون اجازه شوهرش به آن اقدام کرده باشد، کاری بس دشوار و مشکل است. زیرا ماده ۱۲۲ از قانون موجبات و عقود صراحتاً می گوید: "کسی که صلاحیت قانونی لازم را

ندارد، اگر دست به اعمال غیر قانونی زد و در حال انجام این اعمال از هوشیاری کامل برخوردار بود، نسبت به انجام آن مسئول است." از طرف دیگر، ماده ۱۴۰ از همین قانون، تصریح دارد که اگر کسی بدون دلیل موجه دست به کار تجاری زد و این کار باعث وارد آمدن ضرر و زیان به دیگران شد، قانوناً ملزم به جبران این ضرر و زیان است. بر این اساس، مسلم است که زن در برابر نتایج کارهای تجاری اش مسئول خواهد بود.

لذا باید مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ از قانون تجارت، ملغی اعلام شده و قانون جدیدی مبنی بر تساوی بین زن و مرد وضع گردد.

البته هیئت پارلمانی "الاداره و العدل" بنای قانونی را در این باب پایه ریز کرده که در آن تعدیل ماده ۱۱ از قانون تجارت مورد بررسی قرار گرفته است. این ماده پیشنهادی می گوید: "زن شوهردار برای انجام کارهای تجاریش، کاملاً آزاد است، البته تا زمانی که همسرش اعتراضی بر کار او نداشته باشد. این لایحه به زن شوهرداری که در زمینه کار تجاری اش با شوهر اختلاف پیدا کرده، ۳۰ روز برای حل و فصل دعوی فرصت می دهد و پس از این مدت وی دیگر حق طرح مجدد دعوی را در دادگاه ندارد.

هیئت پارلمانی با این کار خواستار اجرای قانون قدیم فرانسه در سال ۱۹۴۲ که بعداً تعدیل شد، گشته است، زیرا بر حق شوهر مبنی بر اعتراض نسبت به کار کردن زن تاکید نموده و حق زن را مقید به مهلت ۳۰ روزه برای مخالفت با اعتراض مرد نموده است. پس کاملاً واضح و آشکار است که این تعدیل، حق اگر تحقق عملی یابد، کافی نبوده و مطلوب حاصل نمی شود.

ادامه دارد

برای تو می کنم. خدا گفت: نه! خداپرستی همان تسلیم است. هر کسی که از تسلیم سرباز زد يك شیطان است، فرق نمی کند چون شیطان، شیطان شدنش همین بود که تسلیم را زیر پا گذاشت. "و من یتغ غیر الاسلام دینا"، اگر آئینی غیر از تسلیم کسی در پیش گیرد یعنی سرکشی پیشه کرد این از او پذیرفته نخواهد شد. ولی آنکه سرکش نیست دنبال حق است و حق را یافته و تسلیم آن شده. امیرالمومنین در برابر خوارج عکس العملش همینطور بود. به بیرون خودش همین توصیه را می کرد، می گفتند: "لا تقاتلوا الخوارج (من) بعدی"، خوارج با امیرالمومنین رو در رو به جنگ ایستادند، ایشان هم جنگید.

البته امیرالمومنین گفت: تا خوارج دست به اسلحه نبرند من دست به اسلحه نمی برم از بیت المال حقشان را می داد بر کشته هایشان نماز می خواند و دفنشان می کرد. آنهایی که با خودش جنگیده بودند. ولی به بیروانشان گفتند که: "لا تقاتلوا الخوارج (من) بعدی" بعد از من شما مبادا دست به قتل خوارج بزنید.

"فلیس من طلب الخیر فاخطاه کمن طلب الباطل فادرکه". گفتند حساب خوارج با حساب معاویه و بیرون معاویه فرق دارد. يك عده ای حق را طلبیده اند اما خطا رفته اند. يك عده دیگری باطل را طلبیده اند و به آن رسیدند. اینها با هم خیلی فرق دارند. خوارج دنبال حق بودند اما عوضی رفتند. معاویه و اطرافیانش از همان اول دنبال حق نبودند. دنبال باطل

بودند. به باطلشان هم رسیدند. اینها حکمشان با هم فرق می کند.

"يك کسی که بنای کارش بر حق طلبی و تسلیم حق است این آدم دینش عین تسلیم است، امیرالمومنین گفتند من برایتان از اسلام تعریفی می کنم که هیچکس نکرده باشد. "الاسلام هو التسليم".

این تعریف از امیرالمومنین است. اسلام عبارتست از تسلیم. معنی اسلام هم همینطور است. خداوند سرکشی را از احدی نمی پذیرد. شیطانها را دفع می کند. همانطور که شیطان اصلی را از بارگاه خودش بیرون کرد و گفت: "انك من الصاغرين" گفت: برو بیرون که تو خیلی موجود پستی هستی. اینجا جای سرکشان نیست نزد خدا جای سرکشان نیست، سجده کردن برای همین است. "ای مسلمان بایدت تسلیم جست"، به تعبیری که مولوی دارد.

سوال دیگری هم یکی از دوستان کرده است که برمی گردد به رفتار بعضی از مسئولان متصدیان یا مدیران کشور که من الان بنا به پاسخ گفتن به آن ندارم.

سوال دیگر، آیا می شود علت پیشرفت تکنولوژی غیرمسلمانان را مخصوصاً در کشورهای غربی در سرمایه داری بودن نظام آنها دانست؟

ج: این از تحلیلهائی است که مورخان کرده اند، و آن سخن گاهی گفته شده است. در مسائل اجتماعی هر چه را دست رویش بگذاریم هم از يك حیث علت است هم از يك حیث معلول است. من جور دیگری این را عرض می کنم. خود سرمایه داری هم در جوامع یکی از شروطش امنیت است. اگر سرمایه امنیت نداشته باشد حتی سرمایه داری هم رشد نمی کند و امنیت هم در

امیرالمومنین گفتند من برایتان از اسلام تعریفی می کنم که هیچکس نکرده باشد. "الاسلام هو التسليم". این تعریف از امیرالمومنین است. اسلام عبارتست از تسلیم.

سایه نبودن استبداد است، و این نکته خیلی مهمی است.

مورخان هم نوشته اند در جوامع شرقی حتی سرمایه داری هم رشد متعادل و متوازی نکرده است، یعنی نظام بورژوازی هم حاجت به امنیت سرمایه داشت، راهزنی های وسیع که در کشورهای شرقی گاهی صورت می گرفت امن نبودن جاده ها که مال التجاره ها نمی توانست به مقصد برسد، خود همین ها از عوامل جدی بازدارنده رشد متعادل تاریخی بورژوازی و سرمایه داری است، حتی امن نبودن وسائل یعنی رفته رفته وقتی که کشتی ها بهتر شدند، تجار مطمئن تر بودند از اینکه کالایشان را از جایی به جای دیگر بهتر می توانند حمل کنند، اینها دخیل بود در رشد سرمایه داری.

سرمایه داری فقط پول داشتن نیست، اینکه يك کسی پول زیاد داشته باشد این نظام سرمایه داری نیست. نظام سرمایه داری خیلی مقتضیات و عوامل و شروط همراهش است. یکی از مهمترین آنها این است که شخص بتواند داد و

در این عالم فعل، بحث بر سر این است که عذاب و ثواب او چه می شود. ما از عدالت خداوندی مطمئنیم، می دانیم که خیلی بهتر از ما به زوایا و عواطف امر و قوف دارد، و لذا کسی که در کاری مقصر نیست گریانش را نخواهند گرفت. تا آنجائی که مقصر است گریانش را می گیرند. کسی که نمی تواند چیزی را ببیند، کسی که نمی تواند چیزی را بفهمد، از او مواخذه نمی کنند که چرا نفهمیدی در حدود اختیار و فهم و ادراك ما را مواخذه می کند، محاسبه می کند نه بیشتر.

یکی از دوستان نوشته اند ممکن است بعضی ها سوء برداشت بکنند حالا که اسلام واقعی اصل است قلب ما باید پاک باشد و نماز و روزه چه فایده دارد؟

ج: بنده کی گفتم اسلام واقعی فقط مال قلب است. اسلام واقعی وقتی که آمد نماز و روزه هم جزء آنست. ما گفتیم آن اسلام غیر واقعی است که فقط نماز و روزه ظاهری هست. جلوی این سوء برداشتها را هم ما اگر بخواهیم بگیریم حد و حدودی ندارد.

بنابراین خواهش می کنم افراد خودشان جلوی سوء برداشتها را

بگیرند والا ما باید همینطور

توضیح بدهیم، بگوئیم مبادا این

خیال پیش آید. مبادا آن سوال

پیش بیاید. بله، گوهر ایمان در دل

است ولی میوه هایش در جوارح

ظاهر می شود. مگر می شود کسی

**بنده می خواهم عرض کنم که آنچه که در مغرب زمین اتفاق افتاده است بدون اینکه ما بخواهیم اسم رشد را از رویش برداریم، رشد اتفاق افتاده است، اما همه ما می توانیم این را دآوری کنیم و بپذیریم که رشد متوازن رخ نداده است.**

ادعا کند خدا را قبول دارد و دوست دارد، ولی حرفهایش را نشنود.

سوال شده که آیه قرآن که میفرماید هیچ دینی غیر از اسلام از کسی پذیرفته نیست چیست؟

ج: اتفاقاً خیلی جالب است آن آیه این است: "و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن تقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین" هر کس که غیر از اسلام دینی را بپذیرد "لن یقبل منه" هیچوقت از او پذیرفته نخواهد شد "و هو فی الاخره من

الخاسرین" و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود. شما اگر به تفسیر مرحوم علامه طباطبائی مراجعه کنید (تفسیر ایشان بنام میزان که تفسیر بسیار خوبی است) خواهید دید که اسلام را ایشان درست بمعنای اسلام واقعی که ما اینجا گفتیم گرفته اند و گفته اند که: "منظور حقیقت تسلیم در برابر خداوند است". البته اگر کسی اینجا رسید حقیقت تسلیم در برابر خداوند تسلیم در برابر نبوت رسول اکرم هم هست. ولی باید مسلمانی باشد که ما هستیم. اما اگر کسی به اینجا نرسید فکر کرد که حقیقت تسلیم در برابر خداوند مسیحی شدن است، فکر کرد که آئین حق مسیحیت است، این آدم به حق تسلیم شده، فهمید که حق با مسیحیت است و تسلیم این حق شد. این آدم در آخرت از خاسرین نیست این آدم ضرر نخواهد کرد، برای اینکه آنچه که از انسان خواسته اند تسلیم در برابر حق است، حق را وفق تشخیص داد و به آن تسلیم شد نهایت وظیفه خودش را به انجام رسانده است. خداوند از او بیشتر نمی خواهد.

علامه طباطبائی هم همینطور معنی کرده اند آیه "من یتبع غیر الاسلام دینا" هر کس راهی غیر از راه تسلیم پیوید ضرر خواهد کرد. راه تسلیم مقابلش سرکشی است. بدترین چیزی که خدا از آن بدش می آید سرکشی است. بهترین چیزی که از آن خوشش می آید و به آن رضایت دارد تسلیم است. شیطان که بود.. سرکش بود.

بحث اسلام که آن موقع نبود، نبوت نبود. خدا گفت در برابر آدم سجده کن "ابا و استکبر و کان من الخاسرین" گفت: این يك سجده را نمی کنم. ما در روایات داریم که شیطان به خدا گفت این یکی را نگو من سجده ها

کمونیستی چنین چیزی رخ نداد. در چین مدتی این بحث شد. انقلاب فرهنگی هم که رخ داد در واقع يك نوع انقلاب در انقلاب بود. تزدادوم انقلاب بود. ولی تمام اینها ناکام ماند.

رژمی دیره برگشت به فرانسه و عدائتی و ندائتی از او بر نمی خیزد! آمریکای لاتین دنباله رو کوبا نشد! آقای چه گوارا رفت آنجا که انقلاب را صادر کند! کشته شد! و کسی هم به خونخواهی و انتقام او بر نخاست! و آن شعله مارکسیسم که در آنجاها در گرفته بود و می رفت که همه آنجاها را شعله ور کند، خاموش شد.

خود کوبا هم که امروز به دشواری و به ضعف و الفول افتاده است! در کشور مادر که شوروی باشد وضعی که همه می دانیم پیش آمده است و چین هم انقلاب فرهنگی و بنیانش را محاکمه کرد! خلاصه تداوم انقلاب و انقلاب در انقلاب هیچکدام به بار نشست، معنای روشنی پیدا نکرد. خود مرحوم دکتر شریعتی البته يك تری داشت. می گفت: امر به معروف و نهی از منکر که در اسلام هست، اجتهاد که در اسلام هست و مهاجرت که آن را از توین بی گرفته بود می گفت: "اگر اینها را کنار هم بگذاریم، می توانیم پویایی را حفظ کنیم، بنده هم همین را عرض می کنم. ما يك حکمی و تکلیفی داریم که امر بمعروف و نهی از منکر است، یعنی شخص مسلمان نباید بی اعتنا و نسبت به اطراف خودش بی تفاوت باشد یا باصطلاح امروزها، دائما همه باید ناظر همدیگر باشند، وظیفه نظارت همگانی، یعنی يك شستوی همگانی همه روزه، این یکی.

دوم اجتهاد است "یعنی تامل همه روزه و همیشگی در اصول و در فروع." اینکه ما اعتقاداتی داریم، احکامی داریم، يك مطالبی است که

گفته شده دیگر لازم نیست ما روی اینها فکر تازه ای بکنیم. هر چه که باید گفته شود، گفته اند. هر چه که باید فهمیده شود، فهمیده اند، همه را پخته اند و آماده کرده اند، در اختیار ما گذاشته اند و وظیفه ما فقط مصرف کردن و خوردن است! (در حالیکه) آشپزی هم باید بکنیم، آشپزی همان اجتهاد است، دائما باید مذاقه کنیم و اصول و فروع مذهب را بهتر فهم کنیم و جامعه اسلامی را به جلو ببریم.

یکی هم از نظر ایشان مهاجرت است. مهاجرت مرحوم دکتر شریعتی که از توین بی گرفته بود و در کتابش نظریه بسیار مهمی دارد، می گوید: "من در عموم قهرمانان تاریخ، در تاریخ سازان که مطالعه کرده ام، همچنین در تمدنهای بزرگی که در تاریخ بوجود آمده است، در تمام اینها من دیده ام که "عنصری بنام هجرت وجود داشته است." قهرمان تاریخی يك مدتی هجرت می کرد، یعنی از آن جامعه مالوف خودش بیرون می رفت. "مثال می زند: حضرت محمد (ص) در اسلام، سنت فندیک در مسیحیت، همه اینها را نام می برد و تاریخچه زندگیشان را بررسی می کند و می گوید:

"اینها برای مدتی از جامعه خودشان غیبت کردند." در عصر خودمان امام خمینی، ایشان برای مدتی غیبت کردند و بسیاری دیگر که شما اگر تاریخشان را ببینید این وضع را می بینید و خیلی مهم هم هست. ایشان حتی در مورد تمدنها هم همین را می گویند. می گوید: "نه فقط المراد، بلکه تمدنها، مجازا" به نظر می رسد که خودشان را از صحنه تاریخ عقب می کشند.

مدتی مثل اینکه سرشان را می کنند زیر بال خودشان. اثر زیادی از آنها دیده نمی شود مثل اینکه رفته اند که دوباره به تاریخ برگردند و تاثیر خودشان را

بگذارند. اتفاقا" ایشان معتقد است که تمدن اسلامی در حال هجرت است و يك وقتی دوباره به تاریخ برگشت می کند، در مورد تمدن اروپائی، همین ایتالیا دوره اش را نشان می دهد که اینها برای مدتی هجرت کرده اند، دوباره به تاریخ برگشته اند. توین بی شرح خیلی مفصل و مبسوط و شیرینی در این مورد دارد. مرحوم دکتر شریعتی خیلی به آراء توین بی علاقه مند و معتقد بود. نظریه هجرت را هم از او گرفته بود و معتقد بود که جامعه اسلامی برای اینکه پویا و زنده باقی بماند باید هجرت را ترك نکند.

حالا این چگونه باید صورت بگیرد، خود جامعه برای يك مدتی، قهرمانهایش برای يك مدتی، اینها نکته هائی است که در عمل باید مصادیقش را آزمود و معین کرد. اینها سه شیوه و سه مشی است که آن بزرگوار پیشنهاد کرد، برای اینکه جامعه زنده بماند. ولی من يك نکته به شما عرض می کنم، چون در این نوشته ای که دوستان داده اند کلمه معروض بودن آمده است. این هنری نیست که يك مجموعه ای همیشه معروض باشد و بعد این معروض بودنش را حفظ کند. معروض بودن اتفاقا" کار آسانی است. کار ارزانی هم هست. مدیر بودن سخت تر است از معروض بودن.. ما نباید بگوئیم که معروض بودن را همیشه باید حفظ کنیم. از يك جایی به بعد وظیفه ای بالاتر از معروض بودن به گردن ما می آید و آن مدیر بودن است. الان روشنفکرها خودشان را با همین، تعریف می کنند. در همین مصاحبه هائی که اخیرا" با یکی از شعرای مشهور داخلی کرده بودند، گفته بود به نظر بنده تعریف روشنفکر عبارتست از انسان یا موجود معروض، همین، و به هیچ قیمتی هم معروض بودن خودش را نباید بفروشد و از دست بدهد. لذا به هیچ حکومتی نباید سرسپرد و با هیچ حکومتی نباید

ستد درستی انجام بدهد و رفته رفته روستا بتواند به شهر نزدیک شود. اینهاست آنچه که در سرمایه داری بورژوازی رخ می دهد. مقدار زیادی از آن معلول وجود امنیت است و وجود مقررات و عدم تخلف از مقررات. وقتی که المراد گزاره کاری باشند که حرفشان قانون شود، اینها نمی گذارند چنین رشدی اتفاق بیفتد باین ترتیب حتی همین را اگر هم علت پاره ای از حوادث بدانیم خودش را هم باید معلول حوادث و امور دیگر بدانیم!

در هر حال اگر این آب فراوان بود حداقل از این ناحیه اعمال استبداد نمی شد. همه اینها امکان دارد که دخیل در رشد باشد، ولی من البته رای خودم را عرض کردم همه اینها بوده. بنظر بنده رشد علم و تجربه در آنجا نقش خیلی مهمی بازی کرده است. سؤال دیگری که مطرح کرده اند این است که شیعه اثنی عشری تا حال میوه معتدل در جامعه بوده حالا که به حکومت رسیده خطر اینکه این اعتراض بر شیعه گرفته شود هست یا نیست.

بدهد مگر زنجیرهای خودش را، بنابراین از زندان ترسی ندارد، از محرومیت ترسی ندارد، یکپارچه پویائی و مبارزه و خون و جهاد و شهادت است، اما وقتی که به قدرت رسید باید حفظ کند آنچه را که در دست دارد. قدرتش را باید حفظ کند، ثروت را باید حفظ کند، نظامی را که مسئولیتش بعهده اوست باید حفظ کند، باید اداره کند. طبیعی است درست مثل جوئی است که می رسد به يك استخری، به يك دریائی. از آن جریان، از پویائی می افتد.

یکی از دوستان نوشته اند ممکن است بعضی ها سوء برداشت بکنند حالا که اسلام واقعی اصل است قلب ما باید پاك باشد و نماز و روزه چه فایده دارد؟ بنده کی گفتم اسلام واقعی فقط مال قلب است. اسلام واقعی وقتی که آمد نماز و روزه هم جزء آنست. ما گفتیم آن اسلام غیر واقعی است که فقط نماز و روزه ظاهری است.

همچنین موقعیت جغرافیائی کشورها که در اینجا اشاره شده است عرض کردم اینها چون بافت پیچیده ای از عوامل هست همه اینها را می شود در میان آورد و در میان آورده اند. روی آنها انگشت گذاشته اند. خود عوامل جغرافیائی چیز مهمی است. استبداد شرقی که در تحلیل های مارکسیستی هم وجود داشت همین بود. یکی از تحلیلهای مهم مارکس این بود که در مشرق زمین یکنوع استبدادی وجود داشت که دقیقاً "بعلت آب هوا و شرایط جغرافیائی بود چون در کشورهای شرقی آب کم بود در کشاورزی توزیع آب نیازمند به يك مرکزیت مقتدر داشت. مرکزیت مقتدر خود بخود استبداد خاصی را با خودش به همراه می آورد.

ج: اصل سؤال و طرح مطلب کاملاً متناسب به اندیشه های مرحوم دکتر شریعی است. ایشان تفکیکی کرده بودند بین نهاد و نهضت. می گفتند گاهی هست که يك فکری حالت يك نهضت را دارد، بعد وقتی که به قدرت رسید تبدیل به يك نهاد می شود. یعنی از آن پویائی و حرکت و نهضت بودنش می افتد و به يك حوضچه راکدی بدل می شود و دیگر مواظب منافع خودش است. يك وقتی جنبه معترض بودن دارد و در برابر دستگاه و نظام ثابت موجوددائماً خودش را تجهیز می کند، پویاست، خانه بدوش است، قدرتی ندارد، به تعبیر خود دکتر شریعی از نعمت محرومیت برخوردار است. به تعبیر مارکس هیچ چیز ندارد که از دست

مرحوم دکتر شریعی این بحث را مطرح کرده بود که آیا می شود این پویائی همچنان باقی بماند؟! "رژمی دبره" وقتی که به آمریکای لاتین رفت و گرفتار شد، تزی داده بود بنام انقلاب در انقلاب. چون انقلابهای کمونیستی - مارکسیستی هم به همین روزگار افتاده بودند. آنها هم احساس می کردند که دنیای پویائی شان به سر آمده و تبدیل به يك حکومت ساکن و راکدی شده اند که حافظ منافع خودشانند مثل هر حکومت دیگری و وارد بازار و حکومتهای جهانی شده اند و مبادلات و داد و ستدهای سیاسی روزمره! این تر را آنها هم دادند که کاری بکنیم که انقلاب در تداوم باشد. انقلاب در انقلاب. در نظامات

با حوصله تمام بچینیم تا اینکه بعد از مدتها يك نقشی، يك صحنه ای تولید بشود. اعراض گری مال یکدوره است، آباد کردن مال دوره دیگری. گفت:

اغبانم شاخ تر می پرورم  
شاخهای خشک را هم می برم  
هر دو کار را شخص باید بلد باشد،  
انجام بدهد. اگر با شاخ خشک روبرویی

ببر و اگر باغ دست دادند نگو فقط اره دست دادند شاخ خشک را ببری، باغ را چه کسی آباد کند حالا که شاخ خشک را انداختی از کجا آبادی و سبزی و گلستان داشته باشی.

آنهم افرادی را می خواهد، باغبانی هم باید کرد، نه فقط شاخ خشک بریدن، اره بدست گرفتن و معوضانه با همه مواهب طبیعت روبرو شدن.  
اجازه بدهید همین جا سخنان را تمام کنیم و پاسخ به بقیه سئوالات را به وقت

دیگری - اگر دست قضا و قدر باز ما را به محضر شما کشاند، بسپاریم-  
اگر هم نیامدیم سئوالات شما را در بحثهایی که احیاناً در جاهای دیگر خواهیم داشت، انشا... در میان بیاوریم.

بار دیگر از شما تشکر می کنم و همه شما را به خدا می سپارم و از همه آرزومند دعای خیر هستم.

قابل توجه دوستان اران:

علاقتمندان به نوارهای دکتر شریعتی و آیت... طالقانی به طور حضوری مراجعه و دوستان شهرستانی در صورت تقبل هزینه پستی (با پست سفارشی) نوارها را به آدرس محل سکونت خود دریافت خواهند نمود.

همکاری بکند. این در واقع از روشنفکری و از معترض بودن می گذرد.

بنظر من يك عنصری از خودخواهی در این نهفته است. یعنی روشنفکر کسی است که هر طوری شده می خواهد خودش را يك جوری مطرح کند. بگوید بنده آمم که روی دست شما هم حرفی دارم بزنم. این درست نیست، این ایفای رسالت روشنفکری و مسئولیت انسانی نیست. هیچ مجموعه ای نیست که عیب نداشته باشد. تمام انقلابیون وقتی که به قدرت می رسند محافظه کار می شوند، باید هم بشوند، برای اینکه اینها علیه نظام دیگری انقلاب کرده اند. علیه نظام خودشان که انقلاب نکرده اند. انقلابی که علیه خودش انقلابی نیست، انقلابی علیه نظامی که فاسد می داند انقلابی است. ولی اگر نظامی را خودش بنا کرد باید آن را مثل يك بچه بزرگ کند. علیه او که نمی تواند انقلاب کند. اعتراض هم اگر داشته باشد اعتراضش با اعتراض قبلی جوهر را "فرق دارد. قبلا" اگر معترض بود به بنیان معترض بود. حالا اگر معترض باشد به فروع، به آثار، به میوه ها ممکن است معترض باشد، نه به بنیان. چون نظامی که خودش بنا نهاده، خودش مثل يك طفل زائیده، خودش باید مثل مادرپرستاری کند و بزرگش کند نه اینکه علیه اینهم معترض باشد. چه سنجی دارد، معترض بودن مادام العمری؟! چه دلیلی دارد که آدم مثل يك بچه لجوج پرخاشگر به همه چیز ایراد بگیرد و نق بزند! مدیریت خیلی بالاتر از این حرفهاست و ما هنوز اهمیت مدیریت را نمی دانیم. ویران کردن خیلی آسان است، آباد کردن خیلی سخت است و مسئولیت آباد کردن بمراتب سخت تر است. عده ای برای اینکه مسئولیت مدیریت و آباد کردن به دوشان نیفتد، می گویند ما را بگذارید

با اعتراض کردن! چون آن مالیات ندارد، شما هر کاری می کنید ما ایرادش را می گیریم. این از ما، شما بروید آبادش کنید. درست نیست. شیعه یا هر نظام دیگری، بالاخره اگر مسئولیتی دارد است. وقتی هم که توانست این را پی افکند، اعتراض که هیچ، از جان و دل باید به پایش نیرو نثار کند، مثل مادر باید به او محبت کند، باید رنجش را ببرد، باید تر و خشکش کند. اعتراض یعنی چه؟ اعتراض هم اگر می کند آنوقت اعتراض مادرانه است. آنوقت اعتراض فرق دارد با اعتراض خصمانه. ممکن است اسم هر دو را شما اعتراض و انتقاد بگذارید ولی این وحدت کلمه نباید ما را گول بزند و فکر کنیم معنا هم یکی است. روح و جوهر معنایشان با هم فرق دارد. نخر هیچوقت کسی نخواسته است که شیعه همیشه معترض بماند. بگویند همیشه پویا بماند ولی زنده ماندن که به اعتراض کردن و نق زدن نیست. زنده ماندن به آباد کردن هم هست. به اداره کردن هم هست، آنها هم زندگی است. بلکه سخت تر هم هست. فقط بر این چهره نباید این را ببینیم.

بود، آن روزگاری که او می دید، دمیدن روح جسارت و انتقاد و اعتراض مهمترین کاربرد بود. منتها این واقعا "متعلق به آن مقطع بود، یعنی مال وقتی بود که ما در برابر نظامی قرار داشتیم که با آن نظام نمی شد کنار بیاییم. آن نظام به لحاظ بنیان فسادى که داشت و اصلا" قابل اصلاح نبود، فقط باید اعدامش می کردند. لذا انسان باید بدل می شد به يك گلوله اعتراض که علیه آن نظام شلیک شود. ولی یادتان باشد اینها هر کدام جانی دارد، و چنین نیست که برای همیشه مجموعه ای بخواهد از این رویه پیروی کند، آنوقت دیگر هیچ چیزی را نمی تواند پی افکند. با اعتراض چیزی نمی شود، ساخت. با اعتراض بنا نمی شود، کرد. با اعتراض فقط ویران می توان کرد. تئوری ویران کردن غیر از تئوری آباد کردن است.

يك وقتی ما حاجت به ویران کردن داریم. يك وقتی باید آتش باشیم مثل سیل باشیم. روان باشیم، بسوزانیم، چیزی را از بین ببریم، يك وقتی هم باید باران باشیم، نرم و آرام برای اینکه علفی سبز شود، برای اینکه درختی میوه بدهد. يك وقتی هم باید مثل يك نسیم خوش

ما نباید بگوییم که معترض بودن را همیشه باید حفظ کنیم. از يك جایی به بعد وظیفه ای بالاتر از معترض بودن به گردن ما می افتد و آن مدیر بودن است. الان روشنفکرها خودشان را با همین تعریف می کنند.

بوزیم. يك وقتی هم پای درختها را باید آبیاری کنیم، مثل يك معمار، مثل يك میناگر باید قطعه قطعه چیزها را کنار هم

مرحوم دکتر شریعی به دلیل اینکه در دورانی بود که مهمترین کاری که باید روشنفکرها می کردند، اعتراض

یادتان باشد که رود زندگی می گذرد اما هر عمل خوب و بد ما جریان دارد، جریانی که تا آخر دنیا را آبیاری می کند و اثر می گذارد و خوبی ها را می آموزد... بدیها را هم می آموزد و جریان زندگی ما را آلوده می کند... و هست. من هم بسیاری از مطالب خوب را سوخته و همواره می آموزم، اما آنقدر نفهمم که با همه مرحمت ا... باز هم چشم و گوشم باز نمی شود.

انشاء... اذن خودش باشد که منم وقتی "رب زدنی علما" را که می خوانم واقعا علم و معرفت و شعورم با اضافه شود...

در اینجا باید بگویم من هم تقاضا نامه را بر می کنم و فقط رسید پول را... باید بنام صلح جهانی تنها عامل جنگ را کویید که مستقیم روی سر شیطان بزرگ است. باید با احترام و عزت به بشریت، به آدمها، به ادیان، به ممالک و از صلحی که آمریکا از همه انسانهای روی زمین گرفته، حرف زد. این مطلب آنقدر عمومیت دارد که ضربه به پیکر امپریالیسم جهان خوار میزند، اما اسلام و قرآن و ا... مبلغ نمیخواهد. آنها الله را دارند ما اگر مسلمانان خوبی شویم این خود نشانه بهار است.

اما کنگره مقام زن در مرکز UN از مارس تا ۴ آوریل و سپس مشاورات مقدماتی سازمانهای غیر دولتی برای آماده شدن چهارمین کنفرانس جهانی زن (FWCW) که در پکن از ۴ تا ۱۵ سپتامبر برگزار شد خبرهای عمومی که در رادیوهای مردمی WBAI پخش می شود حاکی از پوسیدگی و شکست همه جاتبه امپریالیسم است و آنها هم که مثل

بقول حضرت علی(ع) تا زمانی که من خود را ته چاه می نگرم، فقط عکس من توی آب است، وقتی سرم را بالا کنم نور الله چشمهایم را آنچنان روشنائی می بخشد که اصلا "من" از چشمم می افتد. الله و مردم و درد مردم را می بینم و خودم! با همه "من" هایم... نابود میشود.

ما شنونده این اخبارند چگونه پیش گیری می کنند. یا بقول قرآن چگونه نفسهایشان را عوض می کنند تا تغییراتی در قومشان دهند، "ا... اعلم". بالاخره طولی نمی کشد ما همه همینیم زیرا اگر تغییر نکنند بیشتر از ۵ سال دیگر دوام نخواهند آورد هم اکنون هم روی شانه مردان و زنان باتقوای جامعه، نکبت های هوسبازان و زرپرستان همه جا را فرا گرفته. کتابی هست بنام داروهای کشنده که می نویسد فلان دوا که سودش برای کمپانی داروسازی آنچنانی بود در عرض ۹ ماه ۵۰۰۰۰ نفر کشته داد یعنی معادل با کشته های ویتنام و کره. گزارش عمومی در تلویزیون اعلام می کند هر ۵ دقیقه یک زن بوسيله شوهر یا دوست پسرش کتک خورده یا می خورد. تعداد هم جنس بازان و تاثیرات ناپسند روی جوانان آنچنان سریع است که راهی جز تعلیم اخلاق ندارند.

کلیساها، تمپل کلیمی ها، عبادتکده ژاپنی ها و چینی ها همه و همه ۶ برابر

۱۰ سال پیش شروع به فعالیت کرده و جمعیت دارند. جز مسلمانان ایران مثل مسلمین شبه زمان فرعون است که دستور داد پسران را بکشید تا کسی جانشین من نباشد یا مرا کنار نزنند اما... در کاخ خود فرعون موسی را رشد و نمو داد. آمریکا هم در سراسر جهان فقط به فقط مسلمانان را می کشد چون پس از فاشیست و کمونیست دشمن قوی تر از اسلام احساس نمی کند و او هر چه بیشتر مسلمان می کشد...

در زندانهای آمریکا رشد سرسام آوری از مسلمانان دارد، بوجود می آید که اخیرا دولت اعلامیه رد کرده که اگر بخواهد، اجازه دارد تلفنهای مسلمانان را کنترل کند، اگر بخواهد می تواند مرا یا هر کس دیگری را دیپورت (تبعید) کند. اگر بخواهد میتواند بهترین استاد دانشگاه را چون تاثیر و دعوت بحق را خوب انجام میدهد از آمریکا بیرون کند. کما اینکه ۲ سال پیش آن مرد خوب نایبای مصری را بیرون کرد و چندین نفر را بدروغ گرفت و زندانی کرد و ماجرائی برایشان درست کرد.

بی خانمانها ۱۰ برابر سابق شده و بودجه آمریکا باین صورت خرج می شود:

- ◆ برای بازی گلف ۴۰ بلیون دلار در سال
- ◆ برای شراب ۸۵ بلیون دلار در سال
- ◆ برای آب جو ۱۶۰ بلیون دلار در سال

فلان دوا که سودش برای کمپانی داروسازی آنچنانی بود در عرض ۹ ماه ۵۰۰۰۰ نفر کشته داد یعنی معادل با کشته های ویتنام و کره.

نامه سازمان زنان مسلمان نیویورک

در قرآن یازده تکرار شده است که ربا حرام است

خواهر عزیزم خودتان را برای يك گزارش کوتاه آماده نمائید و یادتان باشد من همان آدمی هستم که از کاغذ بازی، گزارش، خبر و هر چیز که جنبه اداری دارد، دخورم و همه انرژی هایم روی "عشق" به خالقم و خدمت در راه او و فنای "فی..." است و بس.

اول کمی از سازمان زنان نیویورک (بگویم) که پس از سالها بالاخره به ثبت رسید و همان فعالیتهایی را که قبل از ثبت انجام می دادیم ادامه دارد. کار ما دوستی و محبت با غریبان، آرامش و دلگرمی بخشیدن با آیات قرآن با کمک ...، کمک به زندگی های در شرف سقوط و ... است. افراد خوبی هم هستند که راهنمایی می کنند! ۱۰۰

دلار بده تا عضویت کجا را بنویسم که بشوی فلان! یا ۱۰ دلاری، هر ماه بده تا فلان مرکز ترا شناسائی کند، بیا ترا آبوئمان این سازمانت کنم. شکر خدا تا کنون با یاری ... و ۵ خواهر خوب دیگر داریم می رویم. مو بمو هم دخترم گوش ما را می کشید و می گفت: در حساب پس انداز حق ندارید پول بگذارید سود می رسد و حرام است اگر پول دارید تبدیل به پول خرد کنید حلال بی بهره و... در قرآن ۱۱ بار تکرار شده ربا حرام است. در قرآن حکومتی همانند پادشاهی نداریم و حق سلیمان فرمانروا هم، تابع رسول و ملائکه بود که فرمانروا بود.

ما همینطور چک (کنترل) می شویم کلاسهای قرآن خواندن و از ۷۰۰۰۰ معنی با تفاسیر مختلف بهره کمی بردن. مخصوصاً با خود قرآن، ریشه لغت به وزن فعل در بابت. و بکار بردن معنی در سوره و... از همان آغاز کار، ذالک (آن) کتاب، کتاب لا ریب (بی تردید) هدا" هدایت می کند. ل متقین برای متقین ... و بلافاصله متقین چه کسانی هستند؟ آنها که "الذین یؤمنون بالغیب" اگر میخواهید پرهیزکار شوید باید به عالم غیب مومن باشید یعنی شب و روز (و عناصر) مثل این اکسیژن، ملائکه و نیروهای ... در راه هستند، که من بنده روسیاه کمک بگیرم، خدمت کنم و صحبت کنم.

هر دانش آموزی روزانه ۳۰ دقیقه یا بیشتر ذکر می گوید که البته جمعه ها را با هم ذکر می گویم و ۶ روز دیگر هر کسی در خانه اش. من شنبه ها در مدرسه ایرانی مشغول می باشم و

چهارشنبه ها در میان جمعیت مسلمان افغانی ذکر و قرآن داریم. هفته ای دو روز برای کمک به زندگی و بچه ام در مدرسه عقب افتاده ها کار می کنم و بقیه روزها آنچنان بدنبال ماجراهای خواهر و برادرانم کشیده می شوم که فقط ... توانایی می دهد تا اینجا پیش روم.

همیشه یاری خواهران همراه من است و صد هزار بار شکر چرا که به تنهایی نمی شود کاری کرد. بقول بچه های کلاس، دیگر ما لال شده ایم! برای اینکه هر وقت می خواهیم حرف بزنیم، یاد گوشت برادرمان زیر دندانمان می التیم. هر وقت می خواهیم هوس چیزی کنیم یاد ... لا یحب کل فخار ... لا یحب مکذبین ... لا یحب المسرفین ... و ... یحب المتوسلین (ا... یحب التوابین) می التیم. دائماً فکر و ذکر ما اینست کدام يك از کارهای روزانه ما خدا پسند است و کدام .... را خداوند دوست ندارد و این محاسبات باشکوه است ....

انشاءالله همه ما زنان جهان قدری از پیوستن به موارد زائد زندگی بی، مطالب عمیق و اساسی بپردازیم و هر يك از ما جامعه كوچك خانواده را مملو از آرامش و شادی کنیم و فرصت بدهیم ریشه های محبت و عشق در دلهای عزیزانمان شکوفانی یابد.

## سلامت بلوغ دختران



سازمانهای غیر دولتی با کارگاه فعلی روستائی را نبود دبیرستان در روستاها، تبعیض بین دختران و پسران و عدم توجه در زمینه تغذیه شمرند. در ساعت ۱:۳۰ کارگاههای آموزشی کار خود را آغاز کردند.

روز دوم: خانمها دکتر سیف، شمشیری، نوایی نژاد و پارسا میزگردی تشکیل داده و مطالبی در مورد بحث ارائه نمودند.

خانم دکتر سیف توضیحاتی را در مورد بهداشت روانی بلوغ دختران، نکات مهمی که باید به آنها توجه شود از جمله نیازهای اولیه و ثانویه جوانان، محیط خانواده، کسب استقلال، هویت دختران و جوانان، ایجاد یک بسیج عمومی و افزایش مشارکت هر چه بیشتر سازمانهای غیردولتی و آموزش و پرورش، بیان کردند.

خانم دکتر پارسا در مورد دادن آگاهی در جهت حفظ و بهداشت سلامت جسم و روان تواما متذکر شدند که کمبود بعضی از مواد غذایی و تاثیر مستقیم آن در جسم و فراگیری مطالب درسی تاثیر بسزائی دارد و با توجه به اینکه طبق آخرین آمار نصف جمعیت ما را جوانان زیر ۱۵ سال تشکیل می دهد، پس توجه به این قشر جامعه برای سلامت جامعه بسیار مهم است. خانم دکتر شمشیری توضیحاتی راجع به جنین، بارداریهای زودرس و آسیب پذیر بودن مادران نوجوان دادند و افزودند که فرهنگ جامعه راجع به این مطلب باید عوض شود و توجه بیشتری به این مادران نوجوان شود، چون میزان مرگ و میر و بیماری زودرس بخصوص با نحوه تغذیه نامناسبی که دارند، برای آنها زیاد است.

خانم دکتر نوایی نژاد در مورد ضرورت ورزش و رابطه مستقیم آن برای سلامتی دختران و زنان یادآور

سمینار "سلامت بلوغ دختران" به ابتکار شبکه ارتباطی سازمانهای غیردولتی زنان ایران و با مشارکت یونسف در تاریخ ۱۰ و ۱۱ دی ماه برگزار شد. جلسه در ساعت ۸:۳۰ دقیقه با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز شد. ابتدا خانم دکتر ابتکار کمیونهای مختلف شبکه را معرفی کرده و هدف این کارگاه را اشاعه آگاهی و دانش روز در خصوص مسائل دختران در سن بلوغ اعلام کردند. سپس خانم "مان" نماینده یونسف، یکی از اهداف یونسف را دستیابی دختران و زنان به بهداشت کافی اعلام نمودند. خانم دکتر نوایی نژاد یکی دیگر از سخنرانان، به بررسی وضعیت کنونی دختران در ایران پرداختند. ایشان در این باره گفتند: مهمترین رویداد در زندگی هر فرد، رویداد بلوغ است که در رفتارهای عاطفی روانی و جنسی اثر می گذارد.

سپس آیت ا... بجنوردی استاد دانشگاه به جایگاه حقوقی دختران در ایران و به بررسی وضعیت تاریخی دختران پرداختند و وضعیت دختران را به طور کلی در طول تاریخ محنت بار توصیف کردند.

خانم دکتر معروفي در این سمینار به نقش اشاره نمودند و رئوس مشکلات دختران

مهمترین قواعد خانواده معنای انسان بودن را مشخص می سازند. چیزی از این مهمتر نیست. بچه ها بزرگترین منبع طبیعی فرهنگ هستند. آینده جهان بستگی به برداشت دختران و پسران ما از خود دارد. انتخابهای آنها بستگی به این دارد که درباره خود چگونه می اندیشند؟ به عبارت دیگر این اندیشیدن درباره خود، همان خودشناسی است که از اصول مهم بهداشت روانی است.

◆ برای سیگار ۴۰۰ بلیون دلار در سال  
 ◆ برای تبلیغات ۲۵۰ بلیون دلار در سال  
 ◆ برای ارتش ۸۰۰ بلیون دلار در سال

با همه این احوال، این کنفرانسها، نمایشی! و این گفتگوها و کاغذها، دست و پای بیهوده (زدن) توی دریاست... باز هم ما شرکت کردیم و شاهد دست و پا زدن همه دردمندان یا نمانده هایشان شدیم. وقتی که مصاحبه مطبوعاتی شروع شد و خواهران صلح طلب که از آغاز آنها را دنبال کرده بودم و امید داشتم به جانی می رسند، زیرا همه، زنان خادم ایثارگری هستند، با زندگی ای از ساعت ۸ صبح تا شب بدون تشریفات، بدون اسراف، بدون کارهای زائد... که نیتشان انصافاً خدمت به نوع بشر است و بس حالا چقدر می شود خدمت کرد با این همه بند، ... اعلم.

باری آفریقائی، ۳ دقیقه وقت گرفت و نالید ما می کاریم ما گرما می خوریم ما محصول بدست می آوریم... و بجای روزی اسلحه می گیریم و یکدیگر را می کشیم. ما که حق قدرت درست کردن يك كارد میوه خوری هم نداریم! نمی دانیم چه برسرمان می آید...  
 الجزیره ای ۳ دقیقه (وقت گرفت و گفت) ما بهترین جوانان خود را در زندانها و شکنجه خانه هاز دست داده ایم ما خشونت و نفرت را از جنگ به ارث برده ایم. ما زنان که پس از

جنگ بی شوهر، بی پدر و بی برادر زجر زیستن را قبول کردیم! و خانواده را حفظ کردیم باز هم فرانسه به عنایت مختلف ما را در عذاب و شکنجه اقتصادی و سیاسی بزانو در می آورد. خانمی از دردهای ارامنه آذربایجان بسیار شکوه ها کرد. خانمی دیگر از جانی دیگر... همه اسمها محفوظ است ولی جالب اینجاست که خانم سیاه پوست دکتری از هارلم آمریکا ۳ دقیقه وقت گرفت و فریاد می زد شما همه دشمن را می شناسید، شما همه میدانید چه کسی باید از بین برود و به سازمان ملل آمده اید. من از این مردم فاصله ام با سازمان ملل ۱۵ دقیقه است کجا بروم به کی بگویم که همه روزه شاهد جنگ جوانی با جوان دیگر و دیدن بدن نازنین یکی از آنها، کنار پیاده روی منزل هستم... من چه بگویم که در کشور مظهر تکنولوژی زندگی می کنم. اینهمه بی خانمان، اینهمه جنایت و اینهمه بی عدالتی را بکجا ببرم!؟

ای خبر نگاران باز هم بگوش زنان برسائید... باید بلند شویم باید برای حفظ نسل آینده بکوشیم... گفتنی بسیار است اما فقط ا لله و امام زمان است که بزودی کمک ما خواهد کرد انشاء الله همه ما زنان جهان قدری از پیوستن به موارد زائد زندگی به مطالب عمیق و اساسی پردازیم و هر يك از ما جامعه كوچك خانواده را مملو از آرامش و شادی کنیم و فرصت بدهیم ریشه های محبت و عشق در دل های عزیزانمان شکوفائی یابد.

چگونه مرد و زنی که همیشه دعوا و بحث و جنگ پدر و مادر را دیده اند میتوانند مردان و زنان آرام و تسلیم و

مبارز حق شوند؟! چگونه می شود پی راههای بزرگ رفت وقتی مادرت که الگوی همیشه تو است، دنبال يك غذا چهار ساعت، يك لباس یکروز، يك كفش ۵ ساعت وقت صرف می کند، اما هرگز نشان نمی دهد که در روز ۱۰ دقیقه در اقیانوس پر عظمت این قرآن غواصی می کند و برای گرفتن مروارید پیش کشش، لااقل آبی هم به صورت پر گرد و غبار دور از انوار الهی نمی زند که شستشوی بدهد و جلای قلبی پیدا کند. تا بچه اش از شر تو چی گفتی من چه گفتم رها شود.

اسلام ۱۲ الگو دارد که هر يك روی راه قلبی راه رفتند، اما ما هر کدام که می آئیم دیگری را باید کنار بزنیم، کارهای او را هم خراب کنیم و همه چیز از صفر شروع می شود... اینها علامات عقب افتادن است و گرنه هر کسی چون "نفخت فی روحی" شده حسنی دارد... روی حسن او تکیه کن عیبهایش را انجام نده و جلو برو، مگر نمی شود... خلاصه، الهی روزی برسد که توحیدی شدن جوامع را فرزندان ما ببینند... و از این تفرقه خود محوری (امانیسم) نجات پیدا کنیم.

بقول حضرت علی(ع) تا زمانی که من خود را ته چاه می نگرم، فقط عکس من توی آب است، وقتی سرم را بالا کنم نور ا لله چشمهایم را آنچنان روشنایی می بخشد که اصلاً "من" از چشم می افتد. ا لله و مردم و درد مردم را می بینم و خودم! با همه "من" هایم... نابود میشود.

الهی امین یارب العالمین و این هدف است (فناء لی ا لله).

- موانع فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی موجود در برابر روند تکامل دختر بچه ها و زنان به مراتب بیشتر از موانعی است که مردان و پسران با آنها مواجه می شوند.

- میزان مشارکت زنان در تصمیم گیریهایی که در سطوح اجتماعی، منطقه ای و ملی صورت می گیرد، بسیار محدود و با حدود مشارکت مردان نابرابر است.



هر سال تقریباً نیم میلیون زن که ۹۹ درصد آنان در کشورهای در حال توسعه های در حال توسعه زندگی می کنند، در پی عوامل مربوط به بارداری و زایمان جان می دهند. ۲۵ درصد زنانی که در دوران بارداری جان می دهند دختران نوجوانند.



### مرگ میر زنان باردار

به رغم سهم چشمگیر زنان در توسعه انسانی و اقتصادی، حیات آنان کماکان بیهوده تلف می شود. بسیاری از زنان و دختران، در فرایند بخشیدن حیات، زندگی خود را از دست می دهند امروزه بیشترین تفاوت میان کشورهای صنعتی و

نگری ناپرویی برای پیشرفت زنان انجام شده موید این واقعیت است.

دو بررسی عمده دیگری که در زمینه "فقر جهانی در سال ۱۹۹۰" تهیه شد یعنی "گزارش رشد انسانی ۱۹۹۰" توسط برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و "فقر: گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۰" توسط بانک جهانی نیز همین نتایج را به دست داده است. سهم بزرگی از بارفقر بر دوش زنان و دختر بچه ها سنگینی می کند. زنان فقیر از لحاظ شرایط زندگی، منابع درآمد یا رشد، به ویژه در مورد برخورداری از اعتبار مالی، آموزش حرفه ای و فنی پیشرفتی ناچیز داشته اند، یا هیچ نوع پیشرفتی نداشته اند. دامنه محرومیت دختر بچه ها و زنان در مقایسه های زیر قابل ملاحظه است:

- در کشورهای در حال توسعه، دختر بچه ها در مقایسه با پسران خردسال، از خوراک، مراقبتهای بهداشتی و امکانات آموزش کمتری برخوردارند.  
- در کشورهای در حال توسعه میزان باسوادی زنان دوسوم مردان است.  
- احتمال مرگ مادران باردار در کشورهای در حال توسعه ۵۰ برابر مادران در کشورهای صنعتی است.

- بخش اعظم کارهای انجام شده توسط دختر بچه ها و زنان نهفته می ماند، زیرا در حسابرسی ها و آمارگیری های ملی بروز نمی کند. ساعات کار زنان در مقایسه با مردان، ۲۵ درصد طولانی تر است و بخش بزرگی از فعالیت آنان - شامل کار در خانه و پرورش محصولات معیشتی - بدون دستمزد می ماند.

- زنان بزرگسال در مقایسه با مردان از تحصیلات، آموزش حرفه ای و دستمزد کمتری بهره مند می شوند، هر چند ساعات کار بیشتری به آنان محول می شود.



برای بهبود شرایط خویش دارند محرومند. ارزیابی های گوناگونی که توسط مطالعات استراتژی های آینده

شدند که امید است هر چه بیشتر به این امر توجه شود و مکانهای ورزشی مناسب در دسترس کلیه زنان و دختران ما قرار بگیرد.

همانند روز قبل ساعت دو بعد از ظهر کارگاههای آموزشی کار خود را آغاز کردند. گروهها، دیدگاهها و نقطه نظرات و راهبردهائی را پیشنهاد نمودند که امید است با پی گیری صحیح این معضل اجتماعی تا حد امکان به یک مسیر درست راهنمایی شود و این قشر آسیب پذیر جامعه به سلامت نسبی جسمی و روانی دست یابد.

در خاتمه شبکه برگزارکننده قول داد که مطالب مورد بحث بزودی بصورت بولتنی منظم برای استفاده و کاربری بیشتر در دسترس سازمانهای غیردولتی قرار بگیرد.

البته هر یک از سازمانها نحوه مشارکت و پی گیری این مطلب را در سازمان خود ارائه داد و مجتمع نجم تشکیل جلسات ماهیانه در محل مجتمع جهت آگاهی دادن به زنان و همچنین نشر در نشریه پیام هاجر چه بصورت خبر و چه بصورت درج کلیه مطالب مطروحه در کارگاه را عهده دارند. جلسه با حضور خانم فائزه هاشمی و اختتامیه آن در ساعت ۴ بعد از ظهر پایان یافت.

خانواده منبع و سرچشمه روابط انستیتوت. کودک در چهارچوب خانواده می اندیشد: چگونه زن یا مردی باشم؟ چگونه پدر یا مادری باشم؟ چگونه شخصی باشم؟ چگونه امیال و احساسات خود را بروز دهم؟

## در سمینار سلامت بلوغ دختران نکاتی از کتاب "دختر بچه ها سرمایه گذاری برای آینده" مطرح گردیده که بنظر خوانندگان محترم می رسد

فرصتهایی که امروزه برای شکوفایی کامل استعداد های کودکان در اختیار آنان قرار می گیرد کیفیت رشد انسانی نسل های آینده را تعیین می کنند. برابری دختران و پسران خردسال باید هدفی بی شبهه و معیاری برای اندازه گیری رشد کودکان تلقی شود. دهه نود می تواند دهه ای باشد که سرانجام کلیه کشورها تمامی فرصتها را برای دختر بچه ها فراهم کنند، به نحوی که این کودکان بتوانند با برخورداری از موقعیت و رفتار برابری که با آنان می شود به عالیترین مرحله رشد و تکامل استعدادهای خود دست یابند.

تحقق این اهداف صرفاً با عزم راسخ خانواده ها و حمایت و پشتیبانی متعهدانه سازمان های داوطلب خصوصی و غیر دولتی و همکاری بین کشورها در کنار دولت امکان پذیر خواهد بود.

در سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی ملل متحد به پذیرش منشور حقوق کودکان رای داد که نشانگر اقدامی تاریخی برای بخشیدن مشروعیت قانونی به مسئولیت جامعه در قبال کودکان است.

منشور فوق در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ رسمیت یافت، حال آنکه تا ژانویه ۱۹۹۱، بیش از هفتاد کشور آن را به تصویب مراجع مقننه خود رسانده یا مورد تایید قرار داده بودند. یکی از

اولویت های مندرج در این منشور رعایت مساوات و عدم تبعیض بین کودکان است.

ماده دوم این منشور متعهد می شود که کلیه حقوق خردسالان در زمینه بقا، حمایت و رشد، بدون در نظر گرفتن جنسیت، همه کودکان را در بر گیرد. جامعه جهانی ترغیب شده است تا با جدیت بیشتر بر رشد انسانی دختر بچه ها تمرکز کند، زیرا این گروه از پیشرفت های حاصل در زمینه برد جهانی علیه فقر و تبعیض، سهمی نابرابر دریافت می دارند. امروزه در بیشتر کشورها دختر بچه ها موقعیت پایینی دارند و در مقایسه با پسران از حقوق، فرصتها و امتیازات کمتری در دوران کودکی بهره مند می شوند.

خانواده و اجتماع برای پسران اولویت بیشتری قایل می شود. دختر بچه ها در اوان خرد سالی نابرابری را تجربه می کنند و در می یابند که غلبه بر این نابرابری همواره برایشان دشوارتر می شود. تبعات این وضعیت در شرایط اجتماعی و اقتصادی زنان در حال حاضر به بارزترین شکل نمودار می شود. دختر بچه امروز زن فرداست.

اگر قرار است که زن در تحولات و توسعه اجتماعی، شریک، همدوش و برابر مرد باشد، اینک آن زمان فرا رسیده تا در توزیع حیثیت و فرصت های انسانی، دختر بچه ها سهمی را که استحقاق آن را دارند دریافت کنند.

## زنان: بینواترین بینوایان

زنان فقیر روستائی از محرومترین قشرهای جهان محسوب می شوند. این زنان در مقایسه با مردان، بیمارتر و بی سوادترند و از فرصتهایی که مردان

خانواده و اجتماع برای پسران اولویت بیشتری قایل می شود. دختر بچه ها در اوان خردسالی نابرابری را تجربه می کنند و در می یابند که غلبه بر این نابرابری همواره برایشان دشوارتر می شود. تبعات این وضعیت در شرایط اجتماعی و اقتصادی زنان در حال حاضر به بارزترین شکل نمودار است. دختر بچه امروز زن فردا است.



دخترها زودتر از پسرها ازدواج می کنند. در آسیا ۱۸ درصد، در آفریقا ۱۶ درصد، و در آمریکای لاتین ۸ درصد دختران ۱۵ ساله متاهل هستند. پسران در سنین بالاتر ازدواج می کنند. در برخی کشور های آسیایی و آفریقایی، ۶۰ الی ۷۰ درصد تمام دختران در سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی ازدواج می کنند. حال آنکه در مورد پسران، این ارقام به ۱۰ الی ۲۵ درصد می رسد.

بارداری زودرس دخترها امید به زندگی آنها را کاهش می دهد، در سلامت، تغذیه، تحصیلات و فرصتهای اشتغال آنها تاثیرات نامطلوب می گذارد. تغییر جهت این رشد نامناسب، بری دختران يك اولویت اخلاقی و سیاسی در بالاترین سطوح است و یکی از سرمایه گذاریهای بسیار پر ثمر هر کشور تلقی می شود.

### رفتار با دختر بچه ها

شرایط حاکم بر وضعیت دختر بچه ها نتیجه پیش داوریهایی است که در فرهنگ و رسوم ریشه دارند. بسیاری از

در بسیاری از خاتوارها مردان و پسران حقوق بگير به مراتب بهتر از زنان و دختران تغذیه می شوند.

در ۳۰ کشور در حال توسعه میزان مرگ و میر دختر بچه ها در سنين يك تا چهار سالگی بالاتر و یا مساوی میزان مرگ و میر پسران است؛ این ارقام با آمار کشورهای صنعتی که در آنها میزان مرگ و میر پسران معمولاً بالاتر از دخترهاست مغایرت دارد. گزارشی که به یونسف و سازمان بهداشت جهانی تسلیم شده نشان می دهد که در هندوستان میزان مرگ و میر دختر بچه ها بسیار بالاتر و از هر شش مورد مرگ دختر بچه ها در هندوستان، پاکستان، و بنگلادش يك مورد ناشی از بی توجهی و تبعیض است.

دختران خردسال در مقایسه با پسران، بیشتر بار کارهای خانه و مراقبت از خواهران و برادران بر دوشان است. در آفریقا و آسیا دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله هر روز ۷ ساعت یا بیشتر وقت خرد را صرف وظایف خانگی و کارهای منزل می کنند.

در حال توسعه در میزان مرگ و میر دوران بارداری نمایان می شود. هر سال تقریباً نیم میلیون زن که ۹۹ درصد آنان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند، در پی عوامل مربوط به بارداری و زایمان جان می دهند. ۲۵

درصد زنانی که در دوران بارداری جان می دهند دختران نوجوانند آنچه یونیسف در گزارش وضعیت کودکان جهان در سال ۱۹۸۹، آمار شرم آور خوانده حقایقی از این دست است. این گزارش خاطر نشان می کند که برای توسعه ای از آن گونه که محروم ترین قشرها را در اولویت قرار می دهد، کاهش میزان مرگ و میر دوران بارداری یکی از اهداف و معیارهای عمده پیشرفت خواهد بود.



### فشار بر دختر بچه ها

بار فقری که روی دوش زنان قرار می گیرد، عواقب جدی برای کودکان به خصوص دختران خردسال دارد. حتی در جایی که فقر مهم ترین عامل در رشد کودک نباشد، اشکال گوناگون

تبعیضات جنسیتی فرصتهای مساوی را از دختران خرد سال دریغ می دارد. سنت ها، قوانین و عادات اجتماعی در بسیاری مواقع دختر بچه را به "کودک کم اهمیت تر" تبدیل می کند. تصمیمات خانوادگی در اموری از قبیل تغذیه، کارهای خانه، مراقبتهای بهداشتی و دسترسی به آموزش همواره بیشتر به سود پسران است تا دختران.

### دختر بچه ها و آینده

- توجه به دختر بچه ها کلید دستیابی به موقعیت و نقش عادلانه تری برای زنان آینده است. قالب شخصیت زنان بالغ در دوران کودکی ریخته می شود بهبود شرایط دختر بچه ها و سرمایه گذاری بیشتر در زمینه رشد آنان متضمن برخورداری دختران از فرصت های بیشتر و نابرابری کمتر است.

### مباحث و روندهای نيمرخ دختر بچه ها

نخستین مشکلی که در تشریح وضعیت دختر بچه ها پیش می آید فقدان اطلاعات در مورد مشخصات مربوط به جنسیت آنهاست. به غیر از زمینه تحصیلات ابتدائی نیمرخیهای آماری مربوط به کودکان کماکان آنان را به عنوان یک گروه همگون در ترکیب جمعیت انسانی مطرح می کند تعریف "طفولیت" به نوبه خود با ابهام همراه است.

اینکه "دوره طفولیت" شامل چه سنینی است به شرایط ملی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی، عرقی و مذهبی بستگی دارد. البته اکثر تحلیلگران اتفاق نظر دارند که با در نظر گرفتن تنوعات فرهنگی می توان دوران طفولیت دختران خردسال را از صفر تا نوزده

سالگی دانست. شماری حقایق مهم بیانگر وضع دختر بچه های جهان است.

\* ۶۰ میلیون دختر به آموزش ابتدائی دسترسی ندارند که این تعداد ۲۰ میلیون نفر بیش از پسران است. در اکثر کشورهای در حال توسعه، تعداد ثبت نام دختران در مدارس کمتر از پسران است و تعداد به مراتب بیشتری از آنان ترك تحصیل می کنند. از ۸۳ کشور در حال توسعه، در ۶۸ کشور نسبت ثبت نام دختران در مدارس ابتدائی کمتر از پسران است. در ۵۸ کشور از ۷۸ کشور این نسبت در مورد مدارس تکمیلی کمتر است.

\*

جمهوری متحده تانزانیا و ایالات متحده امریکا، نشان می دهد که احتمال مرگ در حین زایمان در میان دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله در برابر احتمال آن در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله است.

این مرگ و میرها در بسیاری موارد ناشی از سقط جنین غیر بهداشتی و به روشهای ابتدایی است.

### قدم به استعمار جنسی

استعمار جنسی خطر بجدی دیگری است که سلامت دختر بچه ها را تهدید می کند. گسترش بی رویه شهر نشینی و فقر رو به افزایش باعث می شود تعداد کثیری از دختر بچه ها برای کسب درآمد بیشتر به روسپگری روی آورند. طبق مطالعه ای که در بمبئی هندوستان انجام شد بیست درصد از حدود یکصد هزار روسپی زیر سن قانونی بوده اند. ارقام مربوط به تایلند نشانگر وجود هشتصد هزار روسپی زیر سن شانزده سالگی است. به دلیل روابط جنسی بی حفاظ که این دختران با آن مواجهند، بیماری ایدز خطر بسیار جدی و روزافزونی برای سلامت و بقای آنان و فرزندانشان محسوب می شود. در حدود ۱/۵ میلیون زن در کشورهای در حال توسعه به ویروس (V.I.H) مبتلا هستند. این رقم ۷۵ درصد از کل دو میلیون نفر زنان مبتلا در سراسر جهان است. طبق پیش بینی یونیسف در سال ۲۰۰۰ در ده کشور آفریقایی که بالاترین میزان آلودگی را دارند، تا حدود ۵/۵ میلیون کودک زیر ۱۵ سال مبتلا به آلودگی ایدز خواهند شد.

۲) تغذیه برابر برای دختر بچه ها فقر، عامل اساسی تغذیه ناکافی دختران است. در عین حال آداب و رسوم فرهنگی نیز در این زمینه موثرند. نحوه تخصیص غذا به کودکان یک خانواده

معمولا توسط مادر و یا زنان مسن تر انجام می شود. اکثر مادران نیازهای تغذیه ای خود را در درجه دوم اهمیت نسبت به مردان خانواده قرار می دهند و همین برداشت خود کوچک بینی را به دختران خود منتقل می کنند.

### جنسیت و نابرابری در تغذیه

تبعیض جنسی دلیل جدی دیگری برای شرایط نامناسب تغذیه دختران است. مطالعه ای درباره نوزادان سه تا هشت ماهه در اردن که در سال ۱۹۸۵ انجام شد، نشان داد که پسران تا ۴ برابر دختران از تخم مرغ، میوه، گوشت و سبزیها تغذیه می کنند.

تحلیلی که در سال ۱۹۸۹ در پاکستان انجام گرفت نشان داد که ۶۱ درصد دختر بچه های زیر ۵ سال گرفتار سوء تغذیه اند، حال آنکه این میزان برای همان گروه سنی پسران به ۵۲ درصد می رسد.

\* مطالعات دیگری هم این تفاوتهای تغذیه ای را ضبط کرده اند:

- \* در هندوستان به پسران فرآورده های شیری بیشتری می رسد.
- \* به دختر بچه ها در بنگلادش غذای کمکی رقیقتری داده می شود.
- \* توقف رشد و وخامت شرایط جسمانی در میان دختران ۶ الی ۷ ماهه بنگلادش بیشتر است تا پسران همین سن نسبت نوزادان زیر وزن طبیعی در کشورهای در حال توسعه حدود ۱۷ درصد است. حال آنکه این رقم در کشورهای توسعه یافته فقط ۶ درصد است. این تفاوت عمدتا منعکس کننده تغذیه بدتر و وضعیت نامناسب بهداشتی زنان است که با زایمانهای زیاد و نزدیک به هم در سنین بسیار پایین یا بالا و مراقبتهای ناکافی دوران حاملگی همراه می شود.

موارد کمبود وزن طبیعی در هنگام تولد از ۹ درصد در آسیای جنوب شرقی، تا ۱۱ درصد در آمریکای لاتین، ۱۶ درصد در شبه صحرای آفریقا و ۲۸ درصد در آسیای جنوبی دیده شده است.

### ۳) برابری و کاهش میزان کار برای دختر بچه ها

تعداد عظیمی از دختر بچه ها برای ساعتهای طولانی چه در خانه و چه بیرون از خانه کار می کنند، اما کار آنان به حساب نمی آید و یا در آمار مربوط به نیروی کار دست کم گرفته می شود. مطالعات جدید نشان دهنده بی عدالتی گسترده در توزیع کارخانگی و سایر وظایف بر مبنای تبعیضات جنسی است. در جاوه اکثر دختران جوان در مقایسه با پسران هم سن و سال خود روزانه ۳۳ درصد وقت بیشتری را صرف کار در منزل می کنند.

در برخی از گروههای سنی این تفاوت به ۸۵ درصد هم می رسد. دختر بچه های مالزیایی در گروه سنی ۵ الی ۶ سال در مقایسه با پسران همسن خود هر هفته ۷۵ درصد ساعات بیشتری کار می کنند. در ساحل عاج دختران دانش آموز ۱۱ الی ۱۴ ساله هر روز ۳/۵ ساعت از وقت خود را به کار در منزل اختصاص می دهند، در صورتی که این میزان برای پسران همسن و سالشان ۲ ساعت است. در نیپال نیز با وجود آنکه بچه های هر دو جنس وظایف مربوط به مراقبت از حیوانات را به طور مساوی تقسیم می کنند، دختران در مقایسه با پسران هم سن خود اوقات بیشتری را در کشاورزی، تهیه آب، جمع آوری سوخت و تهیه خوراک صرف می کنند.

جوامع معیارها و توقعات متفاوت و غرض آمیزی در مورد دخترها اعمال می کنند. در برخی فرهنگها تولد نوزاد پسر با مراسم مفصل جشن و سرور همراه است، حال آنکه تولد نوزاد دختر نادیده گرفته یا حتی با دید منفی تلقی می شود. داستانها و ضرب المثل های بسیاری از کشورها حاکی از غروری است که تولد نوزاد پسر با خود همراه می آورد و سایه اندوهی است که با آمدن نوزاد دختر همراه می شود. مطالعاتی که به کمک آمینوستز در دست کم یک شهر آسیایی انجام شده نشانگر تعصب به سود پسران است. در بین والدینی که جنس فرزند آینده خود را می دانستند ۸۰۰۰ مورد سقط جنین وجود داشت که تنها در یک مورد آن جنس کودک، پسر بوده است. مطالعه ای که درباره جنسیت مورد ترجیح پدر و مادر در آفریقا و آسیا انجام شد، نشانگر تمایل آنها به داشتن پسر بوده است.

### حضور گذرا

متأسفانه در بسیاری از فرهنگها دختر بچه ها را حضور گذرا می دانند که باید تا موقع ازدواج موقتاً از او نگهداری کرد. ازدواج زودرس در بسیاری از ساختارهای سنتی، فرصت منحصر برای رشد است که در اختیار دختران قرار می گیرد. ولی همین نوع ازدواج در بسیاری از مواقع باعث وخیم تر شدن وضعیت دختران می شود. مخصوصاً در شرایطی که جهیزیه از شروط ازدواج باشد. چنین سنتی باعث تقویت این احساس می شود که فرزند دختر عملاً یک بار مالی اضافی است. پایگاه دختر پس از ازدواج با جنسیت فرزندان او مخصوصاً فرزندان پسر، ارزیابی می شود. در مقابل طرز تلقی او

از تشویقاتی که برای نقش خویش دریافت می دارد به نگرش و آرمان هایش شکل می دهد و اینها به نوبه خود به دخترانش انتقال می یابد.

### برنامه ریزی برای بهبود رشد انسانی دختر بچه ها

دختر بچه به تعهد خانواده و کمک دولتها، جامعه و محافل بین المللی نیاز دارد تا برای بهبود بهداشت، تغذیه، اشتغال و آموزش و پرورش فرصتهای مساوی در اختیارش قرار دهند. در صفحات زیر، پیشنهادهایی درباره زمینه های دارای اولویت به منظور ایجاد تحول و توسعه ارائه می شود. (۱) امکانات بهداشتی برابر برای دختر بچه ها

ارقام مربوط به میزان مرگ و میر نوزادان دختر یا در دسترس نبوده و یا قابل اطمینان نیستند. لیکن مروری گذرا بر مدارک موجود آشکار کرد که میزان بالاتر مرگ و میر دختر بچه ها در دوران اولیه کودکی در کشورهایی جریان دارد که پسران را به دختران ترجیح می دهند و ارزش کمتری برای دختران و زنان قایلند و از آنان کمتر مراقبت می کنند.

**دختر بچه به تعهد خانواده و کمک دولتها، جامعه و محافل بین المللی نیاز دارد تا برای بهبود بهداشت، تغذیه، اشتغال و آموزش و پرورش فرصتهای مساوی در اختیارش قرار دهند**

تبعیض جنسیتی در مراقبتهای بهداشتی تبعیض جنسیتی در مراقبتهای بهداشتی در بخشی از مطالعات انجام شده در آسیا، آفریقا و خاور میانه منعکس شده است. این مطالعات نکات زیر را آشکار می کنند:

- \* در مقایسه با دختران تعداد بیشتری از پسران ایمن سازی شده یا در بیمارستانها مورد درمان قرار می گیرند.
- \* میزان مرگ و میر در نتیجه ابتلای به سرخک، اسهال و بیماریهای ریوی در میان دختر بچه ها بالاتر است.
- \* دختر بچه ها زودتر از پسرها از شیر گرفته می شوند.
- پسران برای مدت بیشتری با شیر مادر تغذیه می شوند.
- \* در مقایسه با پسران، دختر بچه ها معمولاً دیرتر و در شرایط حادثتری به بیمارستان رسانده می شوند.
- این قبیل نابرابریها و عدم مراقبت ناشی از تمایز جنسیتی در آسیای جنوبی، آفریقای شمالی، خاور میانه و چین باعث شده است که تعداد زنان ۱۰۰ میلیون کمتر از میزان تخمینی مورد قبول در روندهای جمعیت شناسی محاسبه شود.
- آسیب پذیری سلامت دختران از رسوم اجتماعی و فرهنگی دیگری هم ناشی می شود. در حداقل ۲۵ کشور آفریقایی، آسیایی و عرب رسم ختنه زنان سلامت جسمی ۷۵ میلیون دختر را به مخاطره می افکند و در عین حال فشار عاطفی و روانی شدیدی بر این دختران در آستانه نوجوانی و بلوغ وارد می سازد تولید نسل در دوران نوجوانی و بارداری زودرس، فشار زیادی بر مادران جوان و کودکانشان وارد می کند. آمار ملی بدست آمده از گروه وسیعی از کشورها مانند بنگلادش، جمهوری دمیکن، السالوادور، جامائیکا، ژاپن، مالزی، نیجریه،

نهم دیماه ۱۳۷۵ از ساعت ۸ تا ۱۵:۳۰ در دفتر امور زنان همزمان با پنجمین سالگرد تاسیس این دفتر نشستی بر زمینه تعیین اهداف بر اساس سخنرانی آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری و تهیه و تدوین راه کارهایی جهت تحقق آن هدفها برگزار گردید.

در این نشست خانمها حبیبی، محتمی، مهندس صدیقی (نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی مردم) و خانم دکتر ابتکار در زمینه فوق و موقعیت تشکیلات دفتر امور زنان سخنرانی داشتند.

از نکات برجسته سخنرانی مقام معظم رهبری، مطلب اول این است که: امروز نه فقط در ایران ما، بلکه در سراسر جهان معضل بزرگی وجود دارد و آن عبارت است از این که نسبت به حقوق و شخصیت بانوان در بعضی از بخشهای زندگی کوتاهی و یا تعرضی انجام میگردد. از مقدمات پیروزی انقلاب و بعد از آن زنان در میدانهای عظیم مبارزه سیاسی حضور پیدا کرده و نقش خود را با ثبات رساندند و نقش اجتماعات زنان در پیروزی انقلاب به احتمال زیاد از اجتماعات مخصوص مردان بیشتر بود. حضور زنان در مبارزات عمومی و سیاسی يك نقش چندگانه داشت. مرد يك نفر بود، خودش در مبارزات یا در اجتماعات، یا در راهپیمایی ها می آمد، شرکت می کرد، همین و بس.

اما وقتی زن در مبارزه حاضر می شد خانه را در میدان مبارزه حاضر می کرد. خانه ای که در آن مرد هست، زن هست، فرزندان هستند، همه را در میدان مبارزه حاضر می کرد.

در جنگ هم اگر مادران و همسران شهدا صبر نمی کردند جنگ دچار مشکلات بزرگی می شد.

در مجموع زن وقتی از سواد و آگاهی سیاسی برخوردار باشد کسی نمی تواند به

## پنجمین نشست نمایندگان سازمانهای غیردولتی زنان

قانون در حمایت از باتوانی که تشکیل خانواده داده اند و داخل محیط خانوادگی خودشان هستند، وظایف بسیار سنگینی دارد. این چیزی است که مادر کشورمان باید به جدیت دنبال کنیم. البته بعد از انقلاب قوانین ازدواج و قوانین حمایت از خانواده اصلاح زیادی شده است اما کافی نیست، این چیزی است که توصیه به همه دست اندرکاران است، چه آنهایی که در مجلس هستند و چه آنهایی که در دستگاه های دولتی هستند و چه آنهایی که در منابر خطابه و وعظند، چه به خود زنها.

آسانی به او زور بگویند و حق او را پایمال کند و این چیزی بود که در انقلاب پیش آمد.

زن را از سه دیدگاه می شود مورد بررسی قرار داد تا بینش اسلامی نسبت به زن آشکار شود.

**دیدگاه اول:** نقش زن به عنوان انسان در راه تکامل معنوی و نفسانی است. در این دیدگاه زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. این دیدگاه وقتی خدای متعالی می خواهد برای مومنین مثالی بزند از زنان مثال می زند (زن فرعون)

"ضرب ا... مثلا للذین آمنوا امراه الفرعون".

**دیدگاه دوم:** در زمینه فعالیت های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. از نظر اسلام میدان فعالیت و تلاش علمی، اقتصادی و سیاسی برای زنان کاملا باز است. اگر کسی به استاد بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی، تلاش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی محروم کند، برخلاف حکم خدا حرق زده است. فعالیتها، به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورتهايشان اجازه می دهد، مانعی ندارد. هرچه می توانند تلاش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنند، شرع مقدس مانع نیست.

نظر اسلام يك نظر میانه است یعنی اگر زن فرصت و فراغت داشته باشد، بچه داری مانع او نشود، شوق، علاقه، نیرو و توان جسمی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بشود، مانعی ندارد و البته فعالیت علمی هم خوب است و ترجیح دارد. دین برای تحصیل میان پسر و دختر فرقی نمی گذارد. بگذارید تا دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شان خود واقف شوند، قدر خود را بدانند تا بفهمند

## دست کم گرفتن کار دختران

طرز فکر والدین، به دست کم گرفتن کار دختران دامن می زند. برای مثال، مطالعه ای مربوط به ارزش کار کودکان که در میان ۶۰۰ زن و شوهر نیجریه ای انجام شد، نشان داد که اکثر والدین باور دارند که پسران، سازنده تر از دختران هم سن خود هستند. هم مردان و هم زنان عقیده داشتند که والدین باید روی کودکان پسر به خصوص در خوراک و آموزش سرمایه گذاری بیشتری کنند. چنین برداشتی در میان والدین روشن کننده این واقعیت است که چرا پسرها در بسیاری از مواقع بیش از دختر بچه ها از فرصت فراگیری مهارت های مفید اقتصادی برخوردار می شوند.

## کودکان خیابانی و کودکان کارگر

یکی از پدیده های رو به افزایش و نگران کننده که فعالیت های تبلیغی و عملی یونیسف را به خود جلب کرده تعداد کودکانی است که در خیابانها کار می کنند. به طور تخمینی این تعداد هم اکنون به ۸۰ میلیون نفر در سطح جهان بالغ می شوند.

در برخی مناطق چون آمریکای لاتین این رقم به سرعت در حال افزایش است. همه کشورها باید به وضعیت کودکان خیابانی اهمیت بدهند. زیرا در این وضعیت غالباً حقوق اساسی پسران و دختران نادیده گرفته می شود. مطالعات انجام شده در آمریکای مرکزی، آفریقا، فیلیپین نشان می دهد که خطرهای جانبی بیشتری در کمین دختران خردسال خیابانی است. هر چند که این مطالعات حاکی از توانایی

مقاومت و اعتماد به نفس بیشتر در میان بسیاری از این دختر بچه هاست، اما این نوع پختگی و شهامت به قیمت بسیار بالایی کسب می شود. برای دختر بچه هایی که ناچار می شوند به کار در خیابانها، مزرعه ها و یا کارخانه ها تن بدهند، فشار مضاعف کار خانگی هم وجود دارد. از دست دادن انرژی جسمی تنها یکی از زیانهای قابل توجهی است که این دختر بچه ها با آن مواجهند.

این بچه ها از زمان کودکی، از وقت آزاد برای استراحت، پرداختن به تخیلات کودکانه و بازی و همچنین امکان استفاده از فرصتهای لازم برای کسب مهارت ها و آموزش محروم اند. آنجا که فقر غالباً دختر بچه ها و پسر بچه ها را به کار وامی دارد، راه حلهای مربوط به کار کودکان باید در جهت تلاش برای از بین بردن فقر باشد. این راه حلهای درازمدت باید با ابتکارات فوری برای کاهش جنبه های استثمار سنی و جنسیتی کار کودکان همراه و در راستای رشد معنی دارتر و سودآورتر کودکان باشند.

۴) آموزش برابر برای دختر بچه ها اکثر دولتها متعهد به فراهم کردن آموزش همگانی اند. با این همه در سال ۱۹۹۰ بیش از صد میلیون کودک به آموزش ابتدایی دسترسی نداشتند. حداقل ۶۰ میلیون از این کودکان دختر بچه بودند. از ۹۶۰ میلیون بزرگسال بی سواد در جهان، ۶۴۰ میلیون و یا دوسوم شامل زنانی است که یا هیچگاه امکان رفتن به مدرسه نداشتند یا مدرسه را ناتمام ترک کرده اند.

## سرمایه گذاری ناچیز برای آموزش دختران

در بسیاری از موارد عوملی فراتر از کمبود امکانات آموزشی باعث محرومیت

دختر بچه ها از تحصیل می شود جنسیت دخترها مانع عمده است.

در موقعیتهایی که دخترها فقط برای ازدواج متولد می شوند، بازده اقتصادی تحصیل دختر بچه ها از نظر والدین اندک است. والدین از این واقعیت آگاهند که مزد حاصل از مهارتهای زنان کمتر از مردان است و همین در تصمیم آنان برای عدم سرمایه گذاری روی کودکان دختر تاثیر می گذارد. ضمناً الگوهای جنسیتی در کتب درسی و برنامه های آموزشی، تصویری منفی از دختر بچه ها را تقویت می کند و زنان جوان را به ترک روال اصلی فعالیت اقتصادی وامی دارد و به سوی پذیرش کارهای کم مهارت، کم درآمد و با وجهه اجتماعی پایین سوق می دهد. عوامل دیگری هم در نازل بودن درصد ثبت نام دخترها در مدارس و میزان بالای ترک تحصیل آنان موثرند. برای مثال فاصله خانه تا مدرسه، کمبود معلمان زن، محدودیت مدارس مختص دختر بچه ها، نبود دستشویی و سایر امکانات، برنامه های آموزشی غیر خلاق، نداشتن بازده فوری اقتصادی کسب آموزش و محدودیت منابع مالی برای پرداخت مخارج پوشاک، کتاب و رفت و آمد ممکن است مانع شرکت دختر بچه ها در مدرسه شوند. اکثر کشورهای در حال توسعه در کارائیب، آمریکای لاتین، آسیای شرقی و جنوب شرقی و برخی کشورهای آفریقا و خاورمیانه به برابری دختران و پسران یا حتی پیشی گرفتن دختران در ثبت نام در مدارس دست یافته اند. اما در بسیاری از کشورهای آفریقا، آسیای جنوبی و خاورمیانه، هنوز هم تفاوت های چشمگیری دیده می شود. در برخی کشورها مانند بنین، گینه، پاکستان و یمن از سال ۱۹۷۰ تفاوت بین دختران و پسران بیشتر شده است.

درباره تشکیلات زنان در آسیا ارائه دادند.

چهار دسته سازمانهای زنان وجود دارد:

• سازمانهای وابسته به ریاست جمهوری به بیشترین درصد را دارد.

• دفاتر امور زنان با نازلترین سطح تصمیم گیری با درصد ۱۲ در سطح کشورهای آسیایی

• وزارت امور زنان، ۲۰ درصد کشورهای آسیایی، وزارت امور زنان دارند

• در بسیاری از کشورها فقط سازمانهای مربوط به زنان وجود دارد. همه این سازمانها به علل ذیل دارای ضعف هستند:

۱- فقدان شرح وظیفه

۲- فقدان حمایت سیاسی

۳- کمبود بودجه و پرسنل کارشناس امور زنان (ایران کارشناس امور زنان دارد.)

۴- فقدان سیاست گذاری درست عامل موفقیت این سازمانها در برخی از کشورها: حضور در سطوح تصمیم گیری و سیاست گذاری بوده است.

## مراحل شکل گیری تا نابودی سازمانها در ۱۰ مرحله:

۱- ایجاد:

ایده بوجود می آید مثلاً بنام "رسیدگی به امور زنان". در مرحله ایجاد همه چیز به بنیانگذار ارتباط دارد و مرگ بنیانگذار یعنی مرگ سازمان.

۲- طفولیت:

ایده آغاز به کار و رشد می کند. اگر در این مرحله بنیانگذار دچار از دست دادن باور، خستگی و یا بیگانگی با سیستم گردد، سیستم نابود می شود.

۳- رشد سریع:

ایده ها تبدیل به عمل می شوند، سازمان درگیر اجرا و عمل است.

## ویژگی:

بدلیل کنترل ناپذیر بودن سازمان جوان، شاخه برگ کاری به شدت افزایش می یابد و بعلت کمبود زمان جهت هدایت صحیح این شاخه و برگها، ممکن است سازمان دچار مرگ گردد.

در سه مرحله فوق نقش بنیان گذار بسیار حساس و کلیدی است.



دین مهمترین وسیله جهت جلوگیری از انحرافات و احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مقابله با تهاجم فرهنگی است.



۴- بلوغ:

از حجم پرشاخه و برگ به کارهای حساب شده و با تدبیر تبدیل می شود و برای انتقال از مرحله قبل به این مرحله نیاز به تفویذ اختیار است. در این مرحله المراد زیر مجموعه و عناصر مهم سرمایه گذاری می شوند که ممکن است در اثر جابجایی مکرر مهره ها، سازمان ساقط شود.

ایشان تشکل دلفر امور زنان را در مرحله ۳ و ۴ دانستند..

۵- مرحله تکامل:

فعالترین دوره و مهمترین مرحله کاری است، یعنی يك فرایند است و هدف رسیدن به قله مشخص نیست، در این مرحله هنر دست اندر کاران سازمان است که آرمانشان چه باشد و در اینجا نقش پویایی اسلام مطرح است و باید فعالیت طوری باشد که همیشه در حال حرکت باشند و خطرات مربوط به این مرحله است که منجر به سقوط و یا ثبات دائمی سازمان می گردد و برخلاف تصورات ذهن ثبات برای سازمان بسیار خطرناک است.

۶- مرحله ثبات:

سازمان به خیال خود به هدف رسیده و کارها خیلی خوب پیش رفته، افراد دوست دارند جلسات طولانی برگزار کنند و بحث بودجه و انتقال قدرت مطرح می شود و کار فراموش می گردد. همه ویژگیهای تکامل را ثبات دارد ولی فعالیت پرانرژی نیست.

از مشخصه این مرحله این است که: آدمهایی که مطیع تر هستند مورد تشویقند نه آدمهای کارآمد و نوآور!

۷- مرحله اشرافیت:

بجای اینکه چه کار کنیم، پرداخته می شود به اینکه در گذشته چه کرده ایم و برنامه ها بیشتر تشریفاتی است! اینجا اصطلاحات ایجاد می شود، مثل حرکت ایجاد نکن!! کار روی روال است!!!

این شعار يك زنگ خطر است. نوآوری کم می شود، ولی در سازمان نقدینگی زیاد می گردد و حقایق موجود کتمان می شوند

۸- بوروکراسی اولیه:

بجای اینکه مردم دنبال پاسخ باشند دنبال مقصر می گردند که کی بود؟! از پشت خنجر زدن اداری مطرح است، جنون سوء ظن مطرح است.

تبلیغات استکبار جهانی در زمینه زن  
چقدر بی اساس و پوچ است.

لیدگاه سوم: زن به عنوان يك  
عضو در خانواده است. این از همه  
مهمتر است، در اسلام به مرد اجازه داده  
نشده است که به زن زور بگوید و  
چیزی را به زن تحمیل کند، برای مرد  
حقوق محدودی در خانواده قرار داده  
شده است که از روی کمال مصلحت  
و حکمت است.

زن و مرد هر کدام اخلاق و روحیات  
مخصوص بخودشان را ندارند که اگر از  
اینها درست استفاده بشود يك زوج  
کامل هماهنگ و مساعد تشکیل می  
دهند و اسلام هم در داخل خانواده این  
دو را مانند دو چشم می داند در چهره  
انسان.

نکته مهم این است که در  
محیط خانواده این دو موجود یکی از  
لحاظ جسمانی ظرافت بیشتری دارد و  
یکی قوی تر است. اگر قانون از زن  
دفاع نکند ممکن است مرد به او تعرض  
کند. لذاست که قانون در حمایت از  
بانوانی که تشکیل خانواده داده اند و  
داخل محیط خانوادگی خودشان هستند،  
وظایف بسیار سنگینی دارد. این چیزی  
است که ما در کشورمان باید به جدیت  
دنبال کنیم. البته بعد از انقلاب قوانین  
ازدواج و قوانین حمایت از خانواده  
اصلاح زیادی شده است اما کافی  
نیست، این چیزی است که توصیه به  
همه دست اندرکاران است، چه آنهایی  
که در مجلس هستند و چه آنهایی که در  
دستگاه های دولتی هستند و چه آنهایی  
که در منابر خطابه و وعظند، چه به خود  
زنها.

این است که باید حمایت اخلاقی و  
قانونی از زن انجام بگیرد تا مرد در محیط  
خانواده نتواند زورگویی کند این همان  
نقطه اساسی است که اسلام مهمترین  
کار را در این بخش انجام داده است.

● اگر در عمل برنامه ریزی کلی و بدون  
نگاه به جنسیت باشد اجتماع اصلاح می شود  
و از کارهای سازمانهای دولتی باید توانایی  
جمع آوری اطلاعات بدون توجه به جنسیت،  
اجراء بهبود وضع زنان توسط خود ارگانها،  
حمایت از انجمن های خیریه و... باشد

بعنوان اولین سخنران در این  
نشست خاتم حبیبی ریژی پنجمین  
نشست دفتر امور زنان را دعوت از  
سازمانهای غیر دولتی زنان دانستند و  
موضوع بحث خود را اجلاس پکن قرار  
دادند و تدوین برنامه هایی در چهار  
چوب توافق های حاصله مطابق با نیاز  
فرهنگی کشور با توجه به ضرورتها و  
اولویتهای مسائل زنان در کشور لازم  
دانستند که ظرف ده سال اجرا گردد.

الف: اولویت گذاری برای سند  
پکن از بعد فرمایشات مقام رهبری و  
آنچه که ایشان اولویت مسائل زنان  
دانسته اند.

ب: بررسی نحوه فعالیت های  
تشکیلات دولتی و تاکید به ارتقاء  
تشکیلات مربوط به بانوان تا بتوانند  
نگرش اسلام را پیاده کنند، تا فرهنگی  
زنده شود و راهی ترمیم شود که بتواند  
تغییر و اصلاح لازم را ایجاد کند و گرنه  
همه فعالیتها در حد شعار و حرف باقی  
خواهد ماند. باید دید این تشکیلات چه  
جایگاهی باید داشته باشند، تا وضعیت  
بهبود و ارتقاء یابد.

ایشان بعنوان نکاتی از بیانات مقام  
رهبری در ارومیه، مجلس و دولت از  
۱- تدوین

۲- تحقیق

۳- اجرا در جهت تکامل انسانی

۴- ایفاء نقش اجتماعی و روابط

اجتماعی زنان نام بردند بعنوان گامهایی

که باید برداشته شود تا خلاء نابرابری و  
کمبود زنان جبران شود و اعتقاد داشتند  
اگر کسی غیر از ایشان این سخنرانی را  
بیان می کرد، می گفتند: کمونیست و  
یا... است.

ج: بررسی مراحل مختلف تشکیلات  
سیاسی زنان و اهمیت آنها  
۱- حضور مختلف در عرصه تصمیم  
گیری، یافتن وضعیت موجود زنان و  
رفع کاهش نابرابری موجود با احساس  
نگرش فرهنگ اسلامی.

۲- حضور جنسیت در مسائل سیاسی و  
اجتماعی، مسئله جدا کردن زن بعنوان  
جنسیت نیست، بلکه در جهت جبران  
نقصان حضور زنان است. با تحقق کامل  
عدالت لزوم به پرداختن خاص به  
موضوع زنان حل می شود. بطور مثال  
ایشان آماری از کشور انگلیس ذکر  
کردند که نشانگر عقب ماندگی ذهنی و  
اجتماعی پسران نسبت به زنان است، به  
علت توجه به جنسیت در ابعاد سیاست  
گذاری و اجرا.

ایشان معتقد بودند اگر در عمل برنامه  
ریزی کلی و بدون نگاه به جنسیت باشد  
اجتماع اصلاح می شود و از کارهای  
سازمانهای دولتی باید توانایی جمع آوری  
اطلاعات بدون توجه به جنسیت، اجراء  
بهبود وضع زنان توسط خود ارگانها،  
حمایت از انجمن های خیریه و... باشد.

همچنین ایشان اطلاعاتی از سازمان ملل

## دیدگاه حضور

- الف - شرایط حضور
- ب - ابزار حضور
- ج - آلات حضور

الف: شرایط حضور شامل:

- ۱- توانمندی
- ۲- علاقه زنان
- ۳- شور و انگیزه
- ۴- اوقات فراغت
- ۵- نیازهای جامعه

۶- ضربه نزدن و نخوردن به خانواده از جهت حضور

ب: ابزار حضور:

که شرط حضور را فراهم می کند و باعث افزایش سطح خردمندی زنان و پشت کردن زنان به مسائل پوچ و بی ارزش می گردد.

ج: آفات حضور:

پرداختن به مسائل خود و ابزار مصرف شدن زن که باعث جلوگیری از اهداف تکاملی خلقت زن است. زن و مرد هر دو مثل دو چشمند در یک صورت، زن گرداننده تاریخ است. مقایسه الگوی اروپایی و اسلامی حضور زن، این نیست که آنها زن را دانشمند نمی خواهند یا ما، بلکه بحث بر سر نحوه ارزش گذاری است و تفکر غربی به زن تفکر باستانی و رومی نسبت به زن است! و ایراد آنها به ما نسبت به عدم اختلاف زن و مرد تنها همان دیدگاه رومی و باستانی در جهت التذاذ و کالائیت زن است و در اینجا مقام رهبری از زنان می خواهند که زنان سنگربان واقعی حفظ فرهنگ اسلامی باشند.

مشکل زن فقط تصدی پست های کلیدی است و این در جهت حل مشکلات زنان است و انشا... هم به تصدی برسند. ولی مشکل زن باید روی زندگی خانواده حل شود. احساسات زن

و مرد فرق ندارد اما نوعش فرق دارد. منشاء زورگویی ها می تواند نبودن عامل معنوی شدید در خانواده باشد. نبودن ایمان صریح و محکم عامل زورگویی است و عامل بیرونی زورگویی، نبودن قانون صحیح و کامل است. ریشه تاریخی ظلم هم باید بررسی کرد.

منشاء زورگویی مرد به زن در خانواده در دنیا ریشه تاریخی دارد، با منشاء درونی جهل، شهو و قوی بودن بعد جسمانی مرد.

الفرادی که به زن به عنوان حمایت از او ضربه می زنند، در دیدگاه دارند:

۱- زن با دیدگان غرب نه با دیدگاه اسلام

۲- دیدگاه انفعالی نسبت به زن

پس از سخنرانی خانم محشمی بمنظور:

الف) محوربندی و اولویت گذاری بر مسائل زنان بر اساس سخنان مقام معظم رهبری

ب) تعیین اهداف و زمینه های لازم برای ارتقاء تشکیلات زنان

ج) تهیه و تدوین راه کارهای اجرایی جهت تحقق اهداف فوق گروههای ۹ نفره کاری تشکیل گردید و نتایج کار هر کدام از گروهها توسط نمایندگان آنها ایراد شد.

برخی از این نتایج به شرح ذیل می باشد:

- در خود ما زنان خود مانسوری وجود دارد که شاید ظلم هایی وجود دارد!! پس بهتر است مسائل زنان عنوان شود.

- آموزش همه جانبه برای ارتقاء نگرش زن به زن، نگرش مرد به زن و آغاز این آموزش از سطوح کتاب دبستانی

- فراهم نمودن زمینه های مشارکت زنان - اصلاح نگرش غلط جامعه نسبت به زن - افزایش سطح حضور زنان در تصمیم گیریها، سیاست گذاری ها و جلوگیری از نادیده گرفته شدن حقوق آنها.

از آنجایی که امور اقتصادی زنان در خانواده (بالاخص زنان خانه دار) بطور کامل به مردان اتکا دارد. تعیین برخی از حقوق ها برای آنان از ابتدای زندگی الزامی بنظر می رسد.

بررسی قوانین موجود درباره زنان و خانواده بطور اعم تا نقاط ضعف و خلاء قانونی آن پر شود.

- آموزش از طریق رسانه های گروهی و بالابردن فرهنگ اجتماعی زیراریشه ای ترین مشکل زن چه در خانه و چه در اجتماع عدم آگاهی نسبت به قوانین حمایتی از اوست.

- آموزش فرهنگ صحیح قرآنی از طریق رسانه ها، آموزش و پرورش و حوزه علمیه

و...

## حضور زنان باعث

شده ستون فقرات دشمن در

حضور سیاسی بشکنند. اگر

مرد در انقلاب حضور پیدا

کرد، تنها بود، ولی با

حضور زن خانه به انقلاب

کشیده شد. اسلام به زن

شخصیت داد ولی این

شخصیت زیر خاکستر

اسارت ظواهر فریبنده جهل

بود!

۹- بوروکراسی مطلق:

بندرت کاری با معنی صورت می گیرد! همه چیز در هم ریخته و بی نظم است، کسی از کار دیگری خبر ندارد و همه مهره اجرایی صفر هستند!!  
۱۰- مرگ سازمان:  
ممکن است سالها به طول بیانجامد.

\* نکته:

در هر کدام از مراحل فوق میزان تعهد عناصر کارمند در سازمان بسیار مهم است و هر زمان میزان حساسیت و تعهد کم شود، برای سازمان زنگ خطر است.

بطور مثال: در مکزیك و برزیل کارندهای سازمانی بسیار منظم سر کار می آیند، ولی در طی مدت کار به کارهای شخصی خود می پردازند و تعهد به کار ندارند. این سازمان محکوم به مرگ است و سازمان فقط ظاهر تشکیلات دارد و هزینه مصرف می کند.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مقابله با تهاجم فرهنگی را امری لازم دانستند.

ایشان موضوع سخنرانیهای مقام معظم رهبری را در ارومیه و مجمع اعضای شورای فرهنگی زنان با سه محور مورد بررسی قرار دادند.

ما سه نوع برخورد با زنان داریم:

۱- تمجید و سپاس:

در این محور از نقش زنان در پیروزی و تداوم انقلاب و نقش فعلی در سازندگی کشور بحث می شود. انقلاب و زنان تاثیر دو جانبه بر همدیگر دارند. انقلاب باعث تغییر در روشها و بینش زنان و حضور فعال آنها شد و "نسبت به صدر اسلام زنان اینطور فهیم شده اند." از فرمایشات مقام معظم رهبری حضور زنان باعث شده ستون فقرات دشمن در حضور سیاسی بشکند. اگر مرد در انقلاب حضور پیدا کرد، تنها بود،



نظر اسلام يك نظر میانه است، یعنی اگر زن فرصت و فراغت داشته باشد، شوق، علاقه، نیرو و توان جسمی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و... بشود، مانعی ندارد. دین برای تحصیل میان دختر و پسر فرقی نمی گذارد.



سومین سخنران خاتم محتشمی سخنانی با عنوان "تبیین سخنرانیهای اخیر مقام معظم رهبری" بیان فرمودند. ایشان دین را مهمترین وسیله جهت جلوگیری از انحرافات و احیاء

ولی با حضور زن خانه به انقلاب کشیده شد. اسلام به زن شخصیت داد ولی این شخصیت زیر خاکستر اسارت ظواهر فریبده جهل بود!

۲- تعبیر دیدگاه اسلام در مسائل مختلف زنان:

در این دیدگاه اگر می خواهیم تبعیض برطرف شود باید سطح فرهنگ جامعه ارتقاء یابد و این میسر نیست جز بررسی دیدگاه ظریف اسلام، در مسائل زن. زن یکی از چند کلید راز گشای فرهنگ هر قوم است.

برای ارزیابی يك نظام بررسی تفکر آن فرهنگ به زن کافی است. پیغمبر فقط این نبوده که مسائل زنان را مطرح کند، بلکه همیشه از حقوق آنان دفاع کرده اند، پس حقوق زنان ضایع شده است.

۳- قلمرو فعالیت زنان:

• قلمرو تکامل زن

دو دیدگاه دارد - یکی بعنوان يك انسان و تامین حقوق او زیرا انسان برای رشد و تکامل اراده و اختیار دارد. در این دیدگاه ارزش گذاری برای زن و مرد همان انسان است و بس. اگر اراده تقویت شود از فرشتگان می تواند پیشی بگیرد.

زن و مرد تفاوتهایی در غرایض و احساسات دارند، ولی نه از نظر عقلی! و این تفاوت دیدگاه حکیمانه خدا نسبت به زن است و فلسفه خلقت! زیبایی چهره بشریت منوط به قرار گرفتن هر کس در جای خود است. از دیدگاه قرآن زن الگو است، مثال زن فرعون است که الگو بوده. ابزار کسب لذت دنیا مستقیم و غیر مستقیم زن است، چه اهداف جسمی و چه اهداف اجتماعی.

• قلمرو حضور اجتماعی: هر کس بخواهد با استناد به بینش اسلامی مانع حضور زنان شود، خلاف شرع عمل کرده است. در اسلام نه تحمیل است و نه تحدید. در مسائل اجتماعی تحمیل کار خانه به زن و جلوگیری از حضور او ظلم است.

- وزارت زنان، درازده کشور آسیایی  
وزرات زنان دارد با درصد ۲۳  
- ۱۹ کشور آسیایی اداره آسیایی دارند  
با درصد ۴۰

از جهت طبقه بندی جایگاه  
تشکیلاتی به ترتیب اهمیت می  
توان آمار فوق را بشرح زیر  
بیان کرد:

- وزارت زنان  
- تشکیلات سازمانهای زنان  
- ریاست جمهوری ها  
- ادارات زنان

در خصوص تشکلات زنان در آسیا سه  
روند به چشم می خورد:  
- تشکلات زنان تدریجاً از وضعیت  
تشکیلات دفتری به وزارتات و ادارات  
رفته اند با منحنی صعودی  
- تغییر نگرش به مسائل زنان مثلاً در  
ابتدای سال ۱۹۸۵ برنامه های توسعه  
لفظ اشاره ای به زنان داشته اند در حالی  
که در سال ۱۹۹۵ در برنامه های  
توسعه بخش یا فصلی اختصاص به امور  
زنان یافته است.  
- تدوین برنامه جامع برای بهبود  
وضعیت زنان

براساس مطالعات ملی تشکلات  
زنان در ایران و آسیا با  
مشکلاتی به شرح زیر مواجه  
اند:

۱- فقدان شرح وظیفه ای مشخص  
که در خودشان سردرگم هستند و  
نمی دانند در چه حیطه ای باید عمل  
کنند  
۲- فقدان قدرت اجرایی کافی

۳- فقدان حمایت سیاسی کافی  
۴- کمبود بودجه بعلت فقدان  
جایگاه اجرایی صحیح  
۵- کمبود پرسنل کارشناس (راه حل  
در ایران پرورش بصورت رشته  
کارشناسی ارشد)  
۶- فقدان دسترسی به سطوح تصمیم  
گیری و سیاستگزاری  
۷- فقدان هماهنگی در بخشهای  
مختلف امور زنان.

### خلاصه ای از بحث خانم ابتکار از سخنرانی فوق:

اما مناسبترین راه حل در این زمینه با  
توجه به چهار نوع ساختاری که در دنیا  
آسیا وجود دارد کدام است؟ آیا ادغام  
تمام ساختارهای موجود در یک ساختار  
قوی دولتی می تواند راه حل مساله  
باشد؟ به نظر می رسد با توجه به تنوع  
فعالیتها و گستردگی دیدگاهها در این  
زمینه، هماهنگی مفیدتر از ادغام است.  
همچنین آیا شورای عالی می تواند عهده  
دار وظیفه یک نهاد قوی اجرایی در  
مسائل زنان باشد؟ زیرا این شوراها  
امتحان خود را داده اند و شورای عالی  
اگر چه در برخی ابعاد می تواند موفق  
باشد، اما در حوزه مسایل زنان نیاز به  
قدرت اجرایی قوی است و شاید ارگان  
اجرایی قوی که با نظارت شورای عالی  
عمل کند در این زمینه بهتر جوابگو  
باشد.

آیا باید ساختارهای جدیدی در ایران  
تاسیس کرد یا ارگانهای موجود را  
تقویت کرده یکی از آنها را بعنوان  
سازمان زنان در جمهوری اسلامی ایران  
معرفی نموده و وظیفه هماهنگی و  
سیاستگزاری را در این زمینه به آن  
سپرد؟ در مجموع تصور می شود با توجه  
به روند رشدی که در آسیا مطرح بوده و  
توانمندی هایی که جامعه زنان ایران از

خودشان دادند همچنین با توجه به  
نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی  
حضرت آیت ا... خامنه او زمینه دینی که  
فراهم می باشد، شایسته است شاهد  
بوجود آمدن و یا تقویت یکی از  
ساختارهای موجود در کشورمان مانند  
دفتر امور زنان باشیم تا در حد یک  
سازمان قوی و در مقامی که شایسته مقام  
معالی زن در نظام جمهوری اسلامی است  
معرف جایگاه و زنان مسلمان در سطح  
دنیا باشد.

خانم دکتر ابتکار در خاتمه سخنانی تحت عنوان "بررسی چگونگی ارتقاء تشکیلات دفتر زنان" ایراد نمودند.

## بررسی چگونگی ارتقاء تشکیلات دفتر زنان:

لازمه ارتقاء سطح: وجود ابزار است تا اصلاحات و تغییرات جدی پیش بیاید از ابزار اساسی: وجود تشکیلات منسجم زنان است تا این تشکیلات بتوانند بطور جدی مسائل زنان را مورد بررسی قرار بدهند. تشکیلات بسیاری بعد از انقلاب بوجود آمده اما آیا این تشکیلات متنوع زنان در جهت به انجام رساندن فرمایشات رهبری و امام توانمندانه و یا ضرورت دارد که ساختار تشکیلات تغییر کند؟

بحث: چگونگی ارتقاء تشکیلات زنان: چند نکته: یکی از بندهای سند پکن ناکافی بودند تشکیلات جهت ارتقاء مسائل زنان است. اگر زنان بخواهند وضعشان بهبود یابد، باید تشکیلات مهم و مجزایی تشکیل شود. اما این تشکل در جمهوری اسلامی منظور مقابل مرد ایستادن را ندارد برخلاف بقیه کشورها! زنان در ایران عقب ماندگیهای ویژه خود را دارند مثل تمام دنیا و مقام رهبری بر این مسائل تکیه داشتند:

● ضرورت ایجاد تشکیلات منسجم - آمار نشان می دهد زنان مشکلات و معضلات مضاعف دارند.

- وجود ارگان قوی جهت رسیدگی به مشکلات خاص زنان (مرجع ملی)

- توجه دادن به مسئولین و سیاستگذاران به متغیر جنسیت

وظایف يك تشکیلات فراگیر امور زنان:

● الف: روش غیر مستقیم: توانمند سازی ارگانهای دولتی در جهت رسیدگی به امور زنان بصورت مستقیم و متعادل یعنی راساً تشکل اقدام انجام نمی دهد

بلکه از جهت ارگانهای دولتی انجام می دهد.

ب: روش مستقیم: اقدام جهت بهبود وضعیت زنان مثل برگزاری یکسری پروژه ها که باعث بهبود وضعیت اقتصادی و یا... است.

با برنامه ریزی برای آینده بصورت:

۱- جمع آوری اطلاعات و آمار به تفکیک جنسیت

۲- توسعه تحقیقات و مطالعات کاربردی در مسائل زنان در خصوص مسائل جنسی.

۳- طراحی و برنامه ریزی برای ارتقاء تشکیلات زنان

۴- بازویی جهت اصلاح و بازنگری قوانین موجود

۵- اجرای برنامه خاص بهبود زنان

۶- نظارت و ارزیابی برنامه های دولتی و تاثیر آن بر مردان و زنان

۷- مهمترین وظیفه هماهنگی بین بخشهای دولتی و ارگانهای زنان

۸- اشاعه اطلاعات و آگاهی در خصوص مسائل زنان در بین اقشار مختلف مسئولین و مردم که زمینه ساز حرکت اصلاح و ارتقاء وضعیت زنان است.

۹- حمایت و ترغیب سازمانهای غیردولتی (NGO) زنان یعنی تشکیلات دولتی باید پایگاه قوی مردمی و زنان از طریق NGO داشته باشد.

۱۰- مورد اصولی مسئله طرح اصولی مسائل زنان در کلیه سطوح برنامه های کشوری و ملی

● جایگاه تشکیلات:

مطالعات نشان می دهد تشکیلات باید دارای ویژگیهایی از نظر جایگاهی و توانایی اجرای باشد و تشکیلات باید قدرت کافی برای اعمال نظرات خود در کلیه ابعاد اجرایی کشور را داشته باشد.

تجربه نشان داده که این ارگان باید در عالیترین سطح تصمیم گیری کشور مانند

کابینه دولت و یا اینکه در هیئت وزیران نماینده داشته است.

سند پکن به این مسئله اشاره داشته است.

- این تشکیلات به هیچ عنوان جایگزین کلیه تشکیلات دولتی و غیردولتی زنان نخواهد بود.

## بررسی تجربه ایران و بین المللی برای ایجاد این تشکیلات:

تشکلات دولتی زنان در جمهوری اسلامی

۱- شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۶۶ هدف مرکزیت زدایی امور اجرایی زنان

۲- کمیسیونهای امور بانوان زیر نظر وزارت کشور، مهر ۱۳۶۹

۳- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری - ۱۳۷۰

۴- معاونت ورزشی بانوان، ۱۳۶۰

۵- اداره بین الملل زنان، ۱۳۷۱

۶- دفتر ترویج فعالیت زنان روستایی، فروردین ۱۳۷۵

۷- دفتر امور زنان قوه قضاییه

۸- کمیسیون زن و خانواده در مجلس شورای اسلامی اخیراً

۹- ستاد امور زنان در وزارت آموزش و پرورش اخیراً

...

## آمار بین المللی

- یازده درصد از تشکیلات زنان در آسیا بصورت سازمان است مثل سازمانهای دولتی.

- چهارده درصد از کشورهای آسیایی تشکیلاتی بصورت دفاتر نخست وزیری و ریاست جمهوری و یا استانداری دارند. مثل دفتر امور زنان

واسطه انتقال انرژی درمانگرانه به بیمار باشند.

در بخشی از نقد دکتر امر ضیائی آمده: "اگر بیماری درمانده، در مراحل پیشرفته و درمان ناپذیر، متوسل به خرافات شود و به پر کاهی نیز چنگ زند معذور است، چرا که بقولی آنگاه که علم درمی ماند، خرافات سر بر می آورد. اما عامی گری پزشکی که پیدمیولوژی خوانده است (می شود) می داند که برای هر ادعای علمی، منابع محکم مستدل با پشتوانه تحقیق آزمایشگاهی ضروری است، چنین گرافه گویی، مایه بسی شرمساری می باشد، بویژه اینکه یاد گرفته ایم که حتی روزنامه و مطبوعات غیراختصاصی قابل انکار رجوع برای استادات پزشکی نیستند."

سوالی که در اینجا مطرح می شود آن است که منظور آقای دکتر از خرافات چیست و اینکه چگونه توسل به پر کاهی (به عنوان نمادی از خرافه پرستی) می تواند درمانگر بیمار رنجور لاعلاج باشد؟ البته بدون تردید یک بیمار درمانده و مایوس به هر دری متوسل می شود تا روزنه امیدی بیابد و از این جهت واقعا معذور است، اما آیا صرف معذوریت می تواند مشکل گشای درد بسی درمان او باشد، اگر اینطور است دیگر نیازی نخواهد بود تا بیماران خرافه پرست با مشقات فراوان به حضور دکتر پرورنده نائل رسند، بلکه صرفا با توسل به خرافات و تلقینات می توانند معضل غامض خود را مرتفع نمایند. البته بدون هر گونه تشکیک ما نیز ایمان داریم که فاکتور تلقین بعنوان یکی از عوامل قوی می تواند یک بیمار بحرانی را از مرگ نجات بخشد و گاه حتی سلامت کامل را به او باز گرداند. بویژه آنکه امروزه یکی از اصول هیپنوتراپی همین عامل است<sup>۳</sup>. اما قدرت درماتی دکتر پرورنده و امثال ایشان الزاما ارتباطی به

ایمان سوژه<sup>۴</sup> (بیمار) و تلقین پذیری او ندارد، زیرا بسیاری از بیماران با حالت ناباورانه بعنوان آخرین ملجا به چنین اشخاصی مراجعه می نمایند. بویژه آنکه سابقه درمانی پزشکی (متمادی و بی تاثیر) آنان را به شدت ناامید نموده و از این رو بدون گونه باور تاثیر پذیرانه برای درمان آماده می شوند، اینکه دکتر پرورنده بیماری را درمان کند یا نه بستگی به شدت نوع بیماری، سابقه و توان ایشان دارد چه بیمار این قدرت درمانی را انکار نماید، چه در نظرش مقبول افتد. اگر چه در مواردی به دلائلی درمان بیماران توسط ایشان غیرممکن می نماید.

اما اینکه اذعان داشته اند سر در آوردن خرافات بعد از درماندن علم است، باید علم و خرافات را در اینجا تفکیک نمائیم، سخن از کدام خرافات است؟

آقای دکتر قطعا نام فیزیولوژیست فقید و شهر فرانسوی دکتر الکسیس کارل را شنیده اند، ایشان عمری را روی مباحث خشک علمی و دقیق آزمایشگاهی سپری نمودند. محصول زحمات وی اخذ دو جایزه نوبل در فیزیولوژی است.

یکی از این دو جایزه بخاطر پیوند رگها و شیوه بخیه زدن آنها به وی اعطا شده زیرا برای اولین بار این روش حساس و بزرگ را ابداع نمود و جایزه دیگری که چند سال بعد موفق به دریافت آن شد، بدین خاطر بود که توانست برای نخستین بار در دنیا، قلب یک جوجه را بیش از ۳۵ سال در خارج از بدن او در محیط آزمایشگاه زنده نگه دارد.<sup>۵</sup>

دکتر کارل نتایج عمری تحقیق خود را در کتاب ارزشمندی بنام "انسان موجود ناشناخته" به رشته تحریر در آورده اند و پس از سالیان متمادی کار و

آقای دکتر خوب می دانند که مبتلایان به سرطان حداکثر ۲۰ درصد مراجعه کنندگان استاد پرورنده را شامل میشوند و از طرفی می دانیم که از نظر طبی مبتلایان به سایر امراض صعب العلاج یا لاعلاج غالبا مشمول پدیده regression نمی گردند، پس چه توجیهی در این مورد خواهند داشت؟

تحقیق، خالصانه اعلام داشته که علم تا امروز هنوز یک گام برای شناخت پیچیدگی های درون انسان برنداشته است، ایشان در این راستا از شفا یافتگان موسسه لورد سخن می گویند، جایی که درمان بیماران مطلقا مبنای علمی و پزشکی ندارد، پروفیسور کارل اذعان دارند که: "سازمان طبی لورد خدمت بزرگی به علم کرده که واقعیت اینگونه شفاها را به اثبات رسانده است، بیمارانی بوده اند که تقریبا بطور آبی از دردهائی چون خوره، سرطان، عفونتهای کلیه، زخم های مزمن و سل ربوی و استخوان پریتونال (pritoneal) شفا یافته اند، چگونگی اینگونه شفا یافتن ها تقریبا همواره یکسان است: یک درد بسیار شدید و بعد احساس شفا یافتگی در چند دقیقه و حداکثر تا چند ساعت، آثار بیماری محو می شود جراحات و صدمات جسمی و آناتومیک آن نیز التیام می یابد، این معجزه با چنان سرعتی

"دردمندی کش زبام افتاد طشت  
زو نهان کردیم حق پنهان نگشت"  
"وانکه او جاهل بد از دردش بعید  
چند بنمودیم و او آنرا ندید"  
مولوی

"دامنه علم تا دورترین  
مرزهای جهان گسترده است اما  
در راه شناختن انسان هنوز يك  
گام برنداشته است."

( دکتر الکسیس کارل )

## اعجاز درمان در منشور متافیزیک

• علی ایزدی

ثانیا: "علیرغم محدود بودن حجم انتشار  
خبر درمانگری دکتر پرورنده، نیروی  
نافذ ایشان در بعضی بولتن ها و محافل  
علمی خارجی نیز مورد بحث و مذاقه  
قرار گرفته است."

ثالثا: "برخی بیماران که در اروپا و  
امریکا در راه پیگیری روند درمان  
امراض صعب العلاج خود کاملا درمانده  
بودند صرفا" با چند دقیقه مکالمه تلفنی  
درمانگری از طریق استاد چنگال مرگ  
رها شدند، ضمن اینکه باید دانست در  
ماوراء الطبیعه مسئله بعد و مسافت بی  
مفهوم است و امثال دکتر پرورنده به  
همان دلیل که در تماس مستقیم (لمس  
بیمار) می توانند او را نجات بخشند، از  
مسافت های بسیار دور نیز قادرند

لطمه وارد می نماید، بطور مثال اگر کلیه  
مطبوعات کشور در سطح موجود هر  
کدام صرفا" يك گزارش در مورد معجزه  
درمانگری دکتر پرورنده منتشر می  
شوند نتیجه چقدر دهشت بار می  
گشت، سیل بیماران دردمند به انحاء  
مختلف آدرس استاد را می یافتند و راهی  
درمانکده ایشان می شدند و با توجه به  
محدودیت انرژی و وقت استاد معضل  
لایحلی ایجاد می گشت، کما اینکه  
صرفا" انتشار اولین گزارش از سوی  
ماهنامه برگ سبز هجوم سیل آسای  
بیماران را به سوی منطقه مسکونی دکتر  
باعث گردید و در این راستا هزاران نامه  
هم اکنون به دفتر مجله فوق گسیل شده  
است."

در روزنامه اطلاعات مورخ ۷۴/۶/۷  
مطلب زیبایی تحت عنوان "باز آفرینی  
چهره ها در تراژدی درمان" به قلم محقق  
محترم دکتر حسین نیا درج گردید که  
متعاقبا" با نوشته طنز آقای دکتر ایرج  
امیر ضیائی (مندرج در اطلاعات مورخ  
۷۵/۶/۲۱) مورد انتقاد قرار گرفت ما در  
این نوشته بر آنیم تا نقدی بر نقد به  
اصطلاح علمی (فرانسیس بیکنی<sup>۱</sup>) آقای  
دکتر امیر ضیائی داشته باشیم.

در ابتدا مولف از اینکه دکتر حسین  
نیا تنها ماخذ ارائه شده برای وجود  
انرژی درمانگر از فاصله ۶ هزار  
کیلومتری را صرفا" در جراید دانسته  
اند، استحکام ادعای ایشان را مورد  
تردید جدی قرار داده اند.

در این مورد توجه آقای دکتر را به  
دو نکته جلب می نمائیم ( هر چند که  
بعید می نماید به مصداق "آنجا که عیان  
است چه حاجت به بیان است؟" نکات  
مربوطه از ذهن نقاد ایشان نیز دور مانده  
باشد):

اولا" اثبات صحت مدعای يك  
فرضیه یا تئوری صرفا" منوط به انتشار  
حق مستند آن در مطبوعات نخواهد بود،  
در بسیاری موارد مصالحی در میان است  
که علنی نمودن يك قضیه به اصل مطلب

همانطوریکه نیایش و توسل در يك زیارتگاه می تواند  
اعجاز کند، دست های معجزه گر نیز می تواند با امداد از  
ذات پروردگار و سالیان متمادی ممارست و ریاضت،  
اعجاز نماید، آری ما همچون آقای دکتر امیر ضیائی به  
پشتوانه های محکم آزمایشگاهی جهت اثبات اعجاز درمان  
از طریق قوای متافیزیک معتقدیم و اصولا" این را گزاره  
گوییم نمی دانیم، ولی بر خلاف تصور ایشان ادعای  
درمانگری را اصلا" مایه شرمساری نمی دانیم بلکه عامل  
فخر می بینیم.

۲- گزارش بعدی مربوط به درمان از راه دور يك بیمار ایرانی مقیم لوس آنجلس است معمولا "روال این است که بیماران خارج از کشور، با ملیت های مختلف، برای درمان بیماریهای لاعلاج خود ابتدا عکسی را از خود به آدرس تهران پست می کنند و دکتر پرورنده از يك تماس تلفنی، از هزاران کیلومتر، انرژی شفا بخش خود را به بیمار گسیل می دارند) این هم وطن ایرانی که به منظور حفظ اسرار پزشکی و خانوادگی، ایشان را اختصاراً با نام "ف - الف" معرفی می نمائیم، مبتلا به لوسمی پیشرفته (سرطان خون) بودند، ایشان پس از دو جلسه تماس تلفنی و گرفتن انرژی، پلاکت خونشان که به ۵۰۰ کاهش یافته بود به مرز ۱۴۰۰۰۰ رسید و باعث تحیر پزشک معالج وی در آمریکا شد.

۳- یکی دیگر از بیمارانی که از راه دور درمان گردید حاج مهدی نسیم است که در سال ۱۳۷۱ به دنبال وقوع يك انفارکتوس شدید عازم هامبورگ شد، پس از عمل جراحی باز قلب، با مشکل نارسائی کلیه مواجه شد، پروفیسور مایر دیالیز را پیشنهاد نمود پس از مدتی بعلت عدم کارائی دیالیز، انباشت اوره در بدن وی باعث شد تا يك روز به حالت اغماء فرورود، پروفیسور گفت دیگر از دست او کاری ساخته نیست فقط دعا کنید. به علت آشنائی دیرینه برادر او با استاد پرورنده و به توصیه خود استاد، در همان حال که در وضعیت کما در بیمارستان بستری بود، تماس تلفنی برقرار گردید. پس از ارتباط و انتقال انرژی استاد که فقط يك دقیقه طول کشید، دستگاههای کامپیوتری که به بدن بیمار وصل بودند، آثار حیات مجدد را در کلیه های وی نشان دادند و در مقابل حیرت پزشکان و پرستاران کلیه های بیمار به خوبی شروع بکار نمودند.

۴- گزارش بعدی مربوط به زنی است که مبتلا به سرطان سینه بوده متاستاز<sup>۹</sup> گسترده استخوانی باعث شد تا پزشکان، به این نتیجه برسند که این خانم صرفاً<sup>۲</sup> ۲ ماه فرصت زندگی دارد، خانم مهین نگاری ۴۲ سال سن دارند، واقعه مربوط به نیمه اول سال ۱۳۷۲ است، آقای دکتر عیسی نشاندار متخصص پزشکی هسته ای در توصیف وضعیت این خانم اعلام می کنند که پس از گذشت مدتی از ابتلای خانم نگاری به سرطان، متاستاز در سطح وسیعی که شامل ستون مهره ها، استخوانهای لگنی، شانه چپ، دنده ها و هر دو استخوان ران است، مشهود می گردد<sup>۱۰</sup>، ولی پس از طی مراحل درمان (انرژی گیری) توسط استاد پرورنده، آخرین اسکن ایشان که در اردیبهشت سال ۷۳ تهیه گردید، بیانگر بهبودی واضح متاستازهای سرطانی ایشان است، بدین ترتیب این خانم اکنون در سلامت کامل زندگی آرامی را دنبال می نمایند، در حالیکه طبق شواهد آزمایشگاهی و بالینی و نظر اطباء متخصص بایست ۲ سال پیش از این زندگی را بدرود گفته باشند.<sup>۱۱</sup>

با توجه به شواهد معدود فوق که به دلیل مجال اندک و سایر محدودیت ها صرفاً<sup>۱۲</sup> بدین چند مورد اکتفا می نمائیم، جهت اطلاع آقای دکتر امیر ضیائی، گوشه ای از نظرات دکتر پرورنده را در مورد پیگیری مستد درمان بیماران جلب می نمائیم.

"شایسته است که هیات تحقیق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سریعاً نتیجه کار و تحقیقات خود را (در مورد چگونگی درمان از طریق انرژی گیری) با اطلاع مردم برساند، البته برخی عکس العملهای منفی باعث دلسردی می شود، از سویی دیگر تأیید عده ای از پزشکان متخصص و محترم جامعه پزشکی

کشورمان از روند فعالیتهای درمانی اینجانب، مرا بیش از پیش به این مسئله امیدوار می سازد که این پدیده و پی آمدهای شفا بخش آن، سرانجام در کشور ما نیز مانند سایر ممالک مرفعی دنیا به رسمیت شناخته شود، تا در کنار سایر خدمات علمی پزشکی به یاری بیماران دردمند بشتابد... البته مدارک بسیاری وجود دارد که نشانگر وضعیت و سیر بیماری و درمان بیماران است، گو اینکه معمولاً از بیمارانی نیز میخواهم با راهنمایی پزشکان معالج خود، به انجام آزمایشات مختلف پزشکی مبادرت نمایند تا از روند بهبود بیماری خویش آگاه شوند. اما با این وجود، متأسفانه عده ای از افراد ناآگاه، عمدتاً همه چیز را منکر می شوند..."<sup>۱۲</sup>

انگلستان عده ای از  
درمانگران روحی در  
بیمارستانها جهت درانه  
کمک های درمانی به  
بیماران با پزشکان  
همکاری می نمایند و  
اطباء متخصص از  
نیروهای الهی آنها مدد  
می جویند.

سلامت را به بیمار باز می دهد که هر که حق امروز جراحان و فیزیولوژیست ها در طول تجربیاتشان مشاهده نکرده اند. ۷

بنظر می رسد همانطوریکه آقای دکتر حسین نیا با تبعیت غیرمستقیم از پروفیسور کارل کمتز توجه به شهودات علمی و آزمایشگاهی نمودند و قضیه را باور داشتند، بهتر آن است که آقای دکتر ضیائی نیز با توجه به موارد فوق سرتمکین در برابر اعجاز درمانگری در منشور متافیزیک فرود آورند، البته ما در این سطور يك بعد قضیه را که قدرت نیایش است از بهترین منابع علمی مطرح نمودیم، معجزه ای که بیش از ۵۰ سال پیش از زبان يك فیزیولوژیست معروف مطرح شد، نه يك عالم روحانی و یا جاهل خرافه پرست. همانطوریکه نیایش و توسل در يك زیارتگاه می تواند اعجاز کند، دست های معجزه گر نیز می تواند با امداد از ذات پروردگار و سالیان متمادی ممارست و ریاضت، اعجاز نماید، آری ما همچون آقای دکتر امیر ضیائی به پشتوانه های محکم آزمایشگاهی جهت اثبات اعجاز درمان از طریق قوای متافیزیک معتقدیم و اصولاً این را گزاره گویی نمی دانیم، ولی بر خلاف تصور ایشان ادعای درمانگری را اصلاً مایه شرمساری نمی دانیم بلکه عامل فخر می بینیم. آیا بهتر نیست به جای انکار چنین حقایقی، محققین، دقیقتر بررسی نموده و حداقل در مقابل یافته های آزمایشگاهی سرتمکین فرود آرند، همان پشتوانه هائی که خوبدان اعتقاد دارند.

پیش از اینکه به ذکر مواردی مستند اشاره نمائیم توجه ایشان را به يك نکته مهم جملی نمائیم و آن اینکه باید دانست علم امروز با تمام ادعاهای خام خود در مقابل قدرت فوق العاده و عجیب انسان درمانده است. آن هم در مقابل انسانی که هنوز هم به اعتراف بزرگان علم

صرفاً از يك درصد توانائی بالقوه مغز خویش بهره گرفته، در شناسائی و حلاجی انسان بویژه انسان های محدود خارق العاده علم پزشکی امروز بسیار ضعیف و عاجز است، ما در عصری زندگی می کنیم که آنق بیوتیک ترابی پس از سالها تلاش و تفحص عجز خود را در قبال باکتری ها و بسیاری از میکروارگانیزم های خطرناک اعلام نموده، چه از جهت تغییر ساختار ژنتیکی جهش گونه آنها و چه از نظر مقاوم شدن آنها به درمانهای دارویی و حق پیش گیرانه.<sup>۸</sup> و اما در پاسخ خواهش آقای دکتر ضیائی در مورد اقامه دلیل علمی برای چگونگی درمان از طریق انرژی (لمس) و نیز گسیل نیروی سحرآمیز با برد هزاران کیلومتر، چند مورد معدود و موثق از بیماران درمان یافته از سر پنجه اعجازگر دکتر پرورنده را ذیلاً معرفی می نمائیم.

يك زن آمریکائی به نام "باربارا برنان" که با انرژی اسرار آمیز درونش بیماران را علاج می کند، مورد توجه محافل پزشکی و علمی قرار گرفت، خاتم برنان متخصص فیزیک فضائی است و به عنوان محقق در مرکز تحقیقاتی ناسا فعالیت دارند، ایشان در شرق نیویورک يك موسسه درمانی ایجاد کرده و تحقیقاتی برای کشف و تربیت افراد درمانگر به عمل آورد. ضمناً يك برنامه ۴ ساله در زمینه درمان غیر متعارف تهیه کرده که تائید مقامات پزشکی نیویورک رسیده است.

۱- گزارش مربوط به درمان قهرمان کنگ فوی کشور در نیمه اول سال ۱۳۷۲ است که به اختصار و با اندک تغییری چگونگی بیماری و درمان وی را از زبان خودشان می شنویم:

"مهدی عیسی پور هستم که در جامعه ورزشی ایران، در رشته کنگ فو سرشناس می باشم، در سال ۶۱ در منطقه شلمچه شیمیائی شدم و بعدها بنا به نظر پزشکان دچار نارسائی کبدی گشتم، در آذر ماه سال ۱۳۷۱ با وخیم شدن شدید وضع مزاجی من، وزنم از ۸۵ به ۵۵ کیلوگرم تقلیل یافت، بنا به تشخیص اطبا من به بیماری سیروز کبدی مبتلا شده بودم و بطور حیاتی به پیوند کبد برای زنده ماندن نیاز داشتم، طبق اعلام بیمارستان دکتر شریعتی ممکن بود حداکثر يك هفته زنده بمانم، تصادفاً با دکتر پرورنده آشنا شدم، نهایتاً بعد از چند جلسه دریافت انرژی از استاد به کلی وضعم تغییر نمود و وقتی پس از درمان کامل نزد پزشك معالجم آقای دکتر الیاسی رفتم از دیدن من و این که هنوز زنده ام متعجب شد و پس از رویت نتایج آزمایشاتی که ایشان دستور انجام آن را داده بودند بشدت حیرت دکتر برانگیخته شد و به علت ناباوری و احتمال اینکه آزمایش متعلق به دیگری است مجدداً دستور آزمایش دادند ولی نتیجه باز مثل پاسخ تست قبلی بود."

در مورد صحت این مدعا، چنانچه آقای دکتر راغب باشند و به دنبال ثبوت یافته های آزمایشگاهی مبنی بر درمان این بیمار لاعلاج، هم آقای دکتر الیاسی بعنوان پزشك معالج حی و حاضر هستند تا ادعای این قهرمان را با ارائه شواهد علمی آزمایشگاهی تائید نمایند و هم نتایج آزمایشات در سوابق مدارک پزشکی بیمارستانهای بقیه... و دکتر شریعتی موجود است.

کوتاهی میتوانست به زندگی ادمه دهد، اما در همین مدت کوتاه شاهد بود که تومور سرطانی اش کوچک شده و بهبودی کامل و دائمی محرز گردیده، پزشکان متخصص در فلیپین بودی والدز را با عنوان "خود شفائی" معرفی نمودند و خود والدز میگوید: انسان می تواند خود را از طریق دیدن هاله وجودش در آینه و با تقویت فکر کردن مداوم کند.<sup>۱۴</sup>

۲- یک زن آمریکائی به نام باربارا برنان " که با انرژی اسرار آمیز درونش بیماران را علاج می کند، مورد توجه محافل پزشکی و علمی قرار گرفت، خانم برنان متخصص فیزیک فضائی است و به عنوان محقق در مرکز تحقیقاتی ناسا فعالیت دارند، ایشان در شرق نیویورک یک موسسه درمانی ایجاد کرده و تحقیقاتی برای کشف و تربیت افراد درمانگر به عمل آورد.<sup>۱۵</sup>

ضمناً یک برنامه ۴ ساله در زمینه درمان غیر متعارف تهیه کرده که تأیید مقامات پزشکی نیویورک رسیده است، همچنین وی در مرکز پزشکی دانشگاه جفرسون پیرامون نیروهای شفا بخش انسانها تحقیق می کند. در سال ۱۹۹۱، کتابی به نام "دست های نورانی" از سوی این خانم محقق درباره خودرمانی توسط نیروهای درمانگر درون آدمی منتشر شد این کتاب با استقبال جدی متخصصان پزشکی و مردم روبرو شد.

۳- بر اساس گزارشهایی که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد، خانم دکتر "ماریا فرنادز" به عنوان یک درمانگر مهم معرفی گردید، ایشان یک پزشک پنجاه ساله برزیلی است که در دور الناده ترین منطقه شمال شرقی پرتغال، در یک روستای قدیمی درمانگری عده ای از انسان ها را به عهده گرفته اند. روش خانم دکتر این است که با خواباندن بیمار روی تخت با دستهای خود در بدن وی

شوک ایجاد نموده و در نتیجه سلامت به بیمار باز می گردد. و اما در اینجا لازم می بینم به اختصار استاد پرورنده را معرفی نمائیم: ایشان در دوران نوجوانی با علاقه جدی "هینوتیزم" را پیگیری می نمودند، در سن هجده سالگی سفری به خراسان داشتند و در آنجا با عارف برجسته ای بنام حاج ابوالحسن حافظیان آشنا می شوند، و سالها تحت نظر آن مرحوم به ریاضت می پردازند، آن عارف بزرگ تسلط عمیق بر عرفان اسلامی و علوم متافیزیک داشتند و معالجات عجیب و معجزه آسای آن بزرگوار معروف است، استاد پرورنده تحصیلات عالی خود را تا مقطع دکترای ادبیات در استراسبورگ فرانسه ادامه دادند. پیش از انقلاب اسلامی ایشان سالیان متمادی به عنوان رایزن فرهنگی در کشورهای حوزه بالکان خدمت نمودند.

ضمناً در سال ۱۹۹۲ مجله معروف و چند میلیون تیراژی "اشرن" آلمان یک ویژه نامه در معرفی درمانگران روحی منتشر نمود که یکی از موارد معرفی استاد پرورنده است، انتشار این گزارش ویژه در مجله مذکور نه تنها با مخالفت جامعه پزشکی پیشرفته آلمان مواجه نشده، بلکه برعکس به شدت با استقبال و پیگیری آنان روبرو گردید.

در ضمن در کشور انگلستان عده ای از درمانگران روحی در بیمارستانها جهت ارائه کمک های درمانی به بیماران با پزشکان همکاری می نمایند و اطباء متخصص از نیروهای الهی آنها مدد می جویند. به عبارت دیگر امروز عصر کلودبرنارد نیست که عالمان علوم تجربی متخصصانه متافیزیک را تخطئه یا تکفیر نمایند، بلکه اکثر متخصصان واقعی جامعه پزشکی جهان در مقابل عظمت ماوراء الطبیعه و نیروهای عرفانی سر تمکین فرآورده اند و برخلاف پزشک و دانشمند مشهور قرون پیش

"کلودبرنارد" مفرور که انسان را یک "لش بی روح" تعریف می کرد و اظهار داشت "من تا خدا را زیر چاقوی جراحی ام لمس نکنم به بودنش ایمان نمی یابم".<sup>۱۶</sup> براسق آیا برنارد خدا را با تمام وجود خود لمس نمی کرد و نمی دید یا تعصب علمی و نخوت سرشار اجازه نمی داد که او آنچه را وضوح می بیند اعتراف نماید. برخلاف او و امثال وی از جمله فرانسیس بیکن که فقط به نیش خشک علمی و عقل و منطق بیروح بها می دادند، اکنون ما در قرن بیستم و در اوج مدنیت علمی و در قله صعود تکنولوژی، انسان بزرگی چون الکسیس کارل را داریم که نه بعنوان عارف یا مومن بلکه بعنوان یک فیزیولوژیست بزرگ جهان صادقانه می گوید:

"بر خلاف آنچه که می نویسد دعا کردن شرم آور است، نیایش هم چون آشامیدن و دم زدن هیچگاه شرم آور نیست، انسان همچنان که به آب و اکسیژن نیاز دارد به خدا نیز محتاج است، ما باید هم زیبایی دانش را دوست بداریم و هم زیبایی خدا را و ما باید به پاسکال با همان ایمان گوش فرا دهیم که به دکارت.<sup>۱۷</sup>

و اما در اینجا باستحضار آقای دکتر ضیائی می رسانیم که استاد پرورنده با تمام پیشرفت و قدرت متافیزیکی خود، صرفاً یکی از شاگردان مکتب والای عرفان اسلامی هستند، که البته قدرت درمانگری ایشان طبعاً دارای محدودیت هائی نیز هست و نمی توان بطور مطلق به ایشان نگریست کما اینکه بسیاری از بزرگان نیز این عطیه الهی را به طور نسبی در وجود خود پرورنده اند. در این راستا اساتید بزرگی چون مرحوم حاج حسنعلی اصفهانی را می توان نام برد که از هفت سالگی تحت تعلیمات ویژه ای به ربو تهذیب نفس پرداختند، آثار درمانگری ایشان بسیار مشهور

آقای دکتر امیر ضیائی برای اثبات ادعای اول نویسنده ( انتقال انرژی با برد ۶ هزار کیلووات ) ارائه ادله علمی را لازم دانستند، ما هم می دانیم که دانش امروز دستگاه "متافیزیک متر" ۱۲، هم ساخته و استاد پرورنده از آن آگاهند و هیچ دلیلی مبنی بر مخالفت سنجش انرژی خود با این دستگاه نمی بیند و بر خلاف پیشداوری آقای دکتر ضیائی ایشان (استاد پرورنده) هیچ واژه ای هم از تن دادن به آزمایش ندارند، چنانچه نویسنده محترم این دستگاه را در دسترس دارند، آنگاه خواهند توانست در مورد آمادگی یا استکاف استاد پرورنده قضاوت صریح نمایند! در بخش دیگری آورده اند: "اما اگر حق اندازه گیری چنین نیروی مشکل و بحث انگیز باشد راه علمی و دقیقتری برای سنجش هست و آن ادعای دوم نویسنده مبنی بر درمان بیماران دارای تومور مغزی است، البته صرف ادعا و احساس بهبود توسط بیمار کافی نیست، بلکه باید از طریق معرفی موارد بهبود یافته (براساس آزمایش آسیب شناسی و تومورنگاری) پس از دریافت انرژی سحر آمیز آقای پرورنده و نیز اثبات بی اثر بودن درمانهای بکار رفته درباره اینان سخن نویسنده را محک زد." در پاسخ این درخواست ایشان فقط یک مورد مستند (نتیجه اسکن خانم مهین نگاری) عجالتاً پیوست این تا در صورت امکان تحریریه روزنامه اطلاعات نسبت به چاپ آن در حاشیه مقاله اهتمام ورزند، نتایج آزمایش سایر بیماران نیز ضمیمه مدارک پزشکی مربوطه در اکثر موارد وقوع قریب الوقوع مرگ بیماران را مایوسانه هشدار داده اند و آنگاه بیماران آخرین ملجا خویش را انرژی درمانی یافته اند، در ادامه آقای دکتر ضیائی اذعان داشته اند: "در بهبود مفروض بیماران سرطانی، ضرورتاً باید نکاتی مد نظر باشد: آیا بهبود مربوط به

دوره پس رفت نهادی مقطعی سرطان است (regression) و یا ناشی از دریافت نیروی سحر آمیز؟  
 - آیا طول عمر بیمارانی که اشعه مرموز دریافت کرده اند، در مقایسه با موارد شاهد افزایش یافته است؟  
 - آیا بهبود مقطعی است یا طولانی؟  
 در پاسخ استفهام ایشان باید گفت: اولاً "حق اگر فرضاً بهبود مربوط به دوره پس رفت مقطعی باشد بهرحال تحت تاثیر یک عامل ثانویه بیمار دچار regression شده که در اینجا همان اشعه درمانگر است یعنی حداقل تاثیر نیروی متافیزیکی این است که به طول عمر بیمار می افزاید، زیرا چنانچه غیر از این حالت باشد حق اگر پس رفت بوجود آید کاملاً مقطعی و موقت خواهد بود. وانگهی مگر بیماران درمان شده صرفاً سرطانی اند؟  
 آقای دکتر خوب می دانند که مبتلایان به سرطان حداکثر ۲۰ درصد مراجعه کنندگان استاد پرورنده را شامل میشوند و از طرفی می دانیم که از نظر طبی مبتلایان به سایر امراض صعب العلاج یا لاعلاج غالباً مشمول پدیده regression نمی گردند، پس چه توجیهی در این مورد خواهند داشت؟  
 ثانیاً: طبق شواهد موجود، طول عمر بیمارانی که در معرض اشعه درمانی قرار گرفته اند بطور جدی افزایش یافته و در این مورد اصلاً نیازی به حضور شاهد (control) وجود ندارد، زیرا هر سوژه شاهدی قبل از پایان دوره آزمایش ممکن است دارفانی را وداع گفته باشد یا حداقل در حالت احتضار باشد لذا مقایسه طول عمر مفهومی نخواهد داشت.  
 ثالثاً: بهبود غالباً دائمی است و طبق اعلام استاد پرورنده با عنایت به نوع بیماری، سطح درمانگری از حداقل به میزان ۶۰ درصد تا نهایت درصد امکان

پذیر می باشد بهبودی بیماران حالت مقطعی ندارد.  
 و اما در مورد این موضوع که نویسنده محترم مدعی اند در صورت اثبات نیروی سحرالعقول آقای پرورنده، "وزارت بهداشت این پدیده را به مراجع علمی دنیا معرفی می کنند و بار دیگر هنر ایرانی اثبات می شود." باید گفت از ابتدای سال ۱۳۷۲ هنردرمانی استاد پرورنده بطور غیر مستقیم به برخی مجامع علمی دنیا معرفی شد و تعدادی از بولتن ها پزشکی ضمن چاپ تصاویری از نحوه درمان ایشان موضوع را پیگیری نمودند از دگر سو ذکر این مقال بی فایده نیست که این هنر صرفاً مختص به ایرانیان نبوده و در جهان معدودی افراد به نسبت های مختلف مجری این نحوه درمانی هستند و مجامعه محدودی در زمینه درمانگری متافیزیکی به طور جدی مشغولند. هر چند که خاستگاه آن در کشور ما به علت اصالت و قدمت عرفان عمیق اسلامی بسیار قوی تر است و بر خلاف تصور آقای دکتر ضیائی که ادعای داشتن نیروی مرموز را از مقوله توهمات (hallucination) و پیامدها شیروفرنی دانسته اند، این سخن بطور غیر مستقیم صرفاً حلق بی حرمق است، زیرا انرژی درمانی همانطوریکه پیش از این ذکر شد صرفاً مختص به دکتر پرورنده نمی باشد و امروزه در دنیا مجامع علمی درمان از طریق اشعه اعجازگر و نیز روح درمان را پیگیری می نمایند، ذیلاً چند مورد که طی سالهای اخیر گزارش شده به اختصار کامل و صرفاً گذرا ذکر میگردد:  
 ۱- "باسیل والدز" یکی از معروفترین خوانندگان رادیو و تلویزیون فیلیپین بود، بنا به تشخیص پزشکان وی مبتلا به سرطان حنجره شده و در نتیجه صدای خوش خود را از دست داد، طبق اعلام اطباء معالج وی مدت

ثانیا، در تأیید فرض دوم دکتر ضیائی می گوئیم اگر چه عاشقی و عاشق تو مور مغزی هیچ ربطی به هم ندارد، ولی احتمالاً قصد دکتر حسین نیا بوده که حالت درد کشی لاعلاج و اتصال بیماران رو به احتضار را به رعیت عاشقی تشبیه نماید که علاج درد خویش را جز مرگ نمی بیند، در بیات ما این استتاج و افر است که مانی برای درد عشق متصور نیستند و عاشق مفلوک دو راه بیش در پیش ندارد باید دامن وصال گیرد که این غیر ممکن است و یا راه آسان و آسوده مرگ برگزیند، در این تشبیه بیماران لاعلاج کتر پرورنده حکم عاشقی را دارند که در انتخاب مرگ و زندگی در واپسین روزهای حیات در این تصورند که در "قمار مرگ و معشوق" شاید بتوانند به محمل عشق خود یزندی دست یازند، آری علی رغم تصور طنز آلود نویسنده محترم، بیماران دارای تو مور مغزی (عاشق درد نیستند بلکه به زندگی (عمر) عشق می ورزند و از این رو محتاج و تشنه درمان. و اینکه در سطور پایانی نوشته دکتر ضیائی اذعان داشته اند: "استطراदा میتوان گفت که از دید حافظ دواى درد عاشق در غزل فوق، وصال معشوق و استغراق تام در معشوق از طریق "فناى فى... و سپس "بقای با... می باشد و به یقین منظور نویسنده محترم این نیست که اشعه آقای پرورنده بیماران سرطانی را فناى فى... می کند، شاید هم بزعم آقای دکتر حسین نیا همبستگی مشق بین عشق و تو مور مغزی وجود دارد."

باید گفت: ما هم با تلقی و تفسیر دکتر ضیائی موافقیم، مقصود حافظ از دواى درعاشق همان وصال معشوق است، اما کدام معشوق، واقفیم که انسانها برای نیل به آن عشقی که حافظ در این جا از آن دم می زند باید از مرحله عشق مجازی بگذرند و فناى فى

... و در نتیجه بقای با الله میسر نخواهد بود مگر انسان عشق مجازی را تجربه نماید و معشوق در این مضمون هم می تواند محمل عشق مجازی باشد (یعنی همان عشق به سلامتی و عمر تا اسانی که شایستگی لازم را برای فناء فى الله در حیات گذشته خود کسب نکرده با نیل بدان بعنوان ابزار اولیه به عشق حقیقی نائل شود)، و هم مصداق معشوق و مطلق (ذات باری تعالی) که در صورت ثانی هم، بهره وری از سلامتی و عمر لازمه خود سازی و دیدار در میقات با معشوق است.

آری علی رغم تلقی آقای دکتر ضیائی اشعه استاد پرورنده (که چیزی جز نشه این از قدرت بیکران خداوندی نیست) براسق بیماران سرطانی را ابتدا، بقاء با الله می نماید (به مفهوم مجازی آن به معنی تداوم زندگی این جهانی) تا در صورت کسب شایستگی لازم از طریق فناء فى الله به بقای با الله نائل شوند!

از این رو بزعم دکتر حسین نیا همبستگی مشق بین درمان تو مور مغزی (نه خود تو مور) و عشق وجود دارد!

در پایان آقای دکتر ضیائی این شعر معروف حافظ را در تشبیه آن به ادعای دکتر پرورنده آورده اند که:

"آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند  
آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند  
در دم نهفته به زطیبان مدعی  
باشد که از خزانه غیث دوا کنند"

تا بدین تمثیل وجه شبه "طیبان مدعی" را برای استاد پرورنده گزینش نمایند، البته این تشبیه را ما ناشی از کم لطفی نویسنده می دانیم، زیرا دکتر پرورنده هرگز ادعای اعجاز گری و حتی طبابت را نداشته اند و به کرات اذعان نموده اند که آنچه در ورای تاثیر نیروی نالذشان وجود دارد، حمایت ذات اقدس پروردگار بوده و امثال ایشان خود را در مقابل عنایت خداوندی که بدانها

مبذول گشته خویش را بی مقدار و جز پشیزی نمی دانند، اما شاید بتوان این ابیات را شایسته پاسخگویی به آن صوفی مدعی یعنی شاه نعمت الله ولی دانست که خویش را "کیمیاگر خاک ره" دانسته، چنانکه حافظ ابیات مربوطه را که نویسنده برگزیده اند در پاسخ این ادعای شاه نعمت... که میگوید:

"ما خاک راه را به نظر کیمیا کنیم  
صد درد را به گوشه چشمی دوا کنیم"  
به نظم می کشد و در ادامه آن (بیت سوم) که از نظر دکتر ضیائی دور مانده حافظ می فرماید:

"معشوقه چون نقاب ز رخ بر نمی کشد  
هر کس حکایتی به تصور چرا کند؟"  
آری بهتر است ما هم به مصداق امر حافظ حسب تصورات خویش حکایت گر نباشیم، آن هم بازگویی حکایات کسانی که از داغ دل و وارستگی آنان بی خبریم.

در واپسین کلام، اولاً از آقای دکتر حسین نیا سپاسگزارم که اقدام به طرح موضوع درمان متافیزیکی بعنوان يك محقق نمودند، ثانیا از توجه و نقادی آقای دکتر امین ضیائی کمال امتنان و دارم، چرا که در افتتاح باب مباحثه پیرامون منشور متافیزیک و انتشار آن برای بهره گیری خوانندگان محترم، مدیون التفات ایشان هستم.

"فیض روح القدس از باز مدد فرماید  
دگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد."

**پاورقی**

۱- معروف است که فرانسیس یکن صرفاً به پیش خشک علمی اعتقاد داشت و در باور اثبات يك پدیده (حق غیر علمی) حضور یافته های آزمایشگاهی را الزامی می دانست و معتقد بود که صرفاً عقل و علم اند که میتوانند پاسخگوی نیازهای انسان باشند، از

است که:

"کسی که دواى درد عشق را از روی خیال آسان تصور می کند و کسانی که با نیروی فکر برای درمانش در تدبیرند هر دو در علاج درد عشق عاجز می مانند زیرا این مرض با عقل و فکر تشخیص داده نمی شود که با فکر علاج شود." ۱۹

در این صورت حتی اگر بر خلاف مفهوم شعر، به فرض تأیید صورت اول نظر دکتر ضیائی دکتر پرورنده را به عاشق دردمند تشبیه نمائیم این توصیف در سه حالت شمول خواهد داشت: اول آنکه "عاشق دردمند" را انسان عاشقی فرض نمائیم که دردمندان و رنجوران (در اینجا بیماران) در جهت درمان آنان عشق بورزد و یا حداقل خود را متعهد احساس نماید که این حالت از این نظر به حقیقت و منظور شعر نزدیکتر است، دیگر اینکه مفهوم عاشق دردمند را بدین معنی تصور نمائیم که ایشان انسان عاشقی هستند و در نتیجه دردمند که این حالت یعنی دردمندی پیامد عشق، محصول اکثر عشق ها می باشد)

حق گاهها" در عشق مجازی که قنطره ورود به عشق حقیقی است (حالت سوم ممکن است این باشد که ایشان عاشقی هستند که عشق عرفانی در او حالت "دردمندی" را ایجاد نموده به عبارت دیگر از مرحله عشق به درجه درد کشی نائل شده و از این رو آلام درونی خویش را با درمان درد بیماران رنجور تخفیف میدهد. البته اینها همه پیش فرضهایی است که در توجیه وجه تسمیه دردمندی بکار می بریم و اصلاً قصد آن نداریم که استاد پرورنده را مبالغه آمیز جلوه دهیم، بلکه این فرضیات ممکن است در مورد هر انسان بزرگی صدق نماید..

در ادبیات ما این استنتاج وافر است که درمانی برای درد عشق متصور نیستند و عاشق مفلوک دو راه بیش درپیش ندارد یا باید دامن وصال گیرد که این غیر ممکن است و یا راه آسان و آسوده مرگ را برگزیند، در این تشبیه بیماران لاعلاج دکتر پرورنده حکم عاشقی را دارند که در انتخاب مرگ و زندگی در واپسین روزهای حیات در این تصورند که در قمار مرگ و معشوق" شاید بتوانند به محمل عشق خود یزندی دست یازند، آری علیرغم تصور طنز آلود نویسنده محترم، بیماران دارای تومور مغزی) عاشق درد نیستند بلکه به زندگی (عمر) عشق می ورزند و از این رو محتاج و تشنه درمان.

طی طریق و تحمل عمری مشقت ریاضت، دست اعجاز گر درمانی صرفاً" یکی از کرامات بزرگشان است و شاید هم مصداق عارف داغ بر دل را شامل می شوند که:

"از آن مرد خدا از دیده عامی بود پنهان که عارف داغ بردل دارد و زاهد به پیشانی"

البته یاد آور می شویم که برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ "لمس درمانی" توسط دکتر "کریگرومارتاروگر" بشکل علمی و مدون پایه ریزی شد و از سونی با متد مشرق زمین دلفلسفه سازگاری و انطباق دارد.

در فرجام این مقاله اشاره ای به شعر حافظ که کاربرد آن از سوی آقای دکتر حسین نیا مورد استفهام آقای دکتر ضیائی قرار گرفته خواهیم داشت:

"دواى درد عاشق را کسی کو سهل پندارد ز فکر آنان که در تدبیر درمانند، درمانند" اولاً" فرض اول دکتر ضیائی مبنی بر اینکه عاشق دردمند در اینجا منظور همان استاد پرورنده است مطرود مینماید، زیرا مفهوم دقیق شعر حافظ این

است و دارای کرامات بزرگی بودند، از طرفی استاد این عارف فرزانه مرحوم حاج محمد صادق تحت پولادی بود که از عرفای وارسته قرن سیزدهم به شمار می آیند، ایشان در اواخر سلطنت فتحعلیشاه قاجار زندگی می کردند، کرامات و اعجاز گری درمان آن مرحوم بسیار عظیم بود که بیان آن در این مجال نمیگنجد، ۱۸

فقط درباره این بزرگان وارسته عرفان ایران می توان گفت:

"مردان خدا از خاکدان دگرند مرغان هوا از آشیان دگرند منگر تو بدین چشم بدیشان، کایشان بیرون زدوکون در مکان دگرند" لازم به ذکر است که هم اکنون نیز در کشور ما چند عارف بزرگ در قید حیاتند که دارای کرامات ارزشمندی از جمله درمانگری هستند و به علت تواضع وافر و گریز از اشتها حاضر به معرفی خود و قدرتهای درمانی خویش نیستند و ما هم به همین دلیل و نیز رعایت پاره ای از مصالح از معرفی این بزرگواران استکاف می نمائیم، انسانهایی که پس از

# کدام نیروی نافذ و مرموز؟!

گزیده متن دکتر امیرضیائی

دکتر ایرج امیرضیائی

اطلاعات ۷۴، ۲۱

(Delusion - Hallucination) و از

علائم اسکیزوفرنی باشد. و در پایان به نکته ای درباره شعر حافظ مستند نویسنده اشاره می شود:

«دوای درد عاشق را کسی کو سهل ندارد ز فکر آنان که در تدبیر درمانند درمانند»

اندرک تأملی روشن می کند که

هیچ ارتباطی بین بیت فوق و مطلب

نوشته شده درباره آقای پرورنده

وجود ندارد. اگر بینگاریم که

عاشق دردمند آقای پرورنده است

دچار تناقض خواهیم شد. چرا که

ایشان نه تنها دردمند و نیازمند

درمان (بزم نویسنده) نیستند

بلکه خود، درمانگر رنجوران

هستند. و کسی نیز به فکر و تدبیر

درمان ایشان - چه سهل و چه

سخت - برنخاسته است. می ماند

اینکه فرض کنیم بیماران دارای

تومور مغزی، عاشق هستند. اما

عاشق چه چیز! لابد بیماری و

دردا که در اینصورت نیز نیازمند

درمان نیستند.

استطراذاً می توان گفت که از دید حافظ دوای درد عاشق در غزل فوق، وصال معشوق و استغراق تام در معشوق از طریق فنای فی الله و سپس بقای با الله می باشد و بیقین منظور نویسنده محترم این نیست که اشعه آقای پرورنده، بیماران سرطانی را لذای فی الله می کند!

شاید هم بزم آقای دکتر حسین نیا، همبستگی مثبتی بین عشق و تومور مغزی وجود دارد! آنانکه خاک را بنظر کیمیا کنند آبا بود که گوشه چشمی به ما کنند دردم نهفته به زطیبیان مدعی باشد که از خزانه غیبش دوا کند

(۱) - «نور طبیعت» نویسنده لبال وانسن. انتشارات امیرکبیر چاپ سوم ۱۳۶۱

اگر نویسنده محترم بتوانند چندین مورد بهبود یافته را براساس قوانین و معیارهای پزشکی و اپیدمیولوژی به نظام پزشکی و وزارت بهداشت و درمان ارائه دهند یقیناً آنان نیز این پدیده متناقضی را. به مراجع علمی دنیا معرفی می کنند و بار دیگر هنر ایرانی اثبات می شود که بی هیچ زحمت و تجربه ای و بدون خرج میلیاردها هزینه تحقیق و پی کشتن آنهمه موش آزمایشگاهی بیگناه، قرن ها بیشتر از دانش جهانی می تازیم و می نازیم.

بدون هیچگونه قصد کم حرمتی به آقای پرورنده، یادآوری می شود که ادعای داشتن نیروی مرموز، می تواند از مقوله توهمات

پشتوانه ی تحقیق آزمایشگاهی ضروری است. چنین گزاره گویی، مایه بسی شرمساری می باشد. بویژه اینکه یاد گرفته ایم که حتی روزنامه ها و مطبوعات غیراختصاصی، قابل اتکا و رجوع برای استنادات پزشکی نیستند. امروزه اگر کسی مثلاً مدعی است که زخم معده توسط باکتری ایجاد می شود باید یافته های معنی دار (Significant) و تجربه شده براساس قوانین تحقیق و آمار و اپیدمیولوژی ارائه دهد و تازه در همین مورد با وجودی که تا نود و پنج درصد همبستگی مثبت (Correlation) بین زخم معده و وجود باکتری به اثبات رسیده، هنوز دانش پزشکی، ناتوان از ادعای علت و معلولی درین مورد است و فعلاً به رابطه ی «همبستگی» اکتفا شده است.

نخست به ادعای داشتن نیروی نافذ و مرموز به پرد شش هزار کیلومتر توسط استاد پرورنده ملت کنیم! تنها مآخذ ارائه شده توسط نویسنده، برای چنین «انرژی سحرآمیز»، نوشتگی روزنامه هاست. اگر بیماری درمانده، در مراحل پیشرفته و درمان ناپذیر، متوسل به خرافات شود و به پرکاهی نیز تنگ بزند معذور است. چرا که تئوری آنگاه که علم درمی ماند، خرافات سربرمی آورد. اما ساسی گری پزشکی که اپیدمیولوژی خوانده است و می داند که برای هر ادعای علمی، منابع محکم و مستدل با

## بازآفرینی چهره هادر تراژدی «درمان» دکتر عبدالحمید حسین نیا

از نگاه و دستهای استاد می تراود که در فاصله شش هزار کیلومتری در قاره اروپا جایی که تمام دانشمندان و دانش پژوهان برای علاج ضایعه درمانده اند برخورد میکنند و آنرا محو می سازد. باور این پدیده برای آنهایی که مغز خرد را در قالب فیزیکی محدود منحصر کرده اند شاید دشوار می نماید آنها به معجزه باور ندارند. معجزه ای که از محصلی موسی بر می آید و نیل را می شکافد تا قوم سرگردان را رهاند این معجزه بشکل انرژی غیر قابل تبیین با معادلات فیزیکی هم اینک از انگشتان استاد در آمده اند. بیماران رو به قبله و برآب شده از عالی ترین ماوای روماتی در پیشرفته ترین مراکز دنیا مصداق بارز این ادعایند.

بطور راهگان می پذیرد و معالجه می نماید. در میان بیماران پاتوبی را می بینید که در اثر سرطان جراحان هر دو پستان او را بریده اند. آثار پاتوبی مانده از بیماری بدخیم در بدن او به شیمی درمانی و پرتو درمانی پاسخ نداده است. این مورد و بسیاری از تومورهای مغز که با تصویر نگاری پیش از معالجه و پس از معالجه نشان داده اند از نیروی مرموزی که از انگشتان استاد ساطع می شود، بسیار نیرومندتر و عظیم تر از اشعه لیزر که در چهارچوب «فیزیک» قابل ارائه است، در بیکران «متافیزیک» از وجود استاد نشأت می گیرد، شفا یافته اند. آنچنانکه روزنامه ها نوشته اند نور و انرژی سحرآمیزی

دوای درد عاشق را کسی کو سهل ندارد ز فکر آنان که در تدبیر درمانند، درمانند

حافظه

چهره نخست استاد پرورنده:

استاد پرورنده دارای نیروی نافذ و مرموز است که میتواند ضایعات صعب العلاج را از بین ببرد لذا هر چند او پزشک نیست ولی بدلیل وجود این نیروی جادویی در مقام درمانگر قرار می گیرد. در جلوی منزل استاد پرورنده صلی طولانی از بیماران و معلولین و درماندگان می بینید که راه چاره جویی و درمانی از هر طرف پروری آنها بسته شده است استاد آنها را

Created by trial version of 2PDF

اینرو بسیاری در تمثیل علم باوری صرف وی را بعنوان مبدع چنین تفکری می شناسند.

۲- انتها عبارت دکتر ضیائی بنظر میرسد باید بصورت عامی گری پزشکی که اپیدمیولوژی خوانده میشود ذکر گردد، ما به لحاظ رعایت امانت ابتدا فعل است نویسنده و بعد در پرانتز فعل می شود را خودمان ذکر نموده ایم تا خواندن عبارت سلیس و صحیح صورت گیرد.

۳- یکی از پیش شرط ها برای درمان از طریق هیپوتیزم (هیپنوتراپی) ایمان بیمار بعامل (هیپنوتیزور) و تلقین پذیری از شخصیت و دستورات اوست اما در درمان از طریق انرژی یا سایر اشکال متافیزیکی (مانیه تیزم) ایمان بیمار به قدرت مانیه تیزور الزامی نیست و همواره قدرت گسیل نیروهای متافیزیک از سوی عامل مهم.

۴- درمباحث هیپوتیزم یا مانیه تیزم دو فرد حداقل حضور دارند آن که نقش اصرار دارد (عامل) که اجرا کننده تکنیک می باشد و دیگری کسی که این تکنیک ها روی او اعمال می شود (اعم از فرد بیمار یا سالم) که به او معمول (سوزه) گفته می شود.

۵- آقای دکتر ضیائی قطعا مطلع هستند که نگهداری قلب يك جاندار در خارج از محیطی آن (بدن) در شرایط آزمایشگاهی بسیار حساس و غامض است (حداقل در زمانی که با امکانات و یافته های محدودتر کارل اقدام نمود) از اینرو در مدتی که پروفیسور کارل این کار بزرگ را انجام می داد، هر چند یکبار قلب چندین برابر می شد و ناچار باید کوچکش می نمودند تا اینکه ادامه نگهداری در آزمایشگاه مشکل گردید.

۶- Lourdes سازمان طبی لورد، يك زیارتگاهی است در فرانسه که مردم برای کسب حاجات و علاج دردهای بی درمان خویش به آن مراجعه می نمایند. این موسسه طبی هر سال فهرستی از زائران بیماری که غالبا بعلت بیماری لاعلاج از طب رانده و مایوس شده اند، و به نیروی اعجازگر دعا در لورد شفا یافته اند منتشر می نماید، دکتر الکسیس کارل معتقد

است: سازمان طبی لورد خدمت بزرگی به علم کرده که واقعت اینگونه شفاه را به اثبات رسانده است (ر.ك. پاورقی ۱۶)

۷- ر.ك. مقاله قدرت نیایش تالیف دکتر الکسیس کارل که در دسامبر ۱۹۴۰ برای اولین بار در مجله بزرگ ریپرزداجست امریکا به زبان انگلیسی منتشر شد و بعدها به عنوان يك اثر تحقیقی و در عین حال اعترافات يك عالم بزرگ تجربی در ورای متافیزیک به چند زبان مهم دنیا منتشر شد.

۸- در این زمینه فقط به يك مورد خطیر در نیمه اول سالجاری (میلادی) منقول از مجله health world اشاره مینمائیم دکتر "هیروشی ناکاجیما" مدیر کل سازمان جه بهداشت جهانی می گوید: بیماری سل در حال حاضر ۳ میلیون نفر را در هر سال می کُشد اگر اقدام فوری و مثبت صورت نگیرد در سالهای دهه آینده جان ۳۰ میلیون نفر را خواهد گرفت، بیش از ۹۵ درصد تلفات ناشی از سل در کشورهای در حال توسعه اتفاق می افتد بسیاری از کشورهای جهان اکنون دیگر قادر نیستند این بیماری را کنترل کنند و به تنهایی هر سال ۸ میلیون نفر را مبتلا می سازد. به نقل از ضمیمه روزنامه اطلاعات مورخ ۷۴/۸/۴-

۹- metastasis - به دو معنی بکار می رود: ۱- انتقال بیماری از يك عضو یا قسمت بدن بعضو یا قسمت دیگر ۲- يك ضایعه ثانویه که کمی دور تر از محل ضایعه اولیه فرار میگیرد و عامل مسببه آن بوسیله خون یا لنف به محل جدید حمل می شود (واژه نامه پزشکی دکتر محمد هوشمند ویژه)

۱۰- از لحاظ پزشکی به این مرحله stage end اطلاق می شود و مفهوم آن این است که واقعه بیمار عمر زیادی نخواهد داشت.

۱۱- این گزارش باحفظ امانت و اختصار کامل از ماهنامه پیشنهاد (شماره ۲ فروردین ۱۳۷۴) استخراج گردید ضمنا دو برگ مستند پزشکی هسته ای مربوط به قبل و بعد از درمان ضمیمه این بحث پیوست گردید تا در صورت امکان در حاشیه مقاله جهت اطلاع

خوانندگان محرم و آقای دکتر ضیائی که معتقدند چنانچه درمانی هم وجود داشته باشد مقطعی است و متعاقب آن علائم بیماری عود می نماید و نیز بدین خاطر که خواستار رویت نتایج آزمایشات پزشکی هستند چاپ شود.

۱۲- منقول از مجله برگ سبز - شماره ۱۷- اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۳

۱۳- متافیزیک مو- دستگامی است که نوسانات هاله های مغناطیسی را ضبط و انداگیری می نماید. امروز در امریکا و انگلستان مجامع روحی پا را فراتر از این گذاشته و همه مراحل خروج اکتوپلاسم را نیز از بدن سوزه تکلم و حرکات او را بوسیله دستگاههای ویژه ای ضبط می نمایند. ر.ك انسان روح است نه جسد دکتر رئوف عبی

۱۴- ر.ك مجله برگ سبز - شماره ۱۳۷۲- ۱۴ و نیز کتاب روان شناسی سرطان اثر دکتر نیل فیور - روانپزشک آمریکائی ۱۵- مجله برگ سبز - شماره ۱۵ دی و بهمن ماه ۱۳۷۲.

۱۶- ر.ك مجموعه آثار ۸ (نیایش) اثر دکتر شریعتی، صفحه ۲۷۱

۱۷- ر.ك مقاله قدرت نیایش (مجله ریپرزداجست آمریکا) در سال ۱۹۴۰ که این اثر ابتدا توسط مهندس احمدزاده و سرانجام بوسیله مرحوم دکتر شریعتی با نثر زیبایی بفارسی ترجمه شد (نیایش - دکتر شریعتی صفحه ۶)

۱۸- ر.ك نشان از بی نشانها به قلم علی مقدادی اصفهانی انتشارات آداب - چاپ پنجم - خردادماه ۱۳۷۳

۱۹- ر.ك حافظ نامه تالیف بهاءالدین خرمشاهی - جلد دوم ناشر - شرکت علمی و فرهنگی سروش و شرح سودی حافظ به قلم دکتر عصمت ستارزاده - انتشارات نگاه چاپ هفتم ۱۳۷۲-

## THE TALIBAN'S BIGOTRY

It is encouraging that a number of Muslim religious leaders, intellectuals and politicians from different parts of the world have criticised the Taliban group that has just captured power in Kabul for its erroneous, and often dogmatic, application of Islamic laws and rules.

Many of these critics have taken the regime to task for its denial of the most basic rights to women — rights which Islam as a doctrine had granted women 1417 years ago! The Taliban, as is widely known, has closed girls' schools and colleges because it regards education for women as unnecessary and unimportant. It has also banned women from working outside the home because a woman should be kept protected within the home just as "the beauty of a rose is lost the moment it is taken outside". If a woman has to go out, she has to be totally covered from tip to toe in a burqua. Women, needless to say, have no public role in Taliban's Afghanistan.

These foolish strictures have had disastrous consequences. There are at least 40,000 war widows in Afghanistan who have no choice but to work outside their homes in order to feed their children. Female doctors who play a crucial role in maintaining a skeletal health care system in a country ravaged by decades of war have been prevented from looking after the sick.

The Taliban has also implemented Islamic criminal laws in an extremely harsh manner. Faithful adherents of a narrow and bigoted interpretation of how penalties should be carried out, Taliban judges and law enforcement officers have not hesitated to chop off the fingers and hands of thieves without bothering to conduct thorough investigations as required by Islamic jurisprudence. It is partly because of this that Muslim scholars in other countries have begun

to wonder whether the Taliban is really knowledgeable in Islam.

The bigoted, dogmatic approach to Islam that the Taliban has adopted in its enthusiasm to impose its version of the religion upon the Afghan populace is, in a sense, a product of the type of shallow, superficial education that its leaders have had. The curriculum and teaching methods used in the religious schools — madrasah — they had attended gave very little emphasis to analytical thinking or interactive learning. It is not surprising therefore that the Taliban tends to see the world in simplistic black and white terms.

However, there is no denying that Taliban leaders have sizeable support in parts of rural Afghanistan. Their religious background, coupled with their puritanical lifestyle, have enhanced their stature in the eyes of the people. The prolonged violence as a result of the factional struggle for power among the freedom fighters, the Mujahiddeen, following their victory over the Soviet army also worked to the advantage of the Taliban. A significant segment of society had begun to lose faith in their leaders. It is also quite conceivable, as alleged by various quarters, that the Taliban received generous military assistance from Pakistan which enabled it to topple the government of Burhanuddin Rabbani. The United States, according to certain sources, has also been supportive of the Taliban.

The Taliban success — though it is doubtful if it will be able to sustain its rule for very long — is a grim reminder to all of us of how a bigoted, dogmatic religious group can conquer power, given certain favourable circumstances.

12 November 1996

Chandra Muzaffar

# GENDER EQUALITY

Critical Area of Concern

Strategic Objective

Integrate Gender-Equality Dimensions into Policy and Programme Planning and Implementation at all Levels and in all Areas

## Action to be Taken

### Generate and Disseminate Gender-Disaggregated Data and Information for Planning and Evaluation

Governments and the UN should increase the collection of gender-specific statistics and indicators and develop new indicators that can show the gender dimension of policies and programmes. Measures should be taken to strengthen and increase the analysis of this information for policy development, monitoring and evaluation. Resulting information should be widely disseminated at both the national and international levels.

#### IF WE SUCCEED...

"We've waited a long time to see some of our hard work really taken into account by the government. It should make a big difference!"



### Strengthen National Machinery for the Advancement of Women

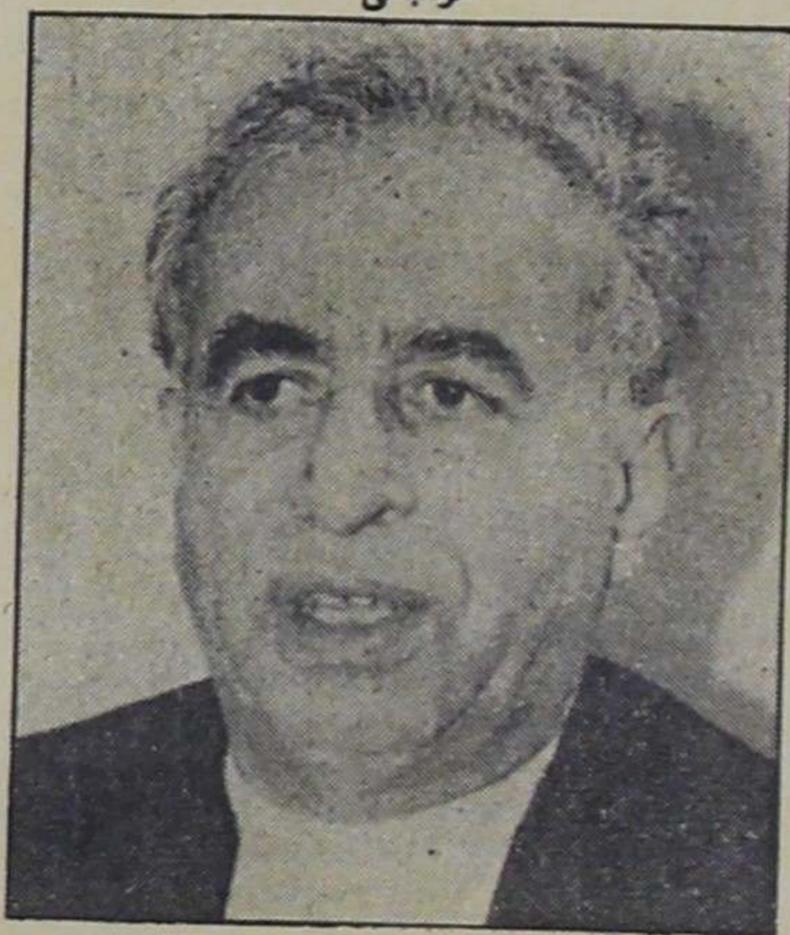
National machinery should be placed at the highest political level of governments, with adequate staff and resources, financial autonomy and established links with other national machinery and with the United Nations system.

Encourage integration and the active participation of women in advisory bodies with national machineries, NGOs and related agencies and institutions doing research on women.

### Train in Gender Analysis

Governments should develop tools for gender analysis and require government officials to apply these tools in developing policies and programmes.

All key personnel should be trained in gender analysis as a tool for planning, implementation and monitoring programmes and projects.



کل من علیہا فان

پروفیسور عبدالجواد فلاطوری مردی بزرگ از سلالہ دین و دانش و حکمت و عرفان، کہ عمری را در شاگردی بزرگان عرفان و فقہ و فلسفہ گذرانید، و سپس در آلمان پس از کسب علوم گوناگون، بخصوص حکمت و فلسفہ، و آگاہ شدن با مکتب‌ها و ادیان و مذہب بہ مقام استادی فلسفہ و تاریخ و علوم اسلامی در دانشگاہ کلن رسید، و با داشتن درد دین، و تاسف بسیار برای اوضاع مسلمین، بویژہ در اروپا، بہ باری برادران دردمند در ایران، در سال ۱۳۵۵ «آکادمی علوم اسلامی» را بنیاد نهاد، و با همکاری دانشگاہ کلن، و تایید و موافقت مسئولان آموزش آلمان، و سپس حدود ۲۰ کشور اروپایی و موافقت نویسندگان کتب درسی و مقامات کلیسایی، بہ تصحیح پیشداوریہای مفرضانہ و نادرست کتابہای درسی آنان دربارہ اسلام، قرآن و پیامبر اسلام پرداخت.

و اینک کہ پس از انجام چنین وظیفہ ای سنگین بہ ملاقات پروردگارش شتافتہ است، ما جمعی از موسسان و ہیات مدیرہ آکادمی علوم اسلامی در مجلس بزرگداشت آن بزرگمرد تاریخ اسلام شرکت می‌کنیم و یاد و خاطرہ اش را گرامی می‌داریم.  
مهندس محمد توسلی - دکتر سید محمد مهدی جعفری - مهندس حسین حریری - مهندس ابوالفضل حکیمی

## AFGHANISTAN: THE POWER GAME

The conflict in Afghanistan proves yet again that the wars of the present and the future will not be 'inter-civilisational', as argued by some quarters. By inter-civilisational conflict they mean conflict between different religious cultures such as Islam and Christianity, or Hinduism and Buddhism.

If anything, the Afghan conflict, seen from national, regional and international perspectives, reveals that power and vested interests will continue to dominate the politics of tomorrow --as it has dominated the politics of yesterday.

At the national level, it is obvious that ethnic and sub-ethnic sentiments, and the interests that have developed around these sentiments, are much more powerful than the religious tie per se. This explains why in spite of the fact that the Afghan population is almost entirely Muslim, ethnic factionalism and ethnic feuds are still as strong as ever. While political divisions do not coincide completely with ethnic cleavages, there is, nonetheless, some overlap between the two. The Pashtuns, who are the majority identify more readily with Pashtun leaders just as the Tajiks and Uzbeks associate more easily with their own leaders.

That religion, or a culture linked to a particular religion, does not automatically determine one's political attachment or alignment becomes even more apparent at the regional level. As soon as the Taliban captured power in Kabul, Iran openly expressed its opposition to the new regime. It continues to back Burhanuddin Rabbani, the leader who was overthrown by the Taliban. India, a major regional player, also supports Rabbani and is purportedly working

closely with Iran to thwart the influence of the Taliban. Pakistan, and, to a lesser extent, Saudi Arabia, are allegedly close to the Taliban. Thus we have a situation where an Islamic republic has joined hands with a Hindu majority state in supporting a deposed Muslim group pitted against another Muslim group in power which, in turn, is backed by two Muslim states. These attachments and alignments show that in the ultimate analysis it is the geopolitical interests of a particular state rather than its religious identity that decides the shape of its foreign policy.

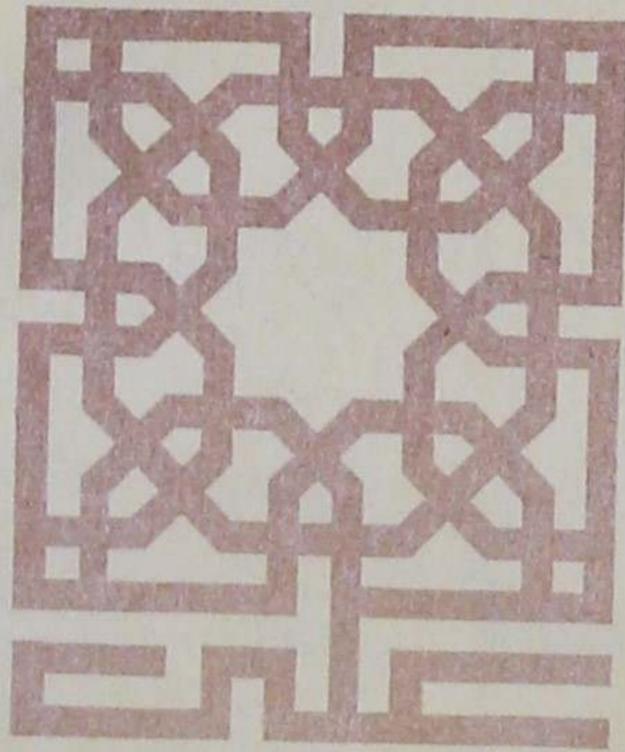
This is also true of the conflict when analysed from the standpoint of international politics. The United States, whose involvement in Afghan politics goes back to a few decades, backed the Mujahideen (freedom fighters) against the Soviet Union when the latter occupied Afghanistan in the eighties. Today, the US, it is believed, is behind the traditional conservative Taliban while Russia is reportedly providing tacit support to Rabbani. This puts Russia on the same side as regional players Iran and India while the US is in the same camp with Pakistan and Saudi Arabia. It is interesting that even in the nineteenth century when Britain and Russia were playing out what Rudyard Kipling called 'The great game' in Afghanistan, geopolitical considerations and imperial interests were dominant.

For present-day Afghanistan, the crucial question is whether the pursuit of power can be tamed by the ethics and values that lie at the heart of religion.

13 November 1996

Chandra Muzaffar





پرتوی از  
نخ لبلاعه

(بانتقل منابع و تطبیق با روایات مأخذ دیگر)

پروش برکردان ویراستاری

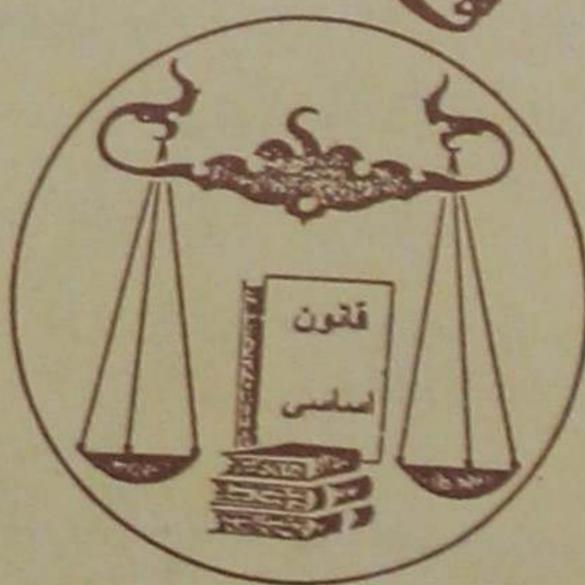
دکتر سید محمد مهدی جعفری

با استفاده از ترجمه

آیه الله سید محمود طالقانی<sup>(ره)</sup>

# پیام باحر

فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی  
سال هفدهم، شماره ۲۲۶، زمستان ۱۳۷۵  
قیمت ۲۰۰ تومان



یكداشت ● رئیس جمهور آینده ● ضرورت عصری شدن دین (ابراهیم خوش سیرت سلیمی) ● گفتگویی  
مناسبت سالگرد رحلت حاج محمود ماتیان و دکتر مصدق ● ناگفته ها ● ماه رهائی (برگرفته از کتاب پرتوی  
از نهج البلاغه) ● سینما ابزار موثر (امیر مشهدی فراهانی) ● مسجد هدایت پتوق جوانان مذهبی بود (مهندس  
طف ... میثمی) ● علل عقب ماندگی مسلمین (دکتر عبدالکریم سروش) ● سلامت بلوغ دختران ● پنجمین  
نشست نمایندگان سزماهای غیردولتی زنان ● اعجاز درمان در منشور متافیزیک (علی ایزدی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اداره کل مطبوعات داخلی  
تاریخ: ۱۳۵۷/۱۲/۲۲

طریقه رسول  
کتابخانه  
۵۵۱۲

فهرست مطالب

پیام هاجر

صفحه	عنوان	نشریه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی
۱	یادداشت	
۳	رئیس جمهور آینده	
۹	ضرورت عصری شدن دین ابراهیم خوش سیرت بمناسبت سالگرد رحلت حاج محمود ماتیان و دکتر مصدق	
۱۶		
۲۰	ناگفته ها	
۲۳	ماه رهائی، برگرفته از "پرتوی از نهج البلاغه"	
۲۸	مسجد هدایت پاتوق جوانان مذهبی بود لطف... میثمی	
۳۴	سینما ابزار موثر امیر مشهدی فراهانی	
۳۷	شنیدیم که:	
	اثرات بازی قدرت بر زندگی زنان افغانستان مترجم: زهرا	
۴۳	ولی بیگ	
۴۴	تحقیقی پیرامون وضعیت زن در قوانین لبنان	
۴۶	علل عقب ماندگی مسلمین دکتر عبدالکریم سروش	
۵۳	فلان دوا که سوش... سلامت بلوغ دختران	ساحب امتیاز و مدیر مسئول: اعظم علایی طالقانی محرر علمی و صفحه آرایی: موسسه اسلامی زنان ایران چاپ: کامیاب
۵۶		
۶۴	پنجمین نشست نمایندگان سازمانهای غیردولتی زنان	مسئول پستی: ۱۱۴۹۵-۱۵۵
۷۱	اعجاز درمان در منشور متافیزیک علی ابزدی	تلفن: ۷۵۳۷۰۲۲

## خطبه سوم: شقشقیه

انتقادی سیاسی است. در این جا خطبه علی(ع) انتقاد از خشونت خلیفه دوم می کند که جو فضای اسلامی را به خشونت کشانده است!

در این خطبه آثار چهار مورد از اثرات خشونت را مطرح می کند:

۱- 'خبط' یا آشفتگی ذهنی که دچار اشتباه در تشخیص مسائل زندگی می شود، زیرا در فضای خشونت ذهنها آشفته می گردد.

۲- 'شماس' یعنی پرخاشگری. جامعه پرخاشگر از محبت و صفا دور می شود.

۳- 'تلون' کسی که نمی تواند خودش فکر کند بلکه رنگ می پذیرد و رنگ عوض می کند.

۴- 'اعتراض' در جا زدن و سلب قدرت ابتکار و در قدم اول ماتدن است!

در چنین فضایی عدالت تحقق پیدا نمی کند....

فادات، معنویات و انساندوستی را در  
بود خویش با یاد خدا و ذکر الله  
بش دهند و الگویی برای دیگرانیشان  
دند.

## قوه قضائیه

این قوه قضائیه در مقابل مجلس  
اسلامی که نمایندگان مردم عهده  
دور آن می باشند هیچگونه  
مسئولیتی نداشته و خود را طبق قانون  
مستقل می دانند و از آنجا که  
اساس عدالت گسری را عملکرد  
قضائیه تشکیل میدهد هنگامی که  
قوه قضائیه دچار اختلال و  
سوءاستفاده عده ای از  
مستولین ناصالح در طول  
حاکمیت نظام امنیت جانی و مالی و  
آرامش را بخطر اندازد و در مقابل  
غلامکاریها، رایهای غیر عادلانه، سوء  
استفاده ها و رشوه ها در مقابل خانه  
ملت مسئولیت و پاسخگویی نداشته  
باشد، امنیت همه جانبه در جامعه برقرار  
نخواهد شد.

یکی از تناقضهای قانونی در قوه  
قضائیه این است که قوه قضائیه هم وزیر  
دارد و هم رئیس قوه قضائیه، که در  
واقع رئیس قوه قضائیه مسئولیت کامل  
قوه قضائیه را بعهده داشته و وزیر  
دادگسری در مقابل مجلس مسئولیتی را  
در رابطه با عملکرد قوه قضائیه ندارد.  
اگر قضات و عناصر دفتری او فاسد  
باشند و حقوق مردم را تضییع کنند،  
تجاره، شکایت به دادگاه عالی قضات  
است که اغلب بعلت مشکلات و عدم  
اعتماد در رسیدگی مردم شکایات به  
نتیجه نمی رسند.

## رابطه آموزش مردم و نحوظ اخلاقی:

در دوره اول مجلس در جلسه  
فهرغلی به نمایندگان متذکر شدیم که

به مراجعین باید یاد داد که کار نماینده  
توصیه، برای اینکه قوه مجریه کارش را  
روی یادداشتهای نمایندگان پایه  
گذاری کنند، صحیح نیست و تمام  
تلاش نمایندگان این باشد که به وزراء  
و مدیران امور دستور دهند باین و  
آن بچجال، فرش، تراکتور و زمین  
و... بدهد نمی باشد، بلکه نمایندگان  
وظیفه مهمتری دارند که زیر بنای  
امور را اصلاح کنند.

نمایندگان معترض شدند که اگر  
این کار را نکنیم در دوره بعد رای  
نمی آوریم!!

بهر حال مسئولین اجرایی، قضائی، مقننه،  
علما و روحانیون بارفتار و گفتار خود  
مردم را در طی مدت ۱۸ سال بعد از  
انقلاب آموزش داده اند چگونه است که  
مردم روز بروز از اعتقادات محکم و  
استوار دور می شوند و به تظاهر روی  
می آورند؟! جوانان هویت خود را  
فراموش می کنند، رشوه، دروغ،  
دورویی و غیره در بین اغلب جامعه  
امری عادی تلقی می گردد.

این مسائل سبب رنج و شکنجه  
روانی دلسوزان، مصلحان و معتقدان به  
خدا و حقوق مردم گردیده و جامعه را  
به سوی انحطاط سوق می دهد. در جامعه  
ای که اخلاقیات زیربنای زندگی مردم را  
تشکیل می دهد، گروههای مافیائی  
جنایتکار نمی توانند راهی برای امنیت  
خود داشته باشند و امنیت جامعه را بهم  
ریزند و در درون نیروهای حساس نظام  
نفوذ کنند و باعمال خلاف و آلوده  
دست یازند!!

با این امید رئیس جمهور آینده  
زیربنای عدالت اجتماعی یعنی امنیت،  
آموزش کافی و مطلوب همه جانبه را در  
جامعه باید تحقق بخشد و جامعه را به  
مسیری سوق دهد که ارزشهای اخلاقی  
از هر چیز دیگری مهم تر جلوه کند.

برنامه آموزشی آموزش و پرورش با  
اینکه می توانسته تحول عظیمی در روند  
ارزشها ایجاد کند و با اعتقاد به تولید و  
ارزش تولید، کارهای عملی و کاربردی  
نیروهای فکری و تقوی نوجوانان و  
جوانان را فعال سازد، هم اکنون آنان را  
به سوی کارها و فعالیتها غیرتولیدی و

در جهت واسطه گری سوق می دهد.  
در طول این مدت باید سیستم آموزشی  
کشور ما تغییرات اساسی را در بر  
میداشت و با الهام گیری از برنامه  
آموزشی کشورهای پیشرفته و مبانی  
اعتقادی اسلام می توانست کارآیی لازم  
را به جامعه بدهد. اغلب اولیاء شکوه  
دارند، زیرا خودشان با فرزندانشان باید  
درس بخوانند و امتحان دهند، این مسئله  
هم جنبه های مثبتی را در بردارد، لیکن  
پدر و مادر را از اندیشه، فکر، زندگی  
روزمره و آینده باز میدارد. در حالی که  
شرایط سنی و موقعیت اولیاء بگونه ای  
است که باید درصدد راهیابی حل  
معضلات اساسی خانواده و جامعه باشند.

ما هنوز سیستم آموزشی گذشته را  
دنبال می کنیم و تحول در سیستم  
آموزشی برای مدارس و کل جامعه نیاز به  
تحول بینشی زیربنائی دارد تا بتواند  
احقاق حقوق المراد جامعه را تعلیم دهد  
و فاصله و خلاءهای موجود در میان  
مردم و نظام را از بین ببرد و انسجام  
بخشد و در نتیجه اعتماد، آرامش بر  
جامعه حاکم گردد. دغدغه، نگرانی و  
مشکلات روحی و روانی جامعه را بهبود  
بخشد و هر چه بیشتر نیروی معنویت را  
در شاهرگهای جامعه بجوشش درآورد.



## مهمترین نیازهای اداره امور کشور در ارتباط با رئیس جمهوری

جای بسی تاسف است که همه در انتظار این هستند که در چه زمانی بالاخره آرمانهای مردم تحقق می یابد؟

ایجاد امنیت فکری و اعتقادی:

از جمله موانعی که بر سر راه رئیس جمهوری برای ایجاد امنیت فکری و اعتقادی وجود دارد عبارتست از: عدم هماهنگی جناحهای درون نظام و همانطور که گفته شد از آنجا که بعضی معتقد به اعمال خشونت می باشند به خواستهای مردم بی توجهی می شود و در صورتی که فشار خارجی زیاد شود تا حدی خشونتها تعدیل می گردد و نتیجتاً خشونت و خفقان سبب فشارهای هر چه بیشتر دشمنان گردیده و بطور مرموزی با نفوذ خود موانع رشد را شدت می دهند.

بینشهای مختلف اعتقادی و برداشتهایی از اسلام و قدرت طلبی جناحهای درگیر بطور کلی مانعی بر تحول و رشد نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و بالاخره اقتصادی گردیده و اثرات نامطلوب خود را گذاشته و گاه "خطر ساز می شود.

بسیاری از افراد درون حاکمیت صادق بوده ولی با بینش و برداشت تک بعدی از اسلام مشکلات سیاسی و اجتماعی زیادی را در مسیر حاکمیت قرار می دهند.

پس از گذشت هیجده سال از انقلاب اسلامی هنوز رفتار و عملکردهای ناهنجار که معمولاً در جوامع بی سامان دیده می شود از جانب عده ای بعنوان حزب الله که بارها اعلام داشته اند "تحمل دگراندیشان را ندارند" خود یکی از عوامل بازدارنده برای تحقق رشد جامعه می باشند. در حالی که حزب الله ابتدا باید خود را آرایش کرده و

تحقق بخشیدن به خواستهای ملی کمتر تلاش نموده اند.

بنی صدر، شهید رجایی، آیت ا... مهدوی کنی، آیت ا... خامنه ای و آقای هاشمی رفسنجانی هر کدام با دیدگاههای مخصوص به خود برای مردم و این کشور و مذهب تلاش کرده اند و خصوصاً آقای هاشمی رفسنجانی برای عمران و آبادی و برنامه ریزیهای دراز مدت تدارکی را در نظر گرفته اند.

همچنین از طرفی ماهیت انقلاب و نظام و بعضاً اقدامات خشونت آمیز و خلاف قانون عده ای سبب تحریک و دشمنی مخالفان خارجی و داخلی گردیده و بطور کلی جو جهانی را علیه نظام ایران برانگیخته است و در نتیجه مقداری از انرژی و نیرویی که می توانست کارساز اداره امور کشور باشد صرف پاسخ دادن و برطرف کردن آثار مخالفتها و دشمنیها می گردد.

موارد بسیاری دیده شده مواقعی که بخطر افتادن منافع حاکمیت بیش از منافع مردم بوده اغلب با بدبینی به جامعه و بدون گذشت و بخشش کافی برخورد شده است و وقایع را بیش از آنچه واقعیت داشته بزرگ ساخته و شدت عمل نشان داده اند. متأسفانه در درون حاکمیت جناحهایی وجود داشته و دارند که تصور می کنند با خشونت زیاد می توانند بر مردم حکومت کرده و مردم را وادار به تسلیم نمایند؟! و عجیب اینکه نتیجه این روشها را هنوز پس از هیجده سال تجربه، عبرت نگرفته اند و

از دو سال قبل تاکنون بحث ریاست جمهوری دوره هفتم در محافل و مجامع عمومی و خصوصی جریان دارد. مردم، دولت و کل حاکمیت و گروههای سیاسی موقعیت رئیس جمهوری آینده را مورد بررسی قرار داده اند. واقع امر اینست که چون آقای هاشمی رفسنجانی بر طبق قانون اساسی (اصل ۱۴) بیش از دو دوره متوالی نمی توانند ریاست قوه مجریه را بعهده داشته باشند در دوره هفتم شخص دیگری باید ریاست قوه مجریه را بعهده بگیرد، لذا شخصیت های دیگری بنابر آرمانهای سیاسی، گروهی و صنفی یا بهتر بگوئیم آرمانهای بینشی و بلحاظ اعتقادی و سیاسی کاندیدای ریاست جمهوری شده اند.

رئیس مجلس شورای اسلامی هم از زمانی که خود را مورد تأیید بعضی از گروه ها و مسئولین دیده اند، بگونه ای سفرهای دور ایران را تدارک کرده و برای هر چه بیشتر شناساندن خود به سفرهای طولانی ادامه می دهند و با این تصور که فرهنگ اغلب مردم ایران بخصوص مردم شهرستانها و روستاهای کوچک این است که با هر شخصیتی آشنایی داشته باشند، اغلب به او رای داده و با این استدلال که فقط او را می شناسند مهر تأییدی بر این تصور می گذارند.

تجربه نشان داده است که روسای جمهور قبلی بیش از همه به حفظ حاکمیت و نظام کوشیده اند و برای

رای کاندیدای ریاست جمهوری تعیین  
نمایند.  
آقای یوسفی اشکوری در پاسخ به  
سئوالات مذکور چنین فرمودند:

رئیس جمهور باید دارای  
ویژگی ذیل باشد:

تکلیف عدالت اجتماعی و مبارزه با  
فساد و تبذیر: حضرت علی(ع)  
فرمود: (العدل اساس الحكم). علی(ع)  
در سال ۵ سال حکومت، چنان  
مبارزه عمل کرد که هیچگونه ستم  
گروهی و نژادی در آن راه

نژادی و حفظ کرامت انسان: این  
از اصول اسلام و تشیع بوده

رژداری و حفظ استقلال کشور: از  
اولیتهای يك کشور اسلامی این است  
که پاینده به حفظ مرزها و استقلال  
کشور باشد.

رئیس جمهور و توسعه اجتماعی: بهبود روند  
اجتماعی - سیاسی و اقتصادی جامعه از  
برنامه های اسلام بوده و جامعه ای که  
توسعه یافته نباشد، يك جامعه متعالی و  
مطلوب اسلامی نیست. در زمان  
حکومت پیامبر(ص) در مدینه در حد  
بازهای آن زمان، رفاه، توسعه اقتصادی،  
اجتماعی و فرهنگی تامین گردید و  
همچنین در زمان حکومت علی(ع) و در  
دنیای امروز هم توسعه و رفاه اجتماعی،  
رشد، صنعت، علم و فنون نقطه قدرت  
کشورهای جهان است و بیش از گذشته  
مورد توجه می باشد.

اجرای کامل قانون اساسی: در زمان  
پیامبر(ص) و علی(ع) قانون اساسی  
نداشتیم و قوانین توسط هر دو اجرا می  
شد، ولی امروز در قانون اساسی ما  
اصطلاح اسلامی و ملی در نظر گرفته شده  
و آزادیها در چارچوب قانون اساسی  
است و از این میثاق هیچ کس نباید سر  
باززند و رئیس جمهور که قسم یاد میکند

باید تمام اصول قانون را در کنار هم اجرا  
نماید و اگر بخشی از آن اجرا شود به  
معنای نفی قانون اساسی است.

پاسخ ایشان به سوال دوم:

نظر شخصی من این است که هیچ  
منعی برای زمامداری زن وجود ندارد و  
در اسلام زمامداری به اصلحیت افراد  
یعنی صلاحیت فکری، مدیریتی و توانایی  
دانش و عدالت که شرایط عقلی و دینی  
است، مورد توجه است.

آیا می توان گفت در میان زنان این  
شرایط وجود ندارد و اگر غیر از این  
باشد مردم هم او را انتخاب نمی کنند.  
در دنیای امروز زنان رئیس جمهور و  
نخست وزیر بوده اند. همچنین در  
کشورهای اسلامی مانند ترکیه خانم  
جیلر، در پاکستان خانم بوتو و در  
بنگلادش خانم خالد ضیاء. و رهبران سه  
حزب بزرگ اسلامی را زنان بعهدہ دارند،  
چون در این کشورها نخست وزیری و  
زمامداری برای زنان نیز بوده است. اگر  
ما روایاتی داریم که آنرا تأیید نمی کند  
باید بررسی شود.

اگر سه شرط مذکور محقق شود چرا  
باید جامعه به او رای ندهد ما نباید تنها  
به دلایل نقلی استاد کنیم، بلکه باید  
شرایط جامعه را هم بسنجیم. هنوز  
شرایط جامعه ما بقدر کافی برای رشد  
زنان محقق نشده است و اما در قانون  
اساسی:

دو تفسیر وجود دارد رجال به معنای  
مذکر و رجال بمعنای عرفی جامعه  
بزرگان و شخصیت ها می باشند از قدیم  
شهرت در این که زن نمی تواند زمامدار  
شود، وجود داشته در حالی که منظور  
مرحوم شهید بهشتی که نایب رئیس  
مجلس خبرگان این بود که شرط  
زمامداری ذکوریت نیست.

ما مطلع شدیم که در پی اعلامیه آقای  
دکتر یدالله سبحانی، آقای مهندس عزت

آقای سبحانی هم کاندیدای ریاست  
جمهوری می باشند، بدین لحاظ مصاحبه  
کوتاهی در رابطه با دو سوال فوق با  
ایشان انجام دادیم.



آقای مهندس عزت ا... سبحانی به  
سوال اول پیام هاجر چنین پاسخ دادند:

♦ اولاً در هر کاری باید سعی کنیم  
رفتار و مرام صحیحی را اجرا نمایم. در  
زمینه حکومت از نظر قوه مجریه، عهدنامه  
مالک اشتر در واقع قانون اساسی جامعه  
علی وار می باشد. آنچه به مالک اشتر  
اعلام شده در هر زمانی می تواند شامل  
همه حکومتها باشد. پس از اینکه  
میفرماید: فرماندار قوه مجریه نه قوه مقننه  
(چون خود امام قوه مقننه بودند) یعنی  
درواقع این عهدنامه (چون علی از مالک  
اشتر پیمان می گیرد و نام این نامه  
"عهدنامه مالک اشتر" است) برای مصر  
در این موارد:

- "جبايت خراجها" مدیریت مالی کشور  
یعنی برای اداره امور مالی، چون اداره  
امور مالی از نظر حضرت علی(ع) بسیار  
مهم است اشاره به این دارد که اموال  
باید به نحو صحیح اداره شود. اگر طلحه  
و زبیر را به فرمانداری مصر می گماشت  
اهل معامله بودند و به علی می گفتند:  
تو که خلیفه شدی فرمانداری کوفه را به  
یکی از ما و بصره را به دیگری بده،  
حضرت علی(ع) چراغ را خاموش

## رئیس جمهور آینده

### دو سنوال از شما

پیام هاجر به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری دو سنوال در مورد ریاست جمهوری مطرح نموده که تاکنون پاسخ های زیر را دریافت داشته و انتظار دارد، خوانندگان محترم چنانچه پاسخهای دیگری دارند بدفتر نشریه ارسال نمایند. بدین لحاظ پاسخ های آقایان دکتر ابراهیم یزدی، مهندس سحابی، یوسفی اشکوری، خانم ناهید شید و عمادالدین باقی را بنظر خوانندگان محترم می رسانیم.

۱- رئیس جمهور کشور پیرو علی(ع) چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟

۲- آیا در قوانین جمهوری اسلامی زمامداری و ریاست جمهوری زنان مورد اشکال است یا خیر؟



دکتر ابراهیم یزدی در رابطه با دو سوال مذکور چنین پاسخ دادند:

◆ زمامدار و یا رئیس جمهور باید مشروعیت امارت و یا خلافت خودش را

از مردم بداند و امام می تواند از جانب خدا امامت داشته باشد و اینکه در جامعه مشروعیت داشته باشد باید مردم بپذیرند.

◆ ملتزم به رعایت کلیه قوانین بوده و هیچ حق ویژه ای برای خودش قائل نباشد. بطور مثال نمی تواند از چراغ قرمز عبور کند به صرف آنکه رئیس جمهور است و خود را در این زمینه محق بداند و اگر شهروندی از او شکایت کرد حق ویژه ای نداشته باشد.

◆ حق را به نفع خود یا اعوان و انصارش زیر پا نگذارد و به گروه خودش چیزی اضافه بر آنچه که قانون تعیین کرده نباید بدهد و همه مردم را به یک چشم بنگرد و تبعیض قایل نشود. حضرت علی(ع) به مالک اشتر میفرماید: "مردم در دو چیز با تو شریکند یا در خلقت و یا در دین و خلقت." در هر دو حال مراقب باش حقوق آنها را رعایت کنی. عدالت اجتماعی را در بین آنها به اجرا در آور و از تمرکز ثروت در دست یک عده جلوگیری نما و...

◆ حکومت عدل علی(ع) نباید طبقه سرمایه دار جدید بوجود آورد و پس از گرفتن ثروت و مصادره اموال عده ای، سرمایه دار شود. پس از انقلاب فاصله میان غنی و ضعیف بیشتر شده. رئیس جمهور، باید علی وار با این اختلافات طبقاتی برخورد کند. دولت حق دارد پرونده هزینه های نامشروع و اختلاس ها را به دادگاه بفرستد و در اختیار روزنامه ها قرار دهد تا جلوی بسیاری از مفاسد گرفته شود. هم اکنون بسیاری از خاصه خرجیها اعلام نمی شود. رئیس قوه مجریه در این موارد طبق قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی سوگند وفاداری یاد کرده و باید به پیمانهای خود وفادار باشد.

ایشان در رابطه با سوال دوم این طور پاسخ دادند: زمامداری زنان بستگی به

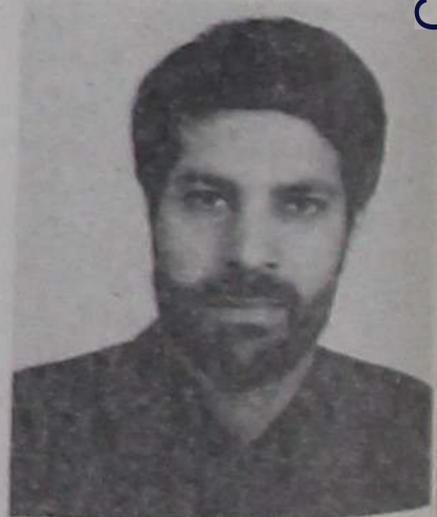
تفسیری دارد که از "رجال" در قانون اساسی بعمل می آید. واقعیت این است که در پیش نویس اولیه قانون اساسی که دولت موقت و شورای انقلاب تصویب کردند و رهبر فقید انقلاب هم آنرا امضا نمودند در آنجا جنسیت رئیس جمهور مشخص نشده بود. مرحوم آیت... گلبایگانی اعتراض کردند و گفتند: باید در قانون اساسی تصریح شود که رئیس جمهور مرد باشد. مرحوم امام (قدس سره) فرمودند با ایشان صحبت کنید. ما به اتفاق آقایان مرحوم مهندس بازرگان و مهندس کتیرانی به خدمت ایشان رسیدیم، ایشان فرمودند: اگر من شیخ فضل... نوری بشوم جلوی این قانون می ایستم، رئیس جمهور باید مرد و شیعه (اثنی عشری) باشد. به این جهت شرط رجل بودن در قانون اساسی در اصل ۱۱۵ بیان شده است. "رئیس جمهور باید از رجال مذهبی و سیاسی باشد."

آیا منظور از رجال، شخصیتهای سیاسی و مذهبی هستند؟

در روند تاریخی این قانون جنسیت مشخص نبود ولی بعد رجال آمد و با درک رجال بمعنای ذکوریت. مگر اینکه قانون اساسی تغییر کند یا شورای نگهبان تفسیر شخصیت ها و بزرگان را از رجال ارائه دهد، من صرفاً از دیدگاه قانون اساسی صحبت کردم ولی نظر شخصی من این است که از نظر اعتقادی، اعتقاد ندارم. در اولین کشور اسلامی که یک زن حدود چهل سال پیش کاندیدای ریاست جمهوری شد بعد از محمدعلی جناح خانم فاطمه جناح بود و تاکنون هم در هیچ کشور اسلامی بدلیل جنسیت جلوی زمامداری زنی گرفته نشده است.

توضیح آنکه: دکتر ابراهیم یزدی براساس نامه آقای دکتر ید... سحابی و تصمیم شورای مرکزی به اتفاق آرا

که در تفسیر جاری می شود معنای مجازی کلمه "رجال" باشد تا عمومیت قانون اساسی، تخصیص نیابد و در ماهنگی با سایر اصول ناماز به نظر خصوصاً که با اطمینان می توان که نگارندگان قانون اساسی که ما از علمای حوزه و دانشگاه بوده اند تا هر آنکس اعم از زن و مرد غ از مقوله جنسیت که بتواند در نجبا، نجبگان و بزرگان سیاست و نسب قرار گیرد، قادر باشد در يك باب سالم، بدور از تعصبات جنسیتی، بحث نماید و در شرایط مساوی از حق مساوی برخوردار باشد.



### آقای عمادالدین باقی به اولین سوال پیام هاجر فرمودند:

می خواهم کمی حاشیه مربوط به متن بلکه اولی به متن بروم. اصفهانی ها می گویند: "اول باید چاله را کند بعد خار را آورد". اگر مناره ای پیدا کنیم و نمانیم در کجا باید کار بگذاریم، کارمان کارستان است. سؤال در مورد لزوم گنجینه های فرد مناسب بدون پرسش از جامعه ای که آن فرد را برایش انتخاب می کنیم شبیه همان ضرب المثل است. پیش فردگرایانه داشتن و نگرش جامعه شناسانه و ساخت انگارانه نداشتن، موجب شده است که در سطح رسانه

های ما و در محافل، عمدتاً از ویژگی های شخصی بحث شود در حالی که به اعتقاد من، نخست باید تحلیل مشخصی از شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی ایران داشته باشیم و نیازها و استراتژی مناسب آنرا تشخیص دهیم یعنی موقعیت شناسی، امکان شناسی و هدف شناسی کنیم، آنگاه می بینیم چه شخصی یا گروهی با چه ویژگی هایی از نظر معرفتی و خصلتی می تواند با این جمع بندی، نسبتاً هماهنگی و تناسب بیشتری داشته باشد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، ما در کاشت نهال، ابتدا نمی آیم نهال ایده آل خود را پیدا کنیم سپس آنرا در هر زمینی که در اختیار داریم نشاء کنیم، چه بسا آن نهال ایده ال ذهنی با این زمین (و مطالعه سه جانبه موقعیت شناسی، امکان شناسی و هدف شناسی آن) تناسبی نداشته باشد و میوه ای به بار نماند. مثلاً در زمین شوره زار می توان نهال پسته کاشت اما خیلی از گیاهان دیگر در آن می میرند و اگر بخواهیم این زمین را برای نهال دیگری آماده سازی کنیم، دگرذبی در خاک لازم است که باید امکانات و عوامل تحول خاص آن را بشناسیم و به کار بیندیم.

بنده بر مبنای تحلیلی از وضعیت تاریخی و اجتماعی ایران بارها عرض کرده ام که میرم ترین و حیاتی ترین نیاز جامعه ما، آزادی های سیاسی اجتماعی قانونمند و نهادی نشده است. مسئله جامعه ما برخلاف دیدگاههایی که فقط تا نوک بینی خود را می بینند نه مسئله اقتصاد است و نه توسعه. مسئله اصلی و فوری تر جامعه ما مسئله سیاسی است. بدون وجود آزادی های سیاسی، هیچ توسعه ای موفق و پایدار نخواهد بود. به قول یکی از مراجع بزرگ تقلید بدون وجود آزادی، سخن گفتن از رشد فرهنگی و علمی و رشد فضیلت های اخلاقی و به تعبیر من حتی سخن گفتن از

تولید صنعتی نیز عبث یا کم نتیجه است. اما متأسفانه هنوز مکانیسم علت و معلولی رابطه آزادی با تولید، توسعه، اخلاق، مدیریت و سایر جنبه های حیات اجتماعی برای بسیاری از افراد گنگ است و حتی رابطه آنها را چون آسمان و ریسمان بهم بافتن می دانند و این تصور خود حاکی از فقدان تحلیلی از این مقولات و نیز از جامعه ایران است.

اگر بپذیریم که آزادی و امنیت (که لازم و ملزوم یکدیگرند) از نان شب برای ما واجب تر است آنگاه پاسخ این سوال که رئیس جمهور باید دارای چه ویژگی هایی باشد آشکار می شود همان ویژگی که امام علی (ع) برای يك رهبر قائل بود. امام علی (ع) برای همگان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، موافق و مخالف و حتی محاربی مانند ابن ملجم، حقوقی یکسان قائل بود. او عالی ترین درجه حقوق بشر را در ۱۴ قرن پیش چنین بیان کرد:

امام در نامه به مالک اشتر و دستورالعمل حکومتی او نوشت: "با مردم رحمت و محبت و لطف و دوستی داشته باش و مبادا سختگیری کنی مانند درنده ای باشی که خوردنشان را غنیمت بشماری زیرا مردم دو دسته اند یا در دین برادر تواند و اگر مسلمان نباشند انسانی هستد که در آفرینش ممنوع تو هستد" پس باید با همه آنها یکسان رفتار کرد.

ایشان در رابطه با سوال دوم بیان داشتند:

مایلم در مورد این سوال، بصورتی کلی تر از موضع خاص قانون اساسی پاسخ بدهم و بجای بیان مضامینی مبنی بر موافقت یا مخالفت، ملاک هایی را ارائه کنم.

منا قراردادادن این ملاک که در جهان امروز و در غرب، چنین حقی برای زنان پذیرفته شده است و با وجود زنان موفق

کردند و فرمودند: چون بحث شخصی می کنید نباید از بیت المال استفاده کنید. در واقع می فرمایند: حق ندارید بیت المال را مصرف شخصی و گروهی کنید و از اموال عمومی برای تبلیغ این گروه و یا آن گروه نباید استفاده کنید.

- "جهاد عدوها"، امنیت داخلی و خارجی کشور اسلامی باید حفظ شود. دشمن می خواهد در جامعه ظلم و ستم، فساد و تباهی بوجود آورد. در هر شرایطی باید مرزها را حفظ کرد.

- "استصلاح اهلها"، استصلاح با اصلاح فرق دارد. اصلاح به معنای اصلاح امور مردمی است، ولی استصلاح یعنی بهبود بخشیدن نسبت به حال و روزگار که مردم دچار ترس، ناامنی و تنگی نگردند.

- "عمران بلادها"، همان چیزی است که امروزه "توسعه" گفته می شود، یعنی در ترقی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور بکوشد، بزور از مردم اموال آنها را نگیرد، مردم حال عصبی و روحی نداشته باشند و با آرامش خراج پردازند.

نظر ایشان درباره سوال دوم: مخالفت اصولی با ریاست جمهوری زنان ندارم. خانمی که صلاحیت و توانایی ریاست جمهوری را داشته باشد مردم میتوانند او را انتخاب کنند. در ابتدای انقلاب کسانی که قانون اساسی را مطرح می کردند، نوشته بودند هر مسلمان ایرانی می تواند رئیس جمهور شود. در مجلس خبرگان این مضمون تغییر کرد و بدین شکل درآمد که: "رئیس جمهور باید از رجال مذهبی و سیاسی..." منظور از رجال اعم است. خداوند در سوره نور فرموده "رجال لاتلهیهم تجاره و لایبع عن ذکرا لله..." در خانه هایی که خداوند خواسته است اسم خدا رفعت باید رجالی

هستند که شغلشان مانع ذکر خدا میگردد یعنی حق کارهای زنها هم مانع ذکر آنان نمی شود. در بسیاری از آیات ملاحظه می شود که نکاتی در مورد مردان و زنان بطور اعم آمده است، مگر اینکه قصد در مورد "نساء" باشد و در مقابل آن "رجال" می آید. ما بطور قانونی و شرعی میتوانیم رجال را در بعضی از موارد اعم بیاوریم و در قانون اساسی هم رجال بمعنای اعم آمده است.



خانم ناهید شید به اولین سوال مطرح شده از سوی پیام هاجر چنین گفتند:

این سوال خود پاسخ خود می باشد زیرا در جامعه ای که پیرو علی است و روش حکومتی آن نیز پیروی از روش حکومتی علی است، رئیس جمهور آن نیز علی گونه است.

ایشان در پاسخ به سوال دوم فرمودند: انتخابات ریاست جمهوری از وقایع حساس و سرنوشت ساز دوران حیات ملتهاست و به لحاظ همین حساسیت متصدی این سمت باید جامع شرایطی که مقبول طبع عامه است، باشد. شرایطی که به اعتبار شخصیت فرد نه جنسیت او مصداق می یابد.

به موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی که ذکر کلمه رجال را دارد، زنان را محروم از نامزدی ریاست جمهوری دانسته

اند و با استناد بدان که علاوه بر معنای حقیقی در کلام عرب دارای معنای مجازی به سبب محل استعمال است و با مذاقه در سایر اصول قانون اساسی و جایگاه استعمال کلمه مذکور که کلام فارسی است تعبیر بر معنای مجاز و غیر اسم ذات جاری می گردد بدون اینکه توجه شود. بهره گیری از معنای حقیقی کلمه رجال در اصل ۱۱۵ در تعارض با روح قانون اساسی و سایر اصول و ناقض آنهاست.

با گذر اجمالی بر متن قانون اساسی به اصولی برمیخوریم که موبد حکومت معنای مجازی و غیر اسم ذات رجال به معنای نجبا، نجبگان، بزرگان سیاست و مذهب است نه فقط مردان، همانگونه که استعمال کلمه جوانمردی و مردانگی به اعتبار جنسیت نیست و به زن و مرد هر دو اطلاق می شود و شخصیت و قابلیت موصوف مورد نظر است نه جنسیت وی.

به موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است، اسناد، مکاتبات و متون فارسی رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد" و بر اساس همین امر که اصالت با زبان فارسی است. قانون اساسی نیز که از جمله اسناد ملی نمی تواند به زبان دیگری غیر از زبان فارسی تحریر شود، زیرا در این صورت مخالف صریح اصل مذکور و نقض غرض است و در فرهنگهای لغت فارسی از جمله فرهنگ معین جلد دوم کلمه رجل سیاسی و مذهبی و علمی به مرد معنا شده است، بلکه معنای مجازی لغت مد نظر می باشد و به بزرگان و نجبای سیاسی و مذهبی و علمی معنا شده است.

در این مقوله اصرار به بحث لغوی جامعیت قانون اساسی را خدشه دار مینماید و لذا نفس امر می طلبد آنچه

بیتنا

سوطان محترم

برگهان عمر نبود دو ساله خود، از آن بوقی که خود را ساخته ام، همواره در آرزوی ایرانی آباد، آزاد و  
مستقر و متمدن و سعادتمند بوده ام. آنچه مرا بیش از هر چیز رنج می داد، ظلم و حق کشی و استیلا  
های خودکامه بر این سرزمین تاریخی و فقدان آزادی و عدالت بود. زمینه های مساعد، در لسط  
آن بکشور ما، موجب گردید که دیکتاتوری بر این ملت تحمیل گردد و وجود حکومتی خودکامه،  
خود، باعث شد که تلمذ بیگانگان بر ما و ثارت مباح ملی کشور، فراهم شود.

مهندس ملی شدن صنعت نفت، به رهبری قهرمان مبارزه با استعمار، مرحوم دکتر محمد مصدق  
ای از امید را پدید آورد که "خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود". با توطئه و دخالت اجانب و  
خیانت پشه داخلی، امید تحت تیر باد رفت و یک ربع قرن دیگر، آزادی و حاکمیت ملی از این دیار  
براست و کشور ما مجدداً صحنه غارت غارتگران خارجی و داخلی گردید. در این احوال، مبارزان ملی  
ناامید نشدند و امید خود را در رهایی این ملت و مملکت از دست ندادند. آنچه مقدر بود در این راه  
نمودند و آخر این تلافی، انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود که چیده حکومت مشروطه و باطن  
ملی ایران را به حکومت جمهوری تبدیل کرد. در این تغییر، امید می رفت با الهام از ارزشهای والا و  
اسلام، ریشه مفاسد و نیاهی ها کنده شود و موجبات ترقی و تعالی کشور فراهم آید، به آزادی  
ملی ملت احترام گذاشته شود و دیگر شاهد حکمیتهای خودخواه و خودکامه نباشیم. ولی صد حیف که  
پس از تکیه و انحصار گریها این امیدها به پای عمل نرسید و هنوز هم شاهد حکومتی هستیم که در آن  
آزادی و حاکمیت ملی خبری نیست و کرامات انسانی و عدالت اجتماعی رنگ و جلوه ای ندارد.

با گذشت هجده سال از پیروزی انقلاب، شاهد اعمالی هستیم که بیان آن در جهان کنونی گرم آور  
ست. آزادیهای طبیعی در معرض تعرض است و اجتماعات ملی مورد حمله قرار می گیرد، چنانکه از  
پس دومین سالگرد درگذشت آزادمرد بزرگ، شادروان مهندس مهدی بازرگان که حق بزرگی بر ایران  
بود در بعضی از شهرها، معانفت می کنند و در قلب تهران، جمعی جاهل با هجوم و تیدید و ریختن  
ماد شیمیایی به داخل مجلس، در آستانه القامار باد رمضان، جان عده زیادی را به مخاطره می اندازند و  
کمیترین واکنشی از جانب حکومت در برابر این تجاوزات مشاهده نمی شود.

هموطن عزیز: در این روزها، بزرگداشت سالانه انقلاب شکوهمند ملت، در حالی جشن گرفته می شود که  
آرزوهای اصلی و مقدس انقلاب ما در اینجایی سیرده شده و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی  
شرح می گردد که حقوق اساسی مردم ایران نادیده گرفته شده است. روند عملی که در تنظیم حکومت  
انحصاری ملاحظه می شود نه در قانون اساسی پیش شده و نه با هیچ منطقی سازگار است، برخلاف  
قانون اساسی و آزادی که ادعا می شود باز در صدد هستند که دو مقام ریاست مجلس نمایندگان ملت و

ریاست جمهوری در اختیار طبقه خاص و با لباس خاص باشد یعنی آنچه در این میان نقش ندارد، خواسته  
ملت و مدیریت و کاردانی است.

در چنین شرایط، ممکن است طبیعی ترین واکنش، بی تفاوتی و مقاومت منفی باشد ولی این خود، اعراض  
از حقوقی است که قانون اساسی برای ملت تقریر داشته است.

ملت عزیز: همین ما، در این زمان دوره حساسی را می گذرانیم. کمیختگی مناسبات و روابط شایسته  
اجتماعی، گسترش دامنه های فساد در نهادهای دولتی و غیر دولتی، سرکشی جوانان مملکت، توطئه  
های خارجی علیه تعاقب ارضی ایران و بی مشکلات دیگر، هر ایرانی علاقمند به سرنوشت کشور را متأثر  
و نگران ساخته است. این موقع زمان بی اعتنائی و بی تفاوتی نیست. نباید گذاشت که حقوق و آزادیهای  
ملت باهمال و دستخوش دشمنان ملت و با گروههای انحصار طلب گردد. باید، با حضور خود در صحنه،  
جو نامطلوب اجتماعی را عوض کرد. رجال مورد اعتماد و آناتکه به مردم سالاری اعتقاد دارند، باید،  
خصوصاً در این موقع که انتخابات جدید ریاست جمهوری مطرح است، به فعالیت و مبارزه سیاسی پردازند.  
در یکسال اخیر افرادی از طبقات و گروههای مختلف که پای بند و مشتاق سر بلندی وطن و دین هستند به  
اینجانب مراجعه داشتند و شخصتهایی را برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد و از اینجانب می خواستند  
افراد صالح و شایسته ای را معرفی کنم. بعضی از رجال ملی با وجود شایستگیهای لازم خود داوطلب ورود  
در این صحنه نبودند. اینجانب به پیروی از تعالیم عمومی از بین کسانی که بیشتر طرف توجه بودند آقایان  
مهندس علی اکبر معین فر، دکتر ابراهیم پردی و مهندس عزت الله سجایی را که به سوابق مبارزاتی و  
صدائت و شایستگیهای آنها آشنا هستم معرفی و از این فرزندان عزیز می خواهم که در شرایط حساس کنونی  
به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری ثبت نام نمایند و سپس از بین خود یک نفر را برای کسب رای به  
مردم معرفی کنند.

اینجانب، به دست انحرافگران و سبکین مملکت، که خود می دانند در کنار و نصیحت شایسته فرض ندارم  
نوصیه می کنم که مانع شرکت رجال ملی و آزادیخواه و علاقه مندان به ایران و اسلام در انتخابات ریاست  
جمهوری نگردند و بجای مردم ایران در اطلاعاتی در بسته تصمیم نگیرند و بگذارند که مردم هر کس را که  
شایسته دانستند برای ریاست جمهوری برگزینند. از هموطنان عزیز، همی خواهم برای احقاقی حقوقی خود  
پافشاری کنند و از هم اکنون تمام امکانات خود را برای تحقق حاکمیت ملت، تأمین آزادیهای قانونی،  
عدالت اجتماعی و پیروزی اراده مردم، بسیج کنند و در صورتیکه برخلاف خواسته مردم تصمیمی اتخاذ شد  
از طرق قانونی و یکپارچه اعتراض کنند. باشد تا با اتکالی به خداوند قادر متعال و نیروی ملت، موجبات  
وحدت ملی و رشد و توسعه همه جانبه فراهم و کشورمان از بحرانها و خطرات تهدید کننده خارج شود.

اللهم وفقنا لما نحب ونرعى  
بازدهم بهمن ۱۳۷۵ بدالله سجایی

Created by trial version of 2PDF

در پست نخست وزیری یا ریاست جمهوری، دیگر جای تردید برای صلاحیت زنان در احراز این منصب ها نیست، نمی تواند منطقی باشد زیرا ممکن است در غرب، امری تجربه شود یا امری متداول باشد و لزوماً صحیح هم نباشد یا اینکه با شرایط جامعه ما ناسازگار باشد.

اگر این دیدگاه را ملاک قرار دهیم که قاطعیت و خشونت مردان را از لوازم حکومت می داند و عاطفی بودن زن را موجب ضعف حکومت می شناسد با موارد نقیض آن به وفور مواجه می شویم که نه تنها زنان نیز به نوبه خود می توانند قاطع و خشن باشند بلکه حکومت به رافت و دقت هم نیاز دارد و بلکه با رحمت و عطوفت موفق تر است و این ویژگی را مطابق این دیدگاه در زنان باید جستجو کرد. بگذریم از اینکه در زمان ما این خود صاحب منصبان به تنهایی نیستند که تدبیر امور می کنند و مشاورین موثر کارآمد هستند که نقش تعیین کننده ای دارند.

از نظر بیولوژیکی نیز، زنان در خصوص توان و تحمل بار چنین مسئولیت هایی کمتری نسبت به مردان ندارند، از نظر استقامت نیز برتر از مردان هستند و چون احراز این مسئولیتها بیشتر جنبه تدبیری دارد تا توان جسمانی، زن از نظر سلولهای مغزی تفاوتی با مرد ندارد و هر دو جنس تنها از اندکی سلولهای مغزی خود و قابلیت های آن بهره برداری می کنند. ممکن است این ملاک متهم به شرایطی بوده شود زیرا این حق را مبتنی بر دانش جدید و شناخت ساختمان زیستی زن و مرد است که دانش جدید تا حدودی بدان دست یافته است و لذا ممکن است یافته های دیگری در آینده، این حق را خلع کند.

مهم ترین ملاک ها این است که باید مرز امور و توانایی های اکتسابی و ذاتی

را دریافت. و در این کار باید توجه داشت که در طول تاریخ، زنان بعنوان جنس دست دوم به حاشیه رانده شده اند و به همین از میدان آزمون و کسب توانایی هایی که مردان برابر آن مجاز و مختار بودند، محروم شده اند. اگر از انتقال وراثتی و ژنتیک این توانایی ها و ناتوانی ها بگذریم به تدریج و در مرور زمان با نهادی شدن این تفاوت ها، تصور طبیعی بودن آن رفته است. در حالی که می توان با یک آزمون یعنی بوجود آوردن شرایط و امکانات برای مشارکت مساوی زنان و مردان زمینه کسب این توانایی ها را بصورت مساوی فراهم کرد سپس به ارزیابی و مقایسه نشست.

به عقیده من مشکل ترین مسئله ای که در رابطه مسئله حضور زنان در پست های سیاسی، اجتماعی و اداری می توان عنوان کرد، مربوط به تقسیم کار منطقی زنان و مردان است به نحوی که کانون خانواده و تربیت فرزندان آسیب نبیند و در عین حال هر دو هم از حقوق سیاسی و اجتماعی یکسان برخوردار باشند.

بنابراین در مورد ریاست جمهوری زنان، به عقیده من برهان قاطعی بر امتناع آن وجود ندارد و هر برهانی اقامه می شود یا به شدت ارزشی و تعبدی است یا موارد نقیض فراوانی دارد و نمی تواند فصل الخطاب باشد. دست کم اینکه مسئله ریاست جمهوری زنان موضوعی قابل بحث است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قابل بحث بودن این موضوع مشهود است زیرا در اصل ۱۱۵ می گوید: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... انتخاب گردد. و بر ذکوریت تصریح کرده است گرچه می توان قید رجولیت را از باب تغلیب گرفت و در اینصورت زنان نیز می توانند جزء رجال سیاسی محسوب شوند.

در اصل ۲۰ قانون اساسی هم آمده است همه المراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. با اصل برابری در کلیه حقوق، اختصاص دادن حق ریاست جمهوری به مردان مشکوک زیرا درست به دنبال آن جمله "رعایت موازین اسلام" آمده است. این قید خیلی کلی است و تابع فهم و اجتهاد علما و فقهای هر عصر است که به شدت متغیر می باشد.

بر اساس دو شیوه الفراط و تفریط در حوزه حکومت، مردم داری و مذهب، گرفتار آمد و به این ترتیب چیزی حدود ده قرن در وادی جهل و دگم اندیشی سکولاریته و عقب ماندن از قافله علم و تمدن، با توجه به اینکه هر چه جهان غرب سوی مدرنیسم گام برمی داشت و سازه مدرنیته و توسعه تکنولوژی، نمایانگر غربی یافت و این روند فرصت آفرینی بود در مقابله با فرهنگ و مذهبهای دینی و تخلیه ساختن دین از محتوایش توسط هیئت حاکمه اقتدار غرب زیرا در دیدگاه استعمار غرب، "اساس" دین، بویژه دین اسلام را همواره عنوان یک نیروی متخاصم، در روند مملکت گری و منافع جویانه خویش توجیه می نموده است، البته بگونه ای که شاهد هستیم، این ترند تا حدود قابل ملاحظه ای نیز توفیق یافته و ضربات سهمگینی بر پیکر جوامع وارد ساخته است.

حال چرا جهان غرب به چنان سیاستگرایی فائق آمد؟ دلیلش واضح و روشن است، چون متاسفانه مسلمانان جهان نیز، سرنوشتی مشابه سکولاریسم، در فضای بسته حوزه های دینی، در طی چند قرن گذشته داشته است و هر چه زمان پیش سوی آینده می گذاشت، در اندیشه های بسته و دگم خود (پاییند به سرخی از فروغیات تشکیل دهنده) بالشاری می کرد و این خود معضل بزرگ دینی اجتماعی ما بوده و هست. در حالیکه دنیای غرب سیاستمدار و اقتدار طلب به اتفاق مجامع و محافل علمی و مذهبی آن سرزمین قادرند تا یک طرف آن بون آرمه تاجر و تعصب فکری را بشکند و دنیای تحول و تطور علمی را بسوی خود بگشاید و لااقل راه حل این جهانی کردن بهشت را برای مردمانش فراهم سازد، هر چند این نیز حرکتی یک بعدی و دارای پایه های متزلزلی می باشد

و نمودارش در واقع همان آفات و معضلات اخلاقی و انسانی است که از جمله بی فرهنگی، فساد، بیکاری، سکولاریته، انزوا، انتحار، گرایش به مدلهای رب، متالیک و سوپر متالیک، و بی هویتی و نیهیلیسم و... در میان نسل جوان آن دیار و سرایت آلودگیهای هنر بود. در ممالک اسلامی، غیر قابل اغماض بوده و این معضل بزرگ اجتماعی برای هیچکدام از طرفین ممالک غرب و شرق مطلوب نبوده و نیست و بطور یقین مصلحان جهان، انسانهای بشر دوست در هر کجای دنیا و وابسته به هر مرام و مسلکی که باشند، با این نوع تفکر خائن برانداز و روندهای غیر انسانی به مبارزه و معارضه برخوانند خواست، بدانسان که در جهان معاصر، حرکتیهای فعلا نه و مسئولانه از جائب متفکران بشر دوست، از طریق نوشتار، میزگردها و سمینارهای بین المللی شده و می شود.

برای اینکه از محور بحث خارج نشویم و به تبیین عصری شدن معارف دینی پردازیم، ابتدا نظرتان را جلب میکنم، در دنیایی که ما در آن واقع شده ایم، ما اکنون در عصر تکنولوژی و فراتکنولوژی قرار داریم، عصر نور و انرژی هست، عصر شبکه ها اطلاع رسانی جهانی و به تعبیر پروفیسور ویریلیوی فرانسوی "در عصر جاده ها و اتوبانهای ارتباطی" قرار داریم، عصر ما، عصر تلاقی و تضارب آراء و اندیشه هاست. ویلیام زادتمن امریکائی، برای جهان معاصر تقسیم بندی هائی دارد و آنرا مدلهای هفتگانه نامیده است. "مدل تک قطبی آمریکا، مدل چند قطبی (اروپا، ژاپن و چین)، مدل مبتنی بر مرکزیت سازمان ملل متحد، مدل حقوق بشر، مدل قطب شمال و جنوب، مدل غرب و شرق و در نهایت مدل نظم نوین و دهکده های جهانی"<sup>۱</sup> یقیناً انسان هر

چنانچه در گذشته جامعه های مذهبی سکولار، هر چیزی را که به اصطلاح غیر دینی و یا دنیائی و علمی بوده نامقدس و کفر تلقی می گشت، و سپس هر آنچه را که دینی و فرافیزیکی مینمود، خرافی، سنتی و ارتجاعی بشمار می رفت.

عصری، بر پایه طبیعت ساختارش و در راستای زیست محیطی خود هیچ زمان ساکت و آرام نخواهد نشست و همواره به تناسب پیچیدگی و اسرار ناپیدایش در حال دگرگون شدن و دیگرگون ساختن خواهد بود و این فرایند زیستی تنها یک جریان القائی، تزریقی و یا تعبیدی و تقلیدی نیست، بلکه ماهیت انسان، در ازای ایستائی، میل تحول و شدن دارند و به همین لحاظ انسانها در مقاطع زمانی و در پهنه گیتی پیوسته نقش تابع و متغیر را نسبت به زمان و فرایندهای آن بازی می کنند، بگونه ای که در این مسیر تغییر و تحول، هیچ نیروی بازدارنده ای نمی تواند جلودارش گردد، چیزی که در این فرایند موثر و کار ساز هست و آن اراده قوی انسانهاست که در مسیر صعودی و با تزلزل شخصی مدخلیت دارد، البته اراده قوی انسان، خود نیز به

## "ضرورت عصری"

### شدن دین"

ابراهیم خوش سیرت سلیمی

يك نوع ناسازگاری بین آراء و عقیده و عمل، خصوصا" در پروسه های اجتماعی، سیاسی، حکومتی و اقتصادی مواجهه بوده و این روند در مذاهب جهان، آنهم در کنار مراکز اقتدار، بشکل قابل ملاحظه ای تا سه قرن پیش همچنان تداوم داشته است و بازتاب و محصول فرایند فکری فوق الاشاره، البته در محور اندیشه های سکولاریسم (جدائی دین از سیاست) و در چارچوب حوزه های دینی، اعم از اسلام یا مسیحیت، فراهم

حال چرا جهان غرب به چنان سیاستگزاری فائق آمد؟  
دلایلش واضح و روشن است، چون متأسفانه مسلمانان جهان نیز، سرنوشتی مشابه سکولاریسم، در فضای بسته حوزه های دینی، در طی چند قرن گذشته داشته است و هر چه زمان پیش بسوی آینده می گذاشت، در اندیشه های بسته و دگم خود (پایبند به برخی از فروعیات تشکیل دهنده) پافشاری می کرد و این خود معضل بزرگ دینی اجتماعی ما بوده و هست.

اصولا"، زمان تبیین گر معارف بشری است و در واقع جایگاه علوم بشر، با عصر خودش معنی و تعریف می شود. بدین لحاظ، باورها، مکتبها، جهان بینی ها و ایدئولوژیهای انسانها به عنوان يك مجموعه کامل فرهنگی، چنانچه با عصر خودش تسامح و هماهنگی نداشته باشد، بالطبع آن مجموعه فرهنگی و ایدئولوژی، در هیچ يك از عرصه های اجتماعی کارآئی پراتیک بجای نخواهد گذاشت. اگر نگاهی به تاریخ ادیان و الگوهای رفتاری بشریندازیم، ملاحظه خواهیم نمود که جوامع و شعب مذهبی دنیا، از مذهب پلی تیسیم گرفته تا مذهب تیسیم (شرك و خداگرانی)، در طول تاریخ با

نمودن بستر دوگانگی، نفاق، ظلم و فساد، فقر، تبعیض و تضاد اجتماعی و گریز از تحولات و تطورات علمی و بین المللی توسط بشر بوده، که شرح آن در فضای بحث این مقال نمی گنجد. چون انگیزه طرح این مسئله، بیشتر تحقیق و بررسی در اطراف فاکتورهای موثر در چگونگی عصری شدن دین است.

نظر به اینکه در قرون وسطی و آغاز قرن هفدهم، علما و هیئت علمی پروتستانیست رنسانسی در افکار کلیسای دین مسیح، در عصر خود ایجاد کرد و در واقع قادر شد تا دیواره فولادین چند حصاره شبکه های تار و بود تنیده دگماتیسیم سکولاریسم را

بشکند و بدین شیوه دیدگاهی جدید، برای پیروان و علاقمندان به دین و علم بوجود آورد، منتهی این بار به گونه ای دیگر و بشکلی فریبنده و پیچیده تر وارد صحنه تزویر و سیاست گردید، به این معنی، چنانچه در گذشته جامعه های مذهبی سکولار، هر چیزی را که به اصطلاح غیر دینی و یا دنیائی و علمی بوده نامقدس و کفر تلقی می گشت، و سپس هر آنچه را که دینی و فرالیزیکی مینمود، خرافی، سنق و ارتجاعی بشمار می رفت.

شایان ذکر است، تز نوین پروتستانیسم در این نهضت توانست تصویر تازه ر دست آوردی مدرن در مذهب ایجاد کند. برای مثال، غالب مذهبی های کلیسایی به این باور رسیده بودند که انسانهای مقدس و دیندار نیز قادرند، حضوری فعال در پهنه گیتی و در تمامی عرصه های علمی داشته و نقش موثری را در اجتماع ایفا نمایند اما از آنجائیکه جهان استعمار غرب، در هر حال آشنائی و آگاهی از پیشینه ادیان و امت توحیدی داشته و حق نسبت به این مسئله واقف بود که دین مسیح به عنوان يك مذهب موجه و رسمی در سراسر کشورهای اروپا و امریکا جایگاه دارد، بدین منظور در رویارویی با این جریان فکری، بجای تنش مستقیم و یا خط قرمز کشیدن بر روی دین مزبور، ناگزیر، چهره دین را به عنوان يك زیر مجموعه و نهادی مستقل و گزاره ای از گزاره های اجتماعی نامید و بر پایه نهادینه انگاشتن دین، طرح عدم دخالت دین را در امورات دولت، سیاست و حکومت ریخت و آنرا در راس برنامه سیاستگزاری خود قرار داد و بهر تقدیر این سیاست در اکثر نقاط دنیا، بویژه در مغرب زمین به کرسی نشست. و این در حالی است که دنیای مسیحیت در دو مقطع همزمانی و غیر همزمانی، در میان دو گونه پارادوکس (تناقض) ر

دلستگی خود را از دست خواهد داد، همچون موجودی که کلیه مکانیسم های این سازی و دفاعیش مختل شده باشد همواره منتظر مرگ تدریجی خواهد آمد.<sup>۲۰</sup> این اصل هست که انسانها در سطره زندگی اجتماعی دائما<sup>۲۱</sup> در موضع تنشها و تعارضات فکری قرار می گیرند همواره در حال مبارزه و معارضه با عوامل محیطی و جامعه ای که به آن تعلق دارند، می باشد و تلاش می کنند تا از این طیف مغناطیسی پر مخاطره کنشها و پتانها و طیف جاذبه ها و دالعه های مولناک راه سومی برگزینند و بر پایه اراده ای آزاد و انتخابگر، تفکری هوشمندانه، بسری خردمندانه، جوینده ای پویا، دانشمندی آرمانگرا، ینشی رئالیست و واقع بینانه، روشنفکری مصلح و امانت داری دلروز و متعهد باشد به هر تقدیر این ویژگیهای متغیر و دگرگون ساز، خواست طبیعی و فطری بشر است، هر چند به هر انگیزه ای در رسیدن به یک سرنوشت مطلوب فائق نیاید ولی تمایل فطری بشر نوعا<sup>۲۲</sup> ایجاب می کند تا از استعدادهای مذکور و همه آنچه را که به عنوان منظومه ای ارزشی و انسانی در جوهره و نهادش به پتانسیل تبدیل گشته و هنوز به مقتضای عصری که خود در آن حیات دارد، نامتبلور و ناشکروفا بالیمانده است، از نظر مکانیسمی و زمانندی (ظرف مکان و زمان) نامحدود و بی حد و مرز است، همانطوریکه قبل از این به اشارت رفت، این منظومه های ارزشی آفاق نگر و رشد یابنده تعالی طلب و در نهایت روح غایت گرا مدام در حال جویندگی و پایندگی بوده و پیوسته می کوشد تا از مرز زمان و مکانش فراتر حرکت کند و همه عالم را تحت شناخت و معرفت و زیر نفوذ نفوذ خود درآورد. حال که به مقام رفیع و بلند انسانی پیدای کردیم، آیا با وجود چنان سرمایه های کلان و

**دلیل اول: آنست که**  
**مکانیزم ساختمان موجودات**  
**زنده عالم، خصوصا**  
**انسانها بگونه ایست که**  
**همزمان با اصل تغییر و**  
**تحول عمومی جهان،**  
**علیرغم نظریه فیکسیست ها**  
**(ثبوت گراها)، در هر حال،**  
**در روند تکوین و تشکل و**  
**دگرگونی می باشد، آقای**  
**روژه گارودی: پیرو اصل**  
**آنتروپی اینگونه تبیین می**  
**نمایند: "جهان و متعلقات**  
**آن در کلیت خود تحت یک**  
**قانون تخلف ناپذیری در**  
**حال تغییر و دگرگونی است"**  
**و این تئوری با بسیاری از**  
**آیات قرآن کریم، از جمله**  
**آیه ۵۴ از سوره نور، که**  
**تبیین گر تکامل و تحول و**  
**دگرگونی موجودات عالم**  
**هست منافات نداشته و**  
**مؤید نظریه ترانسفورسیسم،**  
**(تکامل) (البته با تغییراتی**  
**در نظریه مذکور مد نظر**  
**می باشد).**

روح بزرگ تعالی جوی بهتر نیست بر پایه اصول عقلمندی و تجربه علمی، پس از این، از فضای دگم و حصار تنگ الکار و آراء سنتی متحجرانه بیرون بیائیم و بقول آقای سروش:<sup>۲۳</sup> "در نقد فقه سنتی و ایدئولوژیک کردن دین در تقابل با عصری شدن معرفت دینی بجای قبض به بسط دینی" پردازیم؟

رهیافت ها و دست آوردهای نوین دینی در سده اخیر توسط مصلحان و نوگرایان دینی انعکاس یافته، آغاز گران آن در خاورمیانه، سید جمال الدین اسدآبادی عبده، اقبال، نجم آبادی، سیدقطب، نائفی، بازرگان، شریعتی و طالقانی می باشند، در حقیقت می توان گفت، همه این روشنفکران بنام تا کنون قدم اول را برداشته اند و به عبارتی استارتی در دین مقدس اسلام ایجاد کرده اند تا موتور دین به حرکت در آید و سرنشینان خود را با چرخش تمامی سیستم های محرکه آن به مقصد نهایی سوق دهند.

اما لازمه این کار و راه ورود به دین راستین، یعنی دینی که انبیاء عظام پیام آور آن بوده اند که متاسفانه در طول تاریخ به دلایل جاه طلبی های جانثرانه خودکامگان، جوهر دین ناب و انسان ساز با زنگاره های جهل و خرافات مسموم کننده ای آمیخته گشته است، بهر روی ورود به "متون اصیل اسلام که مرجع آن کتاب و سنت" است، تمسک به این منابع و رجوع به تاریخ دین و سنت پیامبران بزرگ وقتی ممکن خواهد شد که یک مسلمان مومن محقق موثر خداجوی، با علوم زمان خویش آشنائی داشته، پارامترهای علوم روز و همینطور مبانی و معیارهای دینی، در روند تکامل زیستی انسان تاثیر متقابل ایجاد کند. لازم به ذکر است، این دیدگاه به آن معنی تلقی نشود که مقصود این نوشتار و تحلیلگر، از اسلام و مسلمانی سخن می گوید که

مکانیزمهای ساختمانی و به سیستم های پیچیده این موجود ناشناخته زمان و به قول ادگار مورن فرانسوی: "موجودی در خانه بسته و جزیره تن در عالم هستی که دارای سر مشقی گمشده و ناپیدا است"<sup>۱</sup> ارزیابی شود و بلکه بدین وسیله رهنمودی گردد تا باورهای دینی و آنچه را که انسان به عنوان یک عقیده برگزیده است و پیرو آن ایده و آرمان زندگی می کند و در تعامل اجتماعی با زمانش مشارکت پیدا می کند، توانسته باشیم، تعریفی جدید از دین ارائه دهیم که در عین حال بین او و عصرش و ایمان و مسلکی را که به عنوان یک جهان بینی و ایدئولوژی گزینش کرده است، همخوانی و سازگاری داشته باشد. مکانیزم فیزیکی انسان مرکب است از پیکره، سیستم عصبی محرک و فعال، هورمونهای مترشحه حیاتبخش، بافت و ارگانیزم پیچیده و اسرارآمیز، متشکل از "ده میلیون میلیارد سلول حیاتی"<sup>۲</sup> و هر سلول آن به عنوان کوچکترین واحد ساختمانی بدن انسان دارای موادی بوده که از نقطه نظر بیولوژیکی بسیار حائز اهمیت می باشد و این موارد عبارتند از غشای سلولی، هسته، سیتوپلاسم، پروتوپلاسم، واکوئیل، میتوکندری، لیزوم، ژن های حامل وراثتی، RNA DNA از نوع اسیدهای آمینه، مواد گلوسیدی، لپیدی آنزیم ها، که هر کدام از این مواد تشکیل دهنده سلولی، بویژه سلولهای نرون عصبی مغز انسان ها، در

جایگاه خود نقش مهمی را از نظر حیاتی ایفا می نمایند که تشریح اینگونه مسائل از دایره مقوله ما خارج است.

"سیستم پیچیده مغز آدمی که بطور تقریبی شامل ده هزار میلیون سلول پیام رسانی بوده و هر یک از این سلولها حداقل دارای صد واحد هوشی اطلاع رسانی را در حافظه خود ثبت و ضبط می کنند"<sup>۳</sup> نظر به اینکه، سلولهای بافت نرون عصبی، در هر لحظه در پی کشف اطلاعات تازه تری از طریق گیرنده ها و فرستنده هایش از اطراف درون ارگانیزم و برون اورگانیزمی می باشد، اخبار و اطلاعاتی که از این طریق از محیط اطرافش به هستی وجود ذهن هدایت و تصویر می کند، مکانیزم فعال مغز، یعنی قوای حسی، تفکر، تعقل و حافظه، پس از تجزیه و تحلیل آن دریافتهای ذهنی رفلکس انجام می دهد که قسمتی از این واکنش جبری و اتوماتیک هست و از مرز ارادی خارج بوده و قسمت دیگر آن وابسته به اراده و تدبیر می باشد که در هر دو حال اسرار شگفت انگیزی را در حیطه زیستی و عالم فرازیستی به ما هشدار می دهند. تبادل و ارتباط سیستم های پیچیده ذهنی و مغزی (به استثنای وضعیت کما و غیر نرمال)، در هر زمان تداوم داشته و هرگز قطع نمی شود و در حقیقت می توان گفت که انسانها در حیطه زیست محیطی، خواسته و ناخواسته جهانی از شبکه های اطلاع رسانی را با خود به همراه دارد.

این دیدگاه به آن معنی تلقی نشود که مقصود این نوشتار و تحلیلگر، از اسلام و مسلمانی سخن می گوید که در علوم اجتماعی و یا در رشته های تخصصی مثلا "فیزیک، شیمی، طب، پتروشیمی و... تخصص هم داشته باشد، این ربطی به مسلمانی خدا پرستان ندارد،

شایان ذکر است، دانشمندان برای سرعت بخشیدن و گستره آژانسهای خبری و روابط بین انسان و جهان خارج از پیکره وجودی و دنیای برون مرزی به دو انگیزه اساسی، در این زمینه اقدام به اختراعاتی کرده اند، از جمله کشف و ابداع شبکه های مخابراتی و الکترونیکی، ماشین های کامپیوتری و ماهواره ای و...

دلیل اول: آنست که مکانیزم ساختمان موجودات زنده عالم، خصوصا "انسانها بگونه ایست که همزمان با اصل تغییر و تحول عمومی جهان، علیرغم نظریه فیکسیست ها (ثبوت گراها)، در هر حال، در روند تکوین و تشکل و دگرگونی می باشد، آقای روزه گارودی: پیرو اصل آنژیوی اینگونه تبیین می نمایند: "جهان و متعلقات آن در کلیت خود تحت یک قانون تخلف ناپذیری در حال تغییر و دگرگونی است" و این تئوری با بسیاری از آیات قرآن کریم، از جمله آیه ۴۵ از سوره نور، که تبیین گر تکامل و تحول و دگرگونی موجودات عالم هست منافات نداشته و موید نظریه ترانسفورسیسم، (تکامل) (البته با تغییراتی در نظریه مذکور مد نظر می باشد).

دلیل دوم: هر انسان و جامعه و ملتی دوست دارد در بسر زمان و برپایه انطباق خود با محیط، جامعه و جهانی که به آن تعلق دارد، همیشه پیشگام و پیشتاز شود از قافله تکامل و تمدن و روند زندگی عصرش، عقب نماند، در غیر این صورت تمامی چیزهایی که در اطرافش می گذرد همه برای وی بیگانه و ناآشنا و وحشت آور می نماید و به استاد این سخن حکیمانه: "چنانچه فرد و جامعه و ملتی که فاقد امکانات و انگیزه های قوی برای دستیابی به زندگی برتر باشد، همواره از آینده خود بدلیل اوضاع سخت تر و بحرانی تر نسبت به ال ترس و وحشت داشته و در نتیجه

اشمار کشانده شده دنیا پاسخ مثبت  
تری برای آنان داشته اند؟!

در هر دو حال، برای ورود به قلب دین  
و کانون هدایتگر و آن نقطه گرانگهی  
که تمامی جریانهای عالم و پدیدارهای  
عالم هستی از آن شروع و در نهایت به  
صداق آیه انا لله و انا الیه راجعون به  
آن جذب و اتصال می یابند، یعنی در  
"توحید" به چند عامل راهبرد و هدایت  
بخش نیاز داریم و اگر به این مسائل  
توجه نشود، در نتیجه همیشه برده دین  
بودن آن متعجب باقی خواهیم ماند که نه به  
درد دنیای ما می خورد و نه بدرد آخرت  
مانند آنگونه که مسلمانان جهان، قرنهای  
قابل و رویارویی با فرهنگ و تمدن و  
تجدد غرب به ایده آلیست مرتجع و عقب  
مانده متهم می باشند، کماکان باید در  
انتظار سقوط دائمی باشیم.

و اما مشخصاً عوامل و عناصری که می  
توانند ما را برای رسیدن به مقصد نهایی  
خط رهنمون دهند و به آرمان دین  
راستین کمک کنند عبارتند از: داشتن  
بصیرت و تفکری ژرف نگر، در برابر  
هر گونه ظاهر بینی و سطحی اندیشی  
نست به دین انسان ساز و تکامل بخش،  
سه صدر و بینشی باز در مواجهه با هر  
نوع دگم نگری و تنگ نظری، دیدگاهی  
روشن و واضح در مقابل پینشهای  
مصنوعه و متحجرانه، اعتقاد و ایمانی  
راسخ در تقابل با ناباوریهها و اعتقادات  
شوک و کفرآمیز و آگاهی کامل از علوم  
و فنون زمان و...

با بیان فوق پیامبر نیز به عنوان  
مشکری ژرف نگر و دوراندیش و  
انقلابی فرهنگ آفرین از طریق قرآن که  
کاملترین فرهنگ تلقی می شود هر آنچه  
را که از سنت ها و الگوهای رفتاری ملل  
گذشته تاریخ منطقی، اصولی و انسانی  
بوده و روی آن صحنه گذاشته و به امضا  
رسانده است. آنگاه در امر تسامح و  
سازگاری آن سنن ملی عصرش که

متناسب با ساختار حیاتی و شئون  
فطری انسانی تلقی می گشت اقدام به  
هدفداری و جهتندی آن نموده است.

و در حقیقت این جریان "همان پدیده  
عصری شدن دینی" است، برای روشن  
شدن مطلب ملاحظه کنید، قبل از ظهور  
اسلام، موضوعاتی از قبیل بیع و  
معاملات، مضاربه، مساقات، مضارعه،  
ارث، بیعت، شوری، دیه، صلح، رهن،  
طلاق و ازدواج و... که اکنون در فقه و  
متون اسلامی جز دروس دینی طلاب  
حوزه های دینی مطرح می باشد، قبلاً  
در میان جوامع مختلف و ملل عرب  
وجود داشته است، بعد از آنکه پیامبر  
اکرم به بعثت رسید، آیات، احکام و  
قوانین الهی نازل می شود، غالباً شان  
نزول آیات در عرصه های اجتماعی،  
بخصوص در زمینه های مدنی و حقوقی،  
در همان راستا اصلاح و تنظیم شکل و  
جهت داده می شود، در این مهم يك  
نکته بسیار ظریف و در عین حال قابل  
تامل و کنکاش نهفته است و آن موضوع  
قابل توجه اینست که پیامبر اکرم (ص)  
بعنوان آخرین سفیر الهی - و ناجی بشر  
و پایانبخش کتب آسمانی در امر هدایت  
امت اسلامی و جامعه های بشری، "در  
تفریع فرود دینی، به جهت سازگاری  
دین با جامعه بشری تابع شرایط اجتماعی  
هم عصر خود گردید."

حال در فراز این بحث، پس از نگاه از  
درون نگری به دین (مذهب اسلام)،  
نظاره گر بیرون نگری دینی خواهیم بود  
و به يك معنا، جایگاه و موقعیت اسلام و  
مسلمانان عالم را در عرصه های اجتماعی  
و علمی زمان خود مورد ارزیابی قرار می  
دهیم، با توجه به اینکه عصر ما با اعصار  
قبل از تاریخ و همچنین زمانهای پیش از  
قرون وسطی و پس از قرون وسطی و  
حتی با عصر بعد از ظهور اسلام دیگر  
فرق می کند، چون ما اکنون در آستانه  
قرن بیست و یکم که به عصر

تکنولوژی، عصر فراتکنولوژی، عصر  
شبکه های بزرگ ارتباطات جهانی، عصر  
نور و انرژی، عصر ماهواره و کامپیوتر و  
بالاخره در عصر فرازمینی و فراصنای  
مصطلح می باشد، واقع هستیم.

بدیهی است برداشتی که از دین،  
خصوصاً در مفروضات آن حاصل شده  
است و بسیاری از پیش فهم ها و  
مفروضات دینی که در فقه سنتی ما  
موجود و مطرح می باشد، در چنین  
فضاهایی قادر به پاسخگویی نیازهای  
جوامع این عصر گردد و در هر حال  
مستلزم به تعریف و بازنگری مجدد می  
باشد، بدانسان که اقبال: "در تجدید بنای  
آن به احیای فکر دینی" پرداخت و آقای  
دکتر شریعتی: بر اساس "طرح هندسی  
دینی، دین را از عالم ذهن و فلسفه  
صوری به وادی علم و جامعه و فلسفه  
رنالیت هدایت" نمود و دکتر سروش  
"پویایی فقه را جایگزین فقه سنتی" نمود و  
به عصری شدن معرفت دینی پرداخت. و  
در حقیقت این گونه تعاریف از دین و یا  
اساساً نوع برداشتی که از آن در  
هدایت بخشی و سعادتآندی بشر، در  
عرصه علم و عمل ارائه می شود، تبیین  
گر ضرورت عصری شدن دین است.  
دقت کنید به نخستین سوره<sup>۱</sup> و یا آیاتی که  
(به تائید اکثر مفسرین قرآن) در معبدگاه  
ملکوتی یعنی در غار حرا به پیامبر اکرم  
نازل می شود. در واقع تاکید و توصیه  
پروردگارش با توجه به امری بودن فعل  
"اقرا" کلمه "علم" و فراگیری آن وسیله  
بیان و قلم آغاز می گردد، جای سوال  
اینست که چرا اولین آئین نامه راهیاب و  
هدایتگر از جانب خدا به پیامبر و امتی  
که وابسته به آنست با واژه مقدس "علم"  
آغاز می شود؟! مگر جز اینست که  
ضعف بزرگ بشر در طول تاریخ جهل،  
غفلت و بی فرهنگی در برابر ارزشهای  
پذیرفته شده و ارزشمند بوده و رسالتی که  
انبیا عظام در میان امتشان داشتند در

و اما مشخصاً عوامل و عناصری که می توانند ما را برای رسیدن به مقصد نهایی خط رهنمون دهند و به آرمان دین راستین کمک کنند عبارتند از: داشتن بصیرت و تفکری ژرف نگر، در برابر هر گونه ظاهر بینی و سطحی اندیشی نسبت به دین انسان ساز و تکامل بخش، سعه صدر و بینشی باز در مواجهه با هر نوع دگم نگری و تنگ نظری، دیدگاهی روشن و واضح در مقابل بینشهای متعصبانه و متحجرانه، اعتقاد و ایمانی راسخ در تقابل با ناباوریها و اعتقادات شرك و کفرآمیز و آگاهی کامل از علوم و فنون زمان و...

در علوم اجتماعی و یا در رشته های تخصصی مثلاً فیزیک، شیمی، طب، پزشکی و... تخصص هم داشته باشد، این ربطی به مسلمانی خدا پرستان ندارد،

بلکه بحث بر سر هماهنگی و سازگاری دین با عصر خود و به عبارتی حضور مسلمانان و اندیشمندان دین توحیدی با زمانش هست و موضوع، این نیست که علم بهتر است یا ایمان و یا اینکه بین علم و ایمان رابطه ای وجود دارد و به تعبیر استاد مطهری آندو در روند تکامل انسانها مکمل هم اند، بلکه اساساً باید يك پیوند اورگانیکی بین دین و علوم معاصر، جامعه شناختی، فلسفه، تاریخ، روانشناختی، هنر، اقتصاد و... بوجود آورند تا بدین شیوه موحدین و مسلمانان هر عصری قادر بوده پاسخگویی نیازهای طبیعی و اجتماعی خود باشند، در غیر اینصورت سرنوشتی جز رکود و انحطاط نخواهند داشت.

برای ورود به متون دینی از جمله کتاب و سنت، آقای مجتهد شبستری تلاش می کند تا متون اسلامی را بسان علمای دین بر پایه اصل کلی دانش "هورمنوتیک"<sup>۷</sup> یعنی از روی پیش فهم ها، علائق و انتظارات مفسران استنباط و تفسیر کند، البته وی برغم علمای سنتی گذشته دین، پیش شرطی هم دارد و معتقد است که این ممکن نیست مگر بکمک علوم معاصر و بعد نقدی بر محافل دینی علمی وارد می سازد و آن نقد مبتنی بر این است که نظر آنان را برای استنباط و فهم و کتاب و سنت "بدور از پیش فهم ها و علائق و مفروضات دینی" غیر منطقی می داند بنظر می آید، روی هر دو نظریه و تحلیل جای تعمق و تأمل باقی می ماند، اما به تجربه ثابت شده است، نقش کارآیی يك ایدئولوژی و میزان تأثیر پذیری و یا تأثیر گذاری آن در يك جامعه رو به رشد و توسعه فرهنگی و عملی، وقتی است که تمهیدات آن برای دستیابی به اصول مبانی اولیه و دست نخورده دین فراهم باشد. در غیر اینصورت به هر اندازه اذهان و الكار يك محقق دینی و علاقمند به شریعت اسلام نسبت به مقبولات و

مفروضات دینی خالی از پیش فهم ها باشد به همان مقدار، برای فهم و استنباط و استخراج مبانی و ارزشهای دینی، نگاهی روشنتر و خالصتر پیدا خواهد نمود.

از طرفی دیگر پلی نزدیکتر، بین انسان و اصول اعتقادی او ایجاد خواهد کرد در وجه تأثیر گذاری در امر تبلیغ و ترویج دین در جامعه بویژه در میان نسل جوان امروزی به مراتب بیشتر خواهد بود. برای اثبات این موضوع، نظر مخاطبین این گفتمان را جلب می کنیم به آراء و تالیفات و نشست های داخلی و بین المللی عده ای نوگرایان دینی و محققین بزرگ اسلام معاصر و همچنین مقالاتی که در یکی، دوده دهه اخیر در زمینه های ایدئولوژی و در اطراف مسائل انسانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ملی، اقتصادی، اخلاقی، حکومتی، عدالت اجتماعی و عملی، توسط نویسندگان و روشنفکران دینی و محققان و اندیشمندان منصف و غیر متعصب غربی نوشته شده و می شود، ملاحظه خواهید نمود که هم دارای مطالب و موضوعاتی پربار و غنی بوده و نیز میزان کشش و جاذبه و درک و فهم مطلب برای پژوهشگران و گروندگان به دین حیاتبخش اسلام، در مقایسه با آثار منابع و ماخذهایی که در حوزه های دینی تدریس می شود و یا به شیوه های گذشته و برپایه مفروضات و پیش فرضهای رایج تعلیم و ارشاد میگردد، به تناسب بیشتر هست، راسخ چه چیزی و کدامین فاکتورهای تأثیر پذیری، این همه شوق و جاذبه را در میان نسل جوان سرگردان و پرتالهابر تشنه را سبب گردیده تا آنان را از میان طوفان امواج حوادث روزگار، بستم دانش دینی و معارف تکامل آفرین بشری بکشاند؟ جز اینست که این مفکران مصلح در راستای دردمندی و درمانگری جامعه ها و ملت های به استضعاف و